

نشانه‌های ظهور او



تساہ نامی طہوراء

شہد مقدس
محمد خادمی شیرازی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



■ نشانه‌های ظهور لو	■ نام کتاب:
■ مرحوم حاج شیخ محمد خادمی شیرازی	■ مؤلف:
■ انتشارات مسجد مقدس جمکران	■ ناشر:
■ نگین	■ چاپ:
■ ۵۰۰۰ جلد	■ تیراژ:
■ اول زمستان ۷۸	■ تاریخ و نوبت چاپ:
■ ۹ - ۲۵ - ۶۷ - ۵ - ۶۶ - ۶۶	■ شابک:
■ واحد کامپیوتر مسجد مقدس جمکران	■ صفحه آرایی:
■ ۶۵۰ تومان	■ قیمت:

مرکز بخش

انتشارات مسجد مقدس جمکران

□ فروشگاه شماره ۱۰۱ - قم - مسجد مقدس جمکران - ۳۳۲۰ - ۳۳۲۱۵

□ فروشگاه شماره ۱۰۱ - قم - مسجد مقدس جمکران - ۳۳۲۰ - ۳۳۲۱۵

□ صندوق پستی قم / ۶۱۷ - ۳۳۲۱۵ - ۳۳۲۱۷

پست الکترونیک مسجد مقدس جمکران
Email: Jamkaran - org@aalulbayt.org

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۳	قرآن کریم و نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام
۲۳	آیا امام زمان روحی له الفداء زمان ظهورش را می‌داند؟
۳۳	رسول اکرم صلی الله علیه وآله و نشانه‌های ظهور
۴۳	شب معراج و نشانه‌های ظهور
۴۹	رسول اکرم (ص) و موقعیت منتظران مهدی علیه السلام قبل از ظهور
۸۳	امام امیرالمؤمنین و نشانه‌های قیام حضرت مهدی علیهما السلام
۱۰۹	حضرت امام محمدباقر علیه السلام و نشانه‌های ظهور
۱۲۹	حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و نشانه‌های ظهور
۱۷۷	حضرت امام رضا علیه السلام و نشانه‌های ظهور
	حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام و بعضی از اصحاب
۱۸۳	و نشانه‌های ظهور
۱۹۱	نشانه‌های ظهور در کتب معتبر اهل سنت و جماعت
۲۱۹	منابع

مقدمه

در برخوردهای زیادی که با افراد علاقه‌مند به وجود مقدّس حضرت ولیّ الله اعظم حجّة بن الحسن العسکری عجلّ الله تعالی له الفرّج و روحی لتراب مقدّمه الفداء داشتم، بکرات سخن از علائم و نشانه‌های ظهور آن سرور به میان می‌آمد و کاملاً احساس می‌شد که دوست می‌دارند از مقدّمات ظهور و نشانه‌های آن، از اخبار و روایات اهل بیت سلام الله علیهم اجمعین و از آیات کریمه قرآن آگاهی بیشتری پیدا کنند؛ اگرچه قبل از ما بزرگان علم و دانش و حاملان احادیث اهل بیت سلام الله علیهم اجمعین حقّ مطلب را به نحو احسن ادا کرده‌اند، بطوریکه آنچه متأخران بنویسند جز خوشه‌ای مختصر از خرمن عظیم فضیلت آنها نیست و قاعدتاً جای گفتگو مخصوصاً برای بنده ناچیز و بی بضاعت باقی نمی‌ماند.

آری، تنها چیزی که برای بنده تسکین‌دهنده است حکایت آن پیرزن قدخمیده مصری است که هنگام فروش یوسف در بازار بزرگ مصر با یک کلاف ریسمان، خودش را از خریداران یوسف اعلام کرد. به او گفتند: ای پیرزن! یوسفی که اول شخص مملکت یعنی پادشاه و همه طبقات مصر خریدار او هستند، چگونه به تو اش می‌فروشند آن هم به یک کلاف ریسمان؟ گفت:

می‌دانم که به من نمی‌دهند و من خریدار یوسف نخواهم بود، اما دلم می‌خواهد نام من هم در تاریخ جزو خریداران او ثبت شود.

ای عزیز مصر وجود و ای نجات‌دهنده دنیا و ای قلب‌تپنده و پرازخون حضرت زهرای مرضیه! بنده کجا و مقام بالا تر از یوسفی تو کجا؟ این غلام بی‌ارزش کی می‌تواند نمایانگر علائم ظهور تو باشد؟ ای سلیمان جهان وجود! موری بس ناتوان ران ملخی تقدیم می‌کند، باشد که قبول افتد و با یک بیت شعر بضاعت و توانایی فکری و قلمی خویش را به خاک پای مقدست عرضه می‌دارم و انتظار لطف و مساعدتت را می‌کشم.

ای یوسف زهرا سر بازار محبت با رشته کلافی سر سودای تو دارم

سخنی با خواننده

خواننده گرامی! ممکن است برای شما این سؤال پیش آید که چرا آثار قلمی این ناچیز اختصاص به وجود عزیز حضرت بقیة الله روحی له الفداء پیدا کرده و درباره عزیزان دیگر خداوند (ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین) کتابی مستقل ننوشته‌ام؟ اگر چه در مقدمه کتاب «خورشیدی که طلوع می‌کند» مشروحاً به این مطلب پرداخته‌ام، در اینجا هم به خاطر اهمیت آن اشاره خواهد شد:

اول: اینکه آرزویم این است که نام بنده ناقابل هم در دفتر خریداران یوسف ولایت ثبت گردد.

دوم: اینکه یک میلیارد از حقوقی که آن حضرت بر این بنده ناچیز دارند شاید ادا شود.

سوم: اینکه کتابهای نوشته شده، چه آنهایی که به چاپ رسیده است — مانند کتابهای «یاد مهدی»، «رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی»، «جهان بعد از ظهور یا فروغ بی‌نهایت» — و چه کتابهای چاپ نشده که امید است هر چه زودتر با عنایت کریمانه حضرت مهدی روحی له الفداء چاپ گردد و در اختیار

علاقه‌مندان قرار گیرد، محتوای همه آنها گرفته شده از قرآن کریم و از وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه وآله و ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین است. بنابراین، همه جا در خدمت این عزیزان بوده‌ایم، و درحقیقت، باید عرض کنم که مجموعه سخنان رهبران معصوم و محبوب ما به منزله آینه شفاف است که جمال زیبا و ملکوتی حضرت مهدی علیه السلام و حکومت عدل پرور آن حضرت در آن نمایان است. بعلاوه، وظیفه هر شیعه است که — به ویژه در این زمان — به یاد امام عصر خویش باشد و در ترویج نام مقدس آن سرور نهایت اهتمام را مبذول دارد و بخصوص در شناخت امام زمان و حجت بالغه الهی کوشا باشد تا شیعیان آن بزرگوار از مصادیق حدیث نبوی «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِثَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ» نباشند، آن هم با طول زمان غیبت و تاریکی آن و پر شدن عالم از فتنه و فساد و تزلزل عقاید مذهبی و تبلیغات سوء دشمنان ولایت. ما شیعیان معتقدیم که امام محبوب و آسمانی ما، این آخرین حجت خداوند در روی زمین که بیش از یک هزار و اندی سال از عمر پربرکتش می‌گذرد، روزی که ظهور می‌کند به صورت یک جوان نیرومند و زیبا جلوه گرمی شود و جهان را پس از اینکه از ظلم و جور انباشته شده باشد پر از عدل و داد می‌کند. حفظ این عقیده نیاز به تبلیغات دامنه‌دار در تمام ابعاد دارد و این در حالی است که تقدیم این ران ملخها جبران کوتاهیها و قصور شیعه و اینکه آن حضرت را به دست فراموشی سپرده‌ایم، نمی‌کند و به دلیل همین غفلتهای بسیار و سنگین در طول تاریخ تشیع است که راه عناد را به روی دشمنان اهل بیت هموار ساخته است، در حالی که از سوی پیشوایان معصوم ما چه فایده‌های بزرگی برای یاد آن حضرت و دعا برای تعجیل در امر فرجش بیان شده است تا آنجا که امام صادق علیه السلام و دیگران از ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین فرموده‌اند: کسی که بمیرد و به یاد مهدی ما و قیام او باشد مانند آن کسی است که در خیمه اختصاصی آن حضرت بوده و در خدمتش به شهادت رسیده باشد.

انگیزه دیگر این بنده در اختصاص دادن نوشته‌هایم به حضرت مهدی روحی له الفداء و ویژگیهای آن حضرت است که در یک جمله خلاصه می‌شود: «در حکومت آن حضرت برای اولین بار حکومت خداوندی در سطح جهانی پیاده می‌شود» ان شاء الله. اللهم عجل فرجه.

[ضمناً تذکر این نکته را لازم می‌دانم که در این کتاب آیات و روایات بعضاً بصورت آزاد ترجمه شده است].

در خاتمه، با نهایت عجز و انکسار، از پیشگاه مقدس آن یوسف غایب از تقصیرات خود خواهان عفو و بخشش هستم و با تمسک به این آیه شریفه استدعای بذل توبه و گذشت از بدیها دارم:

يا اَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا اِنَّا كُنَّا خٰطِئِيْنَ. ۱

مشهد مقدس

محمد خادمی شیرازی

نشانہ نامی ظہور او

محمد خادمی شیرازی

مشہد مقدس

قرآن کریم و نشانه‌های ظهور
حضرت مهدی

بمحل الله تعالی فرجه

آنچه در قرآن کریم از طرف خداوند بزرگ به وسیله رسول اکرم صلی الله علیه و آله به ما رسیده واجب الاطاعة است و کوچکترین تردیدی درباره آن نباید داشت، چرا که از منبع علم خداوندی سرچشمه گرفته است. از جمله بشارتهایی که در قرآن مجید در ضمن آیاتی داده شده مسأله قیام جهانی حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء و سیطره عدل و داد در عالم بعد از پر شدن آن از ظلم و جور است که مرحوم علامه نوری در مقدمه کتاب شریف «کشف الأستار» ادعای تواتر، از فریقین (شیعه و سنی) فرموده است و این نتیجه به دست می آید که باید ظلم و تباهی از سرتاسر جهان محو گردد و جهان از عدالت پر شود، نه اینکه به خیال خام بعضی از نویسندگان، عدالت در حکومت حضرت مهدی سلام الله علیه تغلیبی باشد و همچنان افراد شرور، کم یا زیاد، در اجتماع دیده شوند. خیر، طبق نص صریح آیات قرآن و تفاسیر رسیده از اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم اجمعین پس از پر شدن عالم از ظلم و جور، قسط و عدل بر آن حاکمیت خواهد یافت و همان گونه که عرض شد در این زمینه بزرگان مذهب نظیر علامه نوری و دیگران نیز دعوی تواتر نموده اند. بنابراین، دیگر جایی برای عدالت تغلیبی و طرفداران آن نمی ماند.

نشانه های پیدایش این حکومت

سُئِرِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ^۱

بزودی آیات و نشانه هایی از قدرت خود را در صحنه گیتی و در [کشور] وجودشان بدانها نشان خواهیم داد، تا بر آنها آشکار شود که او حق است.

ممکن است نشانه های آفاقی همان صیحه آسمانی باشد و منظور از آیات انفسی همان رعب و ترس باشد که در دلها جای می گیرد.

● خواننده عزیز! تا این ساعت چنین علائم و نشانه هایی که برای بشر تمام مجهولات را از بین ببرد و پرده از روی حقایق و ملکوت عالم بردارد به نحوی که حق آشکار و باطل نابود شود، در صحنه گیتی دیده نشده است و با توجه به اینکه خداوند خلف وعده نخواهد فرمود و حتماً باید این کار بشود، غیر از قیام آخرین نماینده و سفیر اعظم او حضرت بقیة الله روحی و ارواح العالمین له الفداء نشانه دیگری نخواهد بود.

وَلَتَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ
وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ^۲

و هر آینه شما را به وسیله ترس و گرسنگی و نقص در مالها و جانها و میوه ها می آزماییم، و صبر کنندگان را بشارت ده.

محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام روایت می کند که پیش از قیام مهدی ما سلام الله علیه مردم به انواع بلاها مبتلا می شوند و موفقیت با صابران است.

به طور خلاصه علائم و نشانه های قبل از ظهور در این روایات عبارت

است از:

۱. فصلت / ۵۳.

۲. بقره / ۱۵۶.

۱. وحشت و اضطرابی که در حال حاضر در میان مردم بعضی از کشورهای اسلامی دیده می‌شود.
 ۲. گرسنگی و قحطی که در بعضی کشورهای جهان مشهود است و به طور متوسط روزانه چند صد هزار تن از گرسنگی می‌میرند (مانند بعضی از قسمتهای افریقا و هندوستان).
 ۳. فساد در تجارت و بازرگانی و کمبود درآمد بعضی از اقشار جامعه که به ویژه در ایران ما مشهود است.
 ۴. تلفات جانی مانند تلفات در جنگ ایران و عراق و نقصان زراعت و میوه‌جات ناشی از آفات و کمی برکت آنها.
- اکنون به اصل روایت که از امام صادق عزیز ما — که سلام خداوند برایشان باد — نقل کرده‌اند، توجه فرمایید:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ إِنَّ قُدَامَ قَبَامِ الْقَائِمِ عَلَامَاتٌ بَلَوَى مِنَ اللَّهِ تَعَالَى لِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ قُلْتُ وَمَا هِيَ قَالَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «وَلْتَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»، قَالَ لَتَبْلُوَنَّكُمْ (یعنی المؤمنین) بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ مِنْ مُلُوكِ بَنِي فَلَانٍ فِي آخِرِ سُلْطَانِهِمْ (وَالْجُوعِ) بِغَلَاءِ أَسْعَارِهِمْ (وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ) فَسَادِ التَّجَارَاتِ وَقِلَّةِ الْفَضْلِ فِيهَا (وَالْأَنْفُسِ) قَالَ مَوْتُ ذُرْبَعٍ (وَالثَّمَرَاتِ) قِلَّةُ رَيْعٍ مَا يُزْرَعُ وَقِلَّةُ بَرَكَةِ الثَّمَارِ (وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ) عِنْدَ ذَلِكَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ هَذَا تَأْوِيلُهُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ»^۱.

محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که امام فرمودند: پیش از قیام قائم نشانه‌هایی است جهت آزمایش از جانب خداوند نسبت به بندگان

۱. آل عمران / ۷.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۵۰.

مؤمنش. عرض کردم: آن نشانه ها چیست؟ فرمود: آن، گفتار خداوند عزوجل است که فرموده: «وَلَنبَلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ». فرمود: «لَتَبْلُوَنَّكُمْ» یعنی هرآینه بیازماییم شما مؤمنان را «بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ» به مقداری و چیزی از ترس از ملوک بنی فلان (بنی عباس) در پایان زمانداریشان و «الْجُوعِ» و گرسنگی به خاطر بالا بودن قیمتها «وَتَقْصِي مِنَ الْأَفْوَالِ» و کاستی از مالها [یعنی] فساد تجارتها «وَالْأَنْفُسِ» و جانها [یعنی] مرگ سریع «وَالثَّمَرَاتِ» و محصولات [یعنی] کم شدن کشاورزی و کمبود برکت محصولات «وَتَبْيِيرِ الصَّابِرِينَ» [یعنی] بشارت ده صابران را در چنین وقت به خروج قائم علیه السلام. سپس به من فرمود: ای محمد! این است تأویل قول خداوند عزوجل که می فرماید: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ...» [یعنی] نمی داند تأویل قرآن را جز خداوند و پایداران در دانش.

إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً. ۱

به درستی که خداوند [تبارک و تعالی] قادر است که نشانه ای فرودرستد.

در تفسیر این آیه به چند نشانه از نشانه های ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام اشاره شده است:

۱. خروج دابة الارض^۲

۲. دجال

۳. نزول عیسی بن مریم علیه السلام

۴. طلوع خورشید از مغرب

و اینک اصل روایت:

فی رواية أبي الجارود: عن أبي جعفر عليه السلام في قوله «إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً» وَسَيُرِيكَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ آيَاتٍ مِنْهَا دَابَّةُ الْأَرْضِ وَالذَّجَالُ وَنُزُولُ

۱. انعام / ۳۷.

۲. در باب «دابة الارض» بعضی گفته اند منظور، حضرت امیرالمؤمنین سلام الله علیه است و بعضی دیگر برآنند که منظور، حضرت بقیة الله روحی له الفداء است.

عیسیٰ بنِ مَریمَ وَظُلُوعِ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا.^۱

ابی الجارود می گوید: امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ بِالسَّحَابِ بِحَدِّ مَرْمَرٍ» فرمودند: زود است که در آخر الزمان آیات و نشانه هایی از قدرت خداوند می بینی:

۱. دَابَّةُ الْأَرْضِ [که منظور تشریف فرمایی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در رجعت و یا حضرت بقیة الله روحی له الفداء است].
۲. دَجَالٌ.
۳. نزول حضرت عیسی بن مریم از آسمان.
۴. طلوع خورشید از مغرب.

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِّنْ تَحْتِ أَرْضِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُم بَأْسَ بَعْضٍ.^۲

بگو او تواناست که بر شما عذابی از بالای سر و زیر پای شما برانگیزد یا اینکه شما را گروههای غیرمتحد قرار دهد و آسیب برخی را به برخی دیگر بچشاند.

در این آیه به بعضی از علائم ظهور اشاره شده است:

۱. خروج دجال.
 ۲. صیحه آسمانی.
 ۳. خسف و فرورفتن در زمین «بیداء». گویا مقصود لشکر سفیانی باشد.
 ۴. اختلاف مردم در دین و طعن و شتم یکدیگر کردن و کشتار بعضی به وسیله افراد دیگر در حالتی که همه آنها خودشان را مسلمان می دانند.
- و اما روایتی که در این باب رسیده است:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ الرِّيحَ بِالسَّحَابِ بِحَدِّ مَرْمَرٍ» قَالَ هُوَ الدَّجَالُ وَالصَّيْحَةُ «أَوْ مِّنْ تَحْتِ أَرْضِكُمْ» وَهُوَ الْخَسْفُ «أَوْ يَلْبِسَكُمْ

۱. بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۱۸۱.

۲. انعام / ۶۵.

شِعَاءً» وَهُوَ اخْتِلَافٌ فِي الدِّينِ وَطَعْنٌ بَعْضِكُمْ عَلَى بَعْضٍ «وَيُذِيقُ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ» وَهُوَ أَنْ يَقْتُلَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَكُلُّ هَذَا فِي أَهْلِ الْقِبْلَةِ.^۱

از ابی جعفر (امام باقر) علیه السلام در فرموده خداوند متعال: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى...» منقول است که فرمودند: آن دجال و صیحه است (عذاب آسمانی و از بالا) و مراد از «أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ» عبارت از خسف و فرورفتگی زمین است و مراد از «أَوْ يُلْبِسُكُمْ شِعَاءً» اختلاف در دین و طعن به یکدیگر زدن است و منظور از «بَعْضُكُمْ بَعْضًا» کشتن بعضتان است بعضی دیگر را، و تمام این حوادث در میان اهل قبله و مسلمانان به وقوع می پیوندد.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ آتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ.^۲

بگو آیا دیدید که اگر عذاب الهی شب هنگام و یا روز بر شما برسد [چه راه گریزی دارید؟] چرا گناهکاران [به جای توبه] عذاب را به تعجیل می طلبند؟

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند: مراد از عذاب در این آیه بلاهایی است که در آخر الزمان بر مردم نازل می شود (البته بر مردم مسلمان).

وَلَوْ تَرَى إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأَخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ.^۳

و اگر تو سختی حال مجرمان را مشاهده کنی هنگامی که ترسان و هراسان هستند پس هیچ فرار و گذشتی نیست و از مکان نزدیکی دستگیر شوند.

از حضرت باقر علیه السلام نقل کردند در تفسیر این آیه شریفه که در مقدمه قیام جهانی حضرت مهدی ارواحنا له الفداء صیحه ای از آسمان بلند می شود که همه مردم در هر حالی که هستند این صدا را می شنوند و در زمین بیدار لشکریان سفیانی به زمین فروخواهند رفت که جمعیت آنها طبق روایات رسیده که بعداً ذکر

۱. بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۱۸۲.

۲. یونس / ۵۱.

۳. سبأ / ۵۰.

خواهد شد در حدود سیصد هزار نفر است. و اما اصل روایت:

عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «وَلَوْ تَرَى إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ» قَالَ مِنَ الصَّوْتِ وَذَلِكَ صَوْتُ مِنَ السَّمَاءِ.^۱

ابی جارود از امام باقر علیه السلام در مورد این قول خدایتعالی که می فرماید «وَلَوْ تَرَى إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ»، روایت کرده است که آن حضرت فرمودند: این از صدای آسمانی (صیحه) است.

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ.^۲

سائلی از عذابی که وقوع آن حتمی است سؤال نمود.

از حضرت باقر علیه السلام در رابطه با این آیه مبارکه سؤال کردند که منظور از

این عذاب چیست؟ فرمودند:

نَارٌ تَخْرُجُ مِنَ الْمَغْرِبِ وَمَلِكٌ يَسُوقُهَا مِنْ خَلْفِهَا حَتَّى يَأْتِيَ مِنْ جَهَةِ دَارِ بَنِي سَعْدِ
ابْنِ هَمَامٍ عِنْدَ مَسْجِدِهِمْ فَلَا تَدْعُ دَارًا لِبَنِي أُمِّيَّةٍ إِلَّا أَخْرَقَتْهَا وَأَهْلَهَا وَلَا تَدْعُ دَارًا
فِيهَا وَتَرِي آلَ مُحَمَّدٍ إِلَّا أَخْرَقَتْهَا وَذَلِكَ الْمَهْدِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.^۳

عذاب در اینجا آتشی است که از طرف مغرب شعله ور می شود و پادشاهی آن را رهبری می کند و تمام خانه های بنی امیه و همه غاصبان حقوق اهل بیت را آتش می زند و مخصوصاً از بنی امیه آثاری باقی نخواهد گذاشت و اوست مهدی آل محمد [سلام الله عليه وعجل الله له الفرج].

علامه مجلسی می فرماید: این جریان یا از علائم ظهور است و یا در وقت

ظهور واقع می شود.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۱۸۵.

۲. معارج / ۱.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۱۸۸.

آیا امام عصر

عجل الله تعالی فرجه

زمان ظهورش امی و اند

بحثی مفصل در روایات اهل بیت سلام الله عليهم اجمعین در کتب معتبره عنوان شده است که آیا حجج الهی و ائمه معصومین سلام الله عليهم اجمعین به تمام حوادث و آنچه که پیش می‌آید و در گذشته روی داده و یا در آینده انجام می‌شود عالم هستند یا خیر؟ برای روشن شدن این حقیقت و به ویژه اینکه آیا وجود مقدس امام زمان ارواحنا له الفداء علم به وقت ظهور خود دارند یا نه، از بیانات رسیده از ائمه معصومین سلام الله عليهم اجمعین استفاده می‌کنیم:

امام باقر و علم رسول اکرم و سایر انبیاء عليهم السلام

ابی بصیر از حضرت باقر علیه السلام از کیفیت علم رسول اکرم صلی الله علیه وآله می‌پرسد. آن حضرت می‌فرماید:

سُئِلَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ عِلْمِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: عِلْمُ النَّبِيِّ عِلْمُ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَعِلْمُ مَا كَانَ وَمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى قِيَامِ السَّاعَةِ ثُمَّ قَالَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنِّي لَأَعْلَمُ عِلْمَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعِلْمَ مَا كَانَ وَمَا هُوَ

كائِنَ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَ قِيَامِ السَّاعَةِ.^۱

سؤال شد از علی علیه السلام از علم پیامبر صلی الله علیه وآله، فرمود: علم پیامبر یعنی علم همه انبیاء (یعنی علم همه انبیاء در خدمت و نزد رسول گرامی اسلام است) و پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه وآله عالم به ما کان و مایکون است (آنچه در گذشته بوده و هرچه که اکنون در دست اقدام است و کارهایی که در آینده انجام می‌گیرد) تا روز قیامت. قسم به خداوندی که جانم در کف قدرت اوست که من (علی علیه السلام) همه دانشهای رسول معظم صلی الله علیه وآله را می‌دانم و از آنچه که در گذشته در دنیا رخ داده و هرچه که اکنون در دست اقدام است و اموری که در آینده عملی خواهد شد عالم هستم.

● خواننده عزیز! این است شأن علمی امام علیه السلام، و طبق مدارک قطعی این مقام به امر خداوند و رسول مکرمش امروز (زمان غیبت) اختصاص به حضرت بقیة الله روحی له الفداء دارد. بنابراین، چگونه ممکن است کسی که وارث علوم همه انبیاء و ائمة معصومین سلام الله عليهم اجمعین است و علم ما کان و مایکون و ما هو کائن را دارد از مهمترین مسأله حیاتی خویش (یعنی روز ظهور و قیامت) آگاهی نداشته باشد؟ حاشا و کلاً، بلکه می‌داند ولی چون از اسرار بزرگ الهی است، نباید گفته شود؛ لذا فرمودند «لانوقت»، یعنی روز و وقت ظهور را تعیین نمی‌کنیم.

ائمة معصومین عليهم السلام در پیشگاه خداوند بزرگ

امام صادق علیه السلام موقعیت وجودی ائمة سلام الله عليهم را در این روایت چنین بیان فرموده‌اند:

نَحْنُ وُلاةُ أَمْرِ اللَّهِ وَخَزَنَةُ عِلْمِ اللَّهِ وَعَيْبَةُ وَخِي اللَّهِ.^۲

۱. ما فرمانروایان از طرف خداوند هستیم.
۲. ما خزانه داران علوم الهی هستیم.
۳. ما مرکز اسرار الهی هستیم.

۱. بصائر الدرجات، ص ۱۴۷.

۲. اصول کافی، ج ۱ / ص ۱۹۲.

● خواننده عزیز! چگونه ممکن است که امام علیه السلام خازن علم خداوند باشد، مرکز اسرار ذات پاک حق باشد — یعنی خداوند اسرار خودش را به دست آنها داده باشد — و از طرف او فرمانروای عالم هستی باشد اما از روز قیام و هنگام انتقام از دشمنان خداوند که برای او ذخیره شده است بی اطلاع باشد؟

موقعیت علمی امام علیه السلام

امام باقر علیه السلام به راوی می فرمایند:

وَاللَّهِ إِنَّا لَخُزَّانُ اللَّهِ فِي سَمَائِهِ وَأَرْضِهِ لَا عَلَيَّ ذَهَبٌ وَلَا عَلَيَّ فِضَّةٌ إِلَّا عَلَيَّ عِلْمِهِ.^۱

به خدا سوگند ما خزانه داران خداوند در آسمانها و زمین هستیم و البته نه بر طلا و نقره بلکه بر علم او.

● خواننده گرامی! امروز وجود مقدس امام عصر روحی له الفداء گنجهای علم خداوند در نزد آن وجود مقدس است، آنوقت چگونه ممکن است که از علم به ظهور خود که در رأس تمام مسائل حیاتی عالم آفرینش قرار دارد، بی اطلاع باشد؟
ابی حمزه می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که رسول اکرم صلی الله علیه وآله از خداوند متعال نقل می کنند که فرمود:

اسْتِكْمَالُ حُجَّتِي عَلَى الْأَشْقِيَاءِ مِنْ أُمَّتِكَ مَنْ تَرَكَ وِلَايَةَ عَلِيِّ وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِكَ فَإِنَّ فِيهِمْ سُنَّتَكَ وَسُنَّةُ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ قَبْلِكَ وَهُمْ خُزَّانِي عَلَيَّ عِلْمِي مِنْ بَعْدِكَ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَقَدْ أَنْبَأَنِي جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ.^۲

حجت من بر اشقیای امت تو تمام است، یعنی آنهایی که ولایت علی بن ابی طالب [علیه السلام] و جانشینان بعد از او را نپذیرفتند؛ زیرا در وجود مقدس

۱. همان مأخذ، ج ۱ / ص ۱۹۲.

۲. همان مأخذ، ج ۱ / ص ۱۹۳.

امیرالمؤمنین و ائمه بعد از او روش شما و همه پیامبران در او و ائمه بعد از او وجود دارد و نیز علی [علیه السلام] و ائمه بعد از او خزانه دار علم من اند (پس امروز که حضرت ولی عصر علیه السلام نگهبان و خزانه دار علم خداوند است، چگونه می شود که علم به وقت و روز و ساعت ظهور از آن حضرت پنهان بماند؟). آنگاه رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند: جبرئیل علیه السلام نامهای ائمه و نامهای پدرانشان را به من خبر داده است.

جهات مختلفه دانش ائمه معصومین علیهم السلام

امام موسی بن جعفر علیهما السلام می فرماید:

مَبْلَغُ عِلْمِنَا عَلَى ثَلَاثَةٍ وَجُوهٍ مَاضٍ وَغَايِرٍ وَحَادِثٍ فَأَمَّا الْمَاضِي فَمُفَسِّرٌ وَأَمَّا
الْغَايِرُ فَمَزْبُورٌ وَأَمَّا الْحَادِثُ فَقَدْ فُتِيَ الْقُلُوبِ وَنَقَرُ فِي الْأَسْمَاعِ وَهُوَ أَفْضَلُ
عِلْمِنَا لِأَنبِيٍّ بَعْدَ نَبِيِّنَا.^۱

دانش ما ائمه بر سه قسم است:

۱. علم به گذشته که برای ما تفسیر کرده اند (مفسر یا خداوند بزرگ است یا رسول او یا امام پیش از هر امام).
۲. علم به آینده و آنچه در جهان واقع می شود (در لوح محفوظ یا در جامعه یا مصحف حضرت فاطمه علیها السلام نوشته شده که امام معصوم از همه آنها باخبر است).
۳. علم به آنچه در آینده رخ می دهد (از رویدادهایی که در آنها بدا حاصل می شود) آگاهی ما به آنها از طریق الهام در دل و یا به صورت سخن گفتن فرشته در گوش است، و این برترین دانش ماست، و هرگز پیامبری بعد از پیامبر ما نخواهد بود.

ائمه و رازداری

امام باقر علیه السلام به عبدالواحد فرزند مختار می گوید:

لَوْ كَانَ لِأَلْسِنَتِكُمْ أَوْكِيَةٌ لَحَدَّثْتُ كُلَّ أَمْرٍ يَبِأَلَهُ وَعَلَيْهِ.^۱

اگر تملک زبان می داشتید و می توانستید رازدار باشید، هر آینه به شما خبر می دادم از آنچه به زیان و نفع شماست.

● خواننده گرامی! علم امام علیه السلام نامحدود است و همه چیز در دایره

علمش منعکس می باشد. پس چگونه امام عصر روحی له الفداء از وقت ظهور خود خبر ندارد؟

آری، اگر کسی بگوید که امام علیه السلام نمی داند چه وقت ظهور می کند

نسبت جهل و نادانی به امام داده و پیدا است که اگر کسی نسبت جهل به امام علیه السلام بدهد مجازاتش چه خواهد بود.

آنچه از روایت مذکور استفاده می شود عدم ظرفیت شیعیان برای گرفتن

اسرار از ائمه معصومین سلام الله علیهم است (به ویژه در این زمان تاریک غیبت کبری از وجود مقدس آقا حضرت صاحب الامر روحی له الفداء آن هم در ارتباط با تعیین وقت ظهور).

امام صادق علیه السلام و کتب جفر

و جامعه و مصحف فاطمه سلام الله علیها

ابی بصیر گوید:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَنْ

مَسْأَلَةٌ هِيْهُنَا أَحَدٌ يَسْمَعُ كَلَامِي؟ قَالَ فَرَفَعَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سِرًّا بَيْنَهُ وَبَيْنَ بَيْتٍ آخَرَ فَأُظْلِعَ فِيهِ ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ سَلْ عَمَّا بَدَا لَكَ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ شِيعَتَكَ يَتَحَدَّثُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَّمَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ بَابًا يُفْتَحُ لَهُ مِنْهُ أَلْفُ بَابٍ قَالَ فَقَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ عَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلْفَ بَابٍ يُفْتَحُ مِنْ كُلِّ بَابٍ أَلْفُ بَابٍ قَالَ قُلْتُ هَذَا وَاللَّهِ الْعِلْمُ قَالَ فَتَكَتَ سَاعَةٌ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ قَالَ إِنَّهُ لَعِلْمٌ وَمَا هُوَ بِذَلِكَ قَالَ ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ وَإِنَّ عِنْدَنَا الْجَامِعَةَ وَمَا يُدْرِيهِمْ مَا الْجَامِعَةُ؟ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا الْجَامِعَةُ؟ قَالَ صَحِيفَةٌ طَوَّلُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا بِذِرَاعِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَامْلَأَتْهُ مِنْ فُلُقٍ فِيهِ وَخَطَّ عَلَيَّ بِيَمِينِهِ فِيهَا كُلُّ حَلَالٍ وَحَرَامٍ وَكُلُّ شَيْءٍ يَخْتِاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ حَتَّى الْأَرْضِ فِي الْخَدَشِ وَضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَيَّ وَقَالَ تَأَذَّنْ لِي يَا أَبَا مُحَمَّدٍ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّمَا أَنَا لَكَ قَاضِعٌ مَا شِئْتَ قَالَ فَغَمَزَنِي بِيَدِهِ وَقَالَ حَتَّى آرَشِ هَذَا كَأَنَّهُ مُغَضِبٌ قَالَ قُلْتُ هَذَا وَاللَّهِ الْعِلْمُ قَالَ إِنَّهُ لَعِلْمٌ وَلَيْسَ بِذَلِكَ ثُمَّ سَكَتَ سَاعَةً ثُمَّ قَالَ وَإِنَّ عِنْدَنَا الْجَفْرُ وَمَا يُدْرِيهِمْ مَا الْجَفْرُ قَالَ قُلْتُ وَمَا الْجَفْرُ قَالَ وَعَاءٌ مِنْ أَدَمٍ فِيهِ عِلْمُ النَّبِيِّينَ وَالْوَصِيِّينَ وَعِلْمُ الْعُلَمَاءِ الَّذِينَ مَضَوْا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ قَالَ قُلْتُ إِنَّ هَذَا هُوَ الْعِلْمُ قَالَ إِنَّهُ لَعِلْمٌ وَلَيْسَ بِذَلِكَ ثُمَّ سَكَتَ سَاعَةً ثُمَّ قَالَ وَإِنَّ عِنْدَنَا لَمْضَحَفٌ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَمَا يُدْرِيهِمْ مَا مُضَحَفٌ فَاطِمَةَ (ع)؟ قَالَ قُلْتُ وَمَا مُضَحَفٌ فَاطِمَةَ؟ قَالَ مُضَحَفٌ فِيهِ مِثْلُ قُرْآنِكُمْ هَذَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَاللَّهِ مَا فِيهِ مِنْ قُرْآنِكُمْ حَرْفٌ وَاحِدٌ قَالَ قُلْتُ هَذَا وَاللَّهِ الْعِلْمُ قَالَ إِنَّهُ لَعِلْمٌ وَمَا هُوَ بِذَلِكَ ثُمَّ سَكَتَ سَاعَةً ثُمَّ قَالَ إِنَّ عِنْدَنَا عِلْمٌ مَا كَانَ وَعِلْمٌ مَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ هَذَا هُوَ وَاللَّهِ الْعِلْمُ قَالَ إِنَّهُ لَعِلْمٌ وَلَيْسَ بِذَلِكَ قَالَ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَأَيُّ شَيْءٍ الْعِلْمُ قَالَ مَا يَخْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ الْأَمْرُ بَعْدَ الْأَمْرِ وَالشَّيْءُ بَعْدَ الشَّيْءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ١

شرفیاب محضر امام صادق علیه السلام شدم، عرض کردم: قربانت کردم، می‌خواهم از شما موضوعی بپرسم. آیا در اینجا غیر از ما کسی هست که سخن مرا بشنود؟ می‌گوید امام پرده وسط اطاق را بالا زد تا ابی بصیر ببیند که کسی نیست. آنگاه فرمود: ای ابی بصیر! هرچه می‌خواهی سؤال کن. عرض کردم: قربانت کردم، شیعیان شما می‌گویند امیرالمؤمنین سلام الله علیه یک باب از علم از پیامبر بزرگ صلی الله علیه وآله آموخت که از آن هزار باب علم بر روی حضرت علی باز شده است. حضرت فرمود: ای ابابصیر! رسول اکرم صلی الله علیه وآله هزار باب از علم به علی علیه السلام یاد داد که از هر باب هزار باب علم به روی آن حضرت باز شد. ابابصیر می‌گوید عرض کردم: به خدا سوگند، این است علم. ابی بصیر می‌گوید:

مولایم ساعتی با انگشتان مبارکش بر زمین زد و فرمود: مسلماً این علم است، اما آن علم کامل و همه جانبه نیست. فرمودند: کتاب جامعه نزد ماست و مردم نمی‌دانند جامعه چیست. می‌گوید عرض کردم: جامعه چیست؟ فرمود: کتابی است که طول آن هفتاد ذراع است با ذراع رسول اکرم صلی الله علیه وآله و آن را به زبان مبارک بیان فرموده و حضرت علی علیه السلام نوشته است. تمام احکام الهی از واجب و حرام و هرچه مردم نیاز به آن دارند در آن هست، حتی دیه و جرم یک خراش. در این موقع امام صادق علیه السلام دست مبارکش را بر من زده، فرمودند: اجازه می‌دهی؟ عرض کردم: مولای من! هرچه میل دارید عمل کنید. آنگاه حضرت یک نشگون (یا در اصطلاح فارسیها یک پنجیر) به من گرفت و فرمود: حتی جزای این عمل کوچک هم در آن بیان شده است. در این موقع امام علیه السلام به نظر غضبناک می‌رسیدند. عرض کردم: قربانت بروم، والله این علم است. فرمودند: آری، این علم است اما دانش نهایی نیست. سپس لختی سکوت کردند و سپس فرمودند: در نزد ما کتاب جفر است، و مردم چه می‌دانند جفر چیست. عرض کردم: قربانت شوم، جفر کدام است؟ فرمود: ظرفی است که تمام علوم انبیاء و اوصیاء و دانشمندان بنی اسرائیل، همه در آن است. عرض کردم: قربانت کردم، این است معنی علم؟ فرمودند: این علم است اما باز علم کامل نیست. آنگاه مدتی ساکت ماندند و فرمودند: نزد ماست مصحف مادرم فاطمه، و مردم چه می‌دانند مصحف فاطمه چیست. عرض کردم: مصحف فاطمه چیست؟ فرمودند: سه

برابر قرآن شماست، به خدا سوگند، یک کلمه از قرآن شما در آن مصحف نیست. عرض کردم: به خدا علم کامل این است. فرمودند: این کتاب علم است اما علم کامل نیست. و لحظاتی خاموش شدند، آنگاه فرمودند: در نزد ماست علم به آنچه گذشته و هرچه که در آینده واقع می شود تا قیام قیامت. عرض کردم: به خدا سوگند، علم نهایی این است. فرمودند: این علم است اما علم کامل نیست. ابی بصیر می گوید عرض کردم: پس علم کامل و نهایی چیست؟ فرمود: علم کامل آن است که همواره در تزیاید باشد، و بر آنچه در شبانه روز پدید می آید، بر فرمانهایی که صادر می شود و حوادثی که تا روز قیامت رخ می دهد، احاطه داشته باشد.

● خواننده عزیز! این کتابها و علمها در نزد حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء است. آیا باز هم می توان باور کرد با این قدرت بی نهایت علمی، آن حضرت عالم به روز و سال ظهور و ساعت قیام جهانی اش نباشد؟ ابدأ. او می داند و باید هم بداند، اما از اسرار بزرگ خداوندی است و کسی به آن آگاهی پیدا نخواهد کرد. (اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ).

رسول اکرم

صلی اللہ علیہ وآلہ

وہ شاہ نامی ظہور

عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وآلِهِ سَيَانِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ تَخْبِثُ فِيهِ سَرَائِرُهُمْ وَتَحْسُنُ فِيهِ عِلَالِيَّتُهُمْ طَمَعاً فِي
الدُّنْيَا لَا يُرِيدُونَ بِهِ مَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَكُونُ أَمْرُهُمْ رِيَاءً، لَا يُخَالِظُهُ خَوْفٌ،
يَعْمَهُمُ اللَّهُ مِنْهُ بِعِقَابٍ فَيَدْعُونَ دُعَاءَ الْغَرِيقِ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ.^۱

سکونی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه وآله
فرمود: بر امت من زمانی بیاید که باطن آنها پلید و ظاهرشان به جهت طمع در
دنیا آراسته باشد و خداوند را در نظر ندارند عمل آنها ریا است و
از او نمی‌ترسند. خداوند نیز همه آنان را عقوبت خواهد کرد و هرچه دعا
کنند، حتی دعای غریق، مستجاب نخواهد شد.

از این روایت چند علامت برای ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء
— آن هم از زبان آورنده اسلام حضرت محمد بن عبد الله صلی الله علیه وآله — نقل
کرده‌اند:

۱. دلها مملو از خبائث و صفات رذیله می شود.
۲. مردم تظاهر به خوبیها می کنند در حالی که دلشان از خوبیها خالی است.
۳. هدف از این تظاهرات، فرورفتن در کثافات اخلاقی دنیا و تعینات آن است.
۴. کارهای آنها اگرچه به صورت عبادت است اما برای غیر خدا انجام می شود (ریا).
۵. توجهی به عالم آخرت نخواهند داشت و از خداوند نمی ترسند.
۶. به جهت این صفات، خداوند آنها را عقاب می کند به بلاهای اجتماعی از قبیل جنگ، گرفتار ظلم شدن، گرانی، سلب برکت و...
۷. در این موقع هرچه دعا کنند حتی دعای غریق هم مستجاب نخواهد شد.^۱
رسول خدا صلی الله علیه وآله در روایتی در مورد نشانه های ظهور مهدی روحی له الفداء می فرمایند:

سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَلَا مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ
يُسَمُّونَ بِهِ وَهُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنْهُ مَسَاجِدُهُمْ عَامِرَةٌ وَهِيَ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى
فُقَهَاءُ ذَلِكَ الزَّمَانِ شُرَفُفُهَا تَحْتَ ظِلِّ السَّاءِ مِنْهُمْ خَرَجَتِ الْفِتْنَةُ وَالْيَهُودُ
تَعُودُ.^۲

بزودی زمانی بر امت من فرارسد که از قرآن جز رسم و از اسلام جز اسم باقی نماند. آنان به نام مسلمان خوانده می شوند در حالی که دورترین مردم از اسلام اند، مساجد آنان آباد و از هدایت خراب (خالی) است. فقهای آن زمان بدترین فقها در زیر آسمان اند. فتنه از ایشان آغاز می شود و به آنان باز می گردد.

وجود مبارک منجی عالم بشریت حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله

۱. البته در بعضی روایات دعای [یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک] به نام دعای غریق ذکر شده.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۱۹۰.

وسلم در این حدیث که در حقیقت آینه ای است که دنیای اسلام و مردم آن را نشان می دهد و این خود معجزه ای است از آن بزرگوار، به چند علامت در ارتباط با ظهور فرزند عزیزش اشاره فرموده است:

۱. محتوی و حقایق حیاتبخش قرآن، متروک و فقط اسمی از آن می ماند.
۲. از اسلام نامی می ماند و قوانین جامع و کامل آن به حالت تعطیل درمی آید و به انزوا سپرده می شود.^۱
۳. تقریباً یک چهارم از جمعیت دنیا ادعای مسلمانی می کنند در صورتی که عملاً از اسلام بیگانه اند.
۴. مساجدشان از نظر بنیان و جهات ظاهری آباد اما از لحاظ تقوا ویران است. مساجد مرکز غیبت، تهمت، ریختن آبروی مردم و بدعتها - البته به صورتهای مختلف - شده است.
۵. فقها و دانشمندان بدترین دانشمندانی هستند که در زیر این آسمان بسر می برند. با تأملی کوتاه درباره عالم نماهای زمان خودمان و فسادی که در اجتماع کرده اند معنی روایت معلوم می شود.
۶. تمام فتنه ها از ناحیه علمای سوء است و بازگشت آنها نیز به خودشان خواهد بود. «إِذَا فَسَدَ الْعَالِمُ فَسَدَ الْعَالَمُ» رسول اکرم صلی الله علیه وآله می فرماید هرگاه دانشمندی راه فساد را درپیش بگیرد جهانی را به تباهی می کشد. زیرا مردم این دسته از افراد را الگو و سمبل دین می دانند.

● خواننده گرامی! ناگفته نماند که از نظر منطق و برهان، همیشه حساب مکتب، از اشخاص جداست.

امام صادق علیه السلام به نقل از پدران مکرم خود ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین می فرماید:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: (إِنَّ) الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَسَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا

۱. این آینه را در مقابل دنیای اسلام و کشورهای به اصطلاح مسلمان قرار بده، مسلماً غیر از اسم و رسم از قرآن و اسلام چیز دیگری نمی بینی.

بَدْأُ قَطْرَبِي لِلْغُرَبَاءِ ۱

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: اسلام در ابتدا غریب و تنها بود و بزودی نیز همچون زمان پیدایش غریب و تنها خواهد شد. خوشا به حال تنهاییان و غربا.

● خواننده ارجمنند! اسلام عزیز ما در ابتدا بسیار غریب بود و فقط یک اقلیت از آن استقبال کردند. در آخر الزمان نیز چنان خواهد شد، کما اینکه اکنون نیز اینچنین است و با این همه امکانات نظامی، اقتصادی و انسانی که در جهان اسلام وجود دارد، مع الوصف، مسلمین در چنگال ستمگران و کفاری مانند اسرائیل بصرمی برند. دلیل بر اثبات عرض ما وضع موجود دنیای اسلام است و در روایت بالا تحت عنوان نشانه های ظهور دولت حق، رسول اکرم صلی الله علیه وآله به غربت مجدد اسلام اشاره فرموده و در ضمن کلمه «قَطْرَبِي لِلْغُرَبَاءِ» بشارت پیروزی اسلام را داده اند (البته بشارت ضمنی). آری، اسلام در ابتدای امر واقعاً غریب بود، درست مانند کسی که وارد شهری بشود، آشنایی نداشته باشد و پولی هم همراه نداشته باشد که بتواند خودش را اداره کند و زبانش هم با مردم آن شهر یکی نباشد، همچنانکه زبان اسلام زبان توحید بود در حالی که زبان مردم لسان کفر و الحاد و بت پرستی بود و پیامبر بزرگوار فرمودند در آخر الزمان هم این طور خواهد شد.

● خواننده محترم! ملاحظه می فرمایید زبان اسلام در دنیای ما نیز زبان صلح، عدالت، ایمان، امنیت و برادری است، در حالی که در جهان کنونی، اعمال مردم برخلاف این برنامه هاست.

از امام صادق علیه السلام منقول است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند:

مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَهُودِيًّا قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَإِنْ شَهِدَ الشَّهَادَتَيْنِ؟
قَالَ نَعَمْ إِنَّمَا اخْتُجِبَ بِهَاتَيْنِ الْكَلِمَتَيْنِ عِنْدَ سَفْكِ دَمِهِ أَوْ يُودَى الْجَزِيَّةَ وَهُوَ
صَاغِرٌ ثُمَّ قَالَ مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَهُودِيًّا قِيلَ وَكَيْفَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قَالَ إِنَّ آذَانَ الدَّجَالِ آمَنَ بِهِ.^۱

هر که ما اهل بیت را دشمن دارد خداوند [عزوجل] او را یهودی برانگیزد. سؤال شد: یا رسول الله! اگر چه شهادتین بگوید؟ فرمودند: بله. در نتیجه دو کلمه شهادت (أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ) فقط جان او محفوظ می ماند و یا از پرداخت جزیه معاف می شود. سپس ادامه دادند: هر کسی که ما اهل بیت را دشمن بدارد خداوند او را یهودی برانگیزد. پرسیدند: چگونه ای رسول خدا؟ فرمودند: اگر زمان دجال را دریابد به او ایمان آورد.

در این روایت، پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه وآله پس از اشاره به وظیفه مردم در ارتباط با اهل بیت علیهم السلام و نیز زیان دشمنی با خاندان گرامی اش، به خروج دجال که از علائم ظهور حضرت بقیة الله روحی له الفداء است، اشاره فرموده اند. بنابراین، زیان دشمنی با اهل بیت سلام الله علیهم اجمعین را می توان این گونه خلاصه کرد:

۱. محشور شدن در روز قیامت با یهودیان.
 ۲. حسرت و پشیمانی که در سایه قطع ارتباط با خاندان وحی دامنگیر انسان می شود.
 ۳. از دست دادن نعمتهای ابدی خداوند.
 ۴. مخلد بودن در آتش جهنم.
 ۵. محرومیت از مصاحبت با ذوات مقدسه معصومین سلام الله علیهم اجمعین.
- رسول مکرم صلی الله علیه وآله خبر از قیام مهدی روحی له الفداء می دهد و از آن حضرت به نام خاتمه دهنده به دین چنین می فرماید:

الْمَهْدِيُّ مَتَا يُخْتَمُ الدِّينُ بِهِ كَمَا فَتِحَ بِنَا... (وَأَخْرَجَ الْحَاكِمُ فِي صَحِيحِهِ) يَجِلُّ بِأُمَّتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ بَلَاءٌ شَدِيدٌ مِنْ سُلْطَانِهِمْ لَمْ يُسْمَعْ بَلَاءٌ أَشَدُّ مِنْهُ حَتَّى لَا يَجِدَ الرَّجُلُ مَلْجَأً فَيَبْتَغِيَ اللَّهَ رَجُلًا مِنْ عِزَّتِي أَهْلِي بَيْتِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا

مَلَيْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا يُجِبُّهُ سَاكِنُ الْأَرْضِ وَسَاكِنُ السَّمَاءِ وَتُرْسِلُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا
وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا.^۱

همچنانکه دین به وسیله من آغاز شد، توسط فرزندم مهدی [علیه السلام] خاتمه می یابد... در آخر الزمان امت من در سایه زمامداری ستمگر به بلاهایی مبتلا می شوند که مانند آن را نشنیده اند و به اندازه ای عرصه بر مردم تنگ می شود که پناهگاهی برای خود پیدا نمی کنند. در این هنگام خداوند مردی از عترت و اهل بیت من برمی انگیزد که جهان را پر از عدل و داد می کند چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد. از ویژگیهای او این است که اهل زمین و ساکنان آسمانها او را دوست می دارند و آسمان بارانهای خودش را می بارد و زمین برکاتش را در اختیار مردم قرار می دهد.

سَيَجِيءُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَقْوَامٌ تَكُونُ وُجُوهُهُمْ وُجُوهَ الْأَدَمِيِّينَ وَقُلُوبُهُمْ قُلُوبَ
الشَّيَاطِينِ أَمْثَالُ الذَّنَابِ الضَّوَارِي لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ شَيْءٌ مِنَ الرَّحْمَةِ سَفَاكِينَ
لِلدَّمَاءِ وَلَا يَرْعَوْنَ عَنْ قَبِيحٍ إِنْ تَابَعْتَهُمْ وَارْوِكَ وَإِنْ تَوَارَيْتَ عَنْهُمْ اغْتَابُوكَ وَإِنْ
حَدَّثُوكَ كَذَبُوكَ وَإِنْ ائْتَمَّنْتَهُمْ خَانُوكَ صَبِيَّهُمْ عَارِمٌ وَشَابُّهُمْ شَاطِرٌ وَشَيْخُهُمْ
لَا يَأْمُرُ بِمَعْرُوفٍ وَلَا يَنْهَى عَنِ مُنْكَرٍ الْأَعْتِزَالِيَهُمْ ذُلٌّ وَظَلْبٌ مَا فِي آيْدِيهِمْ فَقْرٌ
الْحَلِيمُ فِيهِمْ غَاوٍ وَالْأَمْرُ فِيهِمْ بِالْمَعْرُوفِ مُتَّهَمٌ الْمُؤْمِنُ فِيهِمْ مُسْتَضْعَفٌ
وَالْفَاسِقُ فِيهِمْ مُشَرَّفٌ السُّنَّةُ فِيهِمْ بِدْعَةٌ وَالْبِدْعَةُ فِيهِمْ سُنَّةٌ فَعِنْدَ ذَلِكَ
يُسَلِّطُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ شِرَارَهُمْ وَيَدْعُو خِيَارَهُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ.^۲

در آخر الزمان مردمانی بیایند که از نظر ظاهر، سیمای آدمیان را دارند، اما دلهایشان مانند قلبهای شیطانها است (پراز خودخواهی و تکبر و غرور و امثال اینها است). مانند گرگهای درنده دلشان خالی از رحمت و عطوفت انسانی باشد، قتل و خونریزی برای آنها یک امر بسیار ساده و بی اهمیت خواهد بود و از کارهای زشت دوری نمی کنند. اگر از آنها متابعت کنی تو را از خود می رانند و اگر از آنان فاصله بگیری تو را مورد غیبت و عیبجویی قرار می دهند؛

۱. الامام المهدی عند اهل السنه، ج ۲؛ مشارق الانوار، ص ۲۹.

۲. نواب الدهور، ج ۱ / ص ۱۵۰.

اگر با تو سخن گویند دروغ می گویند و اگر آن مردم را امین خویش قرار دادی به تو خیانت می کنند. بچه های آنها با ناز و نخوت زندگی می کنند و جوانانشان بیساک و از خود راضی اند چندان که مردم را از بی تربیتی خویش عاجز می کنند. پیروان آنها امر به خوبیها و نهی از بدیها نمی کنند. عزت جستن به وسیله آنها ذلت و خواری است، مطالبه موجودی آنها فقر و ناتوانی است. شخص عاقل در میان آنها گمراه به شمار می آید و امر به معروف کننده مورد تهمت و افترا قرار می گیرد. افراد با ایمان و صاحبان تقوا در میان ایشان ضعیف خواهند بود، اما افراد فاسق در میان آنها با شخصیت حساب می شوند. کارهای خوب و سنتهای الهی در میان این جمعیت بدعت محسوب می شود و از طرفی بدعت در میان آنها سنت به حساب می آید. در چنین زمانی که مردمش دارای چنین خصوصیات اخلاقی شده اند، خداوند اشرار و مردم بد را بر آنها مسلط می کند و دیگر دعاوی خوبان اجابت نخواهد شد.

شب معراج

نشانه‌های ظهور

در حدیث مبارکی که ابن عباس از زبان پرنور آورنده اسلام حضرت
محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله نقل کرده به نشانه هایی در رابطه با قیام جهانی
حضرت صاحب الامر علیه السلام تصریح شده است که به نظر خوانندگان عزیز
می رسد:

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فِي حَدِيثٍ إِنَّ اللَّهَ أَوْحَى
إِلَيْهِ لَيْلَةً أَسْرَى بِهِ أَنْ يُوصِيَ إِلَى عَلِيٍّ وَأَخْبَرَهُ بِالْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ إِلَى أَنْ قَالَ
وَأَخْرَجَ رَجُلٍ مِنْهُمْ يُصَلِّي عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ خَلْفَهُ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ
جَوْرًا وَظُلْمًا أَنْجِي بِهِ مِنَ الْهَلَكَةِ وَأَهْدِي بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ أُبْرِئُ بِهِ الْأَعْمَى
وَأَشْفِي بِهِ الْمَرِيضَ فَقُلْتُ إِلَهِي وَسَيِّدِي مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
إِلَيَّ يَكُونُ ذَلِكَ إِذَا رَفَعَ الْعِلْمُ وَظَهَرَ الْجَهْلُ وَكَثُرَ الْقِرَاءَةُ وَقَلَّ الْعَمَلُ وَكَثُرَ
الْقَتْلُ وَقَلَّ الْفُقَهَاءُ وَالْهَادُونَ وَكَثُرَ فُقَهَاءُ الضَّلَالَةِ وَالْخَوْنَةُ وَكَثُرَ الشُّعْرَاءُ
وَأَتَّخَذَ أَمَّتَكَ قُبُورَهُمْ مَسَاجِدَ وَحَلَيْتِ الْمَصَاحِفَ وَزُخْرِفَتِ الْمَسَاجِدُ وَكَثُرَ
الْجَوْرُ وَالْفَسَادُ وَظَهَرَ الْمُتَنَكَّرُ وَأَمَرَ أَمَّتَكَ بِهِ وَنَهَى عَنِ التَّعَرُوفِ وَانْكَتَفَى

الرِّجَالُ بِالرِّجَالِ وَالنِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَصَارَ الْأُمْرَاءُ كَفَرَةً وَأَوْلِيَاءُهُمْ فَجْرَةً
وَأَعْوَانُهُمْ ظَلَمَةً ذُوقُوا الرَّأْيَ مِنْهُمْ فَسَقَةً وَعِنْدَ ثَلَاثَةِ خُسُوفٍ خَسَفَ بِالشَّرْقِ وَ
خَسَفَ بِالمَغْرِبِ وَخَسَفَ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ وَخَرَابُ بَصْرَةَ عَلِيٍّ يَدِ رَجُلٍ مِنْ
ذُرِّيَّتِكَ تَبَعَهُ الزُّنُوجُ وَخُرُوجُ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَظُهُورُ الدَّجَالِ
يَخْرُجُ مِنَ المَشْرِقِ مِنْ سَجِسْتَانَ وَظُهُورُ الشُّفْيَانِيِّ. ۱

ابن عباس می گوید: در شب معراج مطالبی به رسول اکرم صلی الله علیه وآله وحی شد که باید به وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خبر داده شود و نیز به ائمه بعد از آن حضرت. بعد فرمودند که خداوند برای آخرین آنها نشانه هایی بیان فرمودند:

۱. عیسی بن مریم پشت سر آن بزرگوار نماز می خواند.
۲. زمین را پر از عدل و داد می کند چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد.
۳. بندگان را به وسیله او (امام عصر) از هلاکت نجات می دهد.
۴. گمراهان را به وسیله او هدایت می کنم.
۵. نایبانیان و بیماران را به وسیله او شفا می دهد.
- عرض کردم خداوندا! آن کی خواهد شد؟ خطاب رسید:
۶. هرگاه علم از میان برداشته شود و جهل و نادانی به جای آن نشیند. قرائت قرآن زیاد اما عمل به آن کم شود.
۷. قتل و کشتار زیاد شود.
۸. فقها و هدایت کنندگان واقعی کم شوند (اشاره است به وجود علمای ربّانی).
۹. علمای فاسق (بی عمل) و خیانتکار زیاد شوند (آنان که دین را به فکر خود معنی می کنند).
۱۰. شعرا زیاد شوند.
۱۱. ائمت شما قبرستانها را مساجد قرار دهند.
۱۲. قرآنها را زینت کنند.
۱۳. مساجد را مجلل بسازند.

۱۴. جور و فساد زیاد شود.
۱۵. منکرات ظاهر شود.
۱۶. اامت شما امر به منکر کنند.
۱۷. پیروان شما نهی از معروف کنند.
۱۸. مردها به مردها اکتفا کنند (لواط).
۱۹. زنان به زنان قناعت کنند (مساحقه).
۲۰. زمامداران کافر شوند.
۲۱. دوستان حکمرانان گنهکاران باشند.
۲۲. یاوران آنها ستمگران باشند.
۲۳. صاحبان رأی و نظر از آنان فاسقان باشند.
۲۴. سه خسف^۱ در دنیا واقع شود: یکی خسف در مشرق، خسف دیگر در مغرب و خسف سوم در جزیره العرب.
۲۵. خراب شدن بصره به دست یکی از ذراری تو (سید) که زنگیها دنبالش را بگیرند.
۲۶. قیام مردی از اولاد امام حسین علیه السلام.
۲۷. ظهور دجال و قیامش از سجستان.
۲۸. خروج سفیانی.

رسول اکرم

صلی اللہ علیہ وآلہ

و موہبت منتظران حضرت مہدی

بملائتہ تعالی فرجہ

قبل از ظهور

امام صادق علیه السلام از وجود مبارک رسول اکرم صلی الله علیه وآله درباره مقام منتظران ظهور و علاقه مندان به ساحت قدس حضرت بقیة الله روحی له الفداء و آباء گرامی اش چنین نقل فرموده اند:

طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِيَّتِي وَهُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ يَتَوَلَّى وَلِيَّهُ وَيَتَّبِعُهُ مِنْ
عَدُوِّهِ وَيَتَوَلَّى الْأَيْمَةَ مِنْ قَبْلِهِ أَوْلِيكَ رُفَقَائِي وَذَوَاؤُدَى وَمَوَدَّتِي وَأَكْرَمُ
أُمَّتِي عَلَيَّ وَأَكْرَمُ خَلْقِ اللَّهِ عَلَيَّ. ۱

خوشا به حال کسانی که قائم از اهل بیت مرا درک کنند و اقتدای به آن حضرت می کنند (فرمانبرداری) پیش از قیامش، دوستان او را دوست می دارند و با دشمنانش دشمن اند و از آنها تبراً می جویند و ائمه معصومین قبل از آن حضرت را دوست می دارند. اینان رفقای من و دوستان من و بهترین افراد امت من در نزد من بلکه بهترین مخلوقات خداوند برای من هستند [گوارا باد بر صاحبان این نعمت (ولایت)].

حُذیفه می گوید: دیدم رسول معظم اسلام صلی الله علیه وآله پرده کعبه را گرفته و گریه می کند. عرض کردم یا رسول الله! چه چیز شما را به گریه آورده است؟ خداوند چشمهای تو را نگریاند. فرمودند:

يَا حُذَيْفَةُ قَدْ ذَهَبَتِ الدُّنْيَا أَوْ كَأَنَّكَ بِالدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ قُلْتَ فِدَاكَ أَبِي وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ فَهَلْ مِنْ عِلْمَةٍ يُسْتَدَلُّ بِهَا عَلَى ذَلِكَ قَالَ نَعَمْ يَا حُذَيْفَةُ أَحْفَظْ بِقَلْبِكَ وَأَنْظُرْ بِعَيْنِكَ وَأَعْقُدْ بِيَدِكَ إِذَا ضَيَّعْتَ أُمَّتِي الصَّلَاةَ وَاتَّبَعْتَ الشَّهَوَاتِ وَكَثُرَتِ الْخِيَانَاتُ وَقَلَّتِ الْأَمَانَاتُ وَشَرِبُوا الْقَهَوَاتِ وَأَظْلَمَ الْهَوَىٰ وَغَارَ الْهَاءُ وَأَغْبَرَتِ الْأَفْقُ وَخِيفَتِ الطَّرِيقُ وَتَشَاتَمَ النَّاسُ وَفَسَدُوا وَفَجَرَتِ الْبَاغَةُ وَرُفِضَتِ الْقِنَاعَةُ وَسَاءَتِ الظُّنُونُ وَتَلَاشَتِ السِّنُونُ وَكَثُرَتِ الْأَشْجَارُ وَقَلَّتِ الشِّمَارُ وَغَلَّتِ الْأَسْعَارُ وَكَثُرَتِ الرِّيَاحُ وَتَبَيَّنَتِ الْأَشْرَاطُ وَظَهَرَ اللَّوَاظُ وَاسْتَحْسَنُوا الْخُلْفَ وَضَاقَتِ الْمَكَاسِبُ وَقَلَّتِ الْمَطَالِبُ وَاسْتَمَرُّوا بِالْهَوَىٰ وَتَفَاكَّهُوا بَيْنَهُمْ بِشْتِيمَةِ الْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ وَأَكَلُوا الرِّبَا وَفَسَا الزِّنَا وَقَلَّ الرِّضَا وَاسْتَعْمَلُوا الشُّفَهَاءَ وَكَثُرَتِ الْخِيَانَةُ وَقَلَّتِ الْأَمَانَةُ وَذَكَى كُلُّ امْرِئٍ نَفْسَهُ وَعَمَلَهُ وَاشْتَهَرَ كُلُّ جَاهِلٍ بِجَهْلِهِ وَزُخِرِفَتْ جُذُرَانُ الدَّوْرِ وَرُفِعَ بِنَاءُ الْقُصُورِ وَصَارَ الْبَاطِلُ حَقًّا وَالْكَذِبُ صِدْقًا وَالصِّحَّةُ عَجْزًا وَالثُّومُ عَقْلًا وَالضَّلَالَةُ هُدًى وَالْبَيَانُ عَمًى وَالصَّمْتُ بِلَاهَةٌ وَالْعِلْمُ جِهَالَةٌ وَكَثُرَتِ الْآيَاتُ وَتَتَابَعَتِ الْعَلَامَاتُ وَتَرَاجَمُوا بِالظُّنُونِ وَدَارَتْ عَلَى النَّاسِ رَحَى الْمُنُونِ وَعَمِيَّتِ الْقُلُوبُ وَغَلَبَ الْمُنْكَرُ الْمَعْرُوفُ وَذَهَبَ التَّوَاضُّلُ وَكَثُرَتِ التِّجَارَاتُ وَاسْتَحْسَنُوا الْبِطَالَاتِ وَتَهَاذُوا أَنْفُسَهُمْ بِالشَّهَوَاتِ وَتَهَاوَنُوا بِالْمُعْضَلَاتِ وَرَكَبُوا جُلُودَ الثُّمُورِ وَأَكَلُوا الْمَائِثُورَ وَلَبَسُوا الْحُبُورَ وَأَثَرُوا الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَذَهَبَتِ الرَّحْمَةُ مِنَ الْقُلُوبِ وَعَمَّ الْفَسَادُ وَأَتَّخَذُوا كِتَابَ اللَّهِ لَعِبًا وَمَالَ اللَّهِ دُولًا وَاسْتَحِلَّ الْخَمْرَ بِالنَّبِيذِ وَالنَّجْشُ بِالزَّكَاةِ وَالرِّبَا بِالْبَيْعِ وَتَكَافَأَ الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ وَالتِّسَاءُ بِالتِّسَاءِ وَصَارَتِ الْمُبَاهَاتُ فِي الْمَعْصِيَةِ وَالْكَبْرُ فِي الْقُلُوبِ وَالْجَوْرُ فِي السَّلَاطِينِ وَالسَّفَاهَةُ فِي سَائِرِ النَّاسِ فَعِنْدَ ذَلِكَ لَا يَسْلَمُ لَدَى دِينِ دِينُهُ إِلَّا مَنْ فَرَّ بِدِينِهِ مِنْ شَاهِقٍ إِلَى شَاهِقٍ وَمِنْ وَاِدٍ إِلَى وَاِدٍ وَذَهَبَ الْإِسْلَامُ حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا اسْمُهُ

وَأَنْدَرَسَ الْقُرْآنُ مِنَ الْقُلُوبِ حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا رَسْمُهُ يَفْرُونَ الْقُرْآنَ لَا يُجَاوِزُ تَرَاقِيَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ يَا فِيهِ مِنْ وَعْدِ رَبِّهِمْ وَوَعِيدِهِ وَتَخْذِيرِهِ وَتَنْذِيرِهِ وَنَاسِخِهِ وَمَنْسُوخِهِ فَعِنْدَ ذَلِكَ تَكُونُ مَسَاجِدُهُمْ غَامِرَةً وَقُلُوبُهُمْ خَارِبَةً مِنَ الْإِيمَانِ عُلْمَائُهُمْ شَرُّ خَلْقِ اللَّهِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ مِنْهُمْ بَدَتِ الْفِتْنَةُ وَالْيَهُودُ تَعُودُ وَيَذْهَبُ الْخَيْرُ وَأَهْلُهُ وَيَبْقَى الشَّرُّ وَأَهْلُهُ وَيَصِيرُ النَّاسُ بِحَيْثُ لَا يَعْبَأُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِنْ أَعْمَالِهِمْ قَدْ حَبَبَ إِلَيْهِمُ الدِّينَارَ وَالدِّرْهَمَ حَتَّى أَنَّ الْغَنِيَّ لَيُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِالْفَقْرِ.^۱

ای حذیفه! دنیا از بین رفته یا مثل اینکه تو در این دنیا نبودی. عرض کردم پدر و مادرم به قربانت باد! آیا علائمی هست که دال بر وقوع چنین وضعی در دنیا باشد؟ فرمودند: آری — ای حذیفه! — مطالبی که می‌گویم به قلبت بسیار و با چشمت بین و با انگشتانت شماره کن:

۱. وقتی که امت من نماز را ضایع کنند.
۲. از شهوات پیروی کنند.
۳. خیانت در میان مردم زیاد شود.
۴. امانت و امانتداری کم شود.
۵. مشروبات الکلی بنوشند.
۶. فضا تاریک شود (ممکن است به خاطر آلودگی فضا به معصیت یا دود ناشی از بنزین و غیره باشد).
۷. به واسطه خشکسالی، آب قناتها و چاهها کم شود — کما اینکه الان شده است —.
۸. آسمان و این فضای لایتناهی غبارآلود شود (ممکن است کنایه از ظلمهای جهانی باشد مانند جنگهای جهانی از قبیل دو جنگ اول و دوم و جنگهای پراکنده).
۹. امنیت از راههای زمینی و هوایی برداشته شود (نظیر هواپیماربایی، آدم‌دزدی).
۱۰. و مردم همدیگر را سب و لعن کنند.

۱۱. خانواده‌ها در دامن فساد سقوط کنند (مانند بی حجابی، رقصی، قمار و غیره).
۱۲. مردم در زندگی گرفتار تجملات و مدپرستی شوند و سرانجام قناعت و میانه روی متروک گردد.
۱۳. افراد جامعه نسبت به یکدیگر بدبین شوند و سوءظن و عدم اعتماد بر جامعه سایه افکند.
۱۴. سالهای دنیا پست و خوار شود.
۱۵. درختکاری زیاد شود و محصولات اندک شود.
۱۶. قیمت‌ها بالا رود (نرخ اجناس مورد لزوم به طور سرسام آوری بالا برود تا جایی که زندگی را تبدیل به جهنم سوزان کند).
۱۷. بادهای زیاد شود (طوفانها و تندبادها مرتباً در دنیا زیانهای سنگین جانی و مالی به بار آورد).
۱۸. پرده از روی باطن مردم برداشته شود (و جنایتکاران و دنیاپرستان و جاه طلبان شناخته شوند، یا بدان آشکار شوند یا علائم ظاهر شوند).
۱۹. عمل شنیع لواط علنی شود (کما اینکه در انگلستان با گذراندن قانونی از تصویب مجلس لواط بلامانع شده است).
۲۰. خلاف، پسندیده شود.
۲۱. تجارت و کاسبی دچار سختی و تنگی شود و اشیاء مورد درخواست کم شود.
۲۲. تمام برنامه‌ها را با کمال گستاخی و خودسری بر مبنای هوای نفس (دلم می‌خواهد) پیاده کنند.
۲۳. ناسزا و فحش دادن به پدر و مادران را وسیله سرگرمی و مزاح قرار دهند.
۲۴. آشکارا ربا بخورند و کوچکترین ترسی از خداوند نداشته باشند.
۲۵. بی عصمتی و زنا در میان مردم رواج پیدا کند (مراکز خودفروشی و زنا در دنیا با ابعاد گسترده‌ای بالاترین شاهد ماست).
۲۶. خشنودی و راضی بودن از زندگی و برنامه آن بسیار کم شود.
۲۷. افراد سفیه و نادان زمام امور را به دست گیرند.
۲۸. خیانت به انواع و اقسام مختلف در میان همه طبقات زیاد شود.

۲۹. امانت را بی اهمیت بدانند و به آن بی اعتنا باشند و افراد امین کم شوند.
۳۰. افراد از اخلاق و کار خویش تعریف کنند.
۳۱. نادانها به دلیل نادانی خویش مشهور شوند.
۳۲. مردم خانه های خود را بیارایند و دیوارهای آن را زینت دهند.
۳۳. قصرها و خانه ها بلند ساخته شود (مانند ساختمانهای چندین طبقه ای که آسایش و امنیت را از همسایه ها سلب می کند).
۳۴. باطل را به لباس حق جلوه دهند.
۳۵. زشتی دروغ از بین برود بحدی که لباس راستی بر آن پوشانند.
۳۶. اگر کسی در کارش صحت عمل داشته باشد او را ضعیف بدانند.
۳۷. پستی و لثامت و سرزنش یکدیگر را به حساب عقل بگذارند (صاحبش را عاقل بدانند).
۳۸. گمراه بودن و راه کج رفتن را هدایت بشمارند
۳۹. بیان را کوری بدانند (اگر به وسیله بیان، حقایقی گفته شود که به نظر آنها خوش نیاید بگویند این شخص کور است و واقعیت دنیا را نمی بیند).
۴۰. و خموشی را بی خردی بدانند.
۴۱. دانشمند اگر بخواهد از علم خویش به نفع خود و جامعه حرف بزند او را جاهل و علمش را نادانی بدانند.
۴۲. نشانه ها بسیار شود و علامتها یکی پس از دیگری ظاهر گردد.
۴۳. تحقیق نکرده سخنان دور از حقیقت بگویند (مردم را متهم کنند و بدون دلیل آبروی بندگان خدا را بریزند).
۴۴. آسیای مرگ بر سر جامعه بچرخد (جنگهای خانمانسوز به راه بیندازند و افراد بیگناه را قتل عام کنند، مانند بمباران مناطق مسکونی و غیرنظامی و...).
۴۵. مردم از نظر بینش و دید قلبی کور شوند و حقایق را نبینند (مانند جنایاتی که از زمامداران خود می بینند و در عین حال می گویند خوب است).
۴۶. کارهای ناپسند بر اعمال خوب غلبه پیدا کند (مردم طرفدار کارهای بد شوند).
۴۷. محبت نسبت به یکدیگر و صلة رحم از دلهای مردم برداشته شود.

۴۸. تجارت و بازرگانی زیاد شود و مردم کارهای باطل و ناچیز را نیکو بدانند.
۴۹. جان خود را به یکدیگر به خاطر شهوت‌های زیادی که دارند، بذل کنند.
۵۰. کارهای بزرگ را آسان شمارند (نظیر جنگ با دولتهای بزرگ).
۵۱. از پوشیدن پوستهای حیوانات حرام گوشت (یا ذبح شرعی نشده) باکی نداشته باشند.
۵۲. جامه‌های نرم و زیبا و نازک بپوشند [و بدن آنها از روی لباس پیدا باشد].
۵۳. رغبت به دنیا پیدا کنند و آن را بر آخرت مقدم بدانند (اعمال بد مردم گواه این مطلب است).
۵۴. رحم از دل‌های همه مردم برود (اعم از زمامدار، تاجر، کاسب، زن، شوهر و غیر آنها).
۵۵. فساد جنبه عمومی پیدا کند (خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو).
۵۶. قرآن را به بازی بگیرند (از نام آن و آیاتش به نفع اهداف شوم خود سوء استفاده کنند).
۵۷. اموال بیت المال (وجوه شرعیته) را مال شخصی خود بدانند یا حقوق شرعی مال خود را ندهند و بگویند مال خودمان است.
۵۸. مسکرات را با تغییر نام حلال بدانند.
۵۹. در وقت دادن زکات مال خود خیانت کنند (کم بدهند یا جنس نامرغوب عرضه کنند).
۶۰. ربا را به نام خرید و فروش و اجاره دادن محلی از مقروض بگیرند.
۶۱. در فسق و فجور مردها با مردها و زنها با زنها برابری کنند.
۶۲. به نافرمانی از خداوند (گناه کردن) مباهات کنند.
۶۳. دل‌های مردم پر از تکبر و نخوت شود و ظلم و جور در پادشاهان و نادانی در مردم (زیر بار ظلم رفتن) ظاهر شود.
۶۴. در چنین وضعی دیندار باید دین خود را بردارد و از این طرف به آن طرف و از این قلعه کوه به آن قلعه و از این دره به دره دیگر برود تا سلامت دین

داشته باشد.

۶۵. از اسلام باقی نماند جز اسمی و از قرآن باقی نماند جز رسمی (قرآن در دلها کهنه شود و فقط اسم و رسمی از آن باقی بماند).

۶۶. قرآن بخوانند در حالی که از گلوگاه و استخوان ترقوه و گردن نگذرد و از وعده‌های خداوندی و وعیده‌های آن عملاً در میان آن مردم خبری نباشد و از خداوند نترسند و به یاد او نباشند و از ناسخ و منسوخ قرآن بی خبر باشند.

۶۷. در این حالات مساجدشان آباد باشد اما دلهاشان از تقوا و ایمان

تهی.

۶۸. علما و دانشمندان آن زمان بدترین مردم روی زمین باشند و تمام فسادها و فتنه‌ها از ناحیه آنها برخیزد و بازگشت همه آنها (فتنه‌ها) به سوی خود ایشان است.

۶۹. مردم خیر و نیکوکار و مراکز خیر از بین برود اما اهل شر و فساد بمانند.

۷۰. مردم به خداوند عالم در کارهایشان بی اعتنا باشند و اعمالشان از روی تحقیق نباشد.

۷۱. تنها محبوب مردم دینار و درهم باشد (ثروت دنیا از هر راهی که بیاید، حلال یا حرام، مانعی نداشته باشد).

۷۲. هر قدر ثروتشان زیاد شود باز بگویند فقیریم.

● خواننده عزیز! این هفتاد و دو علامت را به منزله یک آینه قرار بده و آن را در مقابل جهان امروز بگذار؛ اگر همه اینها را در این آینه و در قیافه‌های این مردم ندیدید نویسنده را نفرین کنید و گرنه به دعای خیر از او یاد کنید. حتماً می بینید.

جابر بن عبدالله انصاری می گوید:

قَالَ حَجَّجْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَجَّةَ الْوَدَاعِ فَلَمَّا قَضَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا افْتَرَضَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَجِّ أَتَى مُودِعَ الْكَعْبَةِ فَلَزِمَ حَلْقَةَ الْبَابِ وَنَادَى بِرَفِيعِ صَوْتِهِ أَيُّهَا النَّاسُ فَاجْتَمَعَ أَهْلُ الْمَسْجِدِ وَأَهْلُ الشُّوقِ فَقَالَ اسْمَعُوا إِنِّي قَائِلٌ مَا هُوَ بَعْدِي كَائِنٌ فَلْيُبَلِّغْ شَاهِدُكُمْ غَائِبِكُمْ ثُمَّ بَكَى رَسُولُ اللَّهِ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّىٰ بَكَى لِبُكَائِهِ النَّاسُ أَجْمَعِينَ فَلَمَّا سَكَتَ مِنْ بُكَائِهِ قَالَ اإَعْلَمُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ أَنَّ مَثَلَكُمْ فِي هَذَا الْيَوْمِ كَمَثَلِ وَرَقٍ لِشَوْكٍ فِيهِ إِلَىٰ أَرْبَعِينَ وَمِائَةً سَنَةً ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ شَوْكٌ وَوَرَقٌ إِلَىٰ مِائَتِي سَنَةٍ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ شَوْكٌ لَا وَرَقَ فِيهِ حَتَّىٰ لَا يُرَىٰ فِيهِ إِلَّا سُلْطَانٌ جَائِرٌ أَوْ غَنِيٌّ بَخِيلٌ أَوْ عَالِمٌ مُرَاغِبٌ فِي الْمَالِ أَوْ فَقِيرٌ كَذَّابٌ أَوْ شَيْخٌ فَاجِرٌ أَوْ صَبِيٌّ وَقِحٌ أَوْ امْرَأَةٌ رَعْنَاءٌ ثُمَّ بَكَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَامَ إِلَيْهِ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ وَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنَا مَتَىٰ يَكُونُ ذَلِكَ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا قَلَّتْ عُلَمَائُكُمْ وَذَهَبَتْ قُرَاؤُكُمْ وَقَطَعْتُمْ زَكَاتَكُمْ وَأَظْهَرْتُمْ مُنْكَرَاتِكُمْ وَعَلَتْ أَضْوَاتُكُمْ فِي مَسَاجِدِكُمْ وَجَعَلْتُمْ الدُّنْيَا فَوْقَ رُؤُوسِكُمْ وَالْعِلْمَ تَحْتَ أَقْدَامِكُمْ وَالْكَذِبَ حَدِيثَكُمْ وَالْغَيْبَةَ فَكَيْهَتِكُمْ وَالْحَرَامَ غَنِيمَتَكُمْ وَلَا يَرْحَمُ كَبِيرُكُمْ صَغِيرُكُمْ وَلَا يُوقِرُ صَغِيرُكُمْ كَبِيرُكُمْ فَعِنْدَ ذَلِكَ تَنْزِلُ اللَّعْنَةُ عَلَيْكُمْ وَ يُجْعَلُ بِأَسْمِكُمْ يَتْنِكُمْ وَبِقِي الدِّينِ يَتْنِكُمْ لَفْظًا بِالسِّيْتِكُمْ فَإِذَا أُوتِيتُمْ هَذِهِ الْخِصَالِ تَوَقَّعُوا الرِّيحَ الْحَمْرَاءَ أَوْ مَسْخًا أَوْ قَذْفًا بِالْحِجَارَةِ وَتَصْدِيقُ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ سِيعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ أَنْظُرْ كَيْفَ نُصِرَفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ» .^١

فَقَامَ إِلَيْهِ جَمَاعَةٌ مِنَ الصَّحَابَةِ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنَا مَتَىٰ يَكُونُ ذَلِكَ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عِنْدَ تَأْخِيرِ الصَّلَاةِ وَاتِّبَاعِ الشَّهَوَاتِ وَشُرْبِ الْقَهَوَاتِ وَشَتْمِ الْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ حَتَّىٰ تَرُونَ الْحَرَامَ مَغْنَمًا وَالزَّكَاةَ مَغْرَمًا وَأَطَاعَ الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ وَجَفَا جَارَهُ وَقَطَعَ رَحِمَهُ وَذَهَبَتْ رَحْمَةُ الْكَابِرِ وَقَلَّ حَيَاءُ الْأَصَاغِرِ وَشَيَّدُوا الْبُنْيَانَ وَظَلَمُوا الْعَبِيدَ وَالْإِمَاءَ وَشَهِدُوا بِالْهَوَىٰ وَحَكَمُوا بِالْجَوْرِ وَيَسُبُّ الرَّجُلُ أَبَاهُ وَيَحْسُدُ الرَّجُلُ أَخَاهُ وَيُعَامِلُ الشُّرَكَاءَ بِالْخِيَانَةِ وَقَلَّ الْوَفَاءُ وَشَاعَ الزِّنَا وَتَرَيْنَ الرِّجَالَ بِثِيَابِ النِّسَاءِ وَسَلِبَ عَنْهُنَّ قِنَاعَ الْحَيَاءِ وَدَبَّ الْكِبْرُ فِي

الْقُلُوبِ كَدِيبِ السِّمِّ فِي الْأَبْدَانِ وَقَلَّ الْمَعْرُوفُ وَظَهَرَتِ الْجَرَائِمُ وَهَوَّيَتِ الْعِظَائِمُ وَطَلَبُوا الْمَدْحَ بِالْمَالِ وَأَنْفَقُوا الْمَالَ لِلْغِنَاءِ وَشَغَلُوا بِالْدُّنْيَا عَنِ الْآخِرَةِ وَقَلَّ الْوَرَعُ وَكَثُرَ الْقَطْمَعُ وَالْهَرَجُ وَالْمَرْجُ وَأَصْبَحَ الْمُؤْمِنُ ذَلِيلًا وَالْمُنَافِقُ عَزِيزًا مَسَاجِدُهُمْ مَعْمُورَةٌ بِالْأَذَانِ وَقُلُوبُهُمْ خَالِيَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ وَاسْتَخَفُّوا بِالْقُرْآنِ وَبَلَغَ الْمُؤْمِنُ عَنْهُمْ كُلَّ هَوَانٍ فَعِنْدَ ذَلِكَ تَرَى وُجُوهَهُمْ وُجُوهَ الْآدَمِيِّينَ وَقُلُوبُهُمْ قُلُوبَ الشَّيَاطِينِ كَلَامُهُمْ آخِلِي مِنَ الْعَسَلِ وَقُلُوبُهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْحَنْظَلِ فَهُمْ ذِنَابٌ وَعَلَيْهِمْ ثِيَابٌ مَائِنٌ يَوْمَ إِلَّا يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَفْبَى تَغْتَرُّونَ أَمْ عَلَيَّ تَجْتَرُّونَ «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجِعُونَ»^۱ فَوَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَوْلَا مَنْ يَعْْبُدُنِي مُخْلِصًا مَا أَمَهَلْتُ مَنْ يَعْصِي ظَرْفَةَ عَيْنِي وَلَوْلَا وَرَعُ الْوَرَعِينَ مِنْ عِبَادِي لَمَا أَنْزَلْتُ مِنَ السَّمَاءِ قِطْرَةً وَلَا أَنْبَتُ وَرَقَةً خَضِرَاءَ فَوَاعَجَبًا لِقَوْمٍ آلِهَتُهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَطَالَتْ آمَالُهُمْ وَقَصُرَتْ آجَالُهُمْ وَهُمْ يَظْمَعُونَ فِي مُجَاوِرَةِ مَوْلَاهُمْ وَلَا يَصِلُونَ إِلَى ذَلِكَ إِلَّا بِالْعَمَلِ وَلَا يَتِمُّ الْعَمَلُ إِلَّا بِالْعَقْلِ.^۲

در حجة الوداع (آخرین حج) در خدمت رسول اکرم صلی الله علیه وآله بودم. وقتی که پیامبر بزرگ اعمال واجب حج را تمام فرمودند به عنوان وداع به خانه کعبه نزدیک شدند، حلقه در خانه را گرفتند و با صدای بلند که همه اهل مسجد الحرام و بازاریان صدای مبارکشان را شنیدند و اجتماع کردند، فرمودند: ای مردم! بشنوید و به آنهایی که در اینجا نیستند برسانید. آنگاه وجود مقدس رسول گرامی صلی الله علیه وآله گریه کردند و از گریه آن بزرگوار همه به گریه افتادند و چون از گریه فارغ شدند، فرمودند: ای مردم! خداوند شما را رحمت کند. مثل شما از امروز تا یکصد و چهل سال دیگر مانند درخت بی خار خواهد بود (ممکن است کنایه از زندگی آرام باشد) و دوستان سال دیگر بر شما خواهد آمد که مانند درختی باشید که هم برگ دارد و هم خاردار است (این نیز ممکن است کنایه از زندگی همراه با نیش و نوش و زحمت و خوشی باشد). دیگر بعد از این مثل شما مانند درختی است که خارهای جانگداز

۱. مؤمنون / ۱۱۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۲۶۲-۲۶۴.

دارد و در این فصل از زندگی نمی بینید مگر پادشاه ستمگر یا ثروتمند بخیل یا عالم دنیاپرست یا فقیر دروغگو یا پیرمرد زناکار یا بچه گستاخ یا زن نادان و احمق. آنگاه رسول اکرم صلی الله علیه وآله گریه کردند. سلمان فارسی از جا برخاست و عرض کرد: یا رسول الله! به ما خبر بده کی خواهد شد. حضرت فرمودند: هرگاه علما و دانشمندان شما کم شوند و قاریان قرآن شما از بین بروند و زکات دادن متروک شود و منکرات در اجتماع شما رواج پیدا کند و در مساجد صداهای شما بلند شود و کارهای مربوط به دنیا را مقدم بر امور اخروی بلکه روی سر آخرت بگذارید و علم را زیر پای خود قرار دهید (کنایه از علوم اسلامی و معارف حقه اهل بیت علیهم السلام است) و سخن معمولی و همگانی شما دروغ، میوه و نقل مجالس شما غیبت و آنچه به دست می آورید حرام باشد. [ای سلمان!] در آن زمان بزرگان بر کوچکان رحم نمی کنند و کوچکان نیز احترام بزرگان را نگاه نمی دارند [ای سلمان!] در این حالت، لعنت خداوند بر شما نازل می شود و سختیها دامن شما را خواهد گرفت و از دین در میان شما جز لفظی باقی نمی ماند و آنگاه که شما دارای این صفات ناپسند شدید، منتظر وزیدن باد سرخ یا سنگباران شدن یا مسخ شدن باشید، به درستی که در کتاب خداوند عزوجل آمده است: «خداست که می تواند به وسیله عذابهای مختلف از بالا و پایین (سنگباران یا بادهای سخت) شما را مجازات کند یا شما را گروه گروه کند و بچشانند برخی از شما را آسیب برخی دیگر. بنگر چگونه آیه ها را گونه گونه می کنیم، شاید آنها فهم کنند».

در این موقع بعضی از اصحاب برخاسته، عرض کردند: یا رسول الله! به ما خبر ده این جریانات کی خواهد بود. فرمودند: آنگاه که نماز را در وقت خودش نخوانند، متابعت از شهوات کنند، شرب خمر کنند (زیرا قهوه خوردن گناه نیست)، به پدران و مادران ناسزا بگویند، به دست آوردن مال حرام را غنیمت بدانند و زکات دادن را زیان و ضرر تلقی کنند، مردان همسر خود اطاعت کند، درباره همسایه جفا کنند، با ارحام قطع ارتباط کنند، رحم از بزرگان برداشته شود و حیای کوچکان کم گردد، ساختمانها را محکم بنا کنند، درباره نوکران و کلفتها ظلم کنند، شهادتشان از روی هوی و هوس باشد، حکم آنها بر اساس ظلم باشد، مرد پدرش را لعنت کند، برادر نسبت به برادر حسد ورزد، شرکاء در معاملاتشان به یکدیگر خیانت کنند، وفا کم شود، زنا

شیوع پیدا کند، مردان خود را به لباس زنان بیارایند، پرده حیا از رزنها برداشته شود، تکبر دل‌های مردم را پر کند مانند سم‌های کشنده‌ای که در بدن‌ها جای می‌گیرد، کارهای خوب کم شود و جرایم و بدیها ظاهر شود، واجبات الهی سبک پنداشته شود، با گرفتن پول صاحبان مال را بستایند، ثروت را در راه غنا و خوانندگی به مصرف برسانند، از آخرت غفلت کنند و تمام توجه خود را به دنیا معطوف دارند، ورع و پرهیزکاری کم و طمع زیاد شود، هرج و مرج بالا گیرد، بندگان خدا در جامعه ذلیل و منافقان در میان مردم محترم باشند، مساجد از نظر ظاهر به وسیله اذان آباد اما دل‌های ساکنان آن تهی از ایمان باشد، قرآن را سبک بشمارند، انواع خواریه‌ها درباره اهل ایمان اعمال کنند. در این هنگام می‌بینی که صورت این مردم چهره آدمی است اما قلب‌های آنان دل‌های شیاطین است (پر است از مکر و حيله و تکبر و امثال این صفات بد)؛ سخنان آنان از عسل شیرین تر اما دل‌هایشان پر است از زهرهای کشنده. اینان گرگ‌های درنده‌ای هستند که به لباس آدمیان درآمده‌اند. در این حالات، روزی نیست که خداوند به آنها تفرماید آیا از رحمت من مغرور شده و به من جرأت پیدا کرده‌اید؟ «تصور می‌کنید که من شما را بی فایده خلق کردم و بازگشت شما به سوی من نیست؟». به عزت و جلالم سوگند، اگر به خاطر بندگان صالح و با اخلاص نبود یک آن به معصیتکاران مهلت نمی‌دادم و اگر ورع و پرهیزکاری بندگان باتقوا نبود یک قطره باران از آسمان فرو نمی‌فرستادم و یک برگ سبز از زمین نمی‌رویاند. عجباً از مردمی که مال و ثروت را خدای خویش قرار داده‌اند و آرزوهای آنها طولانی است (با توجه به عمر کوتاه دنیا) و چشم طمع دارند که در جوار رحمت الهی باشند، و حال آنکه به مقام قرب نمی‌رسند مگر به وسیله عمل صالح و عمل هم قبول نخواهد شد مگر با راهنمایی عقل.

در این حدیث نبی معظم صلی الله علیه و آله از حوادث و بلاهایی که بعد از آن بزرگوار متوجه خاندان عزیزش می‌شود یاد می‌فرمایند و در ضمن به بعضی از علائم ظهور امام عصر روحی له الفداء اشاره می‌کنند:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَكَرَ بَلَاءً يَلْقَاهُ أَهْلُ بَيْتِهِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ

رَأْيَهُ مِنَ الْمَشْرِقِ سَوْدَاءَ مَنْ نَصَرَهَا نَصْرَهُ اللَّهُ وَمَنْ خَذَلَهَا خَذَلَهُ اللَّهُ حَتَّى يَأْتُوا
رَجُلًا اسْمُهُ كَأَسْمَى فَيُولُوهُ أَمْرَهُمْ فَيُؤْتِيَهُ اللَّهُ وَيَنْصُرُهُ.^۱

پرچمهای سیاهی از جانب مشرق (خراسان) به اهتزاز درمی آید. هر کسی که
زیر این پرچمها برود و صاحبش را یاری کند خداوند او را یاری خواهد فرمود
و هر فردی که آنها را مخدول کند، یعنی با پرچم و صاحب آن مخالفت کند،
خداوند او را مخدول خواهد کرد تا اینکه مردی بیاید که نامش مانند نام من
باشد. پس زمام امور را به دست گیرد و خداوند او را از نصرت و تأییدات
خودش بهره مند خواهد فرمود.^۲

نعیم بن حمّاد می گوید:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَكُونُ فِتْنَةٌ ثُمَّ تَكُونُ جَمَاعَةٌ ثُمَّ تَكُونُ فِتْنَةٌ
تَفُوجُ فِيهَا عُقُولُ الرِّجَالِ.^۳

رسول معظم اسلام صلی الله علیه وآله فرمودند: بعد از من فتنه هایی خواهد بود و
جماعتی رهبری فتنه ها را به عهده خواهند گرفت؛ اما در آخر فتنه ای خواهد
بود که بر اثر آن عقل مردم دچار انحراف خواهد شد.

ممکن است منظور از فتنه ها حادثه بعد از رسول اکرم صلی الله علیه وآله
(غصب خلافت)، زمامداری بنی امیه، خلافت بنی عباس و فتنه های دیگری باشد
که واقع شده است.

عبدالله بن مسعود از بنیانگذار اسلام صلی الله علیه وآله روایت می کند که آن
حضرت در ارتباط با حوادث بعد از خودشان چنین فرمودند:

أَحْذَرُكُمْ سَبْعَ فِتْنٍ تَكُونُ بَعْدِي فِتْنَةٌ تُقْبَلُ مِنَ الْمَدِينَةِ وَفِتْنَةٌ بِمَكَّةَ وَفِتْنَةٌ تُقْبَلُ مِنَ
الْيَمَنِ وَفِتْنَةٌ تُقْبَلُ مِنَ الْمَشْرِقِ وَفِتْنَةٌ مِنْ قِبَلِ الْمَغْرِبِ وَفِتْنَةٌ مِنْ بَطْنِ الشَّامِ
وَهِيَ فِتْنَةُ الشُّفْيَانِيِّ قَالَ ابْنُ مَسْعُودٍ مِنْكُمْ مَنْ يُدْرِكُ أَوَّلَهَا وَمِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ مَنْ

۱. الملاحم والفتن، ص ۵۴.

۲. در این روایت اشاره به قیام جناب سید حسنی شده است.

۳. نواب الذهور، ص ۱۰۶.

يُذْرِكُ آخِرَهَا ۱

من شما را از هفت فتنه می ترسانم که بعد از من در دنیای اسلام به وجود می آید:

۱. فتنه ای که در مدینه بر پا می شود (ممکن است اشاره به فتنه طلحه و زبیر باشد یا حادثه سقیفه).

۲. فتنه دَوم از مکه است (ممکن است اشاره به جریان عبدالله بن زبیر باشد).

۳. فتنه ای که از جانب یمن (نجده) باشد.

۴. فتنه ای که از جانب شام برخواید خاست (ممکن است اشاره به فتنه بنی امیه باشد).

۵. فتنه ای که از جانب مشرق به وجود می آید (ممکن است فتنه بنی عباس باشد).

۶. فتنه ای که از سوی مغرب خواهد بود.

۷. فتنه هفتم از شام برمی خیزد، که همانا قیام سفیانی است.

عبدالله بن مسعود می گوید: بعضی از افراد این امت اول این فتنه ها را درک می کنند و بعضی دیگر آخر این فتنه ها را خواهند دید.

● خواننده ارجمند! باید از خداوند بزرگ به وسیله آقا حضرت بقیة الله روحی له الفداء استدعا کنیم که همه ما را در این فتنه ها و امتحانات حفظ فرماید تا ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام را با عافیت درک نماییم — آمین یا رب العالمین —.

راوی خبر می گوید: در خدمت رسول اکرم صلی الله علیه وآله بودم، جوانانی از بنی هاشم وارد شدند، رنگ مبارک آن حضرت دگرگون. پس آن جوانان عرض کردند: یا رسول الله ما همیشه در رخسار شما حالی را می بینیم که آن را خوش نداریم. حضرت فرمودند:

إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ إِخْتَارِ اللَّهِ لَنَا الْآخِرَةُ عَلَى الدُّنْيَا وَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِي هُوَ لَأَيُّهَا يَلْقَوْنَ بَعْدِي
بَلَاءً وَتَطْرِيداً وَتَشْرِيداً حَتَّى يَأْتِيَ قَوْمٌ مِنْ هَيْهَنَا نَحْوَ الْمَشْرِقِ أَصْحَابُ رِيبَاتٍ

سُوِدٍ يَسْأَلُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا فَيَقَاتِلُونَ فَيُنْصَرُونَ فَيُعْظُونَ مَا سَأَلُوا
فَلَا يَقْبَلُونَهَا حَتَّى يَدْفَعُوهَا إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا
مَلَأُوهَا ظُلْمًا فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَأْتِيهِمْ وَلَوْ حَبْرًا عَلَى التَّلْحِ فَإِنَّهُ
الْمَهْدِيُّ. ۱

ما اهل بیتی هستیم که خداوند به جای دنیا آخرت را برای ما قرار داده است. به درستی که اهل بیت من (این جمعیت) بعد از من به انواع بلاها مبتلا می شوند (شهادت، اسارت، تبعید، زندان و...) تا اینکه قومی از سمت مشرق بیایند که دارای پرچمهای سیاه هستند. آنان مطالبه حق کنند و به آنها داده نشود. پس جنگ کنند تا دفعه دوم و سوم پیروزی نصیب آنها شود و آنها این موفقیت را به مردی از خاندان من تقدیم می کنند و او جهان را پر از عدل و داد می کند چنانکه پر شده باشد از ظلم و جور. پس هر کسی از شما آن زمان را درک کرد خودش را به او برساند ولو اینکه از راه خریدن و سینه خیز روی برف باشد، زیرا او مهدی من است.

● خواننده گرامی! در این روایت خبر داده اند از قیام جناب سید حسنی و یاران او و تسلیم شدنش به امام عصر روحی له الفداء و اینکه در خدمت آن بزرگوار خواهد بود، و البته مرکز قیام خراسان خواهد بود.

رسول اکرم و مواریت انبیاء

در این روایت رسول خدا صلی الله علیه وآله از مواریت انبیاء سخن گفته اند. آری، یکی از علائم ظهور حضرت مهدی روحی له الفداء همین است که باید آنچه انبیای گذشته داشته اند و به وسیله آن دشمنان را به زانو در می آوردند و موقعیت خود را تثبیت می کردند، آن حضرت نیز داشته باشند. لذا در این خبر می گوید پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه وآله فرمودند:

تَخْرُجُ الدَّابَّةُ وَمَعَهَا عَصَا مُوسَى وَخَاتَمُ سُليْمَانَ فَتَجْلُو وَجْهَ الْمُؤْمِنِينَ بِالْعَصَا وَ

تَخْتِمُ أَنْفَ الْكَافِرِ بِالْخَاتِمِ.^۱

«دابه»^۲ بیرون می آید در حالتی که عصای موسی و انگشتر سلیمان [علیهما السلام] در دست اوست. پس به وسیله عصا صورتهای اهل ایمان روشن می شود و دماغ کفار و دشمنان حق به وسیله خاتم سلیمان مهر می گردد.

این است معنی ولایت مطلقه الهی و این قدرتی است که با آن تمام صفحه آفرینش را مسخر خود قرار می دهند.

رسول اکرم و خراب شدن مسجد براثا

مسجد براثا واقع در غرب بغداد مسجدی است بسیار با عظمت که هفتاد پیامبر در آن نماز خوانده اند. در این روایت، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله پس از ذکر موقعیت این مسجد، خراب شدن آن را یکی از فتنه های پیش از ظهور بیان فرموده اند. خلاصه روایت از این قرار است که مسجدی را در حیات پیامبر صلی الله علیه وآله شبانه خراب کردند. اصحاب ناراحت شدند، آن حضرت فرمودند:

لَا تُنْكِرُوا ذَلِكَ فَإِنَّ هَذَا الْمَسْجِدَ يُعَمَّرُ وَلَكِنْ إِذَا هُدِمَ مَسْجِدُ بَرَاثَا بَطَلَ الْحَجَّ قِيلَ لَهُ وَأَيْنَ مَسْجِدُ بَرَاثَا هَذَا قَالَ فِي غَرْبِي الزُّورَاءِ مِنْ أَرْضِ الْعِرَاقِ صَلَّى فِيهِ سَبْعُونَ نَبِيًّا وَوَصِيًّا وَآخِرُ مَنْ يُصَلِّي فِيهِ هَذَا وَأَشَارَ يَدِهِ إِلَى قَوْلَانَا عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.^۳

منکر نشوید این را زیرا که این مسجد آباد می شود، اما اگر مسجد براثا خراب شود (کنایه از اهمیت مسجد است) زیانهایی در بردارد که از جمله آن تعطیل شدن برنامه حج است. عرض کردند: این مسجد در کجا قرار گرفته است؟ فرمودند: در غرب زوراء (بغداد) از زمین عراق. هفتاد پیامبر در این مسجد نماز خوانده اند و آخر کسی که در آن نماز می خواند علی بن ابی طالب علیه السلام است.

۱. الملاحم والفتن، ص ۱۰۰.

۲. یکی از نامه های حضرت مهدی روحی له الفداء.

۳. نواب الدهور، ص ۱۳۱. طبق روایات زیادی مراد از «دابة الارض» حضرت علی علیه السلام است (ناشر).

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله بعد از خودشان برای امت اسلامی از سه عامل می ترسیدند:

۱. لغزش عالم و دانشمند که قدرت تخریبی آن از صدها بمب اتمی بیشتر است. زیرا لغزش عالم عقاید و افکار مردم را مسموم می کند و آنها را برای ابد از بین می برد، اما اثر بمبهای اتمی فقط مربوط به جسم است.
۲. حکم حاکم ستمگر که بر مبنای خلاف حق صادر می شود.
۳. متابعت از هوی و هوس که همه چیز مردم را به باد فنا می دهد (وضع فعلی مسلمانان در دنیا خود گواه این مطلب است):

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنِّي أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي مِنْ أَعْمَالٍ ثَلَاثَةٍ قَالُوا مَا هُنَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: زَلَّةُ الْعَالِمِ وَحُكْمُ الْجَائِرِ وَهَوَى مُتَّبِعٍ.^۱

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: در خصوص امت، پس از خود در سه مورد بیمناک هستم. سؤال شد یا رسول الله آن سه مورد چیست؟ فرمودند: لغزش عالم و حکم ستمگر و هوی و هوسی که متابعت و پیروی شود.

إِنَّ جِبْرَائِيلَ آتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: وَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ فِيمَ ذَلِكَ؟ فَقَالَ إِنَّ أُمَّتَكَ سَتُفْتَنُ بَعْدَكَ بِقَلِيلِ زَمَانٍ مِنْ دَهْرِكَ غَيْرِ كَثِيرٍ فَقُلْتُ: فِتْنَةٌ كُفْرٍ أَوْ فِتْنَةٌ ضَلَالٍ؟ فَقَالَ: كُلُّ سَيِّئٍ. فَقُلْتُ: وَمِنْ أَيْنَ وَإِنَّمَا فِيهِمْ كِتَابُ اللَّهِ تَعَالَى؟ فَقَالَ: بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى يُفْتَنُونَ وَذَلِكَ مِنْ قَبْلِ أُمْرَائِهِمْ وَقُرَائِهِمْ يَمْنَعُ الْأُمْرَاءُ الْقُرَاءَ الْحُقُوقَ فَيُظْلِمُونَ حُقُوقَهُمْ وَلَا يُعْطُونَهَا فَيَقْتُلُونَ وَيَقْتَلُونَ وَيَتَّبِعُ الْقُرْآنُ أَهْوَاءَ الْأُمْرَاءِ فَيَمْدُونَهُمْ بِسِيِّئِهِ ثُمَّ لَا يَقْصِرُونَ فَقُلْتُ يَا جِبْرَائِيلُ فَكَيْفَ يَسْلَمُ مَنْ يَسْلَمُ؟ فَقَالَ: بِالْكَفِّ وَالصَّبْرِ إِنْ أُعْطُوا الَّذِي لَهُمْ أَخَذُوهُ وَإِنْ مَنَعُوا تَرَكَوهُ.^۲

جبرئیل شرفیاب محضر مقدس رسول اکرم صلی الله علیه وآله شد و این آیه

۱. نوائب الدهور، ص ۱۴۶.

۲. نوائب الدهور، ص ۱۶۶.

شریفه را تلاوت کرد: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». پس، پیامبر صلی الله علیه وآله آیه «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» را تلاوت فرمودند و سپس از جبرئیل پرسیدند: خواندن این آیه برای چیست؟ عرض کرد: یا رسول الله! امت شما بعد از رحلتان مبتلا به یک امتحان سنگین می‌شوند، آن هم خیلی زود. فرمودند: امتحان کفر است یا گمراهی و گم کردن راه حق؟ عرض کرد: همه اینها خواهد بود. پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند: این از کجاست، و حال آنکه قرآن در میان امت من است؟ عرض کرد: به وسیله قرآن امتحان می‌شوند و این برنامه از ناحیه دو دسته پیاده می‌شود: زمامداران و قراء و دانشمندان آنها. فرمانروایان حقوق قراء را نمی‌دهند، پس به آنها ظلم می‌شود و درگیری و جنگ در بین آنها پدید می‌آید. آنگاه فرمانروایان قرآن را تابع هواهای نفسانی خود قرار می‌دهند (طبق دلخواه خود تفسیر می‌کنند) و قراء را به گمراهی می‌کشانند (ممکن است غرض از قراء علما و دانشمندان هر زمانی باشند). پرسیدم از جبرئیل که راه سلامت ماندن از این خطر کدام است؟ گفت: کف نفس و بردباری در مقابل تضییع حقوق و کناره‌گیری از مراکز فتنه.

درباره اوضاع و احوال آخر الزمان از رسول اکرم صلی الله علیه وآله روایت شده است که فرمودند:

يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ تَكْثُرُ فِيهِ الْأَرْاءُ وَتُتَّبَعُ فِيهِ الْأَهْوَاءُ وَيَتَّخِذُ الْقُرْآنُ مَزَامِيرَ وَيُوضَعُ عَلَى الْأَحَانِ الْأَغَانِي يُقْرَأُ بِغَيْرِ خَشْيَةٍ لَا يَأْجُرُهُمُ اللَّهُ عَلَى قِرَاءَتِهِ بَلْ يَلْعَنُهُمْ فَعِنْدَ ذَلِكَ تَهْشُ الثُّفُوسُ إِلَى طَيْبِ الْأَلْحَانِ فَتَذْهَبُ حَلَاوَةُ الْقُرْآنِ أَوْلَيْكَ لَا نَصِيبَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَيَكْثُرُ الْهَرْجُ وَالْمَرْجُ وَتَخْلَعُ الْعَرَبُ أَعِنَّتَهَا وَتَكْتَفِي الرِّجَالُ بِالرِّجَالِ وَالنِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَيَتَّخِذُونَ ضَرْبَ الْقَصِيبِ فِيمَا بَيْنَهُمْ فَلَا يُنْكِرُهُ مُنْكَرٌ بَلْ يَتْرَاضُونَ بِهِ وَهُوَ مِنْ إِحْدَى الْكِبَائِرِ الْخَفِيَّةِ فَوَيْلٌ لَهُمْ مِنْ دِيَانِ يَوْمِ الدِّينِ لَا تَنَالُهُمْ شَفَاعَتِي فَمَنْ رَضِيَ بِذَلِكَ مِنْهُمْ وَلَمْ يَنْهَهُمْ نَدِمَ بِذَلِكَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَأَنَا مِنْهُ بَرِيٌّ وَعِنْدَهَا تَتَّخِذُ النِّسَاءُ مَجَالِسَ وَتَكُونُ الْجُمُوعُ الْكَثِيرَةُ حَتَّىٰ أَنَّ الْمَرْأَةَ لَتَسْكَكُمُ فِيهَا مِثْلَ الرِّجَالِ وَتَكُونُ جُمُوعُهُنَّ لَهَوًّا وَلَعْبًا وَفِي غَيْرِ مَرْضَاةِ اللَّهِ وَهِيَ مِنْ عَجَائِبِ ذَلِكَ الزَّمَانِ فَإِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَبَايْتُوهُمْ وَاحْذَرُوهُمْ فِي

اللَّهِ فَإِنَّهُمْ حَرْبٌ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْهُمْ بَرِيءٌ. ۱

زمانی بر امت من بیاید که مردم دارای آراء مختلف خواهند شد و از هواها و خواهشهای نفسانی پیروی می‌کنند و قرآن را با آواز و مزامیر و به صورت غنا می‌خوانند بدون اینکه از خداوند ترسی داشته باشند. خداوند بزرگ در سایه خواندن قرآن به آنها اجری نخواهد داد بلکه آنها را لعن می‌کند (چون به قرآن عمل نمی‌کنند). پس، در چنین عصری ترانه‌ها و ساز و آواز آدمیان را به طرب می‌آورد آنچنانکه نفسهایشان گویی در طرب می‌آید و لذت و شیرینی قرآن خواندن از آنها گرفته می‌شود. این دسته از مردم از ثوابهای اخروی بی بهره‌اند. در این موقعیت بیگناهان را زیاد می‌کشند، هرج و مرج بالا می‌گیرد و اجتماع عرب خودسر می‌شود (هر کاری که خواستند انجام می‌دهند و در مقابل دستورهای دین بی تفاوت می‌شوند)، مردها به مردها اکتفا می‌کنند (از نظر جنسی) و زنها به زنها قناعت می‌ورزند در فجور. ساز و آواز در میان آنها رواج می‌یابد و در مجامع خودشان از آن استفاده می‌کنند و کسی آنها را نهی نمی‌کند بلکه تشویق می‌شوند، با اینکه یکی از گناهان کبیره است که کبیره بودنش بر آنها پوشیده است، پس وای بر آنها از جزادهنده روز رستاخیز. و شفاعت من به آنها نخواهد رسید و کسی که راضی به اعمال بد آنها باشد و آنان را از این عمل نهی نکند نیز در روز قیامت پشیمان شود (البته پشیمانی دیگر سودی نخواهد داشت) و من از او بیزارم. در چنین جامعه‌ای زنها برای خود تشکیل مجلس می‌دهند (کنفرانس تشکیل می‌دهند) و جمعیت‌های زیادی به راه می‌اندازند، به نحوی که زنها در آن اجتماعات مانند مردها سخنرانی می‌کنند (شعار می‌دهند) و تشکیل این جماعات برای سرگرمی است و در مسیر غیر رضای خداوند انجام می‌شود. پس چون این مردم را با این کیفیت دیدید از آنها فاصله بگیرید و اگر می‌توانید آنها را نهی کنید و از ایشان بترسید برای خدا؛ زیرا این جمعیت در حال جنگ با خدا و رسول او هستند و خداوند و رسولش از آنها بیزارند.

● خواننده عزیز! این روایت را به منزله آینه‌ای قرارده و سیمای جهان را

در آن بین و برای تعجیل در امر فرج امام عصر ارواحنا له الفداء دعا کن — اللهم عجل فرجه — .

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله از سوی خداوند متعال این حدیث را بیان فرموده است:

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: إِذَا هَتَكُوا عِبَادِي حُرْمَتِي وَاسْتَحَلُّوا مَحَارِمِي وَخَالَفُوا أَمْرِي سَلَّطْتُ عَلَيْهِمْ جَيْشًا مِنَ الْمَشْرِقِ يُقَالُ لَهُمُ التُّرْكُ هُمْ فُرْسَانِي أَنْتَقِمُ بِهِمْ مِمَّنْ عَصَانِي نَزَعْتُ الرَّحْمَةَ مِنْ قُلُوبِهِمْ لَا يَرْحَمُونَ مَنْ بَكَى لَا يُجِيبُونَ مَنْ شَكَى يُقْتُلُونَ الْأَبَاءَ وَالْأُمَّهَاتِ وَالْبَنِينَ وَالْبَنَاتِ يُهْلِكُونَ بِلَادَ الْعَجَمِ وَيَفْتَحُونَ الْعِرَاقَ فَيَفْتَرِقُ جَيْشُ الْعِرَاقِ بِثَلَاثِ فِرْقٍ فِرْقَةٌ يَلْحَقُونَ بِأَذْنَابِ الْإِبِلِ وَفِرْقَةٌ يَتْرَكُونَ عِيَالَهُمْ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَفِرْقَةٌ يُقَاتِلُونَ فَيُقْتَلُونَ أُولَئِكَ هُمُ الشُّهَدَاءُ وَتَغْبِطُهُمُ الْمَلَائِكَةُ فَإِذَا رَأَيْتُمْ ذَلِكَ فَاسْتَعِدُّوا لِلْقِيَامَةِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِذَا أَدْرَكْنَا ذَلِكَ الزَّمَانَ أَئِن تَأْمُرُنَا نَسْتَكِنُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَيْكُمْ بِالْغُوطَةِ بِالشَّامِ إِلَى جَانِبِ بَلَدٍ يُقَالُ لَهُ دِمَشْقُ خَيْرِ بِلَادِ الشَّامِ طُوبَى لِمَنْ كَانَ لَهُ فِيهَا مَسْكَنٌ وَلَوْ مَرَبُطًا شَاةً فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى تَكْفَلُ بِالشَّامِ وَأَهْلِهِ. ۱

خداوند فرموده است: وقتی که بندگان من هتک احترام مرا کردند (دین خداوند را محترم نشمردند) و حرام مرا حلال شمردند و اوامر مرا ترک گفتند، جمعیتی را بر آنها مسلط می‌کنم که سواران منند و به وسیلهٔ اینها از کسانی که نافرمانی من کنند انتقام می‌گیرم. رحمت را از دلهای آنها کنده‌ام. لذا به آنهایی که می‌گیرند رحم نمی‌کنند، التماس ملتسمان را نادیده می‌گیرند، پدران و مادران و فرزندان را می‌کشند، بلاد عجم را ویران می‌سازند و عراق را فتح می‌کنند لشکریان عراق سه دسته می‌شوند: یک دسته به دنبال شتران می‌روند (ممکن است کنایه از فرار آنها و روبه بیابان نهادن باشد)، دسته دوم خانواده‌های خود را رها می‌کنند و می‌روند، دسته سوم جنگ می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند. اینها شهدا هستند و ملائکه آسمان به آنها غبطه می‌خورند.

هرگاه این برنامه‌ها را در دنیا دیدید آماده قیامت باشید. عرض کردند: یا رسول الله! اگر این زمان را درک کردیم به کجا پناه ببریم و در کجا منزل کنیم؟ فرمودند: بر شما باد که به غوطه در دمشق بروید که بهترین بلاد شام است. خوشا به حال آن کسی که در شام منزل بگیرد ولو به قدر جایگاه یک گوسفند باشد، زیرا خداوند بزرگ تکفل شام و مردم آن را خود قبول فرموده است.

از وصایای رسول اکرم صلی الله علیه وآله در کتاب «مکارم الاخلاق» به ابن مسعود است که در آن آینده دنیا را در آینه کلمات و سخنان حیاتبخش خود مجسم فرمودند و اکنون خلاصه فرمایشات آن سرور را با خوانندگان عزیز در میان می‌گذاریم. امید است برای همه ما آموزنده باشد.

يَا ابْنَ مَسْعُودِ الْاِسْلَامُ بَدَأَ غَرِيبًا وَسَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ فَمَنْ
اَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ مِمَّنْ يَظْهَرُ مِنْ اَعْقَابِكُمْ فَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِمْ فِي نَادِيهِمْ وَلَا يُشَيِّعُ
جَنَائِزَهُمْ وَلَا يَعُدُّ مَرَضَاهُمْ فَإِنَّهُمْ يَسْتَسِيثُونَ بِسُنَّتِكُمْ وَيَظْهَرُونَ بِدَعْوَاكُمْ
وَيُخَالِفُونَ اَفْعَالَكُمْ فَيَمُوتُونَ عَلٰى غَيْرِ مِلَّتِكُمْ اُولَئِكَ لَيْسُوا مِنِّي وَلَسْتُ مِنْهُمْ
إِلَى اَنْ يَقُولَ يَا ابْنَ مَسْعُودِ يَا نَبِيَّ عَلٰى النَّاسِ زَمَانٌ اَلصَّابِرُ فِيهِ عَلٰى دِينِهِ مِثْلُ
الْقَابِضِ بِكَفِّهِ الْجَمْرَةَ فَإِنْ كَانَ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ ذِئبًا وَاِلَّا اَكَلَتْهُ الدِّثَابُ.

يَا ابْنَ مَسْعُودِ عَلِمَاؤُهُمْ وَفُقَهَاؤُهُمْ خَوْنَةٌ فَجَرَةٌ اِلَّا اِنَّهُمْ اَسْرَارُ خَلْقِ اللّٰهِ وَكَذَلِكَ
اَتْبَاعُهُمْ وَمَنْ يَأْتِيهِمْ وَيَأْخُذُ مِنْهُمْ وَيُجِبُّهُمْ وَيُجَالِسُهُمْ وَيُشَاوِرُهُمْ اَسْرَارُ خَلْقِ
اللّٰهِ يُدْخِلُهُمْ نَارَ جَهَنَّمَ صُمٌّ بَكْمٌ غُمٌّ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَلٰى
وُجُوهِهِمْ غُمًّا وَبُكْمًا وَصُمًّا مَا وُيْهِمْ جَهَنَّمَ كُلَّمَا خَبَتْ زِلْمَانُهُمْ سَعِيرًا كُلَّمَا
نَضَجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ اِذَا اَلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا
شَهيقًا وَهِيَ تَفُورُ تَكَادُ تَمَيِّرُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا ارَادُوا اَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ
اَعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ.
يَا ابْنَ مَسْعُودِ يَدْعُونَ اَنْهُمْ عَلٰى دِينِي وَسُنَّتِي وَمِنْهَا جِي وَشَرَايِعِي اِنَّهُمْ مِنِّي
بِرَاءٌ وَاَنَا مِنْهُمْ بَرِيٌّ. يَا ابْنَ مَسْعُودِ لَا تُجَالِسُوهُمْ فِي الْمَلَأِ وَلَا تُبَايِعُوهُمْ فِي
الْاَسْوَاقِ وَلَا تَهْدُوهُمْ اِلَى الطَّرِيقِ وَلَا تَسْقُوهُمْ الْهَاءَ قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰى «مَنْ كَانَ

يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَتَهَا نُوفٍ إِلَيْهِمْ أَعْمَالُهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ»^۱
 يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى «وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي
 الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ»^۲...

يَا ابْنَ مَسْعُودٍ مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ يُرِيدُ بِهِ الدُّنْيَا وَآثَرَ عَلَيْهِ حُبَّ الدُّنْيَا وَزَيَّنَتَهَا
 اسْتَوْجَبَ سَخَطَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَكَانَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ التَّارِيعِ الْيَهُودِ
 وَالتَّصَارِي الَّذِينَ نَبَذُوا كِتَابَ اللَّهِ تَعَالَى قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا
 كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ.

يَا ابْنَ مَسْعُودٍ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ لِلدُّنْيَا وَزَيَّنَتَهَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ يَا ابْنَ
 مَسْعُودٍ مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَلَمْ يَعْمَلْ بِمَا فِيهِ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى وَمَنْ تَعَلَّمَ
 الْعِلْمَ رِيَاءً وَسُمْعَةً يُرِيدُ بِهِ الدُّنْيَا نَزَعَ اللَّهُ بَرَكَتَهُ وَضَيَّقَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ وَوَكَّلَهُ
 اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ وَمَنْ وَكَّلَهُ إِلَى نَفْسِهِ فَقَدْ هَلَكَ قَالَ اللَّهُ «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ
 رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»^۳.

يَا ابْنَ مَسْعُودٍ فَلْيَكُنْ جُلَسَاؤَكَ الْأَبْرَارَ وَإِخْوَانِكَ الْأَتْقِيَاءَ وَالزُّهَادَ لِأَنَّهُ
 تَعَالَى قَالَ فِي كِتَابِهِ «الْأَخِيَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ»^۴.
 يَا ابْنَ مَسْعُودٍ اعْلَمْ أَنَّهُمْ يَرَوْنَ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَالْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا فَنِي ذَلِكَ
 يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يَكُونُ فِيهِمْ الشَّاهِدُ بِالْحَقِّ وَلَا الْقَوَامُونَ بِالْقِسْطِ قَالَ
 اللَّهُ تَعَالَى «كُونُوا قَوَامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوَالِدَ الَّذِينَ»^۵
 يَا ابْنَ مَسْعُودٍ يَتَفَاضَلُونَ بِأَخْسَابِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: «وَمَا لِأَحَدٍ
 عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى وَلَسَوْفَ يَرْضَى»^{۶، ۷}.

ای پسر مسعود! اسلام در روز اول غریب به این دنیا آمد و بزودی به غربت اول
 بازمی‌گردد (اشاره به غربت دین مقدس اسلام در ابتدای کار و نیز غربت
 مجدد در آخر الزمان). ای پسر مسعود! هر کسی از شما که این زمان را درک

۱. هود / ۱۵ . ۵. نساء / ۱۳۵ .

۲. شوری / ۲۰ . ۶. لیل / ۲۰ .

۳. کهف / ۱۱۰ . ۷. الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۵۰ - ۱۵۲ .

۴. زخرف / ۶۷ .

کرد از اعقاب شما. پس به آنها سلام نکند، در تشییع جنازه آنها شرکت نجوید و از بیماران آنها عیادت نکند. زیرا اینان به ظاهر خود را در همان راهی جلوه می‌دهند که شما می‌روید و تظاهر به ادعاهای شما می‌کنند، اما عملاً با شما مخالف هستند. پس وقتی که مرگ اینها فرارسد به دین و ملت شما از دنیا نمی‌روند. آنان از من نیستند و من هم از آنان نیستم (سنخیتی با هم نداریم) تا اینکه می‌فرماید: ای پسر مسعود! زمانی بر مردم بیاید که آن کس که بخواهد در دینداری ثابت بماند و ایمانش را حفظ کند همچون کسی است که می‌خواهد آتش را در کف دست خود قرار دهد. پس اگر در این زمان [چون] گرگ باشد می‌تواند زندگی کند، و الا گرگهای درنده او را می‌خورند.

ای پسر مسعود! علما و فقهای آنها خیانتکار و فاجرند. آگاه باشید که اینها بدترین مردم روی زمین هستند و نیز آنهایی که از آنها متابعت می‌کنند و با آنها رفت و آمد دارند و از آنها علم یاد می‌گیرند و یا آنان را دوست می‌دارند و با آنها مجالست و مشورت می‌کنند، جایگاهشان در جهنم است. اینان کور و کر و لال خواهند بود و در روز قیامت نیز نابینا و کر و لال محشور خواهند شد...^۱

ای پسر مسعود! اینها مدعی دینداری و پیروی از من و ادامه دهنده راه من هستند. اما چنین نیست. اینها در حقیقت از من بیزارند و من هم از آنها بیزارم. ای پسر مسعود! در مجالس با آنها ننشینید، در بازارها با آنها داد و ستد نکنید، آنها را به سوی راه رهنمون نشوید، به آنها آب ندهید، که خداوند متعال درباره آنها فرموده است: «هر کس طالب دنیا و زینت دنیا باشد، پاداش اعمالشان را در دنیا به طور کامل عطا می‌کنیم، و چیزی از آن در دنیا فروگذاری نمی‌شود». و خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «هر کس خواهان کشت دنیا باشد از آن برایش می‌دهیم و در آخرت بهره‌ای برای او نیست».

ای پسر مسعود! کسی که تحصیل علم کند اما برای دنیا و رسیدن به نعمتهای دنیوی، مستحق عذاب خداوند خواهد بود و با یهود و نصاری در پست‌ترین مقامات جهنم محشور خواهد شد. یهود و نصاری کتاب خداوند را پشت سر انداختند و با اینکه نسبت به اسلام و آورنده آن شناخت پیدا کردند،

۱. آنگاه آیاتی از قرآن تلاوت فرمودند از سوره «تبارک». طالبان به شرح آیات مراجعه نمایند.

در عین حال، کفر ورزیدند و در نتیجه از رحمت خداوند محروم ماندند. آری، لعنت خدا بر کافران باد.

ای پسر مسعود! هر کس قرآن را برای دنیا و زینتهای آن فرا گیرد، خداوند بهشت را به او حرام گرداند.

ای پسر مسعود! هر کس علم را بیاموزد و به آنچه در آن است عمل نکند، خداوند او را روز قیامت نابینا محسور سازد. و کسی که به خاطر مردم (ریا) تحصیل علم کند و هدفش این باشد که دنیا را برای خود مرتب کند برکت از زندگی اش برداشته می شود و به تنگی معیشت گرفتار می آید و خداوند او را به خودش وامی گذارد که سرانجامش البته هلاکت است. خداوند در قرآن می فرماید: «کسی که به لقای او (قرب جوار) امیدوار است باید نیکوکار باشد و در پرستش خدا هرگز احدی را با او شریک نگرداند».

ای پسر مسعود! سعی کن همنشینان تو از نیکان باشند و اگر برای خودت برادری انتخاب می کنی از زهاد برگزین (زاهد آن کسی است که گناه نکند و دنیا را بر آخرت مقدم ندارد و نسبت به دنیا بی رغبت باشد)؛ چرا که خداوند در کتابش فرموده است: «در آن روز دوستان همه با یکدیگر دشمن اند مگر پرهیزکاران».

ای پسر مسعود! بدان که این اشخاص مغروف را منکر می بینند (واجبات الهی به نظر آنها حرام است) و محرمات را معروف (ارتکاب حرام در نظر آنها مانعی ندارد). پس در این حال، خداوند بر دلهای آنان مهر می زند. آنوقت در میان آنها کسی شهادت به حق نمی دهد و نیز قیام به عدل نمی کند با اینکه خداوند امر فرموده است «نگهدار عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید ولو اینکه به ضرر خودتان و یا پدران و مادران و بستگان نزدیک شما باشد».

ای پسر مسعود! اینها افتخارشان را به مال می دانند با اینکه خداوند فرموده «برای هیچ کس در نزد او نعمتی نیست که پاداش داده شود، مگر در پی خشنودی پروردگار برترش، و بزودی خشنود گردد».

رسول اکرم و روز خلاصی دنیا

از رسول گرامی خدا صلی الله علیه وآله نقل شده است که فرمود:

إِذَا كَانَتِ الصَّبِيحَةُ فِي رَمَضَانَ فَإِنَّهَا تَكُونُ مَغْمَعَةً فِي شَوَّالٍ وَتَمِيرُ الْقَبَائِلُ
وَتَتَحَارَبُ فِي ذِي الْقَعْدَةِ وَيُسَلَبُ الْحَاجُّ وَتُسْفَكُ الدِّمَاءُ فِي ذِي الْحِجَّةِ
وَالْمُحَرَّمِ وَمَا الْمَحَرَّمُ؟ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ يُقْتَلُ النَّاسُ هَرْجًا هَرْجًا ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ
مِنَ السَّمَاءِ أَلَا إِنَّ فُلَانًا ابْنُ فُلَانٍ هُوَ الْمَهْدِيُّ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ فَاسْمَعُوا لَهُ وَ
أَطِيعُوا وَذَلِكَ الصَّوْتُ صَوْتُ جِبْرَائِيلَ حِينَ يَدْعُوا لِلْبَيْعَةِ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِ
الْخَلَاصِ. ١

زمانی که صبحه در ماه رمضان شنیده شد پس همه و آواز جنگ در شوال بلند می شود و قبایل طعام گردآوری و ذخیره می کنند و در ذی القعدة با هم نبرد می کنند و در ماه ذی الحجه حجاج بیت الله الحرام قتل و غارت می شوند و خونها ریخته می شود. و محرم، چه محرمی؟ هرگز نمی توانی درک کنی! نه هرگز! مردم، دسته دسته در این فتنه و آن فتنه کشته می شوند (در هرج و مرج)؛ آنگاه منادی از آسمان ندا می کند که فلانی پسر فلانی، مهدی و قائم آل محمد صلی الله علیه وآله است، به فرمان او گوش فرادهید و اطاعت کنید. آن صدا صدای جبرئیل است که در بامداد روز رهایی، مردم را به بیعت فرامی خواند.

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقول است که می فرمایند:

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ مِنَّا وَذَلِكَ حِينَ يَأْذُنُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ وَمَنْ تَبِعَهُ
نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَكَ اللَّهُ أَلَّةَ عِبَادِ اللَّهِ فَاتَّوَهُ وَلَوْ حَبُوءًا عَلَى النَّلِجِ فَإِنَّهُ
خَلِيفَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَخَلِيفَتِي. ٢

روز رستاخیز بر پا نمی شود تا اینکه قائم ما قیام کند و این قیام در وقتی است که خداوند فرمان ظهورش را امضاء فرماید. هر کس که آن روز از قائم ما

١. روزگار رهایی، ص ٤٥٠.

٢. همان مأخذ، ص ٤٥١.

متابعت کند نجات می یابد و کسی که سر پیچی نماید دچار هلاکت دو جهان خواهد شد. ای بندگان خدا! از خدا بترسید و به سوی قائم ما بشتابید اگرچه مجبور باشید روی برفها به نحو سینه خیز خود را بکشید، زیرا او جانشین خداوند و خلیفه من است [در روی زمین].

رسول اکرم صلی الله علیه وآله به فرزند عزیزش حضرت امام حسین علیه السلام می فرماید:

ثُمَّ يَظْهَرُ أَمِيرًا لَأَمْرَةٍ وَقَاتِلُ الْكُفْرَةِ السُّلْطَانُ الْمَأْمُومُ الَّذِي تَخَيَّرْتُ فِي غَيْبَتِهِ الْعُقُولُ وَهُوَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِكَ يَا حُسَيْنُ يَظْهَرُ بَيْنَ الرَّكْنَيْنِ يَظْهَرُ عَلَى الثَّقَلَيْنِ وَلَا يَتْرُكُ فِي الْأَرْضِ الْأَذْنِينَ ظُوبِي لِلْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ أَدْرَكُوا زَمَانَهُ وَلَحِقُوا آوَانَهُ وَشَهِدُوا آيَاتَهُ وَلَا قُوا أَقْوَامَهُ.^۱

[ای حسین!] امیر همه امیران عالم، کشنده کافران و ستمگران جهان و شهریار منتظری که در غیبتش عقلها مات و حیران شده اند، نهمین فرزند از فرزندان شماست. ای حسین! او بین رکن و مقام ظاهر می شود و بنیان و اساس گمراهی و پستی را از ریشه می کند و چه سعادت مندند افرادی که عصر پرشکوه حکومت او را درک و در دولت حقه اش زندگی می کنند و آن روزگار میمون و مبارک را می بینند و اصحاب باوفای آن سرور را ملاقات می کنند.

واقعاً خوشا به حال مردم آن زمان. از خداوند بخواهیم لیاقت درک آن زمان را به همه ما عنایت فرماید.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله درباره نشانه های قیام حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء می فرماید:

يَسْتَخْرِجُ الزُّبُورَ مِنْ بُحَيْرَةِ طَبْرَةَ فِيهَا مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَ هَارُونَ نَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ فِيهَا الْأَلْوَاخُ وَ عَصَا مُوسَى (ع)... يَسْتَخْرِجُ الْكُتُوبَ يَفْتَحُ مَدَائِنَ الشِّرْكِ.^۲

۱. همان مأخذ، ص ۴۵۲.
۲. همان مأخذ، ص ۴۵۳ و ۴۵۴.

[حضرت مهدی علیه السلام] زیور را از دریاچه طبریه (که گویا در شمال فلسطین است) بیرون می آورد که از خاندان موسی و هارون چیزهایی به عنوان ماترک این دو خاندان با آن هست و ملائکه آن را به دوش می گیرند (یا به هر وسیله ای آنها را می برند) و نیز الواحی که بر حضرت موسی نازل شده و عصای آن حضرت در این اشیاء هست... گنجها را از دل زمین بیرون می آورد و شهرهای شرک را فتح می کند.

درباره لشکر سفیانی که به عزم نبرد با حضرت مهدی علیه السلام به طرف مکه معظمه حرکت می کند از رسول اکرم صلی الله علیه وآله چنین نقل می کنند:

يَبْعَثُ اللَّهُ جِبْرَائِيلَ فَيَقُولُ يَا جِبْرَائِيلُ اذْهَبْ فَأَبْدِهِمْ فَيَضْرِبُهَا بِرِجْلِهِ ضَرْبَةً يَخْسِفُ اللَّهُ بِهِمْ عِنْدَهَا وَلَا يَقْلُتُ مِنْهُمْ إِلَّا رَجُلَانِ مِنْ جُهَيْنَةَ.^۱

خداوند جبرئیل را می فرستد و به او می فرماید: برو نابودشان کن. پس، با پای خود به زمین می کوبد و خداوند همه آنان را در کام زمین فرو می برد و جز دو نفر از اهل جُهینه کسی از آنها زنده نمی ماند.

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام در ضمن حدیث طویلی چنین نقل

می کند:

ثُمَّ يُقْبِلُ عَلَى الْقَائِمِ رَجُلٌ وَجْهُهُ إِلَى قَفَاهُ وَقَفَاهُ إِلَى صَدْرِهِ وَيَقِفُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَيَقُولُ يَا سَيِّدِي أَنَا بَشِيرٌ أَمَرْتَنِي مَلَكٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَنَّ الْحَقَّ بِكَ فَأَبَشِّرُكَ بِهَلَاكِ جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ بِالْبَيْدَاءِ فَيَقُولُ الْقَائِمُ بَيْنَ قِصَّتِكَ وَقِصَّةِ أَخِيكَ فَيَقُولُ الرَّجُلُ كُنْتُ وَأَخِي فِي جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ وَخَرَّبْنَا الدُّنْيَا مِنْ دِمَشْقٍ إِلَى الزَّوْرَاءِ وَتَرَكْنَاهَا جَمَاءَ وَخَرَّبْنَا الْكُوفَةَ وَخَرَّبْنَا الْمَدِينَةَ وَكَسَرْنَا الْمِنْبَرَ فِي حَضْرَةِ الرَّسُولِ وَرَأَيْتُ بِنَا فِي مَسْجِدِهِ وَخَرَجْنَا مِنْهَا وَعَدَدْنَا ثَلَاثًا مِائَةَ أَلْفٍ رَجُلٍ نُرِيدُ إِخْرَابَ الْبَيْتِ وَقَتْلَ أَهْلِهِ فَلَمَّا صِرْنَا فِي الْبَيْدَاءِ عَرَّسْنَا فِيهَا فَصَاحَ بِنَا صَائِحٌ يَا بَيْدَاءُ أَبَيْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ فَأَنْفَجَرَتِ الْأَرْضُ وَابْتَلَعَتْ كُلَّ

الْجَيْشِ فَوَاللَّهِ مَا بَقِيَ عَلَيَّ وَجْهِ الْأَرْضِ عِقَالُ نَاقَةٍ فَمَا سِوَاهُ غَيْرِي وَغَيْرِ أَخِي
فَإِذَا نَحْنُ بِمَلِكٍ قَدْ ضَرَبَ وُجُوهَنَا فَصَارَتْ إِلَيَّ وَرَائِنَا كَمَا تَرَى فَقَالَ لِأَخِي
وَيْلَكَ يَا نَذِيرًا مُضِي إِلَى الْمَلْعُونِ السُّفْيَانِيِّ بِدِمَشْقَ فَإِنِذِرْتَهُ بِظُهُورِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ
مُحَمَّدٍ وَعَرَّفْتَهُ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ جَيْشَهُ بِالْبَيْدَاءِ وَقَالَ لِي يَا بَشِيرُ الْحَقُّ
بِالْمَهْدِيِّ بِمَكَّةَ وَبَشِيرُهُ بِهَلَاكِ الظَّالِمِينَ وَتُبَّ عَلَيَّ يَدِهِ فَإِنَّهُ يَقْبَلُ تَوْبَتَكَ فَيَمُرُّ
الْقَائِمُ يَدَهُ عَلَيَّ وَجْهَهُ فَيَرُدُّهُ سَوِيًّا كَمَا كَانَ وَيُبَايِعُهُ وَيَكُونُ مَعَهُ. ۲

آنگاه در این موقع که حضرت قائم ارواحنا له الفداء در مسجد الحرام و در کنار
کعبه تشریف فرما هستند، مردی که صورتش به عقب برگشته است وارد می شود
و در حضور حضرتش می ایستد و عرض می کند: من بشیر هستم و یکی از
ملائکه به من امر فرموده است که خدمت شما شرفیاب شوم و به هلاکت
لشکریان سفیانی شما را بشارت بدهم. آری، همه آنها در سرزمین بیداء در
زمین فرو رفتند. امام قائم علیه السلام فرمودند: جریان خودت و برادرت را بیان
کن. عرض کرد: من و برادرم در لشکر سفیانی بودیم که شهرها را از دمشق تا
زوراء (بغداد) ویران کردیم و نیز شهر کوفه را. آنگاه به مدینه آمدیم و این شهر
را نیز درهم کوبیدیم و منبر مسجد نبوی را خرد کردیم و مرکبهای سواری خود
را در روضه نبوی بستیم و مرکبهای سواری ما آنجا را آلوده کردند. سپس از
مدینه با سپاهی مجهز که بیش از سیصد هزار نفر جمعیت بود به قصد خراب
کردن خانه خدا یعنی کعبه حرکت کردیم و نیز کشتار مردم مکه در برنامه کار
ما بود. چون به سرزمین بیداء رسیدیم لختی در آنجا توقف کردیم. ناگاه
صدایی بلند شد که گفت: «ای سرزمین بیداء! ستمگران را در کام خویش
فرو برو آنها را هلاک کن». در این حال، زمین شکافته شد و تمام جمعیت
را در کام خویش فرو برد. به خدا سوگند جز من و برادرم کس دیگری نماند.
نه تنها همه افراد بشر نابود شدند بلکه افسار مرکبی هم نماند. در این موقع
فرشته ای نمایان شد و به صورت من و برادرم آنچنان کوبید که صورت ما
این گونه که ملاحظه می فرمایید به عقب برگشت و به برادرم دستور داد و فرمود:
ای نذیر! برو و خبر هلاکت لشکریان و نیز خبر ظهور مهدی آل محمد صلوات الله

علیهم را به سفیانی که در دمشق است، برسان و به او بگو خداوند در سرزمین بیداء تمام سپاهیانت را نابود کرد و آنان در دل زمین فرو رفتند. و نیز به من فرمود: ای بشیر! برو به مکه معظمه و خودت را به حضور مهدی علیه السلام برسان و عرض کن بشارت باد شما را که خداوند لشکر سفیانی را از بین برد (در سرزمین بیداء به زمین فرورفتند) و در خدمت آن حضرت توبه کن که او توبهات را می‌پذیرد. آنگاه حضرت قائم علیه السلام دست مبارکش را به صورت او می‌کشد و به حالت اول برمی‌گردد. وی با آن حضرت بیعت می‌کند و همراه ایشان خواهد بود.

رسول اکرم و گنجهای طالقان

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله در تعریف از یاران مخصوص حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء در منطقه طالقان چنین می‌فرمایند:

وَلَهُ بِالطَّالِقَانِ كُنُوزٌ لَأَذْهَبَ وَلَا فِضَّةٌ إِلَّا خَيْلٌ مَطَهَّمَةٌ وَرِجَالٌ مُسَوَّمَةٌ يَجْمَعُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ مِنْ أَقَاصِي الْبِلَادِ عَلَى عَدَدِ أَهْلِ بَدْرِ ثَمَانِيَةٌ وَثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا.^۱

برای او (مهدی من) در طالقان گنجهایی است که از طلا و نقره نیست بلکه عبارت است از اسبهای زیبا و تکاوران و مردانی با تجربه و کاردان که خداوند از این نوع مردان سیصد و سیزده تن به تعداد اهل بدر از اطراف و اکناف جهان به دور او جمع می‌کند.

وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه وآله در این روایت به برنامه‌های حضرت عیسی علیه السلام در حکومت حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء اشاره فرموده‌اند:

يَكُونُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ فِي أُمَّتِي حَكَمًا مُقْسِطًا يَرْفَعُ الشَّخْنَاءَ وَالتَّبَاعُضَ وَ يُفِيضُ الْمَالَ حَتَّى لَا يَقْبَلَهُ أَحَدٌ وَتُنْرَعُ حُمَّةُ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَكُونُ الْأَرْضُ كَفَاتُورِ الْفِضَّةِ.^۲

۱. روزگار رهایی، ص ۴۲۹.

۲. همان مأخذ، ص ۵۵۴.

۱. حکم می‌کند بین مردم براساس عدل و داد.
۲. کینه و عداوت را از میان جامعه برمی‌دارد.
۳. چندان بذل مال و ثروت می‌کند که دیگر کسی به سراغ مال نمی‌آید (همه بی نیاز می‌شوند).
۴. دشمنی و ستیزه‌جویی از تمام موجودات گرفته می‌شود.
۵. امنیت و آسایش بقدری زیاد می‌شود که صفحه گیتی مانند یک صفحه ساخته شده از نقره نرم می‌شود.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله درباره قیام فرزندش و کیفیت آن چنین می‌فرمایند:

يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ وَعَلَى رَأْسِهِ عِمَامَةٌ فِيهَا مُنَادٍ يُنَادِي هَذَا الْمَهْدِيُّ خَلِيفَةُ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ. ۱

مهدی [علیه السلام] ظاهر می‌شود در حالی که قطعه ابری بر سر آن حضرت قرار گرفته است. در آن حال، منادی فریاد می‌زند: ای جهانیان! این است مهدی آل محمد و جانشین خداوند در روی زمین. از او متابعت کنید.

جابر بن عبدالله انصاری از حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله در ارتباط با حوادث و مصائب آخر الزمان و قبل از ظهور چنین بیان می‌کند: رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله فرمود:

مِنَّا مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا هَرْجًا وَمَرْجًا وَتَظَاهَرَتِ الْفِتْنُ وَتَقَطَّعَتِ السُّبُلُ وَأَغَارَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَلَا كَبِيرَ يَرْحَمُ صَغِيرًا وَلَا صَغِيرَ يُوقِرُ كَبِيرًا فَبَيَعْتُ اللَّهَ عِنْدَ ذَلِكَ مَهْدِيَنَا التَّاسِعَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ يَفْتَحُ حُصُونِ الضَّلَالَةِ وَقُلُوبًا عُقْلًا يَقُومُ فِي الدِّينِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ كَمَا قُمْتُ بِهِ فِي أَوَّلِ الزَّمَانِ وَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا. ۲

مهدی این امت از ما خاندان رسالت است (گویی حضرت رسول صلی الله علیه

۱. الامام المهدي (عج) من المهد الى الظهور، ص ۳۶۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۲۶۶.

وآله به وجود مقدس حضرت مهدی ارواحنا له الفداء که از فرزندان آن حضرت است افتخار می‌کند). وقتی که دنیا پر از هرج و مرج شد و فتنه‌ها در میان مردم نمایان گشت و امنیت از راهها گرفته شد و بعضی از این مردم به بعضی دیگر هجوم آوردند و بزرگان قوم به زیردستان رحم نکردند و افراد کم سن و سال به بزرگان و کهنسالان احترام نگذاشتند، در چنین ایامی، خداوند مهدی ما را که نهمین فرزند پسر امام حسین [علیه السلام] است مأمور می‌کند دژهای گمراهی را درهم بکوبد و قلبهای غافل (وامانده از خیر و آکنده از شر) را تسخیر کند و دین مقدس اسلام را در آخر الزمان برپا دارد، چنانکه من در اول زمان آن را برپا داشتم. بعلاوه، فرزندم مهدی جهان را پر از عدل و داد می‌کند آنگاه که پر از جور شده باشد.

در حدیث لوح حضرت زهراى مرضیه سلام الله علیها پس از بیان ویژگیهای ائمه معصومین علیهم السلام نوبت به حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء می‌رسد. خداوند می‌فرماید:

ثُمَّ أَكْمِلُ ذَلِكَ بِإِيَّهِ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَبَهَاءُ عِيسَى وَصَبْرُ أَيُّوبَ سَيِّدِ الْأَوْلِيَاءِ فِي زَمَانِهِ وَتُّهَادِي رُؤُوسُهُمْ كَمَا تُّهَادِي رُؤُوسِ الشُّرِكِ وَالذِّئْلِمِ فَيُقْتَلُونَ وَيُحْرَقُونَ وَيَكُونُونَ خَائِفِينَ مَرْعُوبِينَ وَجِلِينَ تُصْبَغُ الْأَرْضُ بِدِمَائِهِمْ وَتَفْشُو الرِّبْلُ وَالرِّنَّةُ فِي نِسَائِهِمْ هَوْلَاءِ أَوْلِيَاءِ حَقًّا بِهِمْ أَدْفَعُ كُلَّ بَلِيَّةٍ وَفِتْنَةٍ عَمِيَاءَ حِنْدِسٍ وَبِهِمْ أَكْشِفُ الزَّلَازِلَ وَأَدْفَعُ الْأَصَارَ وَالْأَغْلَالَ أَوْلِيكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأَوْلِيكَ هُمْ الْمُهْتَدُونَ.^۱

بعد از امام حسن عسکری علیه السلام دین خود را به وسیله فرزندش که رحمت واسعة برای جهانیان است کامل می‌گردانم. خصوصیات او به این شرح است: کمالات حضرت موسی بن عمران در اوست، بهای حضرت عیسی دارد و صبر و بردباری حضرت ایوب در وجود مقدسش جمع شده است! [دیگر از

۱. اختصاص مفید، ص ۲۰۷.

۲. با این تفاوت که جناب ایوب تقریباً هفت سال در مصائب و بلاها صبر کرد، اما حضرت مهدی ارواحنا له الفداء بیش از یکهزار و صد و چهل و چند سال در مقابل همه مصائب و سختیها و هجوم

نشانه‌های غیبت حضرتش این است: [اولیاء و بندگان صالح من به خاطر فشار ستمگران در زمان غیبت او در ذلت بسر می‌برند و سرهای بریده آنها را به عنوان تحفه برای یکدیگر می‌فرستند، چنانچه سرهای ترک و دیلم را پیشکش یکدیگر می‌کردند. بندگان و اولیای مرا می‌کشند و می‌سوزانند و مرعوب دشمنان باشند و زمین از خون آنها رنگین شود و ناله و شیون زنهای آنها بلند باشد (در مصیبت عزیزانشان). اینها در حقیقت دوستان منند و به وسیله آنها انواع بلاها و فتنه‌های کور و تاریک را از مردم دفع می‌کنم و زلزله‌ها را به برکت وجود آنها برمی‌دارم. بر آنها باد درودها و رحمت پروردگارشان و آنها هستند هدایت‌یافتگان.

دشمنان و تبلیغات مسموم منافقان و معاندان صبر کرده‌اند تا زمانی که خداوند فرمان ظهورشان را امضاء فرماید.

امام امیر المؤمنین ^{علیه السلام}
و نشانہ ہامی ظہور حضرت مہدی

بجمل اللہ تعالیٰ فرجہ

امام امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب صعصعة بن صوحان که از یاران آن حضرت بود در باب دجال و خروجش، به نشانه‌هایی از ظهور آقا حضرت بقیه الله فی الارضین ارواحنا له الفداء بیاناتی فرمودند که اجمالاً به عرض خوانندگان عزیز می‌رسد.

ابتدا امام علیه السلام اشاره فرمودند که همه علوم از آن خداوند بزرگ است (والله ما المسؤل عنه باعلم من السائل)، و آلا یکی از مسلمات مذهب شیعه این است که دانش امام معصوم و برگزیده از طرف خداوند عالم، نامحدود است؛ یعنی از گذشته و آینده و حال اطلاع دارد، آن هم با قرینه «سألونی قبل أن تفقدونی» (پرسید از من پیش از آنکه دیگر مرا نیابید)، و آلا لازمه اش یا تناقض یا تهافت در کلام امام است. از یک سو می‌فرماید هرچه می‌خواهید تا من میان شما هستم از من پرسید و از سوی دیگر می‌فرماید در ندانستن، من هم مثل شما هستم. ممکن است نظر آقا امیرالمؤمنین این باشد که مردم در پیشگاه خداوند همه مساوی هستند. بنابراین علم ما هم از جانب خداوند است که اگر نمی‌داد من هم مثل شما بودم. اجمالاً به اصل مطلب توجه فرمایید.

عَنِ النَّزَالِ بْنِ سَبْرَةَ: قَالَ خَطَبَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَحَمِدَ اللَّهَ وَ
 أَنَّى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ سَلُونِي أَيُّهَا النَّاسُ قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي - ثَلَاثًا - فَقَامَ إِلَيْهِ
 صَعَصَعَةُ بْنُ صَوْحَانَ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَتَى يَخْرُجُ الدَّجَالُ؟ فَقَالَ لَهُ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَفَعُدَّ فَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ كَلَامَكَ وَعَلِمَ مَا أَرَدْتَ وَاللَّهِ مَا الْمَسْئُولُ عَنْهُ
 بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ وَلَكِنْ لِدَلِيلِكَ عِلَامَاتٌ وَهِيَئَاتُ يَتَّبِعُ بَعْضُهَا بَعْضًا كَحَذْوِ
 النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَإِنْ شِئْتَ أَنْبَأْتُكَ بِهَا قَالَ: نَعَمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ: احْفَظْ فَإِنَّ عِلَامَةَ ذَلِكَ إِذَا أَمَاتَ النَّاسُ الصَّلَاةَ، وَأَضَاعُوا
 الْأَمَانَةَ، وَاسْتَحَلُّوا الْكِذْبَ، وَآكَلُوا الرِّبَا، وَأَخَذُوا الرِّشَاءَ، وَشَيَّدُوا الْبُنْيَانَ، وَ
 بَاغُوا الدِّينَ بِالدُّنْيَا، وَاسْتَعْمَلُوا السُّفَهَاءَ، وَشَاوَرُوا النِّسَاءَ، وَقَطَعُوا الْأَرْحَامَ،
 وَاتَّبَعُوا الْأَهْوَاءَ، وَاسْتَخَفُّوا بِالدِّمَاءِ، وَكَانَ الْجِلْمُ ضَعْفًا، وَالظُّلْمُ فَخْرًا، وَ
 كَانَتِ الْأُمْرَاءُ فَجْرَةً، وَالْوُزَرَاءُ ظَلَمَةً، وَالْعُرَفَاءُ خَوْنَةً، وَالْقُرَاءُ فَسَقَةً، وَظَهَرَتْ
 شَهَادَاتُ الزُّورِ، وَاسْتُعْلِنَ الْفُجُورُ، وَقَوْلُ الْبُهْتَانِ، وَالْإِثْمُ وَالظُّغْيَانُ، وَحَلِيَّتِ
 الْمَصَاحِفِ، وَزُخْرِفَتِ الْمَسَاجِدُ، وَظَوَّلَتِ الْمَنَارُ، وَأُكْرِمَ الْأَشْرَارُ، وَازْدَحَمَتِ
 الصُّفُوفُ، وَاخْتَلَفَتِ الْأَهْوَاءُ، وَنُقِضَتِ الْعُهُودُ وَاقْتَرَبَتِ الْمَوْعُودُ، وَشَارَكَ
 النِّسَاءُ أَرْوَاجَهُنَّ فِي التِّجَارَةِ حِرْصًا عَلَى الدُّنْيَا، وَعَلَّتْ أَصْوَاتُ الْفُسَّاقِ
 وَاسْتَمِعَ مِنْهُمْ، وَكَانَ زَعِيمُ الْقَوْمِ أَرْدَلَهُمْ، وَاتَّقَى الْفَاجِرُ مَخَافَةَ شَرِّهِ، وَصَدَّقَ
 الْكَاذِبُ، وَأَوْثِنَ الْخَائِنُ، وَاتَّخَذَتِ الْقِيَانُ وَالْمَعَارِضُ، وَلَعَنَ آخِرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ
 أَوْلَهَا، وَرَكِبَتْ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ الشُّرُوحَ، وَتَشَبَّهَتِ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَالرِّجَالُ
 بِالنِّسَاءِ، وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُشَشَّهَدَ وَشَهِدَ الْآخِرُ، قِضَاءً لِدِمَامِ بَغِيرِ حَقِّ
 عَرَفَةَ وَتَفَقَّهَ لِغَيْرِ الدِّينِ وَآثَرُوا عَمَلَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَلَبِسُوا جُلُودَ الضَّائِنِ
 عَلَى قُلُوبِ الذَّنَابِ وَقَلُوبُهُمْ أَنْتَنُ مِنَ الْجِيْفِ.^۱

نزال بن سبره نقل می کند که [حضرت امیرالمؤمنین] علی بن ابی طالب
 علیه السلام خطبه می خواندند. پس از حمد و ثنای الهی سه بار فرمودند: «سَلُونِي
 قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي». پس، صعصعة بن صوحان برخاست و عرض کرد: یا

امیرالمؤمنین! دجال کی خروج می کند؟ فرمودند: خداوند سخت را شنید و از آنچه اراده کرده ای آگاه است. و قسم به خدا که سؤال شونده داناتر از سؤال کننده نیست (مگر آنچه را که خداوند تفضل فرموده است.) برای خروج دجال علائم و نشانه هایی است که یکی از بعد دیگری واقع می شود، البته پی در پی و مطابق التعل بالتعال و اگر بخواهی برای توبیان می کنم. صعصعة عرض کرد: بفرمایید، یا امیرالمؤمنین!

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: مطالبی که می گویم به خاطر بسیار و بدان که علائم خروج دجال به شرح زیر است:

۱. مردم نماز را ترک می کنند و در میان مردم می میرد (کنایه از اعراض مردم و بی تفاوت بودن در مقابل این دستور حیاتی است).
۲. امانتها را ضایع می کنند (دیدیم که چطور قرآن و خاندان رسالت را که امانت بزرگ الهی بودند به دست فراموشی سپردند و جامعه اسلامی را به تباهی کشاندند).
۳. دروغ گفتن را حلال می شمارند (تحت عنوان سیاست اجتماعی و غیره).
۴. ربا خوردن یکی از کارهای معمولی جامعه می شود.
۵. رشوه خواری در میان مردم رواج پیدا می کند.
۶. ساختمانها را محکم می سازند (از بتون و آهن و سنگ ساخته می شود).
۷. دین را به دنیا می فروشند (یعنی برای دست یافتن به دنیا و نعمتهای زود گذر آن از ارتکاب هیچ گناهی باک ندارند).
۸. نابخردان و مردم کم عقل را بر کارها می گمارند.
۹. زنان را در کارهای اجتماعی و شخصی طرف مشورت قرار می دهند.
۱۰. قطع صلة ارحام می کنند و از خویشاوندان فاصله می گیرند (مخصوصاً خانواده های فقیر و بی بضاعت).
۱۱. در کارهای زندگی از هوی و هوس پیروی می کنند (با منطق «دلم می خواهد» خود را قانع می کنند).
۱۲. در کشتار و خونریزی بیباک هستند (که امروزه شاهد آن هستیم).
۱۳. بردباری و حلم را به حساب ضعف و ناتوانی می گذارند.
۱۴. ظلم و بیدادگری را مایه مباهات و فخر قرار می دهند.
۱۵. زمامداران در آن زمان از فاسقان و فاجران (گناهکاران) اند [و مردم

- با وجود دیدن فسق آنها ساکت هستند بلکه یاریشان می‌کنند].
۱۶. وزیران دولتها ستمگران جامعه هستند [که با تکیه به مقام وزارت از هر ظلمی باک نخواهند داشت].
۱۷. عارفان و مدعیان مقام تهذیب نفس و تقوا خیانتکارانند (به عقاید و افکار مردم خیانت می‌کنند).
۱۸. قاریان قرآن از افراد فاسق اند.
۱۹. شهادت دادن براساس زور به وجود می‌آید (یعنی از قدرتهای فردی و اجتماعی سوء استفاده می‌شود و مردم را وادار می‌کنند که به نفع آنها شهادتهای دروغین بدهند).
۲۰. گناهان علنی شده، حیا و شرم از میان برداشته می‌شود (مانند تشکیل مجالس علنی از زن و مرد و پهن کردن بساط میگساری و اعمال زشت جنسی، رقصهای دسته جمعی از زن و مرد و برپا داشتن مجالس قمار و...).
۲۱. بهتان و برخلاف واقع گویی نسبت به مردم رایج می‌شود.
۲۲. سرکشی و طغیان و بدرفتاری علنی می‌شود.
۲۳. قرآنها را با چاپهای زرین و جلدهای زرکوب در اختیار مردم قرار می‌دهند (در صورتی که از عمل کردن به احکام و قوانین قرآن در میان آن مردم خبری نیست بلکه درست برخلاف آنچه می‌فرماید عمل می‌کنند).
۲۴. مساجد را از لحاظ ساختمان مزین می‌سازند (در صورتی که از محتوای آن یعنی تقوا خبری نیست).
۲۵. مناره‌های مساجد را بسیار مرتفع می‌سازند (که از راه دور توجه بینندگان را جلب می‌کند) اما از درون — یعنی تقوا — خالی است.
۲۶. اشرار و مردم دور از خدا و معنویت در جامعه محترم هستند.
۲۷. مردم در راه باطل و تقویت و پشتیبانی از اشرار صفوف فشرده خواهند داشت.
۲۸. در کارهای فردی و اجتماعی هواهای نفسانی مختلف است و هر دسته یک راه برای خودش انتخاب می‌کند.
۲۹. پیمان شکنی رایج می‌شود و وعده الهی نزدیک می‌گردد.
۳۰. زنان با مردانشان به جهت حرص به دنیا در کار تجارت شرکت می‌کنند.

۳۱. صدای فساق برخیزد و به آنها گوش فرا داده شود (مورد توجه و مقبول دیگران باشند).
۳۲. زعیم و حاکم بر آن مردم رذل ترین افراد جامعه است (فاقد تمام صفت‌های خوب).
۳۳. مردم از بد کاران و فاسقان می‌ترسند (از شر آنها در امان نیستند).
۳۴. دروغگویان از طرف مردم به عنوان راستگو تأیید می‌شوند (مانند دروغهای سیاستمداران که پیوسته در مجامع مورد تأیید مردم قرار می‌گیرد).
۳۵. خیانتکاران به عنوان امین مردم و پرچمدار امانت معرفی می‌شوند (نظیر انتخاباتی که در سرتاسر جهان صورت می‌گیرد، مانند انتخاب رئیس جمهورها، نخست وزیرها، یا نمایندگان مجلس که به عنوان امین اجتماع انتخاب می‌شوند، در صورتی که از اول اکثراً کار این دسته خیانت به امانت‌های مردم بوده است).
۳۶. هنر پیشه‌های آوازه‌خوان تربیت می‌شوند.
۳۷. مردم گذشتگان را لعنت می‌کنند.
۳۸. زنها سوار بر زینها می‌شوند (اسب سواری، رانندگی و امثال اینها).
۳۹. مردان از نظر لباس و قیافه شباهت به زنها پیدا می‌کنند و نیز زنان شبیه به مردها می‌شوند (بطوریکه انسان گاه دچار تردید می‌شود که این زن است یا مرد — بکرات اتفاق افتاده است —).
۴۰. بی آنکه از افراد شهادت بخواهند برای خوشایند اهل دنیا خود را به عنوان شاهد معرفی می‌کنند.
۴۱. احکام و علوم دین را برای دنیا می‌آموزند و اعمال دنیوی را بر کارهای مربوط به آخرت ترجیح می‌دهند. بر دل‌های گرگ صفتشان جامه می‌ش می‌پوشند، و قلبهای آنها آکنده از کثافت است بطوریکه از هر مرداری گندیده‌تر است.

عمر بن الخطاب از حضرت امیرالمؤمنین سلام الله علیه سؤال می‌کند:

أَخْبَرَنِي عَنِ الْمَهْدِيِّ مَا اسْمُهُ فَقَالَ أَمَّا اسْمُهُ فَإِنَّ حَبِيبِي عَهْدَ إِلَيَّ أَنْ لَا أَحَدِثَ بِاسْمِهِ حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ. قَالَ أَخْبَرَنِي عَنْ صِفَتِهِ فَقَالَ هُوَ شَابٌّ مَرْبُوعٌ حَسَنُ الْوَجْهِ حَسَنُ الشَّعْرِ يَسِيلُ شَعْرُهُ عَلَى مَنْكَبَيْهِ وَنُورٌ وَجْهِهِ يَغْلُو سَوَادَ لِحْيَتِهِ وَرَأْسِهِ، بِأَبِي

ابن خیرة الاماء^۱.

نام حضرت مهدی چیست؟ امام فرمودند: اما اسمش را نمی‌گویم، زیرا حبیب رسول خدا از من عهد گرفته است که تا ظهورش نامش را نگویم. عرض کرد: اوصافش را برای من بیان کن. آقا فرمودند: او جوانی است متوسط القامه، خوشرو و خوش موی که موهایش برشانه‌اش ریخته است و نور صورتش بر سیاهی محاسن و سر مبارک آن حضرت احاطه نموده است. پدرم به قربان فرزند با شخصیت‌ترین کنیزان باد.^۱

اصبغ بن نباته می‌گوید: از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند:

إِنَّ بَيْنَ يَدَيِ الْقَائِمِ سِنِينَ خَدَاعَةٌ يُكَذَّبُ فِيهَا الصَّادِقُ وَيُصَدَّقُ فِيهَا الْكَاذِبُ وَيُقَرَّبُ فِيهَا الْمَاجِلُ وَيَنْطِقُ فِيهَا الرُّوَيْبِضَةُ قُلْتُ وَمَا الرُّوَيْبِضَةُ وَمَا الْمَاجِلُ؟ قَالَ: أَوْ مَا تَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ قَوْلُهُ «وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ» قَالَ: يُرِيدُ الْمَكْرَ فَقُلْتُ وَمَا الْمَاجِلُ؟ قَالَ: يُرِيدُ الْمَكَارَ.^۲

قبل از قیام قائم سالهای پر از خدعه‌ای است. در این سالها (پیش از قیام) راستگویان به نام دروغگو معرفی می‌شوند و دروغگویان به عنوان راستگو. در این سالها «ماجل» تقرّب پیدا می‌کند و «رویبضه» سخن می‌گوید. اصبغ می‌گوید: عرض کردم «ماجل» و «رویبضه» چیست؟ فرمودند: مگر قرآن را نخوانده‌ای که می‌فرماید: «وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ»؟ قال برید المکر۔ فرمودند: منظور از «ماجل» آدم مکاری است که به وسیله مکر زیاد مردم را به خود متوجه می‌کند.

و اما معنی «رویبضه». اگرچه در این حدیث پاسخ معنای آن افتاده ولی در جای دیگر از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله نقل شده است که «الرُّوَيْبِضَةُ الرَّجُلُ التَّافِيَةُ يَنْطِقُ فِي أَمْرِ الْعَامَّةِ» یعنی مرد حقیر و بی شخصیتی که در امر عامه مردم دخالت می‌کند و سخن می‌گوید.

۱. اثبات الهداة، ج ۷/ص ۴۱۴.

۱. اشاره به شخصیت مادر مکرمة حضرت بقیة الله، حضرت نرجس خاتون سلام الله علیها، فرموده‌اند.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۷۸.

عبید بن کرب می گوید:

سَمِعْتُ عَلِيًّا يَقُولُ إِنَّ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ رَايَةً مَنْ تَقَدَّمَهَا مَرَقَ وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا مَحَقَّ
وَمَنْ تَبِعَهَا لِحَقَّ.^۱

از امام امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم که فرمودند: از برای ما اهل بیت پرچمی هست. هر کسی که جلو بیفتد و یا عقب بماند نابود است، اما هر کسی که همراه این پرچم گام بردارد و از آن متابعت کند، نجات می یابد و با ما خواهد بود.

● خواننده عزیز! جلو افتادن یا عقب ماندن از این پرچم معنایش این است که ایمان به ولایت ما نداشته باشد و معنی متابعت این است که دستورها و اوامر ما را اطاعت کند.

درباره ندای آسمانی در روزهای اول ظهور در این حدیث از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرمودند:

إِذَا نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَعِنْدَ ذَلِكَ
يُظْهِرُ الْمَهْدِيُّ عَلَى أَفْوَاهِ النَّاسِ وَيَسْرُونَ فَلَا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرٌ غَيْرُهُ.^۲

هرگاه منادی از آسمان فریاد زند که حق با آل محمد صلی الله علیه و آله است در این موقع مهدی ما ظاهر می شود و مردم او را می بینند و می شناسند و خوشحال و مسرورند و دیگر نام غیر از حضرت بقیة الله را نمی برند.

ابی مروان از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره حوادث پیش از قیام حضرت مهدی روحی له الفداء روایت می کند که فرمودند:

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۴.

۲. الملاحم والفتن، ص ۵۹.

إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّاياتِ السُّودَ فَالزُّمُوا الْأَرْضَ وَلَا تُحَرِّكُوا أَيْدِيَكُمْ وَلَا أَرْجُلَكُمْ ثُمَّ يَظْهَرُ قَوْمٌ صِغَارٌ لَا يُؤْتَبُهُ لَهُمْ قُلُوبُهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ أَصْحَابُ الدَّوْلَةِ لَا يَقُونَ بِعَهْدٍ وَلَا مِيثَاقٍ يَدْعُوا إِلَى الْحَقِّ وَلَيُسُوا مِنْ أَهْلِهِ أَسْمَائُهُمُ الْكُنَى وَنَسَبُهُمُ الْغَرَى شُعُورُهُمْ مِرْقَاةٌ كَشُعُورِ النَّسَاءِ حَتَّى يَخْتَلِفُوا فِي بَيْنِهِمْ ثُمَّ يُوتَى اللَّهُ الْحَقَّ مَنْ يَشَاءُ.^۱

۱. پرچمهایی پیدا می‌شوند و رنگ آنها سیاه است. در این موقع در خانه های خود بنشینید و هیچ حرکت نکنید.

۲. سپس مردمی کوچک (یا از نظر سن یعنی جوان یا از لحاظ شخصیت تهیدست) پدید می‌آیند که به آنها اعتنا نمی‌شود. آنان دارای قلبهایی همچون پاره های آهن اند. این افراد دولتمردانی هستند با چنین ویژگیهایی:
الف. به عهد و میثاق خود وفا نمی‌کنند (پای بند وفای به عهد نیستند).

ب. مردم را به سوی حق می‌خوانند اما خود از حق پیروی نمی‌کنند و از لحاظ واقع اهل حق نیستند.

آنها به جای اسم از کنیه خود استفاده می‌کنند و نسبشان پوشیده و نامعلوم و موها آنها دراز و افتاده مانند موی زنان است. سپس در میانشان ایجاد اختلاف می‌شود. آنوقت خداوند به هر کسی که بخواهد حق را واگذار می‌کند.

● خواننده عزیز! در آیات زیادی از قرآن مجید خداوند وعده فرموده است که باید به وسیله قیام حضرت بقیة الله روحی له الفداء حق را به آل محمد برساند و حکومت حقه آنان سراسر جهان را فرا بگیرد.

حضرت علی علیه السلام در خطبه ای معروف به «خطبة البیان» آنگاه که خود را معرفی می‌فرماید، می‌رسد به این قسمت که «أنا أبوالأئمة الأطهار أنا ابوالمهدی علیه السلام القائم فی آخر الزمان» یعنی: منم پدر امامان پاک، منم پدر مهدی علیه السلام که در آخر الزمان قیام می‌کند.

در این حال مالک اشتر که پایین منبر مولا بود به پا خاسته، از حضرت

می پرسد که این قیام کننده از فرزندان شما کی قیام می فرماید؟ حضرت چنین فرمود^۱:

إِذَا زَهَقَ الزَّاهِقُ^(۱) وَخَفَتِ الْحَقَائِقُ^(۲) وَلِحِقَ اللَّاحِقُ^(۳) وَثَقُلَتِ الظُّهُورُ^(۴) وَتَقَارَبَتِ الْأُمُورُ^(۵) وَحُجِبَ التُّشُورُ^(۶) وَأَزْغَمَ الْمَالِكُ^(۷) وَسَلَكَ السَّالِكُ^(۸) وَدُهَشَ الْعَدَدُ^(۹) وَهَاجَتِ الْوَسَاوِسُ^(۱۰) وَغَبِطَلَ الْعَسَاعِيسُ (الْفَسَارِيسُ)^(۱۱) وَمَاجَتِ الْأَفْوَاجُ^(۱۲) وَضَعُفَ الْحَاجُ^(۱۳) وَأَشْتَدَّ الْعَرَامُ^(۱۴) وَأَزْدَلَّتِ الْحِضَامُ^(۱۵) وَاخْتَلَفَتِ الْعَرَبُ^(۱۶) وَأَشْتَدَّ الظُّلْبُ^(۱۷) وَنَكِصَ الْهَرَبُ^(۱۸) وَظَلَبَتِ الدُّيُونُ^(۱۹) وَذَرَفَتِ الْعُيُونُ^(۲۰) وَأَغْبِنَ الْمَغْبُونُ^(۲۱) وَشَاطَ النَّشَاطُ^(۲۲) وَحَاطَ الْهَبَاطُ^(۲۳) وَعَجَزَ الْمُطَاعُ^(۲۴) وَأُظْلِمَ الشُّعَاعُ^(۲۵) وَصَمَّتِ الْأَسْمَاعُ^(۲۶) وَذَهَبَ الْعِيفَاءُ^(۲۷) وَسَجَسَجَ الْإِنْصَافُ^(۲۸) وَأَسْتَحَوَذَ الشَّيْطَانُ^(۲۹) وَعَظُمَ الْعِضْيَانُ^(۳۰) وَحَكَمَتِ التِّسْوَانُ^(۳۱) وَقَدَحَتِ الْحَوَادِثُ^(۳۲) وَنَفَثَتِ النَّوَاثِثُ^(۳۳) وَاخْتَلَفَتِ الْأَهْوَاءُ^(۳۴) وَعَظُمَتِ الْبَلْوَى^(۳۵) وَأَشْتَدَّتِ الشُّكُوى^(۳۶) وَأَسْتَمَرَّتِ الدَّعْوَى^(۳۷) وَقَرَضَ الْقَارِضُ^(۳۸) وَلَمَضَ الْآلَامِضُ^(۳۹) وَتَلَاخَمَ الشَّدَادُ^(۴۰) وَنَقَلَ الْمِلْحَادُ^(۴۱) وَعَجَّتِ الْفَلَاةُ^(۴۲) وَخَجَعَجَ الْوَلَاءُ^(۴۳) وَنَضَلَ الْبَارِخُ^(۴۴) وَعَمَلَ النَّاسِخُ^(۴۵) وَزَلَزَتِ الْأَرْضُ^(۴۶) وَغَطَّلَ الْفَرَضُ^(۴۷) وَكَبَّتِ الْأَمَانَةُ^(۴۸) وَبَدَّتِ الْخِيَانَةُ^(۴۹) وَخُشِيَتِ الصِّيَانَةُ^(۵۰) وَأَشْتَدَّ الْغَيْضُ^(۵۱) وَأَرَاعَ الْفَيْضُ^(۵۲) وَقَامُوا الْأَدْعِيَاءُ^(۵۳) وَقَعَدُوا الْأَوْلِيَاءُ^(۵۴) وَخَبَّتِ الْأَغْنِيَاءُ^(۵۵) وَنَالُوا الْأَشْقِيَاءُ^(۵۶) وَمَالَتِ

۱. قابل توجه اینکه خطبه مزبور با تفاوت‌هایی نقل شده است، از جمله در خود الزام التاصب (ج ۲ / ص ۲۱۳ و سپس در ص ۲۳۲). ضمناً در مورد ترجمه، آنچه که به ذهن نزدیکتر می آمد ذکر شد و ممکن است معانی دیگری هم از آن بتوان استفاده کرد، که حتماً نیز چنین است و ما به خاطر عدم اطالۀ کلام آنها را ذکر نکرده، این کار را به خود خوانندگان پژوهشگر و گذار نمودیم. همچنین، باید متذکر این نکته شد که خطبه مورد بحث دارای مضامین بسیار عالی است و گویا اصلاً طوری القاء شده که احتمالات مختلف در آن مطرح و ملحوظ گردد، و به اصطلاح، استعمال لفظ در اکثر از معنی که نزد محققان صحیح است در اینها انجام شده، یعنی هر فقره چندین معنی دارد.

الْجِبَالُ ﴿٥٧﴾ وَأَشْكَلَ الْأَشْكَالُ ﴿٥٨﴾ وَشِيعَ الْكُرْبَالُ ﴿٥٩﴾ وَمُنِعَ الْكَمَالُ ﴿٦٠﴾

... فَيَكْدُخُونَ الْجَرَائِرَ - وَيَمْلِكُونَ الْجَزَائِرَ - وَيُخْدِثُونَ كَيْسَانَ - وَيُخَرِّثُونَ خُرَاسَانَ - وَيَضْرِفُونَ الْحَلْسَانَ - وَيَهْدِمُونَ الْحِصُونَ - وَيُظْهِرُونَ الْمَصُونَةَ - وَ يَقْتَطِفُونَ الْغُصُونَ - وَيَفْتَحُونَ الْعِرَاقَ - وَيَخْرِجُونَ الشَّقَاقَ بِدَمِ بُرَاقٍ - فَعِنْدَ ذَلِكَ تَرَقَّبُوا خُرُوجَ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.^۱

۱. هنگامی که نابود شوند نابود شود.
۲. و حقایق مخفی شود (حقایقی که سیاستمداران و زمامداران آن را با زبان دیپلماسی و غیره کتمان می کنند)، یا حقایق سبک شمرده شود (در صورتی که جمله مزبور از «خفت» باشد نه از «خفی»).
۳. و ملحق شوند ملحق شود (وقتی که حکومت به سمتی رفت مردمان نیز به آن ملحق شوند، چون «الناس علی دین ملوکهم»).
۴. و پشتها سنگین شود (از مشکلات، از گناهان و...).
۵. و کارها و اشیاء نزدیک به هم شوند (مکانها نزدیک به هم شوند و دنیا یک خانواده شود یا اینکه همه جا مثل هم است و نیرنگ و دروغ همگانی است).
۶. و از انتشار جلوگیری به عمل آید (از انتشار حق جلوگیری شود، یا از انتشار در زمین منع گردد و محدوده های قانونی و مرزها مطرح شود).
۷. و دماغ مالک به خاک مالیده شود (دنگ و فنگهایی که برای مالک مثل گرفتن زمین و مالیات و... مطرح می شود).
۸. و پیماید پیماینده.
۹. و به شکفتی وادارد عدد از کثرت و زیادتی (یا مبهوت و شگفت زده شود عدد).
۱۰. و وسوسه ها به هیجان درآید (مثل شکوک اعتقادی و غیره مثل اینکه این کار چون به مصلحت من است، پس چرا انجام ندهم؟).
۱۱. و گرگها به صدا (زوزه) درآیند (مراد، مردمان گرگ صفت است).

۱۲. و امواج به خروش درآیند (شاید اشاره به امواج گناه و مادی گرایی باشد که به خروش آمده و هر گروهی را به سمتی کشانده و افراد زیادی را روانه دیار نیستی و هلاکت می‌کند. لذا باید در این میان سوار کشتی حق شد که سبب نجات انسان است و در اخبار آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است که هر کس سوارش شود نجات یافته و هر کس از آن تخلف کند نابود شده است).

۱۳. و حج گزارنده ضعیف شود (رفتن به حج ممنوع شود یا مشکلات زیادی سرراهش قرار گیرد و یا نفقه و مخارج حج بالا رود که حاجی در مقابلش ناتوان گردد).

۱۴. و مطالبه شدید شود (یا اشاره به مالیات دولتی است که به زور ستانده شود، یا به خاطر ضعف افراد، افراد بدهکار نتوانند بدهی خود را بدهند و در شدت و تنگنا واقع شوند یا به معنای هلاکتها و عذابها است که عذابهای شدید بر سر مردمان بیاید).

۱۵. و نزاع و خصومت و جدال پیشرفت کند (فراگیر باشد و به هر جایی برسد یا دعواها و درگیریها پشت سرهم واقع شوند).

۱۶. و عربها با هم اختلاف کنند.

۱۷. و خواهشها و خواسته‌ها شدید شود (هر کس پا را فراگذارد و درخواست بالا تر و سخت‌تری بکند).

۱۸. و درخواست فرار شود (هر کس می‌کوشد به جایی فرار کند و خود را برهاند).

۱۹. و وامها درخواست شود (اکثر مردم مدیون باشند، لذا مورد مطالبه واقع شوند).

۲۰. و اشکها روان شود (گرفتاریها زیاد شود و مادر نمی‌داند که فرزندش زنده است یا نه و یا فرزندان و خانواده‌اش را در پیش چشمش می‌کشند و...).

۲۱. و فریفته شود فریفته شده (نیرنگها زیاد شود).

۲۲. تحرکها و فعالیتها زیاد شود (برای به دست آوردن مختصر چیزی بایستی سخت کار کند و به اصطلاح جان بکند).

۲۳. افراد برحق محاصره و پایین نگهداشته شوند (خاموششان نگه دارند).

۲۴. و زمامدار مطاع ناتوان شود (چه رسد به زمامدار غیرمطاع با توجه به شدت مشکلات).
۲۵. و تاریک شود شعاع [آفتاب] (شعاع حق تاریک شود و کسی به آن توجه نکند).
۲۶. و گوشها کر شود (صدای حق را نشنوند).
۲۷. و پا کدامنی رخت بر بندد.
۲۸. و انصاف از بین برود.
۲۹. و شیطان چیره گردد.
۳۰. و نافرمانی بزرگ شود (مردم گناهان بزرگ انجام دهند).
۳۱. و زنان زمامداری کنند و حکم برانند.
۳۲. و رویدادهای بزرگ به وقوع پیوندد (قحطیها، زلزله ها و نابودی انسانها بر اثر سلاحهای مخرب و نابودکننده مثل سلاحهای اتمی و شیمیایی).
۳۳. و دمنده ها بدمند (با سمپاشیها افکار را مسموم کنند).
۳۴. و خواهشها مختلف و گوناگون شود (هر کس سازی می زند و به سازی می رقصد).
۳۵. و بلاها و سختیها بزرگ شود.
۳۶. و شکوائیه ها و گلایه ها سخت شود.
۳۷. و دعوا پیوسته باشد.
۳۸. و متجاوز تجاوز کند.
۳۹. و به خشم آینده به خشم آید (در نتیجه، مردم شورش کنند).
۴۰. و سخت گیرندگان خونریزی و جنگ کنند.
۴۱. و ملحد و طعنه زنندگان در دین سخن گویند.
۴۲. و بیابان به زوزه و فریاد درآید (یا بیابانها خشک شوند و طراوت خود را بر اثر جنگ و خونریزی از دست بدهند).
۴۳. و فریاد برآورند زمامداران.
۴۴. و به هدف زننده چیره شد.
۴۵. و عمل کرد زایل کننده.
۴۶. و زمین لرزید.
۴۷. و واجب الهی تعطیل شد.

۴۸. و امانت گرفته شد و پرداخت نشد.
۴۹. و خیانت آشکار شد.
۵۰. و از محافظت و مراقبت ترسیده شد (افرادی که خود را از گناه باز می‌دارند و خود را در برابر گناه و امور مشتبه کنار می‌کشند کارشان مورد قبول نباشد).
۵۱. کمبود شدت گیرد (کمبود باران و نعمتها).
۵۲. و فزونی و بسیاری به هراس اندازد (بسیاری قحط و گرسنگی).
۵۳. و حرامزادگان به پا خاستند.
۵۴. و نیکان و اولیاء نشستند و ایستادند (دست کشیدند یا اینکه نتوانستند کاری انجام دهند).
۵۵. و ثروتمندان پلید شوند.
۵۶. و شقاوتمندان به آرزوهای خود دست یافتند.
۵۷. و کوهها انحراف پیدا کردند (یا اشاره به علما است که همانند کوه‌اند و دچار انحراف می‌شوند و یا اینکه عبارت «مالت الأجیال» است و جمع «جیل» با «یاء» یعنی گروهها و طوایف و دسته‌ها منحرف شدند).
۵۸. و امور شبیه به هم، همشکل شوند (و تشخیصشان مشکل شود).
۵۹. و سوزانده و نابود شوند غربال (ملاک تشخیص حق از باطل از بین بروند).
۶۰. و از کمال منع شود (کسی که می‌خواهد به کمال برسد برایش مانع تراشی می‌شود).

... پس، در زمانی که این علائم واقع شد مردمانی خروج می‌کنند که گناه و جنایاتی را مرتکب می‌شوند (و اگر عبارت «الحرائر» با «حاء» مهمله باشد یعنی تجاوز به زنان و دوشیزگان می‌کنند) و مالک می‌شوند «جزائر» را (جزیره‌ها را) و نیرنگها به کار می‌برند و خراسان را خراب می‌کنند و دگرگون می‌سازند حلسان را (یا اسم جایی است یا جمع «جِلْس» به معنای اینکه باز می‌گردانند خانه نشینان را از خانه نشینی) و دژها و مواضع دفاعی مستحکم را ویران می‌کنند و آشکار می‌سازند آنچه را که مصون و محفوظ مانده بود و می‌چینند [و قطع می‌کنند] شاخه‌ها را و فتح می‌کنند عراق را و باز می‌دارند از

شکاف و دودستگی با [ایجاد ترس و] خونریزی (یعنی هر صدای مخالف را به سرعت در نطفه خفه می‌کنند یا مراد این است که می‌مکند و سوء استفاده می‌کنند از شکاف و ایجاد اختلاف بین گروهها با خونی که ریخته می‌شود).^۱ پس، در آن هنگام انتظار بکشید ظاهر شدن صاحب الزمان را؛ یعنی مراقب باشید و چشم و حواستان را متوجه امام زمان کنید که بزودی ظهور خواهد فرمود.

اللهم عجل فرجه وسهل مخرجه وارفع موانع الظهور يا من إليه تصير الأمور بحق محمد وآله عليهم السلام.

امیرمؤمنان علیه السلام و خطبه ذی قار و علائم آخر الزمان

فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَّوَجًا مُّحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ ثُمَّ إِنَّهُ سَيَّأَى عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِي زَمَانٌ لَيْسَ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ شَيْءٌ أَخْفَى مِنَ الْحَقِّ وَلَا أَظْهَرَ مِنَ الْبَاطِلِ وَلَا أَكْثَرَ مِنَ الْكِذْبِ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى وَرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَيْسَ عِنْدَ أَهْلِ ذَلِكَ الزَّمَانِ سِلْعَةٌ أَبْوَرُ مِنَ الْكِتَابِ إِذَا تَلَى حَقَّ تِلَاوَتِهِ وَلَا سِلْعَةٌ أَتَقَى تَيْعًا وَلَا أَغْلَى تَمَنًّا مِنَ الْكِتَابِ إِذَا حُرِفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَلَيْسَ فِي الْعِبَادِ وَلَا فِي الْبِلَادِ شَيْءٌ هُوَ أَنْكَرُ مِنَ الْمَعْرُوفِ وَلَا أَعْرَفُ مِنَ الْمُنْكَرِ وَلَيْسَ فِيهَا فَاحِشَةٌ أَنْكَرُ وَلَا عُقُوبَةٌ أَنْكَى مِنَ الْهُدَى عِنْدَ الضَّلَالِ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ فَقَدْ تَبَدَّدَ الْكِتَابَ حَمَلْتُهُ وَتَنَاسَاهُ حَفَظْتُهُ حَتَّى تَمَالَتْ بِهِمُ الْأَهْوَاءُ وَتَوَارَتْ أُولَئِكَ مِنَ الْآبَاءِ وَعَمِلُوا بِتَخْرِيفِ الْكِتَابِ كِذْبًا وَتَكْذِيبًا فَبَاغَوْهُ بِالْبَخْسِ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ قَالِ الْكِتَابُ وَأَهْلُ الْكِتَابِ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ ظَرِيدَانِ مَنفِيَتَانِ وَصَاحِبَانِ مُضْطَجِبَانِ فِي طَرِيقٍ وَاحِدٍ لَا يَأْوِيهِمَا مَوْوٍ فَحَبَدَا ذَانِكَ الصَّاحِبَانِ وَأَمَّا لَهَا وَلِمَا يَعْمَلَانِ لَهُ قَالِ الْكِتَابُ وَأَهْلُ الْكِتَابِ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ فِي النَّاسِ وَلَيْسُوا فِيهِمْ وَمَعَهُمْ وَلَيْسُوا مَعَهُمْ وَذَلِكَ لِأَنَّ الضَّلَالََةَ لَا تُوَافِقُ الْهُدَى وَإِنْ اجْتَمَعَا وَقَدِ اجْتَمَعَ الْقَوْمُ عَلَى

۱. شاید هم کلمه مزبور «شقاق» به ضم «شین» باشد به معنای مرضی که در پای چار پا پیدا می‌شود و او را از رفتن و دویدن بازمی‌دارد، که کنایه از این است که اگر در جایی به مانعی برخورد کردند، با خونریزی هم که شده است خود را از آن مانع عبور می‌دهند و هیچ ابایی از هیچ کاری ندارند.

الفرقة وافتتر قواعن الجماعة قد ولوا امرهم وامر دينهم من يعمل فيهم بالمكنر والمنكر والرشا والقتل كانهم ائمة الكتاب وليس الكتاب امامهم لم يبق عندهم من الحق الا اسمه ولم يعرفوا من الكتاب الا خطه وزبره يدخل الداخل لا يسمع من حكم القرآن فلا يظمن جالسا حتى يخرج من الدين ينتقل من دين ملك الى دين ملك ومن ولاية ملك الى ولاية ملك ومن طاعة ملك الى طاعة ملك ومن عهد ملك الى عهد ملك فاستدرجهم الله تعالى من حيث لا تعلمون وان كنده متين بالامل والرجاء حتى توالدوا في المعصية ودانوا بالجور والكتاب لم يضرب عن شئ منه صفحا ضلالا تائهن قد دانوا بغير دين الله عز وجل وادانوا لغير الله مساجدهم في ذلك الزمان عامرة من الضلالة خربة من الهدى (قد يدل فيها من الهدى) فقراؤها وعمارها اخائب خلق الله وخليقته من عندهم جرت الضلالة واليهم تعود فحضور مساجدهم والمشى اليها كفر بالله العظيم الا من مشى اليها وهو عارف بضلالهم فصارت مساجدهم من فعالهم على ذلك النحو خربة من الهدى عامرة من الضلالة قد بدلت سنة الله وتعدت حدوده ولا يدعون الى الهدى ولا يقتسمون الفي ولا يوفون بدمه يدعون القليل منهم على ذلك شهيدا قد اتوا الله بالافتراء والجحود واستغنوا بالجهل عن العلم ومن قبل ما مثلوا بالصالحين كل مثله وسموا صدقهم على الله فزيتا وجعلوا في الحسنة العقوبة السئية وقد بعث الله عز وجل اليكم رسولا من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤوف رحيم صلى الله عليه وآله وانزل عليه كتابا عزيزا لا ياتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد قرانا عربيا غير ذي عوج لينذر من كان حيا ويحق القول على الكافرين فلا يلهيكم الامل ولا يظولن عليكم الاجل فانما اهلك من كان قبلكم امد املهم وتغطية الاجال عنهم حتى نزل بهم الموعود. ١

خداوند برای هدایت و ارشاد شما پیامبرش را مبعوث به رسالت فرمود و بدانید که بعد از من دورانی خواهید داشت که در آن چیزی پنهان تر از حق نیست و نیز در آن زمان روشن تر از باطل چیز دیگری نخواهد بود. در این عصر، دروغ بستن بر خدا و پیامبرش از هر چیزی بیشتر است. در این زمان متاعی کم ارزش تر از قرآن خدا در نزد این مردم نیست، در صورتی که قرآن را بحق بخوانند و به آن عمل کنند، هیچ متاعی از نظر ارزش به پای کتاب خدا نمی رسد، اگر تحریف شود و برخلاف حق تفسیر گردد، به تحقیق، سودجویان از آن استفاده می کنند. در این زمان و در میان مردم شهرها هیچ چیزی از معروف (کارهای خوب و خدایسند) زشت تر و منکرتر، و هیچ کاری و عملی از منکر (گناه) زیباتر نیست. در نظر مردم گمراه این زمان هیچ راهی بدتر از رفتن به راه حق نیست (پیمودن راه بندگی به معنی واقعی). در این عصر است که دانایان به قرآن آن را پس پشت می اندازند و نگهبانان قرآن آن را به دست فراموشی می سپرند (البته در عمل نه به زبان) و هوای نفس آنها را به این سو و آن سو می کشد و این انحرافی است که آن را از پدران خود به ارث برده اند. آنان به دروغ قرآن را تحریف و تفسیر می کنند و حقایق آن را خلاف واقع دانسته، آن را به بهای کمی می فروشند و نسبت به آن بی رغبت اند. پس، قرآن و اهل قرآن در این عصر رانده شده از اجتماع هستند و در عین اینکه [بسیار کم اند] در میان مردم از لحاظ ظاهری حضور دارند در معنا بیرون و بیگانه از این جامعه اند، و در حقیقت، به تبعیدشدگان شباهت دارند و کسی به آنها (قرآن و اهل آن) مکان نمی دهد (آنان را تحویل نمی گیرد). آفرین بر این دو یار موافق (یعنی قرآن و پیروان واقعی آن). در این زمان قرآن و اقلیت عامل به آن ظاهراً در میان جامعه هستند، اما در واقع بیرون از این مردم زندگی می کنند؛ زیرا راه سعادت و راه شقاوت و گمراهی یکسان نیستند اگرچه با هم در یک جا جمع شوند. مردم این زمان گرفتار جدایی و نفاق و از هماهنگی با حق برحذرند و امور دینی و دنیوی خود را با افرادی برگزار می کنند که کارشان نیرنگ و زشتکاری و رشوه خواری و کشتار انسانهاست گویی خود را پیشوای قرآن می دانند و عملاً از رهبری قرآن محروم اند. از حق در میان آنها جز نامی و از قرآن جز جلد و کاغذ و نوشته های آن نمانده است. در این جامعه صدای قرآن و احکام آن برمی خیزد و بعضی به آن علاقه مند می شوند و در مجلس می نشینند، ولی آرام

نگرفته از مجلس بیرون می‌شوند در حالی که از دین اسلام بیرون رفته‌اند (دیدن خلافها و شنیدن آن) از دین پادشاهی به مذهب حکمران دیگر می‌روند، همین‌طور از سوی این حاکم به سوی آن فرمانروا و از سوی آن حکومت به سوی حکومت دیگر و از فرمانبری حکمرانی به فرمانبری حکمران دیگر در رفت و آمدند (آری، چون پناهگاه اصلی «دین» را از دست داده‌اند). خداوند آنها را گرفتار استدراج خود می‌کند، یعنی به بدبختی و عقوبت خود می‌کشانند، اگرچه به ظاهر سرگرم دنیای خود هستند و به اصطلاح با خوشی زندگی می‌کنند و به راستی که آرزوها و امیدهای بیجا زندگی آنها را فرا می‌گیرد تا آنجا که فرزندان در معصیت به وجود می‌آورند (نسل آینده را پدید می‌آورند). در مقابل ناحق سر تسلیم خم می‌کنند و در عین حال خود را دیندار می‌دانند (آری، دین دلخواه اهل دنیا، نه آن دینی که خداوند فرستاده است).

مساجد این مردم در این زمان از نظر ساختمان (کاشی کاری، فرشهای قیمتی، بخاری، کولر و امثال اینها) آباد، اما از هدایت مردم به دین واقعی ویران است (تبلیغات درست برخلاف آنچه در واقع هست پیاده می‌شود). خوانندگان قرآن و آبادکنندگان مساجد زیانکارترین و ناکام‌ترین خلق خدایند. اینان سرچشمه گمراهیها هستند و بازگشت ضلالت و گمراهی نیز به سوی خود آنها خواهد بود. شرکت در مساجد اینها کفر به خداوند بزرگ است مگر برای آن افرادی که نسبت به گمراهی آنها شناخت داشته باشند. بر اساس اعمال نادرست متصدیان امور دینی، مساجد، این پایگاه دینی، از نظر تقوا خراب و انباشته از گمراهی می‌شود و سنتهای خداوندی را مبدل می‌سازند و حدود الهی را تغییر می‌دهند و مردم را به راه راست نمی‌خوانند و درآمد کشور اسلامی و اموال بیت المال را به صاحبان واقعی اش، یعنی مستحقان نمی‌دهند بلکه آن را در راه نامشروع و جنگ و خونریزی به مصرف می‌رسانند و در ارتباط با پناهندگان اسلام پیمان شکنی می‌کنند و کسانی را که در این مسیر ناحق از آنها کشته می‌شوند شهید می‌نامند و به خداوند افترا می‌بنندند و او را انکار می‌کنند و از دانش به خاطر نادانی خود روی برمی‌گردانند. در گذشته هم کسانی همچون اینان بودند که بندگان خوب خداوند را شکنجه می‌دادند و آنها را مثله می‌کردند (یعنی گوش

و بینی آنها را می بریدند) و گفتار آسمانی و براساس مصلحت آن افراد را که از طرف خداوند می گفتند دروغ و ناحق می انگاشتند و در برابر کار خوب و شایسته کیفرهای ناصواب مقرر می کردند و حال آنکه خداوند پیامبری را از میان شما مبعوث کرد که نمی تواند رنج شما را ببیند (یعنی خوشی و رفاه شما را طالب است و همه مسلمانان را دوست می دارد) و براین پیامبر کتابی نازل شده است که نظیر ندارد [چون که جوابگوی تمام خواسته ها و نیازمندیهای علمی، اقتصادی، صنعتی، کشاورزی، تجاری، دامپروری، نظامی، سیاسی، اخلاقی، اجتماعی و سایر نیازهای دیگر شماست]. خداوند وعده فرموده است که باطل به هیچ نحو نمی تواند به قرآن حمله ور شود و تحریف در آن راه نمی یابد (از پیش رو و پشت سر، خداوند نگهبان قرآن است) و با اینکه از تمام گذشته ها خبر داده کوچکترین خلافی در آن دیده نشده است و تاریخ دنیا نیز بر آن گواهی می دهد...

از خداوند بزرگ تقاضا دارم که همه مسلمانان جهان به ویژه شیعیان آن حضرت را موفق به انجام و عمل کردن به دستورات دنیا و نیز دوری از کجرویها بفرماید. آمین یا رب العالمین.

علی علیه السلام و فتنه های پیش از ظهور

يُظْهِرُ فِي شُبُهَةِ لَيْسَتَيْنِ فَيَعْلُو ذِكْرُهُ وَيُظْهِرُ أَمْرَهُ وَيُنَادِي بِاسْمِهِ وَكُنْيَتِهِ وَنَسَبِهِ وَيَكْثُرُ ذَلِكَ عَلَى أَفْوَاهِ الْمُحِقِّينَ وَالْمُبْطِلِينَ وَالْمُؤَافِقِينَ وَالْمُخَالِفِينَ لِتَلْزَمَهُمُ الْحُجَّةُ بِمَعْرِفَتِهِمْ بِهِ عَلَى أَنَّهُ قَدْ قَضَيْنَا وَدَلَّلْنَا عَلَيْهِ وَنَسَبْنَا وَسَمَّيْنَا وَكُنَّيْنَا وَقَلْنَا سَمِيَّ جَدِّهِ رَسُولِ اللَّهِ وَكُنْيَتُهُ لِيَلَّا يَقُولَ النَّاسُ مَا عَرَفْنَا لَهُ إِسْمًا وَلَا كُنْيَةً وَلَا نَسَبًا وَاللَّهُ لِيَتَّحَقَّقُ الْإِبْضَاحُ بِهِ وَبِاسْمِهِ وَكُنْيَتِهِ عَلَى السِّنِّيَّتِهِمْ حَتَّى لِيَسْمِيَهُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ كُلُّ ذَلِكَ لِلزُّومِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِمْ ثُمَّ يُظْهِرُهُ اللَّهُ كَمَا وَعَدَ بِهِ جَدُّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۱.

آنگاه که فتنه ها و شبهات جامعه را فرا گیرد امام عصر [روحی له الفداء] ظاهر می شود. (همه جا) از قیام او سخن گفته می شود و مانند خورشید فروزان می درخشد). در میان آسمان و زمین او را به نام و کنیه و نسب یاد می کنند و نام عزیزش در محافل دوست و دشمن و مردم با ایمان و بی ایمان نقل می گردد تا حجت بر همگان تمام شود و جامعه او را بشناسد و ما پیوسته نام و نشان او را اعلام کرده ایم (در کتابها و در سخنان) و گفته ایم که او همان جدش خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله و هم کنیه اوست تا کسی نگوید که من نام و نسب و کنیه او را نمی دانستم. به خدا سوگند آنقدر نام و نسب و کنیه او بر زبان مردم جاری می شود تا دیگر برای کسی ابهامی نماند. اجرای این برنامه ها یکسره برای این است که حجت بر همگان تمام شود. آنگاه خداوند امر به ظهورش می فرماید، چنانکه در آیه شریفه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۱ به جدش خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله وعده فرموده است که باید دین مقدس اسلام بر تمام ادیان غلبه و پیروزی داشته باشد اگرچه دشمنان خداوند نخواهند.

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ رَأْيَةً مَنْ تَقَدَّمَ سُرِقَ وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا زَهَقَ وَمَنْ تَبِعَهَا لِحَقٍّ يَكُونُ مَكْتُوبًا فِي رَأْيَتِهِ «الْبَيْعَةُ لِلَّهِ».^۲

حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می فرماید: برای ما اهل بیت پیامبر [صلی الله علیه وآله] پرچمی هست که هر کسی بر آن سبقت بگیرد دزدیده می شود (استعمارگران و استثمارگران او را می برند و عقایدش را می دزدند) کما اینکه تمام سرمایه های معنوی دنیای اسلام را دزدیدند) و هر کسی که عقب بماند از این پرچم، نابود و هلاک خواهد شد و هر کسی که متابعت از این پرچم نمود، سعادت مند و موفق خواهد شد. روی آن پرچم نوشته است «بیعت از آن خداوند است».

اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ بَيْعَتَهُ خُرُوجًا مِنَ الْغُمَّةِ وَاجْمَعْ بِهِ شَمْلَ الْأُمَّةِ.^۳

۱. توبه / ۳۳.

۲. روزگاررهایی، ص ۴۶۱.

۳. همان مأخذ و صفحه.

خداوندا! بیعت با حضرت بقیة الله [علیه السلام و عجل الله له الفرج] را برای مردم بیرون رفتن از تمام غم و اندوه ها قرار بده و پراکندگی و سرگردانی امت را به اتحاد و اتفاق مبدل فرما.

امیرالمؤمنین و علائم قیام قائم علیهما السلام

سلمان فارسی می گوید: آمدم خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کردم قائم از فرزندان شما کی قیام می کند؟ آن حضرت آهی کشیده، فرمودند:

لَا يَظْهَرُ الْقَائِمُ حَتَّى يَكُونَ أُمُورُ الصِّبْيَانِ وَيُضَيَّعَ حُقُوقُ الرَّحْمَنِ وَيُتَغْتَى بِالْقُرْآنِ
فَإِذَا قَتَلْتَ مُلُوكَ بَنِي الْعَبَّاسِ أُولَى الْعَمَى وَالْإِلْتِبَاسِ أَصْحَابِ الرَّفِي عَنِ
الْأَقْوَابِ بِوُجُوهِ كَالْتَّرَاسِ وَخَرِبَتِ الْبَصْرَةُ هُنَاكَ يَهْوَمُ الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ
عَلَيْهِ السَّلَامُ. ۱

قائم ظاهر نمی شود تا اینکه چند نشانه به وجود آید:

۱. کارها به دست نوجوانان و افراد ناآگاه قرار گیرد.
۲. حقوق خداوند رحمان (احکام دین خدا) ضایع گردد.
۳. قرآن را با تغنی (به غنا) بخوانند.
۴. پادشاهان بنی عباس که از دیدن حق محروم، و از شناخت آن ناتوانند، به دست تیراندازان و کماندارانی کشته شوند، که صورتهایشان همانند سپر می باشد (منظور مغولها هستند که در نهج البلاغه — خطبة ۱۲۸ — از آنها «المجان المطرقة» یعنی: سپرهای چکش خورده، تعبیر شده است).
۵. بصره خراب گردد.

در این موقع قائم ما از فرزندان امام حسین علیه السلام قیام می کند.

از امام امیرالمؤمنین و نیز از حضرت صادق و حضرت باقر علیهم السلام نقل شده است که فرموده اند:

وَيَحَا لِلظَّالِقَانِ فَإِنَّ لِلَّهِ فِيهَا كُنُوزًا لَيْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ وَلَكِنْ بِهَا رِجَالٌ

عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَهُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ.^۱

خوشا به حال مردم طالقان که در اجتماع و منطقه آنان برای خداوند متعال گنج‌هایی است که از طلا و نقره نیست، اما مردانی هستند که به درستی خداوند را شناخته‌اند و اینان از یاوران حضرت مهدی روحی له الفداء در آخر الزمان هستند (به راستی خوشا به حال آنها).

حضرت امام امیرالمؤمنین و وسایل نقلیه

زمان حکومت حضرت مهدی علیهما السلام

امام امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وسایل نقلیه دوران جهانگیری حضرت بقیة الله روحی له الفداء چنین می‌فرماید:

ثُمَّ يَأْمُرُ الْمَهْدِيُّ بِإِنشَاءِ مَرَاكِبٍ يُبْنِي أَرْبَعِمِائَةَ سَفِينَةٍ فِي سَاحِلِ عَكَا وَيُؤَافِي الْمَهْدِيُّ طَرطُوسَ فَيَفْتَحُهَا وَيَتَقَدَّمُ إِلَى أَنْطَاكِيَّةَ فَيَفْتَحُهَا وَيُهَاجِمُ الْقُسْطَنْطِينِيَّةَ فَيَفْتَحُهَا وَيَتَوَجَّهُ إِلَى بِلَادِ الرُّومِ فَيَفْتَحُ رُومِيَّةَ مَعَ أَصْحَابِهِ.^۲

آنگاه حضرت مهدی علیه السلام امر می‌فرمایند مرکبهای سواری بسازند و در کرانه عکا چهارصد کشتی ساخته می‌شود و به طرف طرطوس^۳ به حرکت درمی‌آیند و آنجا را فتح می‌کند و از طرطوس به سمت انطاکیه می‌رود، آنجا را هم فتح می‌کند و از انطاکیه به طرف قسطنطنیه^۴ هجوم می‌آورد، آن سرزمین را هم فتح می‌کند و به جانب بلاد روم (کشورهای غربی) حرکت می‌کند و همه آن کشورها را مسخر می‌نماید (اللهم عجل فرجه).

امیرالمؤمنین و نزول حضرت عیسی علیهما السلام

امام امیرالمؤمنین علیه السلام به تشریف‌فرمایی حضرت عیسی بن مریم علی

۱. روزگارهایی، ص ۴۲۹.

۲. همان مأخذ، ص ۴۷۱.

۳. طرطوس از شهرهای بندری سوریه است.

۴. استانبول فعلی.

نیینا وآله وعلیه السلام در روزهای اول ظهور اشاره می فرمایند، آن هم در بیت المقدس روز جمعه:

ثُمَّ إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَرْجِعُ إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ فَيُصَلِّي بِالنَّاسِ آيَامًا فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَقَدْ أَقِمْتَ الصَّلَاةَ يَنْزِلُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ مِنَ السَّمَاءِ وَعَلَيْهِ ثَوْبَانِ أَحْمَرَانِ كَأَنَّا يَقْطُرُ مِنْ رَأْسِهِ الدَّهْنُ وَهُوَ رَجُلٌ صَبِيحُ الْمَنْظَرِ وَالْوَجْهِ أَشْبَهُ الْخَلْقِ يَا إِبْرَاهِيمَ قَبَائِي الْمَهْدِيَّ وَيُصَافِحُهُ وَيُبَشِّرُهُ بِالنَّصْرِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَقُولُ لَهُ الْمَهْدِيُّ تَقَدَّمْ يَا رُوحَ اللَّهِ وَصَلِّ بِالنَّاسِ فَيَقُولُ عِيسَى بَلِ الصَّلَاةُ لَكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يُؤَذِّنُ عِيسَى وَيُصَلِّي خَلْفَ الْمَهْدِيَّ.^۱

مهدی ما به جانب بیت المقدس برمی گردد و چند روزی در آنجا با مردم نماز می خواند تا روز جمعه می رسد و مردم آماده نماز هستند که ناگهان حضرت عیسی بن مریم در همین ساعت از آسمان به زیر می آید، درحالتی که دو لباس قرمز به تن دارد و قطرات عرق از سر و صورتش مانند قطرات روغن می ریزد. مردی زیبا و خوش اندام است که شبیه ترین مردم به حضرت خلیل الرحمن [علیه السلام] است پیش می آید و با حضرت بقیة الله مصافحه می کند و بشارت به فتح و پیروزی می دهد. در این موقع حضرت مهدی علیه السلام تعارف می فرماید به حضرت عیسی که جلو بایستید و با مردم نماز بخوانید. حضرت عیسی می فرماید: ای فرزند رسول خدا! «بَلِ الصَّلَاةُ لَكَ». کنایه از اینکه پیشوایی دیگر مخصوص به شماست. در این موقع حضرت عیسی اذان می گوید و حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء جلو می ایستد و جناب عیسی علیه السلام به آن حضرت اقتدا می کند (اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ).

امام امیرالمؤمنین علیه السلام و نشانه های پیش از قیام

امام صادق علیه السلام از وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین سلام الله علیهما روایت می کنند که آن سرور فرمودند:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُظَرَّفُ فِيهِ الْفَاجِرُ وَيُقَرَّبُ فِيهِ الْمَاجِنُ وَيُضَعَّفُ فِيهِ الْمُنْصِيفُ قَالَ فَقِيلَ لَهُ مَتَى ذَلِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ [إِذَا اتَّخَذَتِ الْأَمَانَةُ مَغْتَمًا وَالزَّكَاةُ مَغْرَمًا وَالْعِبَادَةُ اسْتِطَالَةً وَالصِّلَةُ مَتًّا قَالَ فَقِيلَ لَهُ مَتَى ذَلِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)] [إِذَا تَسَلَّطَنَ النَّسَاءُ وَسُلَّطَنَ الْإِمَاءُ وَأَمَرَ الصَّبِيَانُ].^۱

مسلماً زمانی بر مردم خواهد آمد که افراد فاجر و گناهکار را مورد احترام خاص قرار می دهند، سخن چین و بدزبان را مقرب خود می سازند و افراد با انصاف را ضعیف و ناتوان می شمارند. عرض کردند: یا امیرالمؤمنین! کی خواهد شد؟ فرمودند: [هروقت دیدید امانت را غنیمت می شمارند (خیانت به امانت می کنند)، دادن زکات را برای خود زیان و غرامت می پندارند، عبادت را بار و سنگینی بر دوش خود می دانند و صله کردن را با منت انجام می دهند. عرض کردند: یا امیرالمؤمنین! کی خواهد شد؟ فرمودند: [هرگاه دیدید زنان تسلط پیدا کردند [بر امور اجتماعی و سیاسی و غیره] و نیز هروقت دیدید که اِماء و کنیزان استیلا یافتند و نوجوانان به زمامداری رسیدند.

● خواننده عزیز! اگر دقت کنید تمام این علامتها در اجتماع ما در ابعاد مختلف دیده می شود.

حضرت امام محمد باقر

علیه السلام

و شانه های ظهور

فضل بن شاذان از ابی حمزه ثمالی چنین نقل می‌کند:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ خُرُوجَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الْمَخْتُومِ؟ قَالَ نَعَمْ وَالْتِدَاءُ مِنَ الْمَخْتُومِ وَظُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا مِنَ الْمَخْتُومِ وَاخْتِلَافُ بَنِي الْعَبَّاسِ فِي الدَّوْلَةِ مِنَ الْمَخْتُومِ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ مَخْتُومٌ وَخُرُوجُ الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَخْتُومٌ، قُلْتُ: وَكَيْفَ يَكُونُ التِّدَاءُ؟ قَالَ يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ أَلَا إِنَّ الْحَقَّ مَعَ عَلِيِّ وَشِيعَتِهِ ثُمَّ يُنَادِي ابْلِيسُ فِي آخِرِ النَّهَارِ مِنَ الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ الْحَقَّ مَعَ عُثْمَانَ وَشِيعَتِهِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَرْتَابُ الْمُبْطِلُونَ.^۱

به امام باقر علیه السلام عرض کردم: خروج سفیانی حتمی است؟ فرمودند: آری، صبحه آسمانی نیز از علائم حتمی است، طلوع خورشید از مغرب حتمی است، اختلاف بین بنی عباس در رابطه با حکومت حتمی است، کشته شدن نفس زکیه حتمی است، قیام قائم آل محمد حتمی است. عرض کردم: ندای آسمانی چگونه است؟ فرمودند: اول صبح منادی از آسمان ندا می‌کند که حق

با علی [علیه السلام] و شیعیان اوست. آخر وقت همان روز منادی فریاد می زند که حق با عثمان و پیروان اوست. از شنیدن صدای دَوم اهل باطل در شک می افتند (آری، آزمایش است).

ابوالجارود، یکی از اصحاب حضرت باقر علیه السلام، می گوید آن حضرت با آگاهی کامل از آینده قیام حضرت مهدی علیه السلام فرمودند:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَارَ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَخْرُجُ مِنْهَا بَضْعَةَ عَشْرَ أَلْفٍ نَفْسٍ يُدْعَوْنَ الْبَتْرِيَةَ عَلَيْهِمُ السِّلَاحُ فَيَقُولُونَ لَهُ إِرْجِعْ مِنْ حَيْثُ جِئْتَ فَلَا حَاجَةَ لَنَا فِي بَنِي فَاطِمَةَ فَيَضَعُ فِيهِمُ السَّيْفَ حَتَّى يَأْتِي عَلَى آخِرِهِمْ ثُمَّ يَدْخُلُ الْكُوفَةَ فَيَقْتُلُ بِهَا كُلَّ مُنَافِقٍ مُرْتَابٍ وَيَهْدِمُ قُصُورَهَا وَيَقْتُلُ مُقَاتِلِيهَا حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.^۱

زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند، به کوفه تشریف فرما می شوند و بیش از ده هزار نفر از آنجا بیرون می آیند که آنها را «بتریه» می گویند. پس، به آن حضرت عرض می کنند: برگرد به همان مکانی که بوده ای، ما نیازی به فرزندان فاطمه [سلام الله علیها] نداریم. پس، شمشیر را می کشد و همه آنها را می کشد. سپس وارد کوفه می شود و تمام افراد منافق و جنگجورا می کشد تا خداوند متعال راضی گردد.

جابر از امام باقر علیه السلام در ارتباط با برنامه های دولت کریمه حضرت مهدی علیه السلام چنین می فرماید:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ضَرَبَ فَسَاطِيطَ وَيُعَلِّمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَأَضَعُ مَا يَكُونُ عَلَى مَنْ حَفَظَهُ الْيَوْمَ لِأَنَّهُ يُخَالِفُ فِيهِ النَّائِفَ.^۲

هنگامی که قائم آل محمد قیام می کند، خیمه های خودش را بر پا می سازد (گویا در کوفه باشد) و قرآن را به مردم یاد می دهد، چنانکه خداوند بر رسول گرامی نازل فرمود (از نظر ترتیب فرود آمدن در روزهای اول) و مردم را با قرآن این طور آشنا می کند. آن روز برای آنهایی که قرآن را قبلاً حفظ کرده اند بسیار مشکل است (از نظر ترتیب سوره ها و نازل شدن در گذشته).

به امام باقر علیه السلام عرض شد:

إِنَّ أَصْحَابَنَا بِالْكُوفَةِ جَمَاعَةٌ كَثِيرَةٌ فَلَوْ أَمَرْتَهُمْ لَأَطَاعُوكَ وَاتَّبَعُوكَ فَقَالَ يَجِبُ
أَحَدُهُمْ إِلَى كَيْسٍ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ مِنْهُ حَاجَتَهُ؟ فَقَالَ لَا فَقَالَ فَهَمَّ بِدِمَائِهِمْ
أَبْخَلُ... ثُمَّ قَالَ إِنَّ النَّاسَ فِي هُدًى نُنَاكِحُهُمْ وَنُورِثُهُمْ وَنُقِيمُ عَلَيْهِمُ الْحُدُودَ
وَنُوذِي أَمَانَتِهِمْ حَتَّى إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمَزَائِلُ وَيَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسٍ
أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ. ۱

اصحاب و شیعیان ما در کوفه زیاد هستند؛ اگر دستوری صادر بفرماید از شما اطاعت می کنند. امام در جوابش فرمودند: آیا شیعیان ما دست در جیب یکدیگر می کنند و نیازمندیهای خودشان را برطرف می سازند؟ عرض شد: خیر. فرمودند: کسی که از انفاق مادیات در راه خداوند مضایقه می کند چگونه جانش را به فرمان ما در راه حق بذل می نماید؟ مردم در معرض امتحان هستند. ما با آنها ازدواج می کنیم، از آنها ارث می بریم، حدود الهی را بر آنها اقامه می کنیم و امانات آنها را به ایشان برمی گردانیم تا اینکه حضرت قائم علیه السلام قیام کند. برادری آنچنان گسترش می یابد که مردم بدون اجازه دست در جیب یکدیگر می کنند و هرچه لازم داشته باشند برمی دارند (این است برنامه عملی حکومت حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء).

محمد بن مسلم ثقفی می گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمودند:

الْقَائِمُ مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤْتَدٌ بِالنَّصْرِ تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَتُظْهِرُ لَهُ الْكُنُوزُ وَيَبْلُغُ
سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَيُظْهِرُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ دِينَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ فَلَا يَبْقَى
فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا غُمِرَ وَيُنْزَلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيُصَلِّي خَلْفَهُ
فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَتَى يَخْرُجُ قَائِمُكُمْ قَالَ إِذَا تَشَبَّهَ الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ
وَالنِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَاکْتَفَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ وَالنِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَرَكَبَ ذَوَاتُ
الْفُرُوجِ السُّرُوحَ وَقَبِلَتْ شَهَادَةُ الزُّورِ وَرَدَّتْ شَهَادَةُ الْعَدْلِ وَاسْتَخَفَّ النَّاسُ
بِالدِّمَاءِ وَارْتَكَبَ الزِّنَا وَآكَلَ الرِّبَا وَانْقَهَى الْأَسْرَارَ مَخَافَةَ أَلْسِنَتِهِمْ وَخَرَجَ
السُّفْيَانِيُّ مِنَ الشَّامِ وَالْيَمَانِيُّ مِنَ الْيَمَنِ وَخَسِفَ بِالْبَيْدَاءِ وَقُتِلَ عَلَامٌ مِنْ آلِ

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ النَّفْسُ
 الزَّكِيَّةُ وَجَاءَتْ صَبِيحَةٌ مِنَ السَّمَاءِ بِأَنَّ الْحَقَّ فِيهِ وَفِي شَيْعَتِهِ فَعِنْدَ ذَلِكَ
 خُرُوجُ قَائِمِنَا فَإِذَا خَرَجَ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةٌ
 عَشَرَ رَجُلًا وَأَوَّلُ مَا يُنْطَقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ
 مُؤْمِنِينَ»^۱. ثُمَّ يَقُولُ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ وَحُجَّتُهُ وَخَلِيفَتُهُ عَلَيْكُمْ فَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ
 مُسَلِّمٌ إِلَّا قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ فَإِذَا اجْتَمَعَ لَهُ الْعَقْدُ وَهُوَ
 عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ خَرَجَ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مَقْبُولٌ دُونَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ
 صَنَمٍ أَوْ غَيْرِهِ إِلَّا وَقَعَتْ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَ وَذَلِكَ بَعْدَ غَيْبَةٍ طَوِيلَةٍ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ
 يُطِيعُهُ بِالْغَيْبِ وَيُؤْمِنُ بِهِ^۲.

قائم ما به وسیله نیروهای مختلفی یاری می شود:

۱. ترس و رعبی که در دل های مردم جایگزین می شود.
 ۲. نصرت و یاری خداوند بزرگ.
 ۳. زمین در اختیارش و زیر پای مبارکش و یاران عزیزش در نور دیده و جمع می شود.
 ۴. گنج های زمین خودشان را در اختیار آن حضرت قرار می دهند.
 ۵. سلطنتش مشرق و مغرب زمین را فرامی گیرد.
 ۶. دین مقدس اسلام بر تمام ادیان غلبه می یابد و لو اینکه دشمنان خدا راضی نباشند، و در زمین جایی غیر آباد دیده نخواهد شد.
 ۷. حضرت عیسی بن مریم از آسمان نازل می شود و پشت سر آن حضرت نماز می خواند.
- می گوید عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! این قیام کی خواهد بود و چه زمانی قائم شما قیام می کند؟ فرمودند:
۱. هرگاه مردان شبیه به زنان و زنان مانند مردان شوند.
 ۲. مردها به مردها اکتفا کنند و زنان به زنان (اشاره به لواط و مساحقه).
 ۳. زنان سوار بر زینها شوند (سوار شدن بر اسب، اتومبیل و وسایط نقلیه دیگر).

۴. شهادت دروغ و برخلاف واقع را بپذیرند.
۵. گواهی مردان عادل و صاحبان تقوا را رد کنند.
۶. قتل و خونریزی در میان مردم کوچک شمرده شود.
۷. مردم مرتکب زنا شوند.
۸. رباخواری در میان مردم رواج یابد.
۹. مردم از زبان اشرار بترسند.
۱۰. سفیانی از شام بیرون آید.
۱۱. یمانی از یمن حرکت کند.
۱۲. خسف و فرورفتگی در بیداء پدید آید.
۱۳. جوانی از آل محمد صلی الله علیه وآله در میان رکن و مقام کشته شود که نام عزیزش محمد بن حسن معروف به نفس زکیه است.
۱۴. صیحه ای از آسمان بلند شود که حق با او و پیروان اوست.

در این هنگام قائم ما قیام می کند. پس، آنگاه که بیرون آمد به کعبه تکیه می دهد و سیصد و سیزده تن از یاران مخصوص آن حضرت اطرافش را می گیرند و اول سخنی که می فرمایند این آیه شریفه است: «باقیمانده خدا بهتر است برای شما اگر به خدا ایمان دارید». سپس می فرماید من بقیة الله و حجت و جانشین خداوند در روی زمین هستم. پس، همه مسلمانان آن حضرت را با این عبارت سلام می کنند: «سلام بر تو ای بقیة الله در روی زمین». پس، وقتی که آن عدد معین که ده هزار نفر باشد در خدمت آن حضرت اجتماع کردند از مکه بیرون می آیند و در کرة زمین معبودی جز خداوند یکتا عبادت نخواهد شد، اساس بت پرستی و غیره از بین خواهد رفت و همه آنها در آتش غضب آن سرور خواهند سوخت. ای محمد بن مسلم! البته این قیام با این محتوی بعد از غیبت طولانی خواهد بود. برای اینکه خداوند عالم، بندگان مطیع و فرمانبردار خودش را به جهانیان معرفی کند و بشناساند.

علی بن مهزیار از حضرت ابوجعفر علیه السلام حدیث می کند که آن جناب

فرمودند:

كَانَ بِالْقَائِمِ يَوْمَ عَاشُورَا يَوْمَ السَّبْتِ قَائِمًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ بَيْنَ يَدَيْهِ جِبْرَائِيلُ

يُنَادِي الْبَيْعَةَ لِلَّهِ فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا.^۱

گویا می بینم قائم [آل محمد] را در روز عاشورا، روز شنبه بین رکن و مقام ایستاده در حالی که جبرئیل علیه السلام در کنار ایشان است و فریاد می زند بیعت برای خداست (مردم دنیا! بیعت با حضرت مهدی روحی له الفداء، در حقیقت، بیعت با خداوند است). آنگاه دنیا را پر از عدل و داد می کند چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد.

يعقوب سراج از جابر روایت می کند که آن حضرت فرمودند:

يَا جَابِرُ لَا يَطْهَرُ الْقَائِمُ حَتَّى يَشْمَلَ [التَّاسَ بِ] الشَّامِ فِتْنَةً يَطْلُبُونَ الْمَخْرَجَ مِنْهَا
فَلَا يَجِدُونَهُ وَيَكُونُ قَتْلٌ بَيْنَ الْكُوفَةِ وَالْحِيرَةِ قَتْلًا هُمْ عَلَى سِوَاءٍ وَيُنَادِي مُنَادٍ
مِنَ السَّمَاءِ.^۲

ای جابر! قائم ظاهر نمی شود مگر اینکه فتنه ای [مردم را] در شام فرا گیرد. مردم راه فرار از این فتنه را پیدا نمی کنند. بین کوفه و حیره کشتاری می شود که هر دو طرف از نظر دادن کشته مساوی هستند (یا از لحاظ کمیت یا کیفیت) و منادی از آسمان ندا می دهد.

محمد بن مسلم از حضرت باقر العلوم علیه السلام حدیث می کند که آن حضرت فرمودند:

تَوَقَّعُوا الصَّوْتَ يَا بُنَيَّكُمْ بَعْتَهُ مِنْ قِبَلِ دِمَشْقٍ فِيهِ لَكُمْ فَرْجٌ عَظِيمٌ.^۳

منتظر صدا که ناگهان از ناحیه دمشق می رسد، باشید. البته در این [صوت] برای شما فرج عظیمی است.

● خواننده عزیز! آیا منظور از کلمه «صوت» صیحه آسمانی است؟ به ظاهر یا همین است یا قیام سفیانی. امید است صدای حیاتبخش جبرئیل علیه السلام باشد. از حضرت باقر علیه السلام در باب نشانه های ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء حدیث مفصلی نقل شده است که ما به بیان مختصری از آن بسنده می کنیم.

۱. غیبت طوسی، ص ۲۷۴.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۷۹.

۳. همان مأخذ، ص ۲۷۹.

امام باقر عليه السلام می فرماید:

فَيُنزِلُ أَمِيرُ جَيْشِ الشُّفْيَانِيِّ الْبَيْدَاءَ فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ «يَا بَيْدَاءَ أَيْدِي الْقَوْمِ»
فَيُخَسِفُ بِهِمْ فَلَا يُفَلَّتُ مِنْهُمْ إِلَّا ثَلَاثَةٌ نَفَرٌ يُحَوِّلُ اللَّهُ وُجُوهُهُمْ إِلَى أَقْفَيْتِهِمْ وَهُمْ
مِنْ كَلْبٍ وَفِيهِمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا
مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا».

قَالَ وَالْقَائِمُ يَوْمَئِذٍ بِمَكَّةَ قَدْ أَسْتَدَّ ظَهْرَهُ إِلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ مُسْتَجِيرًا بِهِ
فَيُنَادِي يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ فَمَنْ آجَابَنَا مِنَ النَّاسِ فَإِنَّا أَهْلُ بَيْتِ
نَبِيِّكُمْ مُحَمَّدٍ وَنَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَمَنْ
حَاجَّنِي فِي آدَمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِآدَمَ وَمَنْ حَاجَّنِي فِي نُوحٍ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِنُوحٍ
وَمَنْ حَاجَّنِي فِي إِبْرَاهِيمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ وَمَنْ حَاجَّنِي فِي مُحَمَّدٍ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ حَاجَّنِي فِي
النَّبِيِّينَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّبِيِّينَ أَلَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ «إِنَّ اللَّهَ
اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ
بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ».

فَأَنَا بَقِيَّةٌ مِنْ آدَمَ وَذَخِيرَةٌ مِنْ نُوحٍ وَمُضْطَفَى مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَصَفْوَةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَلَا فَمَنْ حَاجَّنِي فِي كِتَابِ اللَّهِ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ
بِكِتَابِ اللَّهِ أَلَا فَمَنْ حَاجَّنِي فِي سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِنَّا أَوْلَى
بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَنْشِدُ اللَّهَ مَنْ سَمِعَ كَلَامِي الْيَوْمَ لَمَّا بَلَغَ
الشَّاهِدُ مِنْكُمْ الْغَائِبَ وَأَسْأَلُكُمْ بِحَقِّ اللَّهِ وَحَقِّ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ
بِحَقِّي فَإِن لِي عَلَيْكُمْ حَقُّ الْقُرْبَى مِنْ رَسُولِ اللَّهِ إِلَّا أَعْتَمُونَا وَمَتَعْتُمُونَا مِمَّنْ
يَظْلِمُنَا فَقَدْ أَخْفَيْنَا وَظَلَمْنَا وَظَرِدْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا وَبُعِي عِلْمُنَا وَدُفِعْنَا عَنْ
حَقِّنَا وَافْتَرَى أَهْلُ الْبَاطِلِ عَلَيْنَا فَاللَّهُ اللَّهُ فِينَا لَا تَخْذُلُونَا وَأَنْصُرُونَا يَنْصُرْكُمْ
اللَّهُ تَعَالَى.

قَالَ فَيَجْمَعُ اللَّهُ عَلَيْهِ أَصْحَابَهُ ثَلَاثِمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا وَيَجْمَعُهُمُ اللَّهُ لَهُ
عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ قَرَعًا كَقَرَعِ الْخَرِيفِ وَهِيَ يَا جَابِرُ الْآيَةُ الَّتِي ذَكَرَهَا اللَّهُ

فی کتابه: «أَيُّهَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». فَيُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَمَعَهُ عَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدْ تَوَارَثَتْهُ الْأَبْنَاءُ عَنِ الْأَبَاءِ. وَالْقَائِمُ يَا جَابِرُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ يُضْلِحُ اللَّهُ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ، فَمَا أَشْكَلَ عَلَى النَّاسِ مِنْ ذَلِكَ يَا جَابِرُ فَلَا يُشْكِلَنَّ عَلَيْهِمْ وِلَادَتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَرِاثَتُهُ الْعُلَمَاءَ عَالِمًا بَعْدَ عَالِمٍ فَإِنَّ أَشْكَلَ هَذَا كُلُّهُ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ الصَّوْتَ مِنَ السَّمَاءِ لَا يُشْكِلُ عَلَيْهِمْ إِذَا نُودِيَ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ وَأُمِّهِ.^۱

فرمانده لشکر سفیانی در زمین بیداء فرود می آید. ناگهان منادی از آسمان ندا می دهد: ای زمین بیداء! دشمنان خداوند را نابود کن. پس، زمین شکافته می شود و همه آن جمعیت را فرو می برد مگر سه نفر را که صورتهای آنها به عقب برمی گردد و اینها از طایفه کلب هستند و این آیه درباره آنها نازل شده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید! به قرآنی که فرستادیم ایمان آورید که تصدیق کننده تورات و انجیل شماست پیش از آنکه به رویتان از اثر ضلالت خط بطلان کشیم یا گونه ها را واژگون کنیم.»^۲

امام باقر علیه السلام می فرماید: قائم علیه السلام آن روز در مکه است و پشت به خانه کعبه داده در حالی که پناه به کعبه برده است. پس ندا می دهد: ای مردم! ما از خداوند طلب یاری می کنیم. پس، هر کسی از مردم که دعوت ما را اجابت کرد باید بداند که ما از اهل بیت پیامبر شماها هستیم و من از همه مردم سزاوارتر هستم نسبت به خداوند بزرگ و پیامبر او. ای مردم! هر کسی که با من محاجه کند در مورد آدم علیه السلام، باید بداند که من نسبت به آدم از همه برترم و هر کسی که در ارتباط با نوح با من محاجه کند، باید بداند که من نسبت به نوح از همه مقدم ترم و هر کسی که با من محاجه کند نسبت به ابراهیم، باید بداند که من اولی از همه هستم و آن کسی که نسبت به حضرت محمد صلی الله علیه وآله با من محاجه کند، باید بداند که من در رابطه با حضرت محمد صلی الله علیه وآله از همه برترم و هر کسی که در ارتباط با انبیاء با من محاجه کند، من اولی هستم از همه نسبت به انبیاء. آیا نمی بینی که خداوند در قرآن محکمش

می فرماید: «خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و دودمان عمران را بر عالمیان برگزیده است»؟^۱ پس، من باقیمانده از آدم و ذخیره از نوح و برگزیده ابراهیم و خلاصه ای هستم از وجود مقدس محمد صلی الله علیه وآله. آگاه باشید، هر کسی که با کتاب خدا با من به مجادله بپردازد، من اولی از همه هستم نسبت به قرآن خداوند، و هر کسی در ارتباط با سنت رسول اکرم صلی الله علیه وآله با من مواجه نماید، من از همه سزاوارترم نسبت به آن بزرگوار. شما را به خدا سوگند می دهم آن افرادی که امروز سخنان مرا شنیدند آن را به غایبان برسانند. از شما سؤال می کنم به حق خداوند و حق رسول خدا صلی الله علیه وآله، به حق من بر شما که به جهت نزدیک بودن با رسول خدا بر شما دارم (فرزند او هستم) ما را یاری کنید نسبت به آن افرادی که به ما ظلم کردند. به درستی که ستمگران ما را از وطنمان دور ساختند و حق ما را غصب کردند و ما و فرزندانمان را آواره نمودند و درباره ما ستم روا داشتند و نگذاشتند که ما از حق خودمان استفاده کنیم و اهل باطل بر ما افترا بستند. بترسید از خدا، بترسید از خدا و ما را رها نسازید بلکه یاریمان کنید تا اینکه خداوند شما را یاری فرماید.

امام باقر علیه السلام فرمودند: در این موقع خداوند سیصد و سیزده تن اصحاب خاص آن حضرت را مانند ابرهای پراکنده در فصل سوّم از فصول چهارگانه که آن را «خریف» (پاییز) می نامند در خدمت آن حضرت حاضر می کند و این جریان (حضور اصحاب) — ای جابر! — مصداق این آیه شریفه است: «هر کجا که باشید خداوند همه شما را به میعادگاه خواهد آورد، به درستی که خداوند بر هر چیز تواناست».^۲ پس آن سیصد و سیزده تن بین رکن و مقام با آن حضرت بیعت می کنند (با مهدی آل محمد سلام الله علیه) و با او عهدی است از رسول الله صلی الله علیه وآله که توسط پدران بزرگوارش به دست او رسیده است. ای جابر! قائم مردی است از فرزندان امام حسین [علیه السلام] که خداوند امر قیامش را در یک شب اصلاح می کند. ای جابر! چگونه برای این مردم مشکل است باور کنند که او (قائم) فرزند رسول اکرم صلی الله علیه وآله است و مقام وراثت از آباء و اجدادش به او رسیده و او وارث علم همه آنهاست؟ ای جابر!

۱. آل عمران / ۳۴.

۲. بقره / ۱۴۸.

اگر پذیرفتن اینها بر مردم مشکل باشد اما صیحه آسمانی را نمی‌توانند نپذیرند که او (قائم آل محمد روحی له الفداء) را به اسم خودش و نام پدرش و اسم مادرش معرفی می‌کند (محمد فرزند حسن مادرش نرجس، دیگر نمی‌توانند او را رد و انکار کنند).

جابر بن یزید از حضرت باقر علیه السلام حدیث می‌کند درباره اصحاب حضرت مهدی علیه السلام که امام باقر علیه السلام فرمودند:

كَأَنِّي بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ فَلَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَهُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ حَتَّى سِبَاغِ الْأَرْضِ وَسِبَاغِ الظَّيْرِ يَطْلُبُ رِضَاهُمْ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى تَفْخَرَ الْأَرْضُ عَلَى الْأَرْضِ وَتَقُولَ مَرَبِّي الْيَوْمَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.^۱

گویی می‌بینم که یاران امام عصر علیه السلام جهان را محاصره کرده‌اند و همه موجودات مطیع و فرمانبردار آنها هستند حتی درندگان صحرا و درندگان پرنده. موجودات مختلف عالم فقط خشنودی آنها را می‌خواهند. حتی بعضی از نقاط زمین مباحثات می‌کند بر بعضی دیگر و می‌گوید امروز یکی از یاران قائم علیه السلام بر روی من عبور کرد.

درباره قیام جناب سید حسنی از خراسان و تشریف ایشان به خدمت حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء، امام باقر علیه السلام چنین فرموده است:

تَنْزِيلُ الرَّايَاتِ السُّودِ الَّتِي تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ إِلَى الْكُوفَةِ فَإِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِيُّ بِمَكَّةَ بَعَثَتْ إِلَيْهِ بِالْبَيْعَةِ.^۲

پرچمهایی که از خراسان حرکت کرده‌اند در سرزمین کوفه به اهتزاز درمی‌آیند (پرچمدار و رهبر این قیام جناب سید حسنی است). وقتی حضرت مهدی علیه السلام در مکه ظاهر شدند افرادی را خدمت آن حضرت می‌فرستد و آمادگی خودش را برای بیعت با آن حضرت اعلام می‌دارد.

راوی می‌گوید از حضرت ابوجعفر علیه السلام در مورد حضرت قائم علیه السلام

۱. الامامة والتبصرة، ص ۱۳۱.

۲. الملاحم والفتن، ص ۵۶.

پرسیدم فرمودند:

إِنَّهُ لَا يَكُونُ حَتَّى يُنَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَسْمَعُ أَهْلُ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ حَتَّى تَسْمَعَ الْفَتَاةُ فِي خِدْرِهَا.^۱

امر قیام آن حضرت محقق نخواهد شد مگر اینکه منادی از آسمان صدا بلند کند که تمام مردم مشرق و مغرب حتی دختران پرده نشین نیز بشنوند.

ناجیه قطان از حضرت باقر علیه السلام نقل می کند که شنیدم که آن حضرت می فرمودند:

إِنَّ الْمُنَادِي يُنَادِي أَنَّ الْمَهْدِيَّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَلَانُ ابْنِ فُلَانٍ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ (يَعْنِي مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) فَيُنَادِي الشَّيْطَانُ إِنَّ فُلَانًا وَشِيعَتَهُ عَلَى الْحَقِّ يَعْنِي رَجُلًا مِنْ بَنِي أُمِّيَّة.^۲

منادی از آسمان ندا سرمی دهد که مهدی آل محمد (فلان پسر فلان است) که نام مبارک اصلی حضرت باشد و نیز شیطان فریاد می زند و نام یکی از بنی امیه را می برد که فلانی و پیروان او برحق هستند.

● خواننده عزیز! امتحانی است برای مردم. خوشا به حال آن کسانی که صدای اول را می شنوند و متابعت می کنند و صدای دوم را رد می کنند. امام باقر علیه السلام در رابطه با فتنه ها (پیش از قیام حضرت بقیة الله روحی له الفداء) چنین می فرمایند:

تَكُونُ قَبْلَ الْمَهْدِيِّ فِتْنَةٌ تَحْضُرُ النَّاسَ حَضْرًا فَلَا تَسُبُّوْا أَهْلَ الشَّامِ بَلْ ظَلَمْتَهُمْ فَإِنَّ الْأَبْدَالَ مِنْهُمْ وَسَيُرْسِلُ اللَّهُ سَبَبًا مِنَ السَّمَاءِ فَيُفَرِّقُهُمْ حَتَّى لَوْ قَاتَلْتَهُمُ الثَّعَالِبُ غَلَبْتَهُمْ ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ الْمَهْدِيَّ فِي اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفًا إِنْ قَلُّوا وَخَمْسَةَ عَشَرَ أَلْفًا إِنْ كَثُرُوا وَعَلَامَتُهُمْ أَنَّهُمْ إِذَا هَجَمُوا صَرَخُوا آمِتْ آمِتْ ثُمَّ يَظْهَرُ فَيُرَدُّ إِلَى الْمُسْلِمِينَ الْفَتْهُمْ وَنِعْمَتُهُمْ.^۳

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۵۷.

۲. همان مأخذ، ص ۲۶۴.

۳. روزگار رهایی، ج ۱ / ص ۴۵۳.

مردم پیش از قیام مهدی ما به فتنه ای بسیار مهم و کوبنده مبتلا می شوند. به همه مردم شام ناسزا نگوید بلکه ستمگران آنها را نفرین کنید؛ زیرا از میان آنها ابدال و صلحائی برمی خیزند. خداوند از آسمان چیزی بر آنها فرو می فرستد که آنچنان وحدت آنها را درهم می کوبد که اگر با ضعیف ترین حیوانات مانند روباه جنگ کنند شکست می خورند. آنگاه خداوند مهدی ما را با لشکری بین دوازده تا پانزده هزار نفر می فرستد که در وقت حمله رمزشان «امت، امت» (بمیران، بمیران) است. سپس پیروز می شوند و الفت و یگانگی و نعمتهای مسلمین را به آنها برمی گردانند (چه فتنه ای بالاتر از هجوم اسرائیل به سرزمینهای اسلام و کشتار بیرحمانه مردم؟).

امام باقر علیه السلام درباره عصای حضرت موسی علیه السلام که سرانجام فرعون و لشکریانش را در رود نیل غرق کرد و از بین برد چنین می فرماید:

كَانَتْ عَصَاءُ مُوسَى لِآدَمَ فَصَارَتْ إِلَى شُعَيْبٍ ثُمَّ صَارَتْ إِلَى مُوسَى بْنِ عُمَرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَّهَا لَعِنْدَنَا وَإِنَّ عَهْدِي بِهَا أَنْفَاءً وَهِيَ خَضْرَاءُ كَهَيْئَتِهَا حِينَ انْتَرَعَتْ مِنْ شَجَرَتِهَا وَأَنَّهَا لَتَنْطِقُ إِذَا اسْتَنْطَقَتْ أَعِدَّتْ لِقَائِمِنَا يَصْنَعُ بِهَا مَا كَانَ يَصْنَعُ مُوسَى وَأَنَّهَا لَتُرْوَعُ وَتَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ وَتَصْنَعُ مَا تُؤْمَرُ بِهِ، إِنَّهَا حَيْثُ أَقْبَلَتْ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ، يُفْتَحُ لَهَا شُعْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا فِي الْأَرْضِ وَالْأُخْرَى فِي السَّقْفِ وَبَيْنَهُمَا أَرْبَعُونَ ذِرَاعًا، تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ بِلِسَانِهَا. ۱

این عصا (عصای موسی) روز اول به دست حضرت آدم بود، سپس به شعیب داده شد، بعد از شعیب به حضرت موسی بن عمران علیه السلام اعطا شد و اکنون نزد ماست و اخیراً که آن را دیدم، درست مانند روزی که از درخت جدا شده باشد رنگش سبز و خرم بود. اگر فرمان سخن گفتن به او بدهیم حرف می زند. و این عصا برای قائم ما ذخیره شده است تا مثل موسی بن عمران در راه نشان دادن عظمت حق و نابودی دشمنان خدا از آن استفاده کند. از خصوصیات این عصا این است که دشمنان را می لرزاند و هرچه را جلوی آن بیندازند یا ببینند می بلعد و آنچه فرمانروای عالم هستی (به اذن خدا) بگوید اطاعت می کند و چون لب بگشاید فاصله بین آن از زمین تا سقف را که چهل ذراع است، می بلعد (هرچه بیندازند همه را می بلعد).

امام باقر علیه السلام درباره تجهیزات لشکریان امام عصر روحی له الفداء و ساعت حرکت از مکه معظمه به طرف کوفه چنین فرموده اند:

إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ مَكَّةَ يُنَادِي مُنَادِيَهُ إِلَّا لَا يَحْمِلَنَّ أَحَدٌ طَعَامًا وَلَا شَرَابًا وَ يُحْمَلُ مَعَهُ حَجْرٌ مُوسَى بْنِ عُمَرََانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ قَرُبَعِيرٌ فَلَا يَنْزِلُ مَنْزِلًا إِلَّا أَنْفَجَرَتْ مِنْهُ عُيُونٌ فَمَنْ كَانَ جَائِعًا شَبَعَ وَمَنْ كَانَ ظَامِسًا رَوِيَ وَرَوَيْتُ دَوَابَّهُمْ فَهُوَ زَادُهُمْ حَتَّى يَنْزِلُوا النَّجْفَ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ.^۱

ساعت اول حرکت، منادی از طرف آن سرور فریاد می زند که هیچ کس حق بار کردن مواد غذایی و آب آشامیدنی را ندارد و سنگ معروفی که حضرت موسی بن عمران علیه السلام داشتند آن حضرت همراه خویش برمی دارند که حجم و قطر آن سنگ به اندازه باریک شتر است. به هر منزلی که می رسند و سربازان و مرکبهای سواری آنها تشنه یا گرسنه می شوند چشمه هایی از آن سنگ خارج می شود. آنهایی که تشنه اند از آن چشمه ها می خورند و سیر می شوند و افرادی که تشنه اند از آنها سیراب می شوند تا اینکه وارد نجف اشرف که در پشت کوفه واقع است، می شوند.

این است معنای ولایت تکوینی و تشریحی و این است آن حکومتی که تمام رژیمها را درهم می کوبد.

حضرت باقر علیه السلام در ارتباط با نشانه های قیام حضرت بقیة الله روحی له الفداء می فرمایند:

أَيَّانَ بَيْنَ بَدْيِ هَذَا الْأَمْرِ خُسُوفُ الْقَمَرِ لِخَمْسٍ وَ كُسُوفُ الشَّمْسِ لِخَمْسٍ عَشْرَةَ وَ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ مُنْذُ هَبَطَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْأَرْضِ وَ عِنْدَ ذَلِكَ يَسْقُطُ حِسَابُ الْمُتَجَمِّينَ.^۲

در پیشاپیش ظهور مهدی ما دو نشانه بزرگ دیده می شود:

۱. خسوف ماه در پنجم آن.
۲. کسوف خورشید در پانزدهم ماه.

۱. روزگارهایی، ج ۱/ ص ۴۸۵.

۲. الامام المهدي عليه السلام من المهد الى الظهور، ص ۳۹۰.

از وقتی که خداوند حضرت آدم را به این دنیا فرستاده چنین واقعه ای رخ نداده است. بنابراین، دیگر اعتباری برای منجمان باقی نخواهد ماند.

محمد بن مسلم از حضرت باقر علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت فرمودند:

السُّفْيَانِيُّ وَالْقَائِمُ فِي سَنَةِ وَاحِدَةٍ.^۱

سفیانی و قائم ما [علیه السلام] در یک سال قیام می‌کنند.

مسئلاً سفیانی در همان سال پیش از حضرت ولی عصر علیه السلام خروج می‌کند. امام پنجم علیه السلام بعد از اشاره به ندای آسمانی و فرورفتن لشکر سفیانی در سرزمین بیداء (نزدیک مکه معظمه) چنین امر می‌فرمایند:

فَاسْعُوا إِلَيْهِ وَلَوْ حَبْرًا وَاللَّهِ كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ يُبَايِعُ النَّاسَ.^۲

به سوی حضرت بقیة الله بشتابید ولو از طریق خریدن بر روی سینه باشد. به خدا سوگند، گویی می‌بینم بین رکن و مقام ایستاده و با مردم بیعت می‌کنند.

از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل می‌کنند که فرمودند:

إِذَا رَأَيْتُمْ نَارًا مِنَ الْمَشْرِقِ شِبْهَ الْهَرْدِيِّ الْعَظِيمِ تَطْلُعُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أَوْ سَبْعَةَ فَتَوَقَّعُوا فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الصَّبِيحَةُ لَا يَكُونُ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لِأَنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ وَهِيَ صَبِيحَةُ جِبْرَائِيلَ إِلَى هَذَا الْخَلْقِ. ثُمَّ قَالَ يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَمَنْ بِالْمَغْرِبِ لَا يَبْقَى رَاقِدًا إِلَّا اسْتَيْقَظَ وَلَا قَائِمًا إِلَّا قَعَدَ وَلَا قَاعِدًا إِلَّا قَامَ عَلَى رِجْلَيْهِ فِرْعَاءً مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ فَرِحَ اللَّهُ مَنْ اعْتَبَرَ بِذَلِكَ الصَّوْتِ فَاجَابَ فَإِنَّ الصَّوْتِ صَوْتُ جِبْرَائِيلَ الرُّوحِ الْأَمِينِ.

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الصَّوْتُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ جُمُعَةٍ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ فَلَا تَشْكُوا فِي ذَلِكَ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَفِي آخِرِ النَّهَارِ صَوْتُ إِبْلِيسَ اللَّعِينِ يُنَادِي

۱. اثبات الهداة، ج ۷ / ص ۴۲۶.

۲. مکیال المکارم، ج ۲ / ص ۱۸۴.

أَلَا إِنَّ فُلَانًا قُتِلَ مَظْلُومًا لِيُشَكِّكَ النَّاسَ وَيَفْتِنَهُمْ فَكَمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ مِنْ شَاكٍ مُتَحَيِّرٍ قَدْ هَوِيَ فِي النَّارِ فَإِذَا سَمِعْتُمْ الصَّوْتَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَا تَشْكُرُوا فِيهِ إِنَّهُ صَوْتُ جِبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَلَامَةُ ذَلِكَ أَنَّهُ يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ وَاسْمِ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ حَتَّى تَسْمَعَهُ الْعَدْرَاءُ فِي خِدْرِيهَا فَتُحَرِّضُ آبَاهَا وَأَخَاهَا عَلَى الْخُرُوجِ.

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَأُبَدَّ مِنْ هَذَيْنِ الصَّوْتَيْنِ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ صَوْتُ مِنَ السَّمَاءِ وَهُوَ صَوْتُ جِبْرِئِيلَ بِاسْمِ صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ وَاسْمِ أَبِيهِ وَالصَّوْتُ الثَّانِي الَّذِي مِنَ الْأَرْضِ وَهُوَ صَوْتُ إِبْلِيسَ اللَّعِينِ يُنَادِي بِاسْمِ فُلَانٍ أَنَّهُ قُتِلَ مَظْلُومًا يُرِيدُ بِذَلِكَ الْفِئْتَةَ فَاتَّبِعُوا الصَّوْتِ الْأَوَّلَ وَإِيَّاكُمْ وَالْآخِرَ أَنْ تُفْتَنُوا بِهِ. ۱

هرگاه دیدید که آتشی عظیم از جانب مشرق روشن شد و عمر آن سه روز یا هفت روز ادامه پیدا کرد، منتظر فرج آل محمد باشید (ظهور امام عصر روحی له الفداء)، البته اگر خداوند حکیم و مقتدر بخواهد. صیحه آسمانی حتماً در ماه رمضان است، زیرا ماه رمضان ماه خداوند است و این صیحه هم صدای جبرئیل علیه السلام است که از طرف خداوند برای این مردم فرستاده می شود. منادی از آسمان حضرت قائم علیه السلام را به اسم صدا می کند (محمد بن الحسن العسکری). پس هرکسی که در مشرق و مغرب زمین است این صدا را می شنود و به جهت ترسناک بودن این صدا، آن که در خواب است بیدار می شود و هر که ایستاده است می نشیند و آن کسی که نشسته است برمی خیزد و سر پا می ایستد. خداوند رحمت کند کسی که آن صدا را بشنود و عبرت بگیرد و عملاً این صدا را جواب بگوید (اطاعت کند از حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء). برای اینکه این صدا، صدای جبرئیل روح الامین است (پیام او از سوی خداوند برای جهانیان است).

امام علیه السلام می فرماید: صدای آسمانی در شب بیست و سوم ماه رمضان خواهد بود. برای شما تردیدی پیدا نشود، بشنوید و اطاعت کنید و در آخر روز ابلیس ملعون فریاد می زند: ای مردم! آگاه باشید که فلانی مظلوم کشته شده است. برای اینکه مردم در شک بیفتند و گرفتار امتحان بشوند. چه بسا

اشخاصی که در آن روز به خاطر شنیدن این صدا سرگردان و در آتش غضب خداوند سرنگون خواهند شد. پس، وقتی که در ماه رمضان صدا را شنیدید (اینکه قائم آل محمد آمد) در آن شک نکنید و بدانید آن صدای جبرئیل علیه السلام است و علامت حقیقت آن صدا این است که حضرت قائم علیه السلام را به نام پدرش ذکر می‌کند (یعنی ان شاء الله می‌گوید محمد بن الحسن العسکری علیهما السلام آمد). این صدا چنان فراگیر است که حتی دختران پرده‌نشین نیز آن را می‌شنوند و پدر و برادر خود را ترغیب می‌کنند که از منزل بیرون بروید [و امام عصر را یاری کنید].

امام پنجم علیه السلام می‌فرماید: دو صدا باید قبل از ظهور شنیده شود: یک صدا از آسمان که صدای جبرئیل است و صاحب این امر را به نام او و نام پدرش معرفی می‌کند (محمد بن الحسن العسکری علیهما السلام)؛ صدای دوم صدای شیطان است که به نام فلانی است و می‌گوید او را مظلوم کشتند و می‌خواهد مردم را گمراه کند. پس، از صدای اول متابعت کنید؛ اما بترسید از اینکه صدای دوم (صدای شیطان) شما را به گمراهی کشاند.

زراره می‌گوید از حضرت باقر علیه السلام پرسیدم: آیا ندای آسمانی حق است؟ فرمودند:

إِی وَاللَّهِ حَتَّى يَسْمَعَهُ كُلُّ قَوْمٍ بِلِسَانِهِمْ.^۱

آری، به خدا قسم، حق است و به صورتی است که تمام مردم به زبان خودشان این ندا را می‌شنوند.

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

فَدَكَرَ آيَتَيْنِ قَبْلَ الْقَائِمِ لَمْ يَكُونَا مُنْذُ هَبَطَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَبَدًا وَذَلِكَ أَنَّ الشَّمْسَ تَنْكِيفُ فِي التَّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَالْقَمَرَ فِي آخِرِهِ فَقَالَ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لِأَبْلِ الشَّمْسِ فِي آخِرِ الشَّهْرِ وَالْقَمَرِ فِي التَّصْفِ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي لَا أَعْلَمُ يَا تَقْوَى وَلَكِنَّهَا آيَاتَانِ لَمْ تَكُونَا مُنْذُ هَبَطَ آدَمُ.^۲

۱. همان مأخذ، ص ۱۸۷.

۲. همان مأخذ، ص ۱۸۹.

در محضر امام باقر علیه السلام بودم. آن سرور دو علامت پیش از قیام حضرت قائم را ذکر کرده، فرمودند: از وقتی که حضرت آدم علیه السلام به این دنیا آمد این دو آیت بزرگ هرگز دیده نشده است: اول کسوف خورشید است در نیمه ماه رمضان؛ دوم خسوف ماه است در آخر همان ماه رمضان. مردی در مجلس نشسته بود، عرض کرد: ای پسر پیامبر! اینطور نیست بلکه درست برعکس است؛ یعنی کسوف در آخر ماه و خسوف در وسط ماه پدید می آید. امام باقر علیه السلام فرمودند: می دانم شما چه می گوئید (از لحاظ برنامه های جاری همین است)، اما من می خواهم بگویم از اول تا قبل از قیام مهدی ما این کار نشده است و اختصاص به پیش از ظهور دارد.

ابی الجارود از حضرت باقر علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

لَا تَرَوْنَ الَّذِي تَنْتَظِرُونَ حَتَّى تَكُونُوا كَالْمَعزَى الْمَوَاةِ الَّتِي لَا يُبَالِي الْخَائِسُ أَيْنَ يَضَعُ يَدَهُ مِنْهَا لَيْسَ لَكُمْ شَرَفٌ تَرْقُونَهُ وَلَا سَنَاءٌ تُسِنِدُونَ إِلَيْهِ أَفَرَكُمُ. ^۱

آن چیزی را که منتظرش هستید (ظهور حضرت مهدی روحی له الفداء) نمی بینید مگر وضع شما به جایی برسد که مانند گوسفندانی شوید که گرفتار گرگهای درنده شده باشند، در حالی که چوپانی هم نداشته باشید و گرگها از هر جای بدن شما که بخواهند شروع به خوردن می کنند. از سوی دیگر، شرف و موقعیتی هم نداشته باشید که به آن تکیه کنید و نیز اسناد و مدارکی هم در اختیار شما نباشد که استناد به آنها کنید و سرانجام از خودتان دفاع نمایید.

جابر از حضرت باقر علیه السلام روایت نموده است که آن حضرت فرمودند:

تَنْزِلُ الرِّايَاتُ السَّوْدُ الَّتِي تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ إِلَى الْكُوفَةِ فَإِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِيُّ بَعَثَ إِلَيْهِ بِالْبَيْعَةِ. ^۲

پرچمهایی سیاه از خراسان به جانب کوفه می آید (کنایه است از قیام جناب حسنی). پس، وقتی که مهدی ما [علیه السلام] ظهور کرد امر به بیعت می کند.

۱. مکیال المکارم، ج ۲ / ص ۱۸۹.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۲۱۷.

بعضی از علائم مانند سفیانی و خروج او از حتمیات است؛ یعنی حتماً باید پیش از ظهور تحقق پیدا کند. لذا در روایت زیر از زرارة بن اعین آمده است:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَرِي ذِكْرُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ أَرْجُوا أَنْ يَكُونَ عَاجِلاً وَلَا يَكُونَ سُفْيَانِي فَقَالُوا وَاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْمَخْتُومِ الَّذِي لَا بُدَّ مِنْهُ. ۱

در خدمت حضرت باقر علیه السلام بودیم، سخن از حضرت قائم علیه السلام به میان آمد. عرض کردم: امیدوارم ظهور قائم بسیار نزدیک باشد بدون اینکه نیازی به سفیانی داشته باشد. فرمودند: به خدا نه اینچنین است؛ خروج سفیانی حتماً باید پیش از ظهور باشد.

حضرت امام صادق

علیه السلام

و نشانہ ہامی ظہور

ابی بصیر از حضرت صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:
لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا فِي وَتْرٍ مِنْ السِّنِينَ سَنَةً إِحْدَى أَوْ ثَلَاثٍ أَوْ
خَمْسٍ أَوْ سَبْعٍ أَوْ تِسْعٍ.^۱
قائم ما قیام نمی‌کند مگر در سالهای طاق: یک یا سه یا پنج یا هفت یا نه.

محمد بن مسلم می‌گوید:
سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ قَدَامَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَلْوَى مِنَ اللَّهِ
قُلْتُ وَمَا هُوَ جَعَلْتُ فِدَاكَ فَقَرَأَ «وَلْتَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصِ
مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ».^۲

شنیدم از امام صادق علیه السلام که فرمودند: پیش از قیام قائم مردم دست به
گریبان یک امتحان بزرگ خواهند بود. عرض کردم آن امتحان چیست؟
حضرت آیه بالا را تلاوت فرمودند: «هر آئینه امتحان می‌کنیم شما را به چیزی

۱. ارشاد مفید، ص ۳۵۳.

۲. همان مأخذ، ص ۳۵۲.

از ترس و گرسنگی و کم شدن مال و ثروت و از بین رفتن جانها و میوه ها، و مژده بده به صبر کنندگان [به اینکه مهدی ما قیام می کند]». ^۱
 ابی بصیر نقل می کند که امام صادق علیه السلام فرمودند:

يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثِ وَعِشْرِينَ وَيَقُومُ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ لِكَانِي فِي يَوْمِ السَّبْتِ الْعَاشِرِ مِنَ الْمُحَرَّمِ قَائِماً بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ يَمِينِهِ يُنَادِي «الْبَيْعَةُ لِلَّهِ» فَتَصِيرُ إِلَيْهِ شِيعَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ تُظَلُّوهُ لَهُمْ طَيِّبًا حَتَّى يُبَايَعُوهُ فَيَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا. ^۲

در شب بیست و سوم منادی به اسم قائم علیه السلام ندا می کند. و قیام آن حضرت در روز عاشورا است که حضرت امام حسین علیه السلام و یارانش را کشتند. گویا می بینم [قائم را] که در روز شنبه دهم محرم (عاشورا) بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل علیه السلام در طرف راست اوست و ندا می کند که «بیعت برای خدا». شیعیان امام عصر روح له الفداء (شیعیان خاص) از اطراف و اکناف عالم می آیند و زمین زیر پای آنها به سرعت در نور دیده می شود. آنگاه امام زمان دنیا را پر از عدل و داد می کند چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد.

در ارتباط با نشانه های ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء ابی بصیر از امام صادق علیه السلام به چند علامت اشاره می فرماید:

۱. ندای آسمانی در شب بیست و سوم است (ظاهراً بیست و سوم ماه مبارک رمضان).

۲. قیام در روز عاشورا است.

۳. جبرئیل در طرف راست آن حضرت می ایستد و فریاد می زند: «بیعت برای خدا»؛ یعنی بیعت با امام عصر بیعت کردن با خداست.

۴. شیعیان (افراد خاص) با طی الارض خدمتشان می رسند.

۱. بقره / ۱۵۵.

۲. ارشاد مفید، ص ۳۵۳.

۵. زمین پر از عدل و داد می شود.

ابی بصیر، یکی از یاران برجسته امام صادق علیه السلام از آن حضرت نقل می کند که فرمودند:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَدَمَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ حَتَّى يَرُدَّهُ إِلَى آسَاسِهِ وَحَوَّلَ الْمَقَامَ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي كَانَ فِيهِ وَقَطَعَ أَيْدِي بَنِي شَيْبَةَ وَغَلَّقَهَا عَلَى بَابِ الْكَعْبَةِ وَكَتَبَ عَلَيْهَا «هُؤُلَاءِ سُرَاقُ الْكَعْبَةِ.»^۱

یکی از برنامه های روزهای اول امام عصر علیه السلام عبارت است از:

۱. مسجد الحرام را ویران می کنند و آن را به صورت اولیه برمی گردانند.
۲. مقام حضرت ابراهیم علیه السلام را نیز به جای اولش برمی گردانند (جنب خانه کعبه).

۳. دست طایفه بنی شیبه را قطع می کنند و آن را بردرب کعبه می آویزند و این عبارت بر دیوار کعبه نوشته می شود: «صاحبان این دستها که از بنی شیبه هستند به کعبه معظمه خیانت نمودند» (دزدهای کعبه هستند).

ارشاد مفید می گوید:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَارْتَفَعَ فِي آيَاتِهِ الْجَوْرُ وَأَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا وَرَدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ وَلَمْ يَبْقَ أَهْلٌ دِينٍ حَتَّى يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَيَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: «وَلَوْ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ.»

وقتی قائم آل محمد علیه السلام قیام می کند برنامه هایش در چند اصل خلاصه می شود:

۱. حکومت آن حضرت بر اساس عدل واقعی و همه جانبه است.
۲. ظلم و ستم از سرتاسر گیتی برداشته می شود.
۳. امنیت سرتاسر راهها و جاده ها را فرامی گیرد.
۴. زمین برکات خودش را در اختیار مردم می گذارد.
۵. حقوق همه مردم به آنها پس داده می شود (از غاصبان گرفته می شود).
۶. اسلام دین همه جهانیان می شود و همه مردم به ایمان اعتراف می کنند.

آیا شنیده‌ای که خداوند می‌فرماید: «آنچه در آسمانها و کرات بی شمار و در زمین است [از وجود مقدس امام عصر علیه السلام] چه بخواهند و چه نخواهند باید اطاعت کنند»؟^۱

ابو خدیجه از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَاءَ بِأَمْرِ جَدِيدٍ كَمَا دَعَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَأَلَّهُ فِي بَدْءِ الْإِسْلَامِ إِلَى أَمْرِ جَدِيدٍ.^۲

هر زمان که قائم ما علیه السلام قیام کند امر تازه‌ای (قانون جدیدی) می‌آورند، چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله در ابتدای اسلام چنین بودند (قرآن را آوردند).

● خواننده عزیز! معلوم می‌شود پیش از ظهور، احکام خداوند تغییر می‌کند؛ یعنی حلال، حرام و حرام، حلال می‌شود کما اینکه الان در دنیای اسلام شده است.

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت فرمودند:

يَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ رَجُلًا خَمْسَةَ عَشَرَ
مِنْ قَوْمِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِينَ كَانُوا يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَغْدِلُونَ وَسَبْعَةٌ مِنْ
أَهْلِ الْكَهْفِ وَيُوشَعُ بْنُ نُونٍ، وَسَلْمَانُ، وَأَبُودِجَانَةَ الْأَنْصَارِيُّ، وَالْمِقْدَادُ
وَمَالِكُ الْأَشْطَرِّ فَيَكُونُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَنْصَارًا وَحُكَّامًا.^۳

در پشت کوفه (سهله) قائم ما بیرون می‌آید در حالی که بیست و هفت نفر مرد در خدمت او هستند: پانزده نفر از اقوام موسی که به حق گرویدند و بحق عدالت ورزیدند و هفت نفر از اصحاب کهف و یوشع بن نون و سلمان و ابودجانة انصاری و مقداد و مالک اشتر. پس این بیست و هفت تن در خدمت

۱. آل عمران / ۸۳.

۲. ارشاد مفید، ص ۳۵۹.

۳. همان مأخذ، ص ۳۶۱.

امام زمان علیه السلام هستند و از یاران و فرمانروایان دولت آن بزرگوارند.

عبدالله بن عجلان از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند:

إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَخْتَاJ إِلَىٰ بَيْتِهِ يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَىٰ فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ وَيُخْبِرُ كُلَّ قَوْمٍ بِمَا اسْتَبْطَنُوهُ وَيَعْرِفُ وَلِيَّهُ مِنْ عَدُوِّهِ بِالتَّوَسُّمِ. قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ وَإِنَّهَا لِبَسْبِيلٍ مَّقِيمٍ»^۱.

قائم ما وقتی قیام می‌کند، بین مردم همانند حضرت داوود علیه السلام حکم کند. احتیاج به شاهد و دلیل ندارد، خداوند احکام واقعی را به او الهام می‌کند. پس، به علم واقعی حکم می‌کند و از هرچه که مردم در دل‌های خود پنهان کرده‌اند، آن حضرت خبر می‌دهد، دوستانش را از دشمنانش جدا می‌کند و می‌شناسد با فراست و هوشمندی که خداوند در دیدگان مقدّسش قرار داده است. خداوند می‌فرماید: «به راستی در این، نشانه‌هایی است برای هوشمندان، آنان که در راه راست پایدارند.»^۲

از امام صادق علیه السلام ده صفت و نشانه برای امام بیان شده است:

الْعِصْمَةُ وَالتَّصَوُّصُ وَأَنْ يَكُونَ أَعْلَمَ النَّاسِ وَأَتَقَاهُمْ لِلَّهِ وَأَعْلَمَهُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ وَأَنْ يَكُونَ صَاحِبَ الْوَصِيَّةِ الظَّاهِرَةِ وَيَكُونَ لَهُ الْمُعْجِزَةُ وَالذَّلِيلُ وَتَنَامُ عَيْنُهُ وَلَا يَنَامُ قَلْبُهُ وَلَا يَكُونُ لَهُ فَيٌّ وَوَيَرَىٰ مِنْ خَلْفِهِ كَمَا يَرَىٰ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ»^۳.

۱. عصمت از گناه و خلاف اخلاق و دور از حق.
۲. نص بر امامت او از طرف خداوند و پیامبر و امام قبل از او.
۳. باید از همه مردم داناتر باشد.
۴. از نظر تقوا و پرهیزکاری باید بر همه برتری داشته باشد.
۵. به قرآن خداوند و احکام او از همه اعلم باشد (علوم و معارف بیکران قرآن در نزد او باشد).

۱. همان مأخذ، ص ۳۶۱.

۲. حجر / ۷۵ و ۷۶.

۳. اثبات الهداة، ج ۷ / ص ۴۰۳.

۶. از طرف امام قبل از او به عنوان وصی از لحاظ ظاهر هم معرفی شده باشد.

۷. دارای معجزه باشد (کارهای خارج از عادت انجام دهد و در مقابل دشمن متکی به دلیل باشد).

۸. چشمش به خواب برود اما قلبش بیدار باشد.

۹. بدن مقدسش هیچگاه سایه ندارد.

۱۰. همان گونه که از پیش رو همه چیز را می بیند از پشت سر نیز ببیند (هیچ عاملی نمی تواند بین او و عالم هستی و موجوداتش مانع گردد).

زراره از امام صادق علیه السلام روایت می کند که:

يُنَادِي مُنَادٍ بِاسْمِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُلْتُ خَاصٌّ أَوْ عَامٌّ قَالَ عَامٌّ يَسْمَعُ كُلُّ قَوْمٍ
بِلِسَانِهِمْ قُلْتُ فَمَنْ يُخَالِفُ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ نُودِيَ بِاسْمِهِ قَالَ لَا يَدْعُهُمْ
إِبْلِيسُ حَتَّى يُنَادِيَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ فَيُشَكِّكُ النَّاسُ.^۱

منادی آن حضرت را به نام اصلی از آسمان صدا می کند. زراره می گوید عرض کردم: آیا همه مردم این صدا را می شنوند یا یک دسته خاص؟ فرمودند: همه مردم به زبان خودشان می شنوند. عرض کردم: پس چه کسی با توجه به اینکه به اسم حضرتش ندا داده شده است با ایشان مخالفت می کند؟ فرمود: شیطان هم ندایی سرمی دهد که مردم پس از شنیدن آن تردید و تزلزل پیدا می کنند و از شر شیطان در امان نیستند و این موجب شگ و تردید مردم می شود. (آری، مکتب آزمایش است. خداوند همه ما را در این آزمایش پیروز فرماید، آمین.)

ابن مغیره از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمودند:

الصَّيْحَةُ الَّتِي فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تَكُونُ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ لِثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مَضَيْنَ مِنْ شَهْرِ
رَمَضَانَ.^۲

صیحه آسمانی که در ماه رمضان واقع می شود حتماً در شب جمعه، بیست و سوم آن ماه خواهد بود.

۱. همان مأخذ، ص ۳۹۷.

۲. همان مأخذ، ص ۳۹۶.

از میمون بان نقل شده است که در خیمه اختصاصی حضرت صادق علیه السلام در خدمت آن سرور بودیم. دامن خیمه را بالا زد و فرمود:

إِنَّ أَمْرَنَا لَوْ قَدْ كَانَ لَكَانَ آتِينَ مِنْ هَذِهِ الشَّمْسِ ثُمَّ قَالَ يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ
أَنَّ فُلَانًا بَنَ فُلَانٍ هُوَ الْإِمَامُ بِاسْمِهِ وَيُنَادِي إِبْلِيسُ مِنَ الْأَرْضِ كَمَا نَادَى بِرَسُولِ
اللَّهِ لَيْلَةَ الْعَقَبَةِ.^۱

امر ما (ولایت و امامت) از این آفتاب روشن تر است و منادی از آسمان قائم ما را به نام خودش و پدرش معرفی می کند و شیطان در همان روز فریاد خود را بلند می کند، مانند شب عقبه که صدا بلند کرد (در آن شبی که رسول الله از جنگ تبوک مراجعت می فرمودند و از گردنه گذشتند، شیطان فریادش بلند شد). در روز قیام جهانی حضرت صاحب الامر علیه السلام شیطان برای گمراه کردن مردم فریادش بلند می شود.

● خواننده عزیز! از خداوند بخواهیم که همه ما را در آن روز پرخطر از پیروان صدای اول قرار بدهد (پیروان حضرت مهدی نه از اتباع شیطان).

از امام صادق روایت شده است که فرمود:

لَيْسَ بَيْنَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَيْنَ قَتْلِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ إِلَّا خَمْسَ عَشْرَةَ
لَيْلَةً.^۲

بین قیام حضرت قائم علیه السلام و شهادت نفس زکیه^۳ بیش از پانزده شب نخواهد بود.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

لَا تَمْضِي الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى يُنَادِيَ مِنَ السَّمَاءِ يَا أَهْلَ الْحَقِّ اعْتَرِلُوا يَا أَهْلَ
الْبَاطِلِ اعْتَرِلُوا فَيَعْرِضُ هَوْلًا مِنْ هَوْلَاءِ قَالَ قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ يُخَالِطُ هَوْلًا

۱. همان مأخذ، ص ۳۹۶.

۲. غیبت طوسی، ص ۲۷۱.

۳. نفس زکیه طبق روایات معتبر جوانی است از آل محمد که پیش از ظهور در بین رکن و مقام در کنار خانه کعبه شهید می شود.

وَهُؤُلَاءِ بَعْدَ ذَلِكَ التِّدَاءِ قَالَ كَلَّا إِنَّهُ يَقُولُ فِي الْكِتَابِ «مَا كَانَ اللَّهُ لِيَدْرَأَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ».^۱

روزها و شبها تمام نمی شود تا اینکه ندا کننده ای از آسمان فریاد بزند: ای اهل حق! (صاحبان تقوا) کنار بروید، ای پیروان باطل! شما نیز از اهل حق جدا شوید. پس، این دو دسته از یکدیگر جدا می شوند. راوی می گوید عرض کردم: خداوند امر شما را اصلاح فرماید، بعد از این ندا آیا این دو دسته (حق و باطل) با یکدیگر مخلوط خواهند شد؟ فرمودند: هرگز مخلوط نشوند. مگر نه اینکه خداوند در قرآنش می فرماید: «خداوند اهل ایمان را با مشرکان و بندگان دنیا مخلوط نخواهد گذاشت. آری، پاکان حتماً باید از ناپاکها جدا بشوند»؟^۲

حمران که یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام است از آن حضرت نقل می کند که فرمودند:

وَذَكَرَ هَؤُلَاءِ عِنْدَهُ وَسُوءُ حَالِ الشَّيْعَةِ عِنْدَهُمْ فَقَالَ إِنِّي سِرْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ [الْمَنْصُورِ] وَهُوَ فِي مَوَكِبِهِ وَهُوَ عَلَى فَرَسٍ وَبَيْنَ يَدَيْهِ خَيْلٌ وَمِنْ خَلْفِهِ خَيْلٌ وَأَنَا عَلَى حِمَارٍ إِلَى جَانِبِهِ فَقَالَ لِي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ قَدْ كَانَ يُتَّبَعِي لَكَ أَنْ تَفْرَحَ يَا أَعْطَانَا اللَّهُ مِنَ الْفُورَةِ وَفَتَحَ لَنَا مِنَ الْعِزَّةِ وَلَا تُخْبِرُ النَّاسَ أَنَّكَ أَحَقُّ بِهَذَا الْأَمْرِ مِنَّا وَأَهْلُ بَيْتِكَ فَتُغْرِبُنَا بِكَ وَبِهِمْ قَالَ فَقُلْتُ وَمَنْ رَفَعَ هَذَا إِلَيْكَ عَنِّي فَقَدْ كَذَبَ فَقَالَ أَتُخْلِيفُ عَلَىٰ مَا تَقُولُ قَالَ فَقُلْتُ إِنَّ النَّاسَ سَحَرَةٌ بِعَنِي يُحِبُّونَ أَنْ يُفْسِدُوا قَلْبَكَ عَلَيَّ فَلَا تُمَكِّنْهُمْ مِنْ سَمْعِكَ فَإِنَّا إِلَيْكَ أَخُوخٌ مِنْكَ إِنَّا فَقَالَ لِي تَذَكَّرُ يَوْمَ سَأَلْتُكَ «هَلْ لَنَا مُلْكٌ» فَقُلْتُ «نَعَمْ طَوِيلٌ عَرِيضٌ شَدِيدٌ فَلَا تَزَالُونَ فِي مُهَلَّةٍ مِنْ أَمْرِكُمْ وَفُسْحَةٍ مِنْ دُنْيَاكُمْ حَتَّىٰ تُصِيبُوا مِنَّا دَمًا حَرَامًا فِي شَهْرِ حَرَامٍ فِي بَلَدٍ حَرَامٍ؟» فَعَرَفْتُ أَنَّهُ قَدْ حَفِظَ الْحَدِيثَ فَقُلْتُ لَعَلَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَكْفِيكَ

۱. آل عمران / ۱۷۹.

۲. نواب التهور، ج ۱، ۷۸.

فَإِنِّي لَمْ أَخْصُكَ بِهَذَا إِنَّمَا هُوَ حَدِيثٌ رَوَيْتُهُ ثُمَّ لَعَلَّ غَيْرَكَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ أَنْ
يَتَوَلَّى ذَلِكَ فَسَكَتَ عَنِّي فَلَمَّا رَجَعْتُ إِلَى مَنْزِلِي آتَانِي بَعْضُ مَوَالِينَا فَقَالَ جُعِلَتْ
فِدَاكَ وَاللَّهِ لَقَدْ رَأَيْتُكَ فِي مَوْكِبِ أَبِي جَعْفَرٍ وَأَنْتَ عَلَى حِمَارٍ وَهُوَ عَلَى فَرَسٍ
وَقَدْ أَشْرَفَ عَلَيْكَ يُكَلِّمُكَ كَأَنَّكَ تَحْتَهُ فَقُلْتُ بَيْنِي وَبَيْنَ نَفْسِي هَذَا حُجَّةُ اللَّهِ
عَلَى الْخَلْقِ وَصَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ الَّذِي يُقْتَدَى بِهِ وَهَذَا الْآخِرُ يَعْمَلُ بِالْجَوْرِ
وَيَقْتُلُ أَوْلَادَ الْأَنْبِيَاءِ وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ فِي الْأَرْضِ يَا لَا يُحِبُّ اللَّهُ وَهُوَ فِي مَوْكِبِهِ
وَأَنْتَ عَلَى حِمَارٍ فَدَخَلَنِي مِنْ ذَلِكَ شَكٌّ حَتَّى خِفْتُ عَلَى دِينِي وَنَفْسِي قَالَ
فَقُلْتُ لَو رَأَيْتَ مَنْ كَانَ حَوْلِي وَبَيْنَ يَدَيَّ وَمَنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي مِنَ
الْمَلَائِكَةِ لَا خُتْفَتَهُ وَاخْتَفَرْتَهُ مَا هُوَ فِيهِ فَقَالَ الْآنَ سَكَنَ قَلْبِي ثُمَّ قَالَ إِلَى مَتَى
هُؤُلَاءِ يَمْلِكُونَ؟ أَوْ مَتَى الرَّاحَةُ مِنْهُمْ؟ فَقُلْتُ أَلَيْسَ تَعْلَمُ أَنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مُدَّةً قَالَ
بَلَى فَقُلْتُ هَلْ يَنْفَعُكَ عِلْمُكَ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ إِذَا جَاءَ كَانَ أَسْرَعَ مِنْ ظَرْفَةِ الْعَيْنِ
إِنَّكَ لَو تَعْلَمُ مَا لَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَكَيْفَ هِيَ كُنْتَ لَهُمْ أَشَدَّ بُغْضًا وَلَوْ
جَهَدْتَ وَجَهَدَ أَهْلُ الْأَرْضِ أَنْ يَدْخُلَهُمْ فِي أَشَدِّ مَا هُمْ فِيهِ مِنَ الْإِثْمِ لَمْ يَقْدِرُوا
فَلَا يَسْتَفِزُّنَكَ الشَّيْطَانُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ
لَا يَعْلَمُونَ إِلَّا تَعْلَمُ أَنْ مَنْ أَنْتَظَرَ أَمْرًا وَصَبَرَ عَلَى مَا يَرَى مِنَ الْأَذَى وَالْخَوْفِ
هُوَ غَدَاً فِي زُمْرَتِنَا فَإِذَا رَأَيْتَ الْحَقَّ قَدَّمَاتٍ وَذَهَبَ أَهْلُهُ وَرَأَيْتَ الْجَوْرَ قَدْ شَمَلَ
الْبِلَادَ وَرَأَيْتَ الْقُرْآنَ قَدْ خُلِقَ وَأُحْدِثَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ وَوُجِهُ عَلَى الْأَهْوَاءِ
وَرَأَيْتَ الدِّينَ قَدْ انْكَفَأَ كَمَا يَنْكِفِي الْإِنَاءُ وَرَأَيْتَ أَهْلَ الْبَاطِلِ قَدْ اسْتَعْلَوْا عَلَى
أَهْلِ الْحَقِّ وَرَأَيْتَ الشَّرَّ ظَاهِرًا لَا يُنْهَى عَنْهُ وَبُعْدَرُ أَصْحَابِهِ وَرَأَيْتَ الْفِسْقَ قَدْ
ظَهَرَ وَانْكَفَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ وَالنِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَرَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ صَامِتًا لَا يَقْبَلُ
قَوْلَهُ وَرَأَيْتَ الْفَاسِقَ يَكْذِبُ وَلَا يُرَدُّ عَلَيْهِ كِذْبُهُ وَفِرْتُهُ وَرَأَيْتَ الصَّغِيرَ يَسْتَحْقِرُ
بِالْكَبِيرِ وَرَأَيْتَ الْأَرْحَامَ قَدْ تَقَطَّعَتْ وَرَأَيْتَ مَنْ يُمْتَدِّحُ بِالْفِسْقِ يَضْحَكُ مِنْهُ وَلَا
يُرَدُّ عَلَيْهِ قَوْلُهُ وَرَأَيْتَ الْغُلَامَ يُعْطَى مَا تُعْطَى الْمَرْئَةُ وَرَأَيْتَ النِّسَاءَ يَتَزَوَّجْنَ
النِّسَاءَ وَرَأَيْتَ الشَّنَاءَ قَدْ كَثُرَ وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ يُنْفِقُ الْمَالَ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ فَلَا
يُنْهَى وَلَا يُؤْخَذُ عَلَى يَدَيْهِ وَرَأَيْتَ النَّاطِرَ يَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِمَّا يَرَى الْمُؤْمِنُ فِيهِ مِنْ

الاجتهادِ وَرَأَيْتَ الْجَارِيُوذِي جَارَةً وَلَيْسَ لَهُ مَانِعٌ وَرَأَيْتَ الْكَافِرَ فَرِحاً لِمَا يَرَى
 فِي الْمُؤْمِنِ مَرِحاً لِمَا يَرَى فِي الْأَرْضِ مِنَ الْفَسَادِ وَرَأَيْتَ الْخُمُورَ تُشْرَبُ عَلَانِيَةً
 وَيَجْتَمِعُ عَلَيْهَا مَنْ لَا يَخَافُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَرَأَيْتَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِيلاً وَرَأَيْتَ
 الْفَاسِقَ فِيمَا لَا يُحِبُّ اللَّهَ قَوِيّاً مَحْمُوداً وَرَأَيْتَ أَصْحَابَ الْآيَاتِ يُحَقِّرُونَ وَيُحْتَقَرُّ
 مَنْ يُحِبُّهُمْ وَرَأَيْتَ سَبِيلَ الْخَيْرِ مُنْقَطِعاً وَسَبِيلَ الشَّرِّ مَسْلُوكاً وَرَأَيْتَ بَيْتَ اللَّهِ قَدْ
 عُظِّلَ وَيَوْمَرُبْتَزْكِهِ وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ يَقُولُ مَا لَا يَفْعَلُهُ وَرَأَيْتَ الرِّجَالَ يَتَسَمَّنُونَ
 لِلرِّجَالِ وَالنِّسَاءَ لِلنِّسَاءِ وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ مَعِيشَتُهُ مِنْ دُبُرِهِ وَمَعِيشَةُ الْمَرْأَةِ مِنْ
 فَرْجِهَا وَرَأَيْتَ النِّسَاءَ يَتَّخِذْنَ الْمَجَالِسَ كَمَا يَتَّخِذُهَا الرِّجَالُ وَرَأَيْتَ النَّائِبَ فِي وُلْدِ
 الْعَبَّاسِ قَدْ ظَهَرَ وَأَظْهَرُوا الْخِضَابَ وَامْتَشَطُوا كَمَا تَمْتَشِطُ الْمَرْأَةُ لِزَوْجِهَا وَأَعْطَوْا
 الرِّجَالَ الْأَمْوَالَ عَلَى فُرُوجِهِمْ وَتُشَوِّفَسَ فِي الرَّجُلِ وَتَغَايَرَ عَلَيْهِ الرِّجَالُ وَكَانَ
 صَاحِبُ الْمَالِ أَعَزَّ مِنَ الْمُؤْمِنِ وَكَانَ الرِّبَا ظَاهِراً لَا يُعْبَرُ وَكَانَ الزِّنَا تُمْتَدِّحُ بِهِ
 النِّسَاءُ وَرَأَيْتَ الْمَرْأَةَ تُصَانِعُ زَوْجَهَا عَلَى نِكَاحِ الرِّجَالِ وَرَأَيْتَ أَكْثَرَ النَّاسِ
 وَخَيْرَ بَيْتٍ مَنْ يُسَاعِدُ النِّسَاءَ عَلَى فِسْقِهِنَّ وَرَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ مَحْزُوناً ذَلِيلاً مُحْتَقِراً
 وَرَأَيْتَ الْبِدْعَ وَالزِّنَا قَدْ ظَهَرَ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَعْتَدُونَ بِشَاهِدِ الزُّورِ وَرَأَيْتَ الْحَرَامَ
 يُحَلَّلُ وَرَأَيْتَ الْحَلَالَ يُحْرَمُ وَرَأَيْتَ الدِّينَ بِالرَّأْيِ وَعُظِّلَ الْكِتَابُ وَأَخْكَامُهُ
 وَرَأَيْتَ اللَّيْلَ لَا يُسْتَخْفَى بِهِ مِنَ الْجُرْأَةِ عَلَى اللَّهِ وَرَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ
 يُنْكِرَ إِلَّا بِقَلْبِهِ وَرَأَيْتَ الْعَظِيمَ مِنَ الْمَالِ يُنْفِقُ فِي سَخَطِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَرَأَيْتَ
 الْوَلَاةَ يُقَرَّبُونَ أَهْلَ الْكُفْرِ وَيُبَاعِدُونَ أَهْلَ الْخَيْرِ وَرَأَيْتَ الْوَلَاةَ يَرْتَشُونَ فِي
 الْحُكْمِ وَرَأَيْتَ الْوَلَاةَ قِبَالَ لِمَنْ زَادَ وَرَأَيْتَ ذَوَاتِ الْأَرْحَامِ يُنْكَحْنَ وَيُكْتَفَى
 بِهِنَّ وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ يُقْتَلُ عَلَى [التُّهْمَةِ وَعَلَى] الظَّنِّ وَيُتَغَايَرُ عَلَى الرَّجُلِ الذَّكَرِ
 فَيُبَدَّلُ لَهُ نَفْسُهُ وَمَالُهُ وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ يُعْبَرُ عَلَى إِيَابِ النِّسَاءِ وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ
 يَأْكُلُ مِنْ كَسْبِ امْرَأَتِهِ مِنَ الْفُجُورِ يَعْلَمُ ذَلِكَ وَيَقِيمُ عَلَيْهِ وَرَأَيْتَ الْمَرْأَةَ تَقْهَرُ
 زَوْجَهَا وَتَعْمَلُ مَا لَا يَشْتَهَى وَتُنْفِقُ عَلَى زَوْجِهَا وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ يَكْرِى
 لِمْرَأَتِهِ وَجَارِيَتَهُ وَيَرْضَى بِالذَّنْبِ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ وَرَأَيْتَ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ
 عَزَّ وَجَلَّ كَثِيرَةً عَلَى الزُّورِ وَرَأَيْتَ الْقِمَارَ قَدْ ظَهَرَ وَرَأَيْتَ الشَّرَابَ تُبَاعُ ظَاهِراً

لَيْسَ عَلَيْهِ مَانِعٌ وَرَأَيْتَ النِّسَاءَ يَبْذُلْنَ أَنْفُسَهُنَّ لِأَهْلِ الْكُفْرِ وَرَأَيْتَ الْمَلَاهِي قَدْ
ظَهَرَتْ يُمَرِّبُهَا لِأَيَّمْنَعُهَا أَحَدٌ وَلَا يَجْتَرِي أَحَدٌ عَلَى مَنَعِهَا وَرَأَيْتَ الشَّرِيفَ
يَسْتَدِلُّهُ الَّذِي يَخَافُ سُلْطَانَهُ وَرَأَيْتَ أَقْرَبَ النَّاسِ مِنَ الْوَلَاةِ مَنْ يَمْتَدِّحُ بِشْتِمِنَا
أَهْلِ الْبَيْتِ وَرَأَيْتَ مَنْ يُحِبُّنَا يَرْوَرُ وَلَا يَقْبَلُ شَهَادَتَهُ وَرَأَيْتَ الزُّورَ مِنَ الْقَوْلِ
يَتَنَافَسُ فِيهِ وَرَأَيْتَ الْقُرْآنَ قَدْ ثَقَلَ عَلَى النَّاسِ اسْتِمَاعُهُ وَخَفَّ عَلَى النَّاسِ
اسْتِمَاعُ الْبَاطِلِ وَرَأَيْتَ الْجَارِي كَرِيمَ الْجَارِ خَوْفًا مِنْ لِسَانِهِ وَرَأَيْتَ الْخُدُودَ قَدْ
عُظِّلَتْ وَعُمِلَ فِيهَا بِالْأَهْوَاءِ وَرَأَيْتَ الْمَسَاجِدَ قَدْ زُخِرِفَتْ وَرَأَيْتَ أَصْدَقَ
النَّاسِ عِنْدَ النَّاسِ الْمُفْتَرِي الْكَذِبِ وَرَأَيْتَ الشَّرَّ قَدْ ظَهَرَ وَالسَّعْيَ بِالنَّمِيمَةِ
وَرَأَيْتَ الْبَغْيَ قَدْ فَشَا وَرَأَيْتَ الْغَيْبَةَ تُسْتَمْلَحُ وَيُبَشِّرُهَا النَّاسُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا
وَرَأَيْتَ طَلَبَ الْحَجِّ وَالْجِهَادِ لِغَيْرِ اللَّهِ وَرَأَيْتَ السُّلْطَانَ يَدُلُّ لِلْكَافِرِ الْمُؤْمِنَ
وَرَأَيْتَ الْخَرَابَ قَدْ أُدِيلَ مِنَ الْعُمَرَانِ وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ مَعِيشَتَهُ مِنْ بَخْسِ الْمِكْيَالِ
وَالْمِيزَانِ وَرَأَيْتَ سَفْكَ الدِّمَاءِ يُسْتَخَفُّ بِهَا وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ يَطْلُبُ الرَّئَاةَ
لِعَرْضِ الدُّنْيَا وَيَشْهَرُ نَفْسَهُ بِخُبْثِ اللِّسَانِ لِيَتَّقَى وَتُسْنَدَ إِلَيْهِ الْأُمُورُ وَرَأَيْتَ
الصَّلَاةَ قَدْ اسْتُخِفَّتْ بِهَا وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ عِنْدَهُ الْمَالُ الْكَثِيرُ لَمْ يُزَكِّهِ مِنْذُ مَلِكِهِ
وَرَأَيْتَ الْمَيِّتَ يُنْشَرُ مِنْ قَبْرِهِ وَيُؤَذَى وَتُبَاعُ أَكْفَانُهُ وَرَأَيْتَ الْهَرْجَ قَدْ كَثُرَ وَرَأَيْتَ
الرَّجُلَ يُنْسَى نَشْوَانَ وَيُضْبِحُ سَكْرَانَ لَا يَهْتَمُّ بِمَا يَقُولُ النَّاسُ فِيهِ وَرَأَيْتَ الْبِهَائِمَ
تُنَكَّحُ وَرَأَيْتَ الْبِهَائِمَ تَفْرِسُ بَعْضُهَا بَعْضًا وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ يَخْرُجُ إِلَى مُصَلَاةٍ
وَيَرْجِعُ وَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنْ ثِيَابِهِ وَرَأَيْتَ قُلُوبَ النَّاسِ قَدْ قَسَتْ وَجَمَدَتْ
أَعْيُنُهُمْ وَثَقُلَ الذِّكْرُ عَلَيْهِمْ وَرَأَيْتَ الشُّحْتَ قَدْ ظَهَرَ يُتَنَافَسُ فِيهِ وَرَأَيْتَ
الْمُصَلِّيَ إِنَّمَا يُصَلِّي لِبِرَاهِ النَّاسِ وَرَأَيْتَ الْفَقِيهَ يَتَفَقَّهُ لِغَيْرِ الدِّينِ يَطْلُبُ الدُّنْيَا
وَالرَّئَاةَ وَرَأَيْتَ النَّاسَ مَعَ مَنْ غَلَبَ وَرَأَيْتَ طَالِبَ الْحَلَالِ يَدْمُ وَيُعِيرُ وَطَالِبَ
الْحَرَامِ يُمَدِّحُ وَيُعْظَمُ وَرَأَيْتَ الْحَرَمَيْنِ مَنْ يَعْمَلُ فِيهِمَا بِمَا لَا يُحِبُّ اللَّهُ
لَا يَمْنَعُهُمْ مَانِعٌ وَلَا يَحُولُ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْعَمَلِ الْقَبِيحِ أَحَدٌ وَرَأَيْتَ الْمَعَارِيفَ
ظَاهِرَةً فِي الْحَرَمَيْنِ وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ يَتَكَلَّمُ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ وَيَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ
وَيَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَيَقُومُ إِلَيْهِ مَنْ يَنْصَحُهُ فِي نَفْسِهِ فَيَقُولُ هَذَا عَنْكَ مَوْضُوعٌ

وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَنْظُرُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ وَيَقْتَدُونَ بِأَهْلِ الشَّرِّ وَرَأَيْتَ مَسْلَكَ
 الْخَيْرِ وَطَرِيقَهُ خَالِيًا لَا يَسْلُكُهُ أَحَدٌ وَرَأَيْتَ الْمَيِّتَ يُهَرَّبُ بِهِ فَلَا يَفْرَعُ لَهُ أَحَدٌ وَرَأَيْتَ
 كُلَّ عَامٍ يَخْدُثُ فِيهِ مِنَ الْبِدْعَةِ وَالشَّرِّ أَكْثَرُ مِمَّا كَانَ وَرَأَيْتَ الْخَلْقَ وَالْمَجَالِسَ
 لَا يُتَابِعُونَ إِلَّا الْأَغْنِيَاءَ وَرَأَيْتَ الْمُحْتَاجَ يُعْطَى عَلَى الضَّحْكَ بِهِ وَيُرْحَمُ لِغَيْرِ
 وَجْهِ اللَّهِ وَرَأَيْتَ الْآيَاتِ فِي السَّمَاءِ لَا يَفْرَعُ لَهَا أَحَدٌ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَتَسَاءَدُونَ
 كَمَا تَسَاءَدُ الْبَهَائِمُ لَا يُنْكِرُ أَحَدٌ مُنْكَرًا تُخَوِّفًا مِنَ النَّاسِ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُنْفِقُ
 الْكَثِيرَ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ وَيَمْتَنِعُ السَّيْرَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَرَأَيْتَ الْعُقُوقَ قَدْ ظَهَرَ
 وَاسْتُخْفَ بِالْوَالِدَيْنِ وَكَانَا مِنْ أَسْوَأِ النَّاسِ حَالًا عِنْدَ الْوَلَدِ وَيَفْرَحُ بِأَنْ يَفْتَرِيَ
 عَلَيْهَا وَرَأَيْتَ النِّسَاءَ قَدْ غَلَبْنَ عَلَى الْمُلْكِ وَغَلَبْنَ عَلَى كُلِّ أَمْرٍ لَا يُؤْتَى إِلَّا مَا
 لَهِنَّ فِيهِ هَوَى وَرَأَيْتَ ابْنَ الرَّجُلِ يَفْتَرِي عَلَى أَبِيهِ وَيَدْعُو عَلَى وَالِدَيْهِ وَيَفْرَحُ
 بِمَوْتِهَا وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ إِذَا مَرَّ بِهِ يَوْمٌ وَلَمْ يَكْسِبْ فِيهِ الدَّنْبَ الْعَظِيمَ مِنْ فُجُورٍ أَوْ
 بَخْسٍ مِكْيَالٍ أَوْ مِيزَانٍ أَوْ غِشْيَانٍ حَرَامٍ أَوْ شَرِبَ مُسْكَرًا كَثِيرًا حَزِينًا يَحْسِبُ أَنَّ
 ذَلِكَ الْيَوْمَ عَلَيْهِ وَضِيعَةٌ مِنْ عُمْرِهِ وَرَأَيْتَ السُّلْطَانَ يَحْتَكِرُ الطَّعَامَ وَرَأَيْتَ أَمْوَالَ
 ذَوِي الْقُرْبَى تُقَسَّمُ فِي الزُّورِ وَيَتَقَامَرُ بِهَا وَيُشْرَبُ بِهَا الْخُمُورُ وَرَأَيْتَ الْخَمْرَ
 يُتَدَاوَى بِهَا وَتُوصَفُ لِلْمَرِيضِ وَيُسْتَشْفَى بِهَا وَرَأَيْتَ النَّاسَ قَدْ اسْتَوَوْا فِي تَرْكِ
 الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَرَكَ التَّائِدِينَ بِهِ وَرَأَيْتَ رِيَّاحَ الْمُنَافِقِينَ
 وَأَهْلَ التَّفَاقُ دَائِمَةً وَرِيَّاحَ أَهْلِ الْحَقِّ لَا تَحْرُكُ وَرَأَيْتَ الْأَذَانَ بِالْأَجْرِ وَالصَّلَاةَ
 بِالْأَجْرِ وَرَأَيْتَ الْمَسَاجِدَ مُحْتَشِيَةً مِمَّنْ لَا يَخَافُ اللَّهَ مُجْتَمِعُونَ فِيهَا لِلْغَيْبَةِ
 وَأَكْلَ لَحُومِ أَهْلِ الْحَقِّ وَيَتَوَاصَفُونَ فِيهَا شَرَابَ الْمُسْكَرِ وَرَأَيْتَ السَّكَرَانَ
 يُصَلِّي بِالنَّاسِ فَهُوَ لَا يَعْقِلُ وَلَا يُشَانُ بِالسُّكْرِ وَإِذَا سَكَرَ أَكْرَمَ وَاتَّقَى وَخِيفَ
 وَتُرِكَ لَا يُعَاقَبُ وَيُعَدَّرُ بِسُكْرِهِ وَرَأَيْتَ مَنْ أَكَلَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى يُحَدِّثُ بِصَلَاحِهِ
 وَرَأَيْتَ الْقَضَاةَ يَقْضُونَ بِخِلَافِ مَا أَمَرَ اللَّهُ وَرَأَيْتَ الْوَلَاةَ يَأْتِمُونَ الْخَوْنَةَ لِلْقَطْمَعِ
 وَرَأَيْتَ الْمِيرَاثَ قَدْ وَضَعَتْهُ الْوَلَاةُ لِأَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْجُرْأَةِ عَلَى اللَّهِ يَأْخُذُونَ
 مِنْهُمْ وَيُخَلِّتُونَهُمْ وَمَا يَسْتَهْوُونَ وَرَأَيْتَ الْمَنَابِرَ يُؤَمَّرُ عَلَيْهَا بِالتَّقْوَى وَلَا يَعْمَلُ الْقَائِلُ
 بِمَا يَأْمُرُ وَرَأَيْتَ الصَّلَاةَ قَدْ اسْتُخْفَ بِأَوْقَاتِهَا وَرَأَيْتَ الصَّدَقَةَ بِالشَّفَاعَةِ

لَا يُرَادِبُهَا وَجْهَ اللَّهِ وَتُعْطَى لِطَلَبِ النَّاسِ وَرَأَيْتَ النَّاسَ هَمُّهُمْ بَطُونُهُمْ وَفَرُوجُهُمْ
لَا يُبَالُونَ بِمَا أَكَلُوا وَبِمَا نَكَحُوا وَرَأَيْتَ الدُّنْيَا مُقْبِلَةً عَلَيْهِمْ وَرَأَيْتَ أَعْلَامَ الْحَقِّ قَدْ
دُرِسَتْ فَكُنْ عَلَى حَذَرٍ وَاطْلُبْ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ النَّجَاةَ وَاعْلَمْ أَنَّ النَّاسَ فِي
سَخَطِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ [وَأَنَا يُنْمِلُهُمْ لِأَمْرِ يُرَادِبُهُمْ فَكُنْ مُتَرَقِّبًا وَاجْتَهِدْ لِيَرَاكَ اللَّهُ
عَزَّ وَجَلَّ] فِي خِلَافٍ مَا هُمْ عَلَيْهِ فَإِنَّ نَزَلَ بِهِمُ الْعَذَابُ وَكُنْتَ فِيهِمْ عَجَلْتَ إِلَى
رَحْمَةِ اللَّهِ وَإِنْ أُخِرْتَ ابْتَلُوا وَكُنْتَ قَدْ خَرَجْتَ مِمَّا هُمْ فِيهِ مِنَ الْجُرْأَةِ عَلَى
اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ وَأَنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ
الْمُحْسِنِينَ.^۱

در خدمت آن بزرگوار سخن از موفقیت بنی عباس [در امر دنیا] و گرفتاری
شیعیان به میان آمد، آن حضرت فرمودند: روزی همراه منصور [خلیفه عباسی]
بودم در حالی که او سوار بر اسب بود و از طرفین راست و چپ او لشکریان
فراوانی در حرکت بودند و من در کنار وی سوار بر الاغی حرکت می کردم.
منصور در عین حالی که به شوکت خود مغرور بود به من گفت: یا ابا عبدالله!
سزاوار است که شما از قدرت و عزتی که خداوند به ما داده است خوشحال
باشید و به مردم نگویند که شما اهل بیت احق و اولی هستید از ما در مورد
خلافت، تا ما نسبت به شما و دوستانتان بدبین بشویم. من به منصور گفتم: آن
کسی که این سخن از زبان من به شما گفته است دروغ می گوید. منصور به من
گفت: آیا سوگند می خوری که این حرف را نزده ای؟ به او گفتم: مردم دوست
می دارند که فساد کنند و قلب شما را از ما پیراز کینه سازند؛ به آنها گوش
میسپارید. نیاز ما به شما بیش از احتیاج شما به ما است.^۲ پس منصور به من
گفت: به خاطر دارید یک روز از شما سؤال کردم که آیا ما (بنی عباس)
به حکومت می رسیم؟ شما گفتید آری، حکومتی بس طولانی و پیوسته؛ شما
همواره در وسعت از نظر دنیا و حکومت بر آن هستید تا اینکه دست شما به
ریختن خون ما آن هم در ماه حرام آلوده بشود؛ در آن هنگام خداوند خشم

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۴-۲۶۰.

۲. این عبارت یا از باب تقیه است یا جهت امتحان و آزمایش منصور؛ و الا حجت خداوند که تمام عالم
هستی به امر خداوند متعال در دست اوست چگونه نیاز به دشمن خدا دارد؟

می گیرد و سلطنت شما را نابود می کند. متوجه شدم حدیثی را که قبلاً به او گفته بودم حفظ کرده است؛ لذا به او گفتم: شاید خداوند تو را از این بلا حفظ کند و من نگفتم که تو خون ما را می ریزی؛ شاید کسی از خویشانت این کار را بکند. پس ساکت شد. وقتی به منزل برگشتم یکی از دوستان ما به دیدن من آمد و گفت: قربانت گردم، دیدم همراه منصور سوار بر الاغی هستید و او سوار بر اسب است و طوری با شما صحبت می کرد که گویی برتر از شماست. پیش خودم گفتم این آقا حجت خداوند است و صاحب این امر و این دستگاه و حال آنکه منصور دشمن خداوند است و فرزندان انبیاء را می کشد و خون آنها را می ریزد و برخلاف رضای خداوند عمل می کند و سوار بر مرکب قدرت است و حال آن که شما سوار بر الاغی هستید. شکی در دلم پیدا شد که چرا باید این طور باشد و ترسیدم که دینم از دستم برود. به آن دوست گفتم: اگر تو می دیدی که در طرف راست و چپ و جلوی رو و پشت سر من افواجی از ملائکه در حرکت هستند هر آینه سطوت و شوکت منصور در نظرت ناچیز می آمد. آن مرد شیعی به من (امام صادق علیه السلام) گفت: اکنون دلم آرام گرفت. آنگاه گفت: یا ابن رسول الله! این حکومت باطل تا کی در دنیا خواهد بود و کی ما از دست این جبّاران راحت می شویم؟ به او گفتم: آیا نمی دانی که برای هر دولتی مدتی خواهد بود؟ گفت: چرا، می دانم. گفتم: آیا می دانی که این امر (حکومت ما) وقتی بخواهد بیاید زودتر از یک چشم به هم زدن خواهد آمد؟ به آن دوست گفتم: تو اگر آنچه را که خداوند بزرگ برای آنان مهیا کرده است می دانستی (کنایه از عذابهایی که خداوند برای آنها مقرر فرموده است) تعجب نمی کردی. تو و همه مردم اگر بکوشید و تمام قدرتها را روی هم انباشته کنید نمی توانید مانند آن عذابی که خداوند برای آنها خلق فرموده است آماده کنید. مراقب باش شیطان تو را فریب ندهد، زیرا عزت مخصوص خداوند و پیامبران و ایمان آورندگان است (مقصود از مؤمنان در این عبارت، ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین هستند) که البته منافقان این حقیقت را درک نمی کنند. آیا نمی دانی کسی که منتظر امر ما باشد (حکومت ما) و در مقابل اذیتها و ترسها صبر کند، فردا در عالم آخرت با ما خواهد بود؟

(در اینجا امام علیه السلام نشانه های ظهور را بیان می فرماید:)

هرگاه دیدی که حق و طرفداران آن از بین رفتند و دیدی که جهان پر از

جور و ستم شد و دیدی که چیزهایی که در قرآن نیست به آن نسبت می دهند و چیزهایی به نام قرآن بیان می کنند که در آن نیست و برطبق هوی و هوس خود توجیه می کنند و دیدی که دین موقعیت خود را از دست داده و دچار انقلاب شده است و دیدی که طرفداران باطل بر پیروان حق برتری یافته اند و دیدی که شرّ ظاهر شده است و کسی را از آن نهی نمی کنند و مجریان شرّ را معذور می دارند و دیدی که فسق (فساد اخلاقی) در اجتماعات رواج یافته است و دیدی که مردها به مردها اکتفا می کنند (اشاره به عمل شنیع لواط) و زنها به زنها (اشاره به مساحقه) و دیدی که افراد با ایمان خاموش نشسته اند و اگر حرف بزنند سخن آنها را ردّ می کنند و دیدی که دروغگو با شناختی که از او دارند در عین حال دروغش را ردّ نمی کنند و دیدی که افراد کوچک به بزرگترها احترام نمی گذارند و دیدی که مردم قطع رَحِم می کنند و با افرادی که به گناهان مباهات می ورزند با خنده برخورد می شود و حرف بد آنان را به ایشان بر نمی گردانند و دیدی که پسر بچه ها مانند زنان خودفروشی می کنند و دیدی که عده ای از زنها با زنان ازدواج می کنند و دیدی که تعریف بیجا زیاد می شود و دیدی که مرد اموال خودش را در راه غیر مشروع به مصرف می رساند (قمار، شراب، ربا و...) و کسی او را نهی نمی کند و دیدی که مردم از مشاهده کارهای اهل ایمان به خدا پناه می برند و دیدی همسایه، همسایه خود را اذیت می کند و احدی او را باز نمی دارد (نگارنده سالهای سال این ابتلاء را داشتم) و دیدی که کفار از رنجی که اهل ایمان به خاطر شیوع فساد در زمین می برند خوشحال هستند و دیدی که علناً شرب خمر می شود و افرادی که از خداوند نمی ترسند مجلس شراب را گرم می کنند و دیدی کسی که امر به معروف می کند (امر به کارهای خوب و مفید) در بین مردم ذلیل و طرفداران فساد اخلاق در جامعه برومند و محترم هستند و دیدی که صاحب آیات (یعنی طرفداران و خوانندگان آیات قرآن و هر کسی که آنها را دوست بدارد) کوچک شمرده می شوند و دیدی که راه خیر منقطع و مسدود و راه بدیها و شرّها باز و محلّ رفت و آمد مردم است و دیدی که زیارت خانه کعبه معطل و متروک مانده است (به خاطر مشکلاتی که در این راه به وجود آمده است) و دیدی که افراد به آنچه می گویند عمل نمی کنند و دیدی که مردها و زنها دواها و اغذیه ای استعمال می کنند تا برای اعمال قبیحه فربه شوند و دیدی که مردها

از راه خودفروشی (لواط) و زنها از راه زنا زندگی خود را تأمین می‌کنند^۱ و دیدی که زنان برای خود مجلس و کنفرانس تشکیل می‌دهند - چنانکه مردها دارای مجالس و محافل سیاسی هستند - و در سیاست اجتماعی دخالت می‌کنند و دیدی که از فرزندان عباس افرادی خود را مانند زنان می‌آرایند و اموال خود را در این راه صرف می‌کنند برای پیاده کردن برنامه‌های جنسی اعم از مرد یا زن، در این دوره از زمان صاحب مال در میان مردم از صاحب ایمان عزیزتر است و آشکارا رباخواری می‌شود و کسی سرزنش نمی‌کند و دیدی که زنان به عمل بد زنا ستوده می‌شوند و دیدی که زنان به شوهران خود رشوه می‌دهند تا بتوانند با مردان دیگر رابطه داشته باشند و دیدی که اکثر مردم و بهترین خانه‌ها آن خانه‌ای است که زنان را در فسق و گناهانشان کمک کنند و دیدی که مؤمن در اجتماع خوار و ذلیل زندگی می‌کند و دیدی که بدعت و زنا شیوع یافته است و دیدی که مردم به وسیله شهادت ناحق به یکدیگر تعدی می‌کنند و دیدی که مردم فعل حرام را حلال و حلال را حرام می‌شمارند (تغییر احکام) و دیدی که مردم دین را با رأی خودشان تطبیق می‌دهند و قرآن و احکام آن معطل مانده است و دیدی که برای انجام کارهای بد مردم انتظار شب را نمی‌کشند بلکه در روز انجام می‌دهند و دیدی که اهل ایمان در مقابل منکرات جز با قلبشان، توان انکار ندارند و دیدی که بخش عظیمی از مال صرف در غضب خدا می‌شود (مانند پولهای کلانی که خرج خرید اسلحه می‌شود و افراد مسلمان و غیرمسلمان را آتش می‌زنند و نابود می‌کنند) و دیدی که فرمانروایان به دشمنان خدا و کفار تقرب می‌یابند (مانند فرستادن هیأت‌های به اصطلاح حسن نیت، بستن قراردادهای مختلف، دیدارهای سیاسی از کشورهای غیرمسلمان) و دیدی که زمامداران از اهل خیر دوری می‌جویند و دیدی که فرمانروایان در حکم دادن رشوه می‌گیرند و دیدی که به دست آوردن حکومت با پول انجام می‌شود و دیدی که با محارم خود ازدواج می‌کنند و به آنها اکتفا می‌کنند و دیدی که به مجرد تهمت و سوءظن افراد را می‌کشند

۱. در انگلستان عمل شنیع لواط قانونی اعلام شده و مسأله همجنس بازی فوق العاده شایع است و نیز در بعضی از کشورهای اروپایی دیگر - مانند فرانسه - عمل لواط شایع است و خودفروشان خودشان را عرضه می‌دارند.

(بدون تحقیق و بررسی) و ناگهان هجوم می آورند و مال و جان او را تصاحب می کنند (ممکن است در راه طغیان شهوت باشد که زنان هر جایی همه چیز مردها را می برند یا به وسیله حکام جور اموال مردم مصادره می شود و جانشان هم به مخاطره می افتد) یا اینکه در راه رسیدن به پسر بچه ها برای کار زشت از مال و جان می گذرند و دیدی که مردها را به خاطر تماس و آمیزش با زنان سرزنش می کنند و دیدی که بعضی از مردها از درآمد زنان خود در ارتباط با بی بند و باری و فجور امرار معاش می کنند در حالی که می دانند زن آنها فاسد است و به این وضع تن می دهند.

و دیدی که زنان بر مردان غالب می شوند و برخلاف رضای شوهر عمل می کنند و مردشان را از نظر زندگی اداره می کنند و دیدی که بعضی از مردها زنان و کنیزان خود را در اختیار اشخاص قرار می دهند و در مقابل به مختصری از خوراکیها و آشامیدنیها قناعت می ورزند و دیدی که ایمان به خداوند بزرگ (اظهار ایمان) با زور و جبر انجام می شود (یا از طرف اولیاء یا زمامداران) و دیدی که مردم علناً قمار می کنند و دیدی که علناً شراب خرید و فروش می شود و هیچ مانعی هم بر سر راه آن نیست و دیدی که زنان مسلمان خودشان را در اختیار کفار قرار می دهند و دیدی که گناهان در اجتماع آشکار می شود و مردم آنها را می بینند و کسی هم منع نمی کند و جرأت بر منع آنها در مردم نیست و دیدی که افراد با شخصیت ذلیل صاحبان قدرت می شوند و دیدی که نزدیکترین افراد به زمامداران آنها بی هستند که نسبت به ما اهل بیت بدگویی می کنند (یا به زبان و یا در عمل) و دیدی افرادی که نسبت به ما اظهار محبت می کنند مورد احترام نیستند و حرف آنها را نمی پذیرند و دیدی که مردم در گفتار خلاف حق با هم رقابت می کنند و دیدی که شنیدن آیات کریمه قرآن برای مردم سنگین اما شنیدن ساز و آواز آسان و شیرین است و دیدی که به خاطر زبان بد همسایه، همسایه دیگر او را اکرام می کند و دیدی که حدود الهی معطل مانده است و مردم آنها را طبق هوای نفسشان پیاده می کنند و دیدی که مساجد زینت داده می شود (از نظر ساختمان و رنگ آمیزی) و دیدی که راستگوترین مردم دروغگوترین افراد است (از نظر واقع) و دیدی که شر و سخن چینی در میان مردم ظاهر گشته است و دیدی که ستمگری در میان مردم شیوع یافته است و دیدی که غیبت کردن را سخنی خوشمزه و دلچسب

می دانند و یکدیگر را به غیبت کردن بشارت می دهند و دیدی حج خانه خدا و جهاد را برای غیر رضای خدا انجام می دهند و دیدی که پادشاهان به خاطر دلجویی از کفار اهل ایمان را ذلیل می کنند و دیدی که خرابی بر عمران و آبادانی فزونی یافته است (اثر شوم جنگها) و دیدی که مردم روزی خود را با کم فروشی به دست می آورند و دیدی که خونریزی در جامعه سبک شمرده می شود و دیدی که مرد به خاطر رسیدن به ریاست دنیا بدزبانی می کند و خود را به بدزبانی مشهور می سازد تا مردم از او بترسند و دیدی که مردم نماز را سبک می شنند (هر وقت که شد یا آخر وقت می خوانند) و دیدی کسی که دارای اموال فراوان است از اول زکات آن را نداده است و دیدی که نبش قبر می کنند و کفن مردگان را می فروشند و دیدی که هرج و مرج زیاد می شود (امنیت از مردم گرفته می شود) و دیدی که مردم شبانه سر سفره شراب می نشینند و صبح مست بر می خیزند و به فکر مردم نیستند و دیدی که با حیوانات معامله جنسی انجام می دهند (با آنها آمیزش می کنند) و دیدی که حیوانات بعضی، بعضی دیگر را می درند و دیدی که مردی برای نماز می رود و در برگشتن لباس ندارد (لباس او را می برند) و دیدی که قلبهای مردم سخت شده است و اشکشان جاری نمی شود (و یاد خدا بر آنها گران می آید) و دیدی که مردم در خوردن مال حرام با یکدیگر رقابت می کنند و دیدی که نماز گزار برای خوش آیند و خودنمایی به مردم نماز می خواند و دیدی که فقیه احکام دین را برای رسیدن به دنیا می آموزد (نه خدا) و دیدی که مردم طرفدار آن کسی هستند که قدرت در دست اوست و دیدی که طالب مال حلال را سرزنش و دوستدار حرام را تمجید و تکریم می کنند و دیدی در حرمین (مکه و مدینه) کارهای خلاف انجام می دهند و کسی جلوی آنها را نمی گیرد و دیدن آلات لهو و لعب را در حرمین به طور آشکار (مانند ساز و آواز، قمار و انواع گناهان دیگر) و دیدی به کسانی که حق را می گویند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، به عنوان نصیحت گفته می شود این موضوع به شما مربوط نیست و بهتر است دست بردارید و دیدی که مردم با هماهنگی یکدیگر به مردم بد اقتدا می کنند (یا پیروی) و دیدی که راه خیر و سعادت خالی مانده است و کسی بدان راه نمی رود و دیدی که مردگان را به مسخره می گیرند و زندگی ابدی ندارند (از خدا) و دیدی که هر سال بدعتها و فتنه های تازه به وجود می آید که

بدتر از سال قبل است و دیدی که در میان مردم و در محافل عمومی تنها نسبت به اغنیا احترام می شود و دیدی که در مقابل فقیر و کمک به او مردم می خندند و برای غیر خدا به او رحم می کنند و دیدی که مردم از آیات و نشانه های آسمانی وحشت و ترسی ندارند (مانند سرخی در آسمان و ستاره دنباله دار در همین سال اخیر) و دیدی که مردم مانند بهائم سوار یکدیگر می شوند و کسی آنها را سرزنش نمی کند و دیدی که مردم در راه غیر رضای خداوند انفاق زیاد و در راه خدا انفاق کم می کنند و دیدی که فرزندان احترام پدر و مادر به جای نمی آورند و آنها را حقیر می شمارند و بدترین حالات را پدر و مادر دارند (نزد فرزندان شان) و از افترا زدن به پدر و مادر خوشحال می شوند (پسران و دختران) و دیدی که زنها بر کشورها و بر تمام امور غلبه می یابند (نخست وزیر می شوند، پادشاه می شوند، وکیل مجلس می شوند) و کارها بدون رضا و هوس زنان انجام نمی گیرد و دیدی که پسر به پدرش افترا می زند و به پدر و مادر نفرین می کند و انتظار مرگ آنها را می کشد و از این بابت خوشحال است (برای تقسیم ارث و غیره) و دیدی در هر روزی که بر مرد بگذرد و در آن روز مرتکب معصیتی مانند خوردن حرام و شرب مسکرات یا کم فروشی یا غش در معامله نشود، آن روز برای او روز سختی خواهد بود و دیدی که پادشاهان مواد غذایی را در اختیار خود قرار می دهند و دیدی که خمس آل محمد (سهم امام و سهم سادات) در راه باطل تقسیم می شود و با آن می خوارگی می کنند و دیدی که شراب را وسیله درمان امراض قرار می دهند (بعضی از پزشکان گاه به بیماران خود توصیه می کنند که برای شفای پاره ای امراض از شراب استفاده کنند) و دیدی که همه مردم در ترک امر به معروف و نهی از منکر هماهنگی پیدا کرده اند و دیدی که پرچم نفاق و منافقان به اهتزاز درآمده است اما از حق خبری نیست و دیدی که مؤذن برای اذان و نماز گزار (نماز استیجاری) برای نماز خواندن مطالبه پول می کنند (یا نماز میت و امثال آن) و دیدی که مساجد محل اجتماع، اما بیشتر برنامه های غیبت و خوردن گوشت مردم است و در مساجد وصف شراب و شرابخوار را می کنند و دیدی که آدم مست برای مردم نماز می خواند (پیشنماز می شود) و هرگاه مشروب خورد مردم او را احترام می کنند و دیدی که اموال یتیم را می خورند ولی به صلاح و نیکی هم معروف هستند و دیدی که قضات برخلاف آنچه خداوند

فرموده است قضاوت می کنند و دیدی که زمامداران به جهت طمع، خیانتکاران را امین خویش قرار می دهند و دیدی که حکام اجتماع، میراث را به دست اهل فسق و فجور می دهند و آنها برخدا جرأت پیدا می کنند و از این اموال می خورند و به هر نحو که بخواهند با آن عمل می کنند و دیدی که بر سر منبرها امر به تقوا می کنند اما گوینده خود به آن عمل نمی کند و دیدی که مردم نماز را در وقت خودش نمی خوانند و آن را سبک می شمارند و دیدی که زکات و صدقات دیگر را به وساطت افراد می دهند اما برای خدا نیست و قصد تقرب به خداوند را ندارند و دیدی که هم و هدف مردم پر کردن شکم و ارضای غرایز جنسی است و از هر راهی باشد مانعی ندارد و دیدی که دنیا رو به آنها آورده و دیدی که نشانه های حق و درستی کهنه شده است، — ای حمران! — پس بر حذر باش و از پیشگاه خداوند بزرگ تقاضای رهایی کن و بدان که مردم گرفتار خشم خداوند هستند و به آنها مهلت داده شده در مقابل اوامری که به آنها شده است. پس، مواظب خویشتن باش و کوشش کن تا خداوند تورا برخلاف آنها ببیند و اگر در میان آنها باشی و عذاب خداوند نازل شود همانا به سوی رحمت واسعة الهی شتافته ای و اگر از آنها جدا شدی آنها گرفتار هستند و تواز جرأت برخداوند در امان مانده ای. و بدان که خداوند پاداش نیکوکاران را می دهد و همانا رحمت خداوند نزدیک به نیکوکاران است.

مفضل بن عمر از اصحاب حضرت صادق علیه السلام، از محل و کیفیت ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء و نشانه های آن سؤال کرد، می گوید:

يَا سَيِّدِي فَمِنْ أَيْنَ يَظْهَرُ وَكَيْفَ يَظْهَرُ قَالَ يَا مُفَضَّلُ يَظْهَرُ وَخَدَهُ وَيَأْتِي الْبَيْتَ وَخَدَهُ وَيَلِجُ الْكَعْبَةَ وَخَدَهُ وَيَجْنُ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَخَدَهُ فَإِذَا نَامَتِ الْعُيُونُ وَغَسَقَ اللَّيْلُ نَزَلَ إِلَيْهِ جِبْرَائِيلُ وَمِيكَائِيلُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَالْمَلِيكَةُ صُفُوفًا فَيَقُولُ لَهُ جِبْرَائِيلُ يَا سَيِّدِي قَوْلِكَ مَقْبُولٌ وَأَمْرُكَ جَائِزٌ فَيَمْسَحُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدَهُ عَلَى وَجْهِهِ وَيَقُولُ «أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَبَوًّا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ».

وَيَقِفُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ فَيَصْرُخُ صَرْخَةً فَيَقُولُ يَا مَعْشَرَ نَقِبَائِي وَأَهْلَ خَاصَّتِي وَمَنْ ذَخَرَهُمُ اللَّهُ لِنُصْرَتِي قَبْلَ ظُهُورِي عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِنِّي طَائِعِينَ

فَتَرِدُ صَيْحَتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَهُمْ عَلَى مَحَارِبِهِمْ وَعَلَى فُرُشِهِمْ فِي شَرْقِ
 الْأَرْضِ وَغَرْبِهَا فَيَسْمَعُونَهُ فِي صَيْحَةٍ وَاحِدَةٍ فِي أُذُنِ كُلِّ رَجُلٍ فَيَجِيئُونَ نَحْوَهَا
 وَلَا يَمُضِي لَهُمْ إِلَّا كَلِمَةٌ بَصْرٍ حَتَّى يَكُونَ كُلُّهُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَيْنَ
 الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ فَيَأْمُرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الثُّورَ فَيَصِيرُ عَمُوداً مِنَ الْأَرْضِ إِلَى السَّمَاءِ
 فَيَسْتَضِيئُ بِهِ كُلُّ مُؤْمِنٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ وَيَدْخُلُ عَلَيْهِ نُورٌ مِنْ جَوْفِ بَيْتِهِ
 فَتَفْرُخُ نُفُوسُ الْمُؤْمِنِينَ بِذَلِكَ الثُّورِ وَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ بِظُهُورِ قَائِمِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ
 عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ ثُمَّ يُضْبِحُونَ وَقُوفاً بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُمْ ثَلَاثِينَ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا
 بَعْدَهُ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَ بَدْرٍ^۱

ای مولای عزیزم! محلّ ظهور مهدی شما کجاست و چگونه ظاهر می شود؟
 فرمودند: به تنهایی ظاهر می شود، به تنهایی وارد مسجد الحرام می شود، به تنهایی
 دست به دامن کعبه می زند، شب را به تنهایی در کنار بیت بر می برد. چون
 مردم به خواب روند و شب فرارسد جبرئیل و میکائیل و صفوف فرشتگان بر او
 وارد شوند. جبرئیل به آن حضرت عرض می کند که ای آقای من!
 گفتارت مقبول و فرمانت مطاع است. پس، آن حضرت دست بر چهره اش
 کشیده، می فرماید: «ستایش خداوندی را که وعده لطف و رحمتش را بر ما
 محقق فرمود و ما را وارث همه سرزمین بهشت گردانید تا هر جای آن که
 بخواهیم، منزل کنیم، زیرا آن روز پاداش نیکوکاران بسیار نیکو خواهد
 بود». ^۲ آنگاه امام بین رکن و مقام می ایستد و فریاد می زند: ای یاران
 مخصوص من و ای کسانی که خداوند شما را برای نصرت و یاری من بر روی
 زمین ذخیره کرده است! با حالت اطاعت نزد من حاضر شوید. صیحه و فریاد
 امام در شرق و غرب به گوش آنها می رسد و آن صدای ملکوتی را می شنوند و
 به طرف امام حرکت می کنند و در چشم به هم زدنی بین رکن و مقام نزد امام
 حاضر می گردند. در این حال، خداوند متعال به نور امر می کند که به صورت
 عمودی از زمین تا آسمان برآید و تمام ساکنان روی زمین را از پرتو خود روشن
 سازد. مؤمنان را این نور به شادی و سرور وامی دارد، زیرا از قیام قائم ما

۱. بحار الانوار، ج ۵۳ / ص ۷.

۲. زمر / ۷۴.

اهل بیت خبر ندارند، اما چون صبح شود آنها در محضر مقدس و در فرمان امام علیه السلام قرار می گیرند و تعداد آنها سیصد و سیزده نفر — به عدد اصحاب پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله در روز جنگ بدر — است.

عمر بن حنظله از امام ششم علیه السلام روایت می کند که فرمودند:

خَمْسٌ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ مِنَ الْعَلَامَاتِ الصَّيْحَةُ وَالسُّفْيَانِيُّ وَالْخَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ
وَأُخْرُوجُ الْيَمَانِيَّ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ.^۱

پیش از ظهور حضرت مهدی [علیه السلام] پنج نشانه تحقق پیدا می کند:

۱. صیحه آسمانی
۲. خروج سفیانی
۳. فرورفتگی در بیداء (زمینی است نزدیک مکه منوره)
۴. خروج یمانی
۵. کشته شدن نفس زکیه

فضل بن شاذان از ابی بصیر نقل نموده است که او گفت:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الْقَائِمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يُنَادِي اسْمُهُ لَيْلَةٌ ثَلَاثٌ وَعِشْرِينَ وَيَهُومُ يَوْمَ عَاشُورَا يَوْمَ قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.^۲

حضرت صادق علیه السلام فرمودند که قائم آل محمد صلوات الله علیه در شب بیست و سوم ماه رمضان با ندای آسمانی معرفی می شود و روز عاشورا قیام می کند و آن روزی است که امام حسین علیه السلام را شهید کردند.

یعقوب سراج به امام صادق علیه السلام عرض می کند:

مَتَى فَرَجُ شِيعَتِكُمْ؟ فَقَالَ: إِذَا اخْتَلَفَ وُلْدُ الْعَبَّاسِ وَوَهِيَ سُلْطَانُهُمْ وَظَمَعَ فِيهِمْ مَنْ لَمْ يَكُنْ يَظْمَعُ وَخَلَعَتِ الْعَرَبُ أَعْنَئَهَا وَرَفَعَ كُلُّ ذِي صِصِيَّةٍ صِصِيَّتَهُ وَظَهَرَ السُّفْيَانِيُّ وَأَقْبَلَ الْيَمَانِيُّ وَتَحَرَّكَ الْحَسَنِيُّ خَرَجَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مِنَ الْمَدِينَةِ

۱. غیبت طوسی، ص ۲۶۷.

۲. همان مأخذ، ص ۲۷۴.

إِلَى مَكَّةَ بِثَرَاثِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قُلْتُ وَمَا ثَرَاثُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ فَقَالَ سَيْفُهُ وَدِرْعُهُ وَعِمَامَتُهُ وَبُرْدُهُ وَرَايَتُهُ وَقَضِيْبُهُ وَفَرَسُهُ وَلاَمْتُهُ وَسَرْجُهُ.^۱

عرض کردم: یا ابن رسول الله! فرج شیعیان شما کی خواهد بود؟ فرمودند: وقتی که اولاد عباس در حکومت با هم اختلاف پیدا نمایند و افرادی طمع ریاست را پیدا کنند که نباید بکنند (شایستگی اجتماعی نداشته‌اند) و عرب کیان خود را از دست بدهد، سفیانی خروج می‌کند و یمانی قیام می‌نماید و حسنی (منظور جناب سید حسنی است از خراسان) حرکت می‌کند. در این هنگام، صاحب این امر (امر ولایت) از مدینه به سمت مکه معظمه حرکت می‌کند در حالی که «تراث» رسول خدا صلی الله علیه وآله را همراه دارد. می‌گوید عرض کردم: «تراث» چیست؟ فرمودند: شمشیر، زره و عمامه رسول اکرم صلی الله علیه وآله و بُرد آن حضرت و پرچم او و عصای آن سرور و اسب سواری با آلات جنگی و همه وسایل نبرد که جدش خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله داشتند، امام عصر ارواحنا له الفداء همه این موارد را همراه دارد.

ابی بصیر از حضرت صادق علیه السلام خبر می‌دهد که آن حضرت فرمودند:

عَلَامَةُ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ كُسُوفُ الشَّمْسِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي ثَلَاثِ عَشْرَةَ وَأَرْبَعِ عَشْرَةَ مِنْهُ.^۲

نشانه ظهور مهدی [علیه السلام] کسوف خورشید در ماه مبارک رمضان است و وقت کسوف سیزدهم یا چهاردهم ماه رمضان خواهد بود.

زراره از امام صادق علیه السلام درباره حق بودن صیحه آسمانی می‌پرسد، آن حضرت می‌فرماید:

أَيُّ وَاللَّهِ حَتَّى يَسْمَعَهُ كُلُّ قَوْمٍ بِلِسَانِهِمْ.^۳

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۷۰.

۲. همان مأخذ، ص ۲۷۲.

۳. همان مأخذ، ص ۲۷۴.

آری، به خدا سوگند حق است و تمام مردم به زبان مخصوص خودشان این صدا را می‌شنوند.

هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام حدیث می‌کند که فرمودند:

مَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى لَا يَبْقَى صِنْفٌ مِنَ النَّاسِ إِلَّا وَقَدْ وُلُّوا عَلَي النَّاسِ حَتَّى لَا يَقُولَ قَائِلٌ «إِنَّا لَوُؤَلِينَا لَعَدَلْنَا» ثُمَّ يَقُومُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَالْعَدْلِ.^۱

امر قیام مهدی ما محقق نخواهد شد مگر اینکه تمام اصناف مردم به حکومت برسند تا نتوانند بگویند اگر حکومت به دست ما داده می‌شد عدالت و حق را اجرا می‌کردیم. بعد از رسیدن همه طبقات به حکومت آنگاه مهدی ما ظاهر می‌شود و حق و عدالت را اجرا می‌کند.

موضوع امتحان و آزمایش شدن همه طبقات یکی از مقدمات و نشانه های قیام جهانی حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء است. لذا امام صادق علیه السلام در این روایت به منصور می‌فرماید:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مَنْصُورُ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ [أ] بَأْسٍ لَا وَاللَّهِ لَا يَأْتِيكُمْ حَتَّى تُمَيِّرُوا لَا وَاللَّهِ لَا يَأْتِيكُمْ حَتَّى تُمَحَّصُوا وَلَا وَاللَّهِ لَا يَأْتِيكُمْ حَتَّى يَشْقَى مَنْ شَقِيَ وَيَسْعَدَ مَنْ سَعَدَ.^۲

امر ولایت و حکومت ما آل محمد محقق نخواهد شد مگر بعد از اینکه آزمایشهایی به عمل آید:

۱. به خدا سوگند، مهدی ما قیام نمی‌کند مگر بعد از مأیوس شدن همه از وجود مقدّسش (آری، می‌گویند اگر بود، می‌آمد؛ پس چرا اینقدر طول کشیده است؟).

۲. نه به خدا سوگند نمی‌آید مگر اینکه افراد از یکدیگر امتیاز پیدا کنند (خوبان از بدان مشخص شوند).

۱. همان مأخذ، ص ۲۷۴.

۲. الامامة والبصرة، ص ۱۳۰.

۳. نه به خدا سوگند، قائم ما ظاهر نمی شود تا اینکه همه شناخته بشوند (از نظر دینی و ولایت).

۴. نه به خدا سوگند، آنگاه موعود اسلام ظهور می کند که افرادی که باید سعادت مند بشوند، به اختیار خودشان راه سعادت را برگزینند و آنهایی که دارای خبث باطن و سوء سریره هستند به اختیار خودشان راه شقاوت را در پیش گیرند.

آری، همه مردم باید قبل از حکومت جهانی سرور عالم حضرت مهدی ارواحنا له الفداء امتحان بشوند. سعادت مند آن افرادی هستند که در این آزمایش با معدلی خوب قبول می شوند.

از حضرت صادق علیه السلام حدیث کرده اند که آن امام عزیز فرمودند:

إِنَّ لِيَّ مَائِدَةً بِقَرْقِيسَا يَطْلَعُ مُطْلِعٌ مِّنَ السَّمَاءِ فَيُنَادِي يَا ظَيْرَ السَّمَاءِ وَيَا سِبَاعَ الْأَرْضِ هَلُمُّوا إِلَيَّ الشَّبِيعِ مِنَ لُحُومِ الْجَبَّارِينَ.^۱

از سوی خداوند متعال سفره ای گسترده می شود، گوینده ای از آسمان فریاد می زند: ای پرندگان آسمان و ای درندگان روی زمین! بیایید و شکم را از گوشت ستمگران و جباران عالم سیر کنید.

● خواننده عزیز! این بیان کنایه است از اینکه دیگر عمر ستمگران خاتمه یافته و امنیت و رفاه در زندگی برای همه موجودات آماده است.

امام صادق علیه السلام درباره آینده عرب چنین اعلام فرموده اند:

وَبَلِّ لِي طَغَاةَ الْعَرَبِ مِنْ شَرِّ قَدِ افْتَرَبَ قُلْتُ كَمْ مَعَ الْقَائِمِ مِنَ الْعَرَبِ قَالَ شَيْءٌ يَسِيرٌ وَعَنْ غَيْبَةِ الثُّعْمَانِيِّ أَنَّهُ لَا يَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ مِنَ الْعَرَبِ أَحَدٌ.^۲

وای بر سرکشان عرب از شری که نزدیک شده است. راوی می گوید عرض کردم: از اصحاب حضرت قائم چند نفر عرب هستند؟ فرمودند: ناچیز (بسیار کم). اما «غیبت نعمانی» می گوید از عرب در خدمت حضرت قائم کسی نیست.

۱. الزام التائب، ج ۲ / ص ۱۶۳.

۲. همان مأخذ، ص ۱۵۹.

(منظور اصحاب خاص هستند).

بنابر نقل «الزام الناصب»، امام صادق علیه السلام در باب علائم قبل از ظهور امام عصر روحی له الفداء چنین فرمودند:

لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ عَجَلَ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ مِنْ مَكَّةَ حَتَّى يَكُونَ مِثْلُ الْحَلَقَةِ قُلْتُ
وَكَيْمِ الْحَلَقَةِ قَالَ عَشْرَةَ آلَافٍ جِبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهِ ثُمَّ يَهْرُ
الرَّايَةَ الْمُغَلَّبَةَ وَيَسِيرُ بِهَا فَلَا يَبْقَى أَحَدٌ فِي الْمَشْرِقِ وَلَا فِي الْمَغْرِبِ إِلَّا بَلَغَهَا
وَهِيَ رَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَزَلَ بِهَا جِبْرَائِيلُ يَوْمَ بَدْرٍ ثُمَّ لَقَّهَا
وَدَفَعَهَا إِلَى عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى إِذَا كَانَ يَوْمَ الْبَصْرَةِ فَتَشَرَّهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ
عَلِيهِ السَّلَامُ فَفَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ ثُمَّ لَقَّهَا فَهِيَ عِنْدَنَا لَا يَنْشُرُهَا أَحَدٌ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ
فَإِذَا هُوَ قَامَ فَتَشَرَّهَا لَمْ يَبْقَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِلَّا بَلَغَهَا وَيَسِيرُ الرَّعْبُ
فَدَامَهَا شَهْرًا وَعَنْ يَمِينِهَا شَهْرًا وَعَنْ يَسَارِهَا شَهْرًا ثُمَّ قَالَ يَا مُحَمَّدُ (صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِنَّهُ يَخْرُجُ مَوْتُورًا غَضَبَانَ أَسِفًا لِفُضْبِ اللَّهِ عَلَى هَذَا الْخَلْقِ عَلَيْهِ
قَمِيصُ رَسُولِ اللَّهِ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ يَوْمَ أُحُدٍ وَعِمَامَةُ السَّحَابِ وَدِرْعُ رَسُولِ اللَّهِ
السَّابِغَةِ وَسَيْفُ رَسُولِ اللَّهِ ذُو الْفِقَارِ يُجْرِدُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ هَرْجَاءً
فَيَبْدَأُ بِنَبِيِّ شَيْبَةَ فَيَقْطَعُ أَيْدِيَهُمْ وَيُعَلِّقُهَا فِي الْكَعْبَةِ وَيُنَادِي مُنَادِيَهُ هَوْلًا سَرَّاقُ
اللَّهِ ثُمَّ يَتَنَاوَلُ الْمَفْقُودِينَ عَنْ فُرُشِهِمْ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «أَيُّهَا تَكُونُوا يَأْتِ
بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا»^۱.

مهدی ما عجل الله تعالی فرجه از مکه خارج نمی شود تا اینکه دارای حلقه باشد.
راوی می گوید عرض کردم: میزان حلقه چیست؟ فرمودند: یک سپاه ده هزار
نفری در حالی که جبرئیل علیه السلام در طرف راست و میکائیل در طرف چپ
آن حضرت در حرکت اند و پرچم رسول اکرم صلی الله علیه وآله را به اهتزاز
در می آورند و تمام مردم مشرق و مغرب از خبر قیام و به اهتزاز در آمدن آن آگاه

می شوند و این پرچم مخصوص رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که در روز بدر جبرئیل آن را از آسمان آورد. آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله آن پرچم را پیچید و به علی علیه السلام داد تا اینکه جنگ بصره پیش آمد و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پرچم را به اهتزاز در آورد و خداوند آن پیروزی درخشان را نصیبش فرمود و بعد از فتح بصره حضرت امام امیر المؤمنین علیه السلام آن پرچم را پیچیدند و الان در نزد ماست. و هیچ کس آن پرچم را نمی گشاید و به دست نمی گیرد مگر اینکه قائم ما قیام کند و آن را به اهتزاز در آورد و این پرچم و خبر بر افراشته شدنش به شرق و غرب عالم می رسد و جهان را در سیطره خود قرار می دهد و از آن طرف در پیشاپیش آن به اندازه یک ماه مسافت و نیز از طرف راست و چپ آن موجی از خوف و ترس راه می افتد (البته دلهای مردم را پر می کند) و قلبها را مسخر می نماید. او ناراحت و غضبناک ظاهر می شود و برای این مردم که گرفتار غضب خداوند شده اند متأسف است، در حالی که پیراهن رسول اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ احد و نیز عمامه مخصوص و زره آن حضرت را پوشیده و شمشیر جدش (ذوالفقار) را به دست گرفته است و این شمشیر را از غلاف بیرون می کشد و هشت ماه آن را به زمین نمی گذارد. ابتدا بنی شیبه را از بین می برد و دستهای آنها را قطع می کند و به دیوار کعبه می آویزد و از طرف حضرت بقیة الله روحی له الفداء منادی ندا می کند که اینها دزدان دین خدا و حرم خدا هستند. سپس سیصد و سیزده تن یاران مخصوص شرفیاب می شوند که خداوند درباره شان فرموده است: «همه شما را خداوند خواهد آورد».^۱

امام صادق علیه السلام درباره جهانگیری حضرت ولی عصر و یاران عزیزش برنامه جالبی در این حدیث فرموده اند که شرح آن را به نظر خوانندگان عزیز می رسانیم تا مشکل بی اساس به نظر بعضیها در ارتباط با اینکه چگونه حکومت واحد جهانی به وجود می آید، حل بشود. امام صادق علیه السلام در این حدیث می فرماید:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ
عَهْدُكَ فِي كَيْفِكَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ مَا لَا تَفْهَمُهُ وَلَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَانظُرْ إِلَى
كَيْفِكَ وَأَعْمَلْ بِهَا فِيهَا قَالَ وَيَبْعَثُ جُنْدًا إِلَى الْقُسْطَنْطِينِيَّةِ فَإِذَا بَلَغُوا إِلَى الْخَلِيجِ
كَتَبُوا عَلَى أَقْدَامِهِمْ شَيْئًا وَمَشَوْا عَلَى الْمَاءِ فَإِذَا نَظَرَ إِلَيْهِمُ الرُّومُ يَمْشُونَ عَلَى
الْمَاءِ قَالُوا هَؤُلَاءِ أَصْحَابُهُ يَمْشُونَ عَلَى الْمَاءِ فَكَيْفَ هُوَ قَعِنْدَ ذَلِكَ يَفْتَحُونَ لَهُمْ
أَبْوَابَ الْمَدِينَةِ فَيَدْخُلُونَهَا فَيَحْكُمُونَ فِيهَا مَا يُرِيدُونَ.^۱

وقتی قائم ما عجل الله تعالى فرجه قیام کند و جهان را مسخر اراده و حکومت خود
قرار دهد، در هر قسمتی و قاره ای از دنیا کسی را به عنوان نمایندگی از طرف
خودش معین می فرماید و فرمان کارش را به این مضمون صادر می کند: برنامه
قضایی تو در کف دست تو است. پس، هرگاه مشکلی پیش آید که حکم
خداوند را در آن امر نمی دانی به کف دستت نظر کن و آنچه را در کف
دستت دیدی همان تکلیف تو است و به آن عمل کن. امام صادق علیه السلام
می فرماید: آنگاه حضرت قائم لشکری به قسطنطنیه می فرستد و وقتی که به
دریا رسیدند عبارتی به کف پاهای خود می نویسند و روی آب راه می روند.
مردم می گویند: اینها که اصحاب حضرت قائم هستند و روی آب راه می روند
پس خود آن حضرت چه خواهد کرد. در این موقع چون شکست خود را قطعی
می بینند دروازه های شهر را به روی آنها می گشایند. پس، آنها فرمانروایی را
به دست می گیرند و هر فرمانی بخواهند صادر می کنند (این است معنی ولایت
تکوینی و تشریحی).

از امام صادق علیه السلام در رابطه با صیحه آسمانی حدیث می کنند که

فرمودند:

إِنَّهُ قَالَ أَلْعَامُ الَّذِي فِيهِ الصَّبِيحَةُ قَبْلَهُ الْآيَةُ فِي رَجَبٍ قُلْتُ وَمَا هِيَ قَالَ وَجْهٌ
يَطْلُعُ فِي الْقَمَرِ وَيَدُّ بَارِزَةٌ.^۲

پیش از آن سالی که ندای آسمانی بلند می شود در ماه مبارک رجب نشانه

۱. الزام التاصب، ج ۲ / ص ۲۸۷.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۵۲.

دیگری باید دیده شود. عرض کردم: آن چیست؟ فرمودند: صورتی در ماه پیدا می شود و دستی ظاهر می گردد که همه آن را می بینند.

امام صادق علیه السلام در مقام بیان موارث انبیاء این طور فرموده اند:

الْوَاخُ مُوسَىٰ عِنْدَنَا وَعَصَا مُوسَىٰ عِنْدَنَا وَنَحْنُ وَرَثَةُ النَّبِيِّينَ.^۱

الواخی که خداوند به حضرت موسی علیه السلام نازل فرموده نزد ماست (وظایف و تکالیف آسمانی از طرف خداوند) و نیز عصای حضرت موسی علیه السلام که به وسیله آن دشمنان خداوند را به خاک مذلت می انداخت در نزد ما آل محمد است. بنابراین، ما خاندان رسالت و ارث همه پیامبران هستیم.

● خواننده عزیز! اکنون آن الواح و عصای حضرت موسی علیه السلام به دست وجود مقدس حضرت بقیة الله روحی له الفداء است — اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ —.

امام صادق علیه السلام درباره ساعت اول تشرّف حضرت بقیة الله روحی له الفداء به مسجد الحرام می فرماید:

وَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَيْهِ دَخَلَ مَكَّةَ وَعَلَيْهِ بُرْدَةٌ رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَىٰ رَأْسِهِ عِمَامَةٌ صَفْرَاءُ وَفِي رِجْلَيْهِ نَعْلٌ رَسُولِ اللَّهِ الْمَخْصُوفَةُ وَفِي يَدِهِ هِرَاوَةٌ يَسُوقُ بَيْنَ يَدَيْهِ أَعْتَرًا عِجَافًا حَتَّىٰ يَصِلَ بِهَا نَحْوَ الْبَيْتِ لَيْسَ ثَمَّ أَحَدٌ يَعْرِفُهُ. وَيُضْبِحُ النَّاسُ فِي مَكَّةَ فَيَقُولُونَ مَنْ هَذَا الرَّجُلُ الَّذِي بِجَانِبِ الْكَعْبَةِ وَمَا هَذَا الْخَلْقُ الَّذِي مَعَهُ هَذِهِ الْآيَةُ الَّتِي رَأَيْنَاهَا اللَّيْلَةَ وَلَمْ نَرَمِثْلَهَا؟ فَيَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ هَذَا صَاحِبُ الْعُنْتِرَاتِ.^۲

به خدا سوگند، گویی با این چشم او را می بینم که داخل مکه شده است، در حالی که بُرد رسول اکرم صلی الله علیه وآله را به تن کرده و عمامه زرد بر سر دارد و نعلین مخصوص رسول الله صلی الله علیه وآله را به پا کرده و نیزه آن حضرت را در دست دارد. در جلوی او تعدادی بزهای لاغر در حرکت اند و آنها را به سوی کعبه سوق می دهد در حالی که کسی آن حضرت را نمی شناسد.

۱. روزگارهایی، ص ۴۵۸.

۲. همان مأخذ، ص ۴۵۸.

مردم مکه صبحگاهان که برمی خیزند به یکدیگر می گویند: این مردی که در اطراف کعبه است، کیست؟ این افرادی که اطراف او را گرفته اند چه کسانی هستند؟ نشانه هایی ملاحظه کردیم که نظیرش را ندیده بودیم. اینها چیست و از کجاست؟ بعضی مردم به بعضی دیگر می گویند: این آقا صاحب بزهاست که دیروز وارد مکه معظمه شد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

يَخْتَجُّ لِلظَّالِقَانِ.^۱

آفرین بر طالقان.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ نَزَلَتْ سُيُوفُ الْقِتَالِ عَلَى كُلِّ سَيْفٍ اسْمُ الرَّجُلِ وَاسْمُ أَبِيهِ.^۲

زمانی که قائم ما عجل الله تعالی فرجه قیام می کند شمشیرهایی از آسمان فرود می آیند که خصوصیاتشان این است که نام جنگجو و نام پدرش با قلم قدرت روی لبه آنها نوشته شده است.

امام صادق علیه السلام در کیفیت آمدن سیصد و سیزده تن یاران مخصوص

حضرت مهدی روحی لشراب مقدمة الفداء چنین می فرمایند:

سَيَأْتِي اللَّهُ بِثَلَاثِمِائَةٍ وَثَلَاثَةِ عَشَرَ رَجُلًا فِي مَسْجِدِكُمْ هَذَا يَعْلَمُ أَهْلُ مَكَّةَ أَنَّهُمْ لَمْ يُوَلَدُوا مِنْ آبَائِهِمْ وَلَا أجدَادِهِمْ عَلَيْهِمْ سُيُوفٌ مَكْتُوبٌ عَلَى كُلِّ سَيْفٍ اسْمُ الرَّجُلِ وَاسْمُ أَبِيهِ وَنَسَبِهِ.^۳

خداوند سیصد و سیزده تن یاران مخصوص حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه را در همین مسجد شما (مسجد الحرام) جمع می کند و مردم مکه با دیدنشان می دانند که ایشان از اهل مکه و از آباء و اجداد آنها نیستند. شمشیرهایی به دست

۱. همان مأخذ، ص ۴۲۹.

۲. همان مأخذ، ص ۴۳۰.

۳. همان مأخذ، ص ۴۳۰.

دارند که روی لبه آنها اسامی صاحبانشان و نام پدرشان و نسب آنها نوشته شده است.

در این فرمان کوتاه امام صادق علیه السلام شیعیان را برای شرکت در قیام جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام مکلف فرموده اند که در خود آمادگی رزمی ایجاد کنند اگر چه تهیه یک تیر باشد و می فرمایند: وقتی که خداوند این آمادگی را در شما ببیند امیدوارم به شما مهلتی مرحمت کند و ظهور آن سرور را درک نماید:

لِيُعَدَّ أَحَدُكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ ذَلِكَ مِنْ نَبِيِّهِ رَجَوْتُ لَأَنْ يُنْسَأَ فِي عُمُرِهِ حَتَّى يُدْرِكَهُ وَيَكُونَ مِنْ أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ.^۱

درباره قدرت سپاهیان حضرت بقیة الله روحی له الفداء امام ششم علیه السلام می فرماید:

يَخْرُجُ بِجَيْشٍ لَوْ اسْتَقْبَلَ بِهِ الْجِبَالَ لَهَدَمَهَا وَاتَّخَذَ فِيهَا طَرِيقًا.^۲
لشکریان آن حضرت اگر با کوه روبرو شوند کوهها را درهم می کوبند و دل آنها را شکافته، مسیر خود قرار می دهند.

آری، با نیروی مادی و معنوی، ایجاد تونلها می کنند و بدون گذشت زمان و صرف وقت زیاد به هدفهای خود می رسند.

امام صادق علیه السلام درباره آثار شکوهمند قیام حضرت بقیة الله روحی له الفداء چنین می فرمایند:

يُعِزُّ اللَّهُ بِهِ الْإِسْلَامَ بَعْدَ ذَلِّهِ وَيُحْيِيهِ بَعْدَ مَوْتِهِ وَيَضَعُ الْجِزْيَةَ وَيَدْعُو إِلَى اللَّهِ بِالسَّيْفِ فَمَنْ أَبِي قَتِيلٍ وَمَنْ نَازَعَهُ خُذِلَ يُظْهِرُ مِنَ الدِّينِ مَا هُوَ عَلَيْهِ الدِّينُ فِي نَفْسِهِ مَا لَوْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَحْكُمُ بِهِ يَرْفَعُ الْمَذَاهِبَ مِنَ

۱. همان مأخذ، ص ۴۳۱.

۲. همان مأخذ، ص ۵۱۳.

الْأَرْضِ فَلَا يَبْقَىٰ إِلَّا الدِّينُ الْخَالِصُ^۱

۱. عزت واقعی اسلام را بعد از ذلتش به آن برمی گرداند.
۲. احکام و قوانین مرده اسلام را (از نظر ظاهر) حیات می بخشد.
۳. جزیه از کفار برداشته می شود.
۴. با شمشیر قیام می کند و مردم را به سوی خداوند می خواند و هر کس اجابت نکرد کشته می شود و هر کس با آن حضرت نبرد کند منکوب می شود.
۵. در قیام جهانی حضرت صاحب الامر علیه السلام قیافه واقعی اسلام که بعد از رسول اکرم صلی الله علیه وآله در زیر پرده ها پنهان مانده است، بطوریکه در زمان حیات آن حضرت بود، آشکار می گردد.
۶. تمام مذاهب از سرتاسر جهان برچیده می شود.
۷. تنها دین جهانی همه مردم دین مقدس اسلام، آن هم براساس رهبری اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله عليهم اجمعین، خواهد بود.

امام صادق علیه السلام در مورد چگونگی برخورد امام عصر روحی له الفداء با مردم — اعم از عرب و عجم و... — چنین می فرماید:

إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْعَرَبِ وَالْفُرْسِ إِلَّا السَّيْفُ لَا يَأْخُذُهَا إِلَّا
بِالسَّيْفِ وَلَا يُعْطِيهَا إِلَّا السَّيْفُ^۲

قیام قائم ما براساس قدرت است و چون بنا بر اصلاح جهان است دیگر مدارا کردن در این دولت وجود ندارد: با عرب و فارس و غیره با شمشیر برخورد می کند، با شمشیر می گیرد و آنچه بخواهد عطا کند نیز با شمشیر است (کنایه از اینکه تمام برنامه و برخوردها بر پایه قدرت است).

حضرت امام ششم علیه السلام در این روایت تفاوت میان برخورد مردم زمان جاهلیت با رسول اکرم صلی الله علیه وآله و برخورد مردم زمان ظهور را با حضرت بقیة الله روحی له الفداء بیان فرموده اند و شایسته است خوانندگان عزیز خوب دقت کنند تا ویژگیهای حکومت حضرت مهدی علیه السلام را بیشتر درک کنند. امام

۱. همان مأخذ، ص ۵۱۴.

۲. همان مأخذ، ص ۵۱۵.

صادق علیه السلام فرمودند:

إِن قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلَةِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنَ الْجَاهِلِيَّةِ فَقِيلَ لَهُ كَيْفَ ذَلِكَ فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ آتَى النَّاسَ وَهُمْ يَعْْبُدُونَ الْحِجَارَةَ وَالصُّخْرَ وَالْعِيدَانَ وَالْخَشَبَ الْمَنْخُوتَةَ وَإِن قَائِمَنَا إِذَا قَامَ آتَى النَّاسَ وَكُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُونَ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ وَيَخْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ وَيُقَاتِلُهُ عَلَيْهِ أَمَا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَذْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقُرُۗ۠۱

هنگامی که قائم ما قیام کند آنچه از مردم نادان می بیند به مراتب بیش از آن چیزی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم از مردم دوران جاهلیت دیدند. گفته شد: چگونه است آن؟ پس فرمودند: وقتی که جدم خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله به رسالت مبعوث شد مردم انواع بتهای سنگی و چوبی را پرش می کردند (اینها کمتر نیاز به دلیل بر اثبات بطلان بت پرستی داشتند)؛ اما حضرت صاحب الامر آنگاه که قیام می کند همه مردم با تمسک به قرآن و تأویل کتاب خداوند (به نفع خودشان) با آن حضرت به مقابله می پردازند. قسم به خداوند که عدالت مهدی ما در تمام خانه های آنها وارد می شود چنانچه سرما و گرما داخل می شود (قدرت نفوذ معنوی ولایت را بیان می کند).

امام صادق علیه السلام درباره آزمایشی که روزهای اول ظهور برای یاران مخصوص امام عصر علیه السلام (سیصد و سیزده تن) پیش می آید چنین فرموده اند:

كَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى مِئْبَرِ الْكُوفَةِ وَحَوْلَهُ أَصْحَابُهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرٍ وَهُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ وَهُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ حَتَّى يَسْتَخْرِجَ مِنْ قَبَائِهِ كِتَابًا مَخْتُومًا بِخَاتِمٍ مِنْ ذَهَبٍ عَهْدٍ مَعْهُودٍ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَيُخْفِلُونَ عَنْهُ إِخْفَالَ الْغَنَمِ الْبُكْمِ فَلَا يَبْقَى مِنْهُمْ إِلَّا الْوَزِيرُ وَوَاحِدٌ عَشَرَ نَقِيبًا كَمَا بَقِيَ مَعَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَيَجُولُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهُ مَذْهَبًا فَيَرْجِعُونَ إِلَيْهِ وَاللَّهِ إِنِّي لَأَعْرِفُ الْكَلَامَ الَّذِي يَقُولُهُ لَهُمْ فَيَكْفُرُونَ بِهِ. ۲

۱. همان مأخذ، ص ۵۱۵.

۲. کمال الدین صدوق، ج ۲ / ص ۳۹۰ (چاپ جدید، ص ۶۷۲، ح ۲۵).

گویی می بینم قائم ما علیه السلام در کوفه بالای منبر نشسته و اصحاب مخصوص که سیصد و سیزده تن هستند، به عدد اصحاب بدر، در خدمت حضور دارند. ناگهان امام زمان علیه السلام نامه ای با مهر طلایی از جیب قبای خود بیرون می آورد که البته عهدنامه ای است از رسول خدا صلی الله علیه و آله برای آن حضرت. چون مفاد عهدنامه را برای آنها می خوانند مانند گله گوسفند گرگ زده همه، بجز وزیر و یازده تن از نقبا به عدد نقبای بنی اسرائیل، بقیه همه آن سرور را رها کرده، در سرتاسر کره زمین سیر می کنند و چون مرجع و پناهی غیر از او نمی بینند دوباره برمی گردند. امام صادق علیه السلام می فرماید: ای مفضل! به خدا سوگند، من می دانم که حضرت قائم علیه السلام چه می فرماید که سبب فرار کردن آنها می شود.

مفضل بن عمر از حضرت صادق علیه السلام درباره پیراهن یوسف علیه السلام اینچنین می فرماید:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ أَنْذَرِي مَا كَانَ قَمِيصُ يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ قُلْتُ: لَا. قَالَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا أُوقِدَتْ لَهُ النَّارُ آتَاهُ جِبْرَائِيلُ بِثَوْبٍ مِنْ ثِيَابِ الْجَنَّةِ فَالْبَسَهُ إِيَّاهُ فَلَمْ يَضُرَّهُ مَعَهَا حَرٌّ وَلَا بَرْدٌ فَلَمَّا حَضَرَ إِبْرَاهِيمَ الْمَوْتَ جَعَلَهُ فِي تَمِيمَةٍ وَعَلَّقَهُ عَلَى إِسْحَاقَ وَعَلَّقَهُ إِسْحَاقُ عَلَى يَعْقُوبَ فَلَمَّا وُلِدَ يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَّقَهُ عَلَيْهِ وَكَانَ فِي عَضِدِهِ حَتَّى كَانَ مِنْ أَمْرِهِ مَا كَانَ فَلَمَّا أَخْرَجَهُ يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمِصْرَ مِنَ التَّمِيمَةِ وَجَدَ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رِيحَهُ وَهُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى حِكَايَةً عَنْهُ «إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفْتِنُونِ» فَهُوَ ذَلِكَ الْقَمِيصُ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ الْجَنَّةِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَإِلَى مَنْ صَارَ هَذَا الْقَمِيصُ؟ قَالَ إِلَى أَهْلِهِ وَهُوَ مَعَ قَائِمِنَا إِذَا خَرَجَ ثُمَّ قَالَ كُلَّ نَبِيٍّ وَرَثَ عِلْمًا أَوْ غَيْرَهُ فَقَدِ انْتَهَى إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید: می دانی پیراهن یوسف علیه السلام چه بود؟ عرض کردم: نه. فرمودند: چون برای سوزاندن ابراهیم علیه السلام آتش افروختند و خواستند آن حضرت را در آتش بیندازند، جبرئیل علیه السلام برای او

پیراهنی آورد و به تن او کرد که جلوی حرارت آتش و همچنین سردی هوا را می گرفت؛ لذا آتش حضرت ابراهیم علیه السلام را نسوزانید. چون زمان وفاتش رسید آن را در یک جلد قرار داد و به بازو (یا گردن) اسحاق آویزان کرد و جناب اسحاق آن را به یعقوب داد و یعقوب این بازوبند را یا در هنگام ولادت یوسف علیه السلام و یا وقت رفتن همراه برادرانش به صحرا به بازوی او بست. یوسف علیه السلام بعد از آن سرگذشت بزرگ آن را از جلدش در مصر بیرون آورد. آنوقت یعقوب پیامبر در کنعان به فرزندانش گفت بوی یوسف را می شنوم اگر مرا متهم قرار ندهید (خرافات پیری یا غیر آن). و این است معنی آیه «اگر مرا تخطئه نکنید من بوی یوسف را می شنوم»^۱ و این همان پیراهن است که حبرئیل از بهشت آورد. مفضل می گوید عرض کردم: آن پیراهن کجاست؟ فرمودند: در نزد اهلش و آن با مهدی ما است، وقتی که قیام کند. و بدان هر پیامبری که علم یا چیز دیگری داشته است همه آنها به جدم حضرت محمد صلی الله علیه و آله داده شده است.

امام صادق علیه السلام درباره چگونگی قدرت حکومت حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء توضیح می فرمایند که باید کوردلان توجه کنند تا بدانند چگونه حکومت واحد جهانی را بر اساس عدل و داد اجتماعی تشکیل می دهد و همه حکومتها و رژیمهای خون آشام را از بین می برد و پرچم مقدس قرآن و مکتب اهل بیت را در سرتاسر جهان به اهتزاز در می آورد. و اینک روایت و ترجمه اش:

إِنَّهُ إِذَا تَنَاهَتْ الْأُمُورَ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ رَفَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كُلَّ مُنْخَفِضٍ مِنَ الْأَرْضِ وَخَفَضَ لَهُ كُلُّ مَرْتَفِعٍ مِنْهَا حَتَّى يَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَهُ بِمَنْزِلَةِ رَاحَتِهِ فَأَيُّكُمْ لَوْ كَانَتْ فِي رَاحَتِهِ شَعْرَةٌ لَمْ يُبْصَرْهَا.^۲

هر گاه قائم ما قیام کند خداوند بزرگ تمام پستیها و بلندیهای زمین را برای او یکسان می کند تا همه چیز را ببیند و دنیا برای او درست مانند کف دستی می شود. آیا اگر یکی از شما مویی در کف دستش باشد می شود که آن را نبیند؟

۱. یوسف / ۹۴.

۲. کمال الدین صدوق، ج ۲ / ص ۳۹۲ (چاپ جدید، ص ۶۷۴، ح ۲۹).

این است معنای قدرت بی نهایت و این است جلوه گاه حکومت واحد جهانی آن سرور بر اساس عدالت.

امام صادق علیه السلام درباره برخورد بعضی از علما و پیروان آنها با امام عصر روحی له الفداء چنین می فرماید:

أَعْدَاؤُهُ مُقَلِّدَةُ الْفُقَهَاءِ أَهْلِ الْإِجْتِهَادِ لِمَا يَرَوْنَهُ يَحْكُمُ بِخِلَافِ مَا ذَهَبَ إِلَيْهِ
 أَيْمَتُهُمْ وَلَوْلَا أَنَّ السَّيْفَ بِيَدِهِ لَأَفْتَى الْفُقَهَاءُ بِقَتْلِهِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُظْهِرُهُ بِالسَّيْفِ
 وَالكَرَمِ فَيُطِيعُونَهُ وَيَخَافُونَ فَيَتَقَبَّلُونَ حُكْمَهُ مِنْ غَيْرِ إِيمَانٍ بَلْ يُضْمِرُونَ خِلَافَهُ إِذَا
 خَرَجَ فَلَيْسَ لَهُ عَدُوٌّ مُبِينٌ إِلَّا الْفُقَهَاءُ خَاصَّةً هُوَ وَالسَّيْفُ أَخَوَانِ.^۱

دشمنان روزهای اول قیام حضرت مهدی علیه السلام مقلدان و پیروان فقها هستند؛ چون می بینند احکامی که از طرف آن حضرت صادر می شود برخلاف فتوای پیشوایان آنهاست. نه تنها مقلدان فقها دشمن امام عصر هستند بلکه خود فقها هم اگر آن حضرت قیام به شمشیر نکرده بودند و قدرت در دستشان نبود هرآینه فتوای کشتن آن سرور را صادر می کردند، اما چون آن حضرت با شمشیر برنده و دست بخشنده ظهور می کند، از روی ترس و به طمع مقام اظهار ایمان و پیروی از او می کنند و خلاف آن را در دل پنهان می دارند. هنگامی که خروج کند دشمن آشکاری بجز فقها ندارد. امام و شمشیر برادر هستند (کنایه از اینکه در همه جا و با همه کس از موضع قدرت سخن می گوید).

امام ششم علیه السلام در هنگام ظهور حضرت بقیة الله روحی له الفداء به مردم هشدار می دهند:

يَخْرُجُ عَلَى فِتْرَةٍ مِنَ الدِّينِ وَمَنْ أَبِي قَتِيلٍ وَمَنْ نَازَعَهُ خُذِلَ يُظْهِرُ مِنَ الدِّينِ مَا هُوَ
 الدِّينُ عَلَيْهِ فِي نَفْسِهِ مَا لَوْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَحْكُمُ بِهِ. أَعْدَاؤُهُ الْفُقَهَاءُ الْمُقَلِّدُونَ
 يَدْخُلُونَ تَحْتَ حُكْمِهِ خَوْفًا مِنْ سَيْفِهِ وَسَطْوَتِهِ وَرَغْبَةً فِيمَا لَدَيْهِ يُبَايِعُهُ الْعَارِفُونَ
 بِاللَّهِ تَعَالَى مِنْ أَهْلِ الْحَقَائِقِ عَنْ شُهُودٍ وَكَشْفٍ بِتَعْرِيفِ الْهَيِّ.^۲

مهدی ما در زمان فترت دین قیام می کند (زمان فترت دین به از اول غیبت صغری

۱. روزگارهایی، ص ۵۱۵.

۲. همان مأخذ، ص ۵۱۶.

تا ساعت آخر غیبت کبرای آن حضرت گفته می شود؛ یعنی در این مدت دست مردم به رهبر واقعی آسمانی نمی رسیده است). هر کس دعوت و امر آن حضرت را نپذیرد حتماً کشته می شود و کسی که سرستیز و مبارزه داشته باشد مخدول و منکوب خواهد شد. او چهره واقعی دین را ظاهر می کند که اگر رسول اکرم صلی الله علیه وآله بود همان سیما را به عنوان دین به مردم نشان می داد. دشمنان او در آن زمان فقهایی هستند که مقلدانی دارند که از ترس شمشیر و برای رسیدن به مقام و جاه به آن حضرت اظهار ایمان می کنند. مردان حق و تربیت شدگان آغوش مقدس توحید که تا اندازه ای پرده از جلوی چشمشان بالا رفته است با حضرت بقیة الله روحی له الفداء بیعت می کنند.

● خواننده عزیز! ممکن است این تظاهر به ایمان به حضرت مهدی روحی

له الفداء مربوط به روزهای اول باشد، چون امام دوازدهم باطن افراد را می بیند و برحسب واقع با مردم برخورد می کند.

امام صادق علیه السلام درباره برنامه های ابتدایی قیام حضرت قائم روحی له

الفداء می فرماید:

إِنَّهُ أَوَّلُ قَائِمٍ يَهْوُمُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يُحَدِّثُكُمْ بِحَدِيثٍ لَا تَحْتَمِلُونَهُ فَتَخْرُجُونَ عَلَيْهِ بِرُمَيْلَةِ الدَّسَكِرَةِ فَتُقَاتِلُونَهُ فَيَقْتُلُكُمْ وَهِيَ آخِرُ خَارِجَةٍ تَكُونُ.^۱

امام مهدی علیه السلام اولین قائم ما خاندان رسالت است که قیام می کند و به شما سخنی می گوید که تاب تحمل شنیدن آن را ندارید. از این جهت، در مقابل او در تپه های دسکره خروج می کنید و با او می جنگید و او شما را طعمه شمشیر خود می سازد. و این آخرین جمعیتی است که در مقابل حضرت می جنگد.

(دسکره در لغت به معنای قریه بزرگ و دهکده آمده، شاید این حدیث

اسم مکانی در عراق باشد).

امام ششم علیه السلام در تأویل آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۲ (خدا آن کسی است که پیامبرش را با دین

۱. همان مأخذ، ص ۵۱۶.

۲. توبه / ۳۳.

حق فرستاد تا اینکه بر همه ادیان و مذاهب غلبه پیدا کند ولو اینکه مشرکان و کافران ناراحت باشند) می فرماید:

وَاللّٰهُ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ وَلَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللّٰهِ الْعَظِيمِ وَلَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرَّةٍ خُرُوجُهُ حَتَّىٰ أَنْ لَوْ كَانَ كَافِرًا أَوْ مُشْرِكًا فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَأَكْسِرُنِي وَاقْتُلْنِي.^۱

به خدا سوگند هنوز تأویل این آیه نیامده است تا اینکه قائم ما ظهور کند. وقتی که قائم علیه السلام ظهور کرد هیچ کافری به خداوند بزرگ و هیچ مشرکی نسبت به امام نمی ماند مگر اینکه خروج حضرت مهدی علیه السلام را دوست ندارند؛ اما آنچنان عرصه بر دشمنان خداوند تنگ می شود که اگر کافری یا مشرکی در شکاف کوهی پنهان شده باشد آن کوه فریاد می زند: ای سپاهیان حضرت مهدی! بیاید یک دشمن اینجاست؛ او را بیرون کنید و بکشید.

آری، حکومت امام عصر روحی له الفداء حکومت خداوند است و درباره این حکومت فرموده اند: «وَلَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ» (هیچ کس نمی تواند از حکومت خداوند بگریزد).

ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند:

أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَنْزِلُ فِي صُورَةِ طَيْرٍ أَيْضَ فَيُبَايِعُهُ ثُمَّ يَضَعُ رِجْلًا عَلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَرِجْلًا عَلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَىٰ وَيُنَادِي بِصَوْتٍ ظَلِقَ ذَلِكَ تَسْمَعُهُ الْخَلَائِقُ أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ.^۲

اول کسی که با قائم ما بیعت می کند جبرئیل علیه السلام است که به صورت پرنده سفیدی از آسمان به زیر می آید و با حضرت بقیة الله روحی له الفداء بیعت می کند. سپس یک پای خود را بر روی بام کعبه می گذارد و پای دیگر را بر روی بام بیت المقدس. آنگاه فریاد می زند که همه مردم صدایش را

۱. کمال الدین صدوق، ج ۲ / ص ۳۸۷ (چاپ جدید، ص ۶۷۰، ح ۱۶).

۲. روزگارهایی، ج ۱ / ص ۵۰۶.

می شنوند و می گوید: «امر خدا آمد، در آن شتاب نکنید».

امام ششم علیه السلام در ارتباط با روزهای اول ظهور، از امام عصر علیه السلام بیانی نقل فرمودند که خلاصه و جان این خطبه به فرمایش علامه مجلسی چنین است: «من مجموعه ای از کمالات انبیاء و ائمه معصومین هستم و آنچه سبب شد که مردم از آنها متابعت کنند همه در وجود من جمع شده است». به گفته شاعر آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری. اکنون به متن و ترجمه فرمایش امام صادق علیه السلام توجه فرمایید:

وَسَيَدُنَا الْقَائِمُ مُسْنِدًا ظَهَرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَيَقُولُ يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ
يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ وَشَيْثٍ فَهَا أَنَاذَا آدَمَ وَشَيْثُ أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى نُوحٍ وَوَلَدِهِ
سَامٍ فَهَا أَنَاذَا نُوحٍ وَسَامٌ أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَاسْمَعِيلَ فَهَا أَنَاذَا
إِبْرَاهِيمَ وَاسْمَعِيلُ أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى عِيسَى وَشَمْعُونَ فَهَا أَنَاذَا عِيسَى
وَشَمْعُونَ أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مُحَمَّدٍ وَآمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا فَهَا
أَنَاذَا مُحَمَّدٍ وَآمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَهَا أَنَاذَا
الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ فَهَا أَنَاذَا
الْأَئِمَّةِ ۱

آقای ما قائم پشت به خانه کعبه می زند و مردم را مخاطب قرار داده، چنین می فرماید: هر کسی بخواهد آدم و شیث را ببیند بیاید مرا ببیند. ای مردم! هر کس بخواهد نوح و پسر او سام را ببیند من نوح و سام هستم. آگاه باشید هر کس بخواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند بیاید مرا ببیند. ای جهانیان! آن کسی که مایل باشد عیسی و شمعون را زیارت کند بداند که من عیسی و شمعون هستم. ای مردم دنیا! اگر کسی بخواهد محمد و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما را زیارت کند من محمد و امیرالمؤمنین هستم. ای مردم عالم! هر کسی بخواهد حسن و حسین را زیارت کند بیاید مرا ببیند، من حسن و حسینم. ای مردم! هر کسی بخواهد ائمه معصومین از فرزندان امام حسین [علیه السلام] را ببیند من همان ائمه از فرزندان حسین هستم.

● خواننده عزیز! تمام صفات و کمالات که در پیامبران و اوصیای آنها جمع شده و همه اوامری که خداوند بزرگ درباره آنها صادر فرموده که وجوب اطاعت از آنها و ترک نافرمانی این ذوات مقدسه زیربنای آن را تشکیل می دهد، همه اینها در وجود مقدس حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء جمع است و می توان گفت به عنوان مثال وجود عزیزش آینه ای است که تمام فرستادگان خداوند در آن نمایان اند۔ **اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ**۔

عیسی بن اعین از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند که آن سرور فرمودند:

السُّفْيَانِيُّ مِنَ الْمَخْتُومِ وَخُرُوجُهُ فِي رَجَبٍ وَمِنْ أَوَّلِ خُرُوجِهِ إِلَى آخِرِهِ خَمْسَةَ عَشَرَ شَهْرًا، سِتَّةَ أَشْهُرٍ يُقَاتِلُ فِيهَا فَإِذَا مَلَكَ الْكُورَ الْخَمْسَ مَلَكَ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ لَا تَزِيدُ عَلَيْهَا يَوْمًا.^۱

خروج سفیانی از حتمیات است (باید واقع شود) و تمام مدت خروجش بیش از پانزده ماه نخواهد بود که شش ماه آن را می جنگد و چون بر پنج ایالت فرمانروایی پیدا کرد نه ماه بدون یک روز زیادتر حکومت می کند.

گفته شده است که پنج ایالت عبارتند از: دمشق، فلسطین، اردن، حمص و حلب.

عبدالله سنان از حضرت صادق علیه السلام حدیث می کند که آن حضرت فرمودند:

الْبِدَاءُ مِنَ الْمَخْتُومِ وَالسُّفْيَانِيُّ مِنَ الْمَخْتُومِ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ مِنَ الْمَخْتُومِ وَكَفَّ تَطْلُعُ مِنَ السَّمَاءِ مِنَ الْمَخْتُومِ وَقَالَ فَرَعَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تُوقِفُ النَّائِمَ وَتُفْرِغُ الْيَقْظَانَ وَتُخْرِجُ الْفَتَاةَ مِنْ خُدْرِهَا.^۲

ندای آسمانی حتمی است، خروج سفیانی حتمی است، کشته شدن نفس زکیه حتمی است، پیدا شدن دستی در آسمان حتمی است و ترس و فرعی دو

۱. اثبات الهداة، ج ۷ / ص ۴۳۰.

۲. همان مأخذ، ص ۴۲۳.

ماه مبارک رمضان پیش می آید که افراد خوابیده را بیدار کند، آنهایی که بیدارند به فزع درآیند و دختران از پس پرده بیرون بیایند (البته از ترس).
امام صادق علیه السلام به معلی بن خنیس که از اصحاب آن حضرت است فرمودند:

إِنَّ أَمْرَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الْأَمْرِ الْمَخْتُومِ وَخُرُوجُهُ فِي رَجَبٍ^۱.

خروج سفیانی از اموری است که حتماً باید قبل از ظهور واقع گردد و خروج او در ماه رجب است.

امام ششم علیه السلام می فرمایند:

لِلْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَمْسُ عَلَامَاتٍ السُّفْيَانِيُّ وَالْيَمَانِيُّ وَالصَّيْحَةُ مِنَ السَّمَاءِ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَالْخَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ^۲.

برای قائم ما پنج نشانه است:

۱. خروج سفیانی
۲. خروج یمانی
۳. صیحه آسمانی
۴. کشته شدن نفس زکیه
۵. فرورفتن لشکر سفیانی در زمین بیداء.

حمران بن اعین از امام ششم علیه السلام و الصلوة حدیث کرده است که آن

بزرگوار فرمودند:

مِنَ الْمَخْتُومِ الَّذِي لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ قَبْلِ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَخَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَالْمُنَادَى مِنَ السَّمَاءِ^۳.

از علائمی که حتماً باید پیش از ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء در خارج محقق شود خروج سفیانی و فرورفتن در زمین بیداء و کشته شدن نفس زکیه و ندای آسمانی است.

۱. همان مأخذ، ص ۳۹۶.

۲. مکیال المکارم، ج ۲ / ص ۱۸۵.

۳. همان مأخذ، ص ۱۸۸.

زرارة بن اعین می گوید: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می فرمایند:
 يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ إِنَّ فُلَانًا هُوَ الْأَمِيرُ وَيُنَادِي مُنَادٍ «إِنَّ عَلِيًّا وَشِيعَتَهُ هُمُ
 الْفَائِزُونَ» قُلْتُ فَمَنْ يُقَاتِلُ الْمَهْدِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ هَذَا فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ
 الشَّيْطَانَ يُنَادِي «إِنَّ فُلَانًا وَشِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ» يَعْنِي رَجُلًا مِنْ بَنِي أُمَيَّةٍ قُلْتُ فَمَنْ
 يَعْرِفُ الصَّادِقَ مِنَ الْكَاذِبِ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَعْرِفُهُ الَّذِينَ كَانُوا يَرَوُونَ حَدِيثَنَا
 وَيَقُولُونَ إِنَّهُ يَكُونُ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ وَيَعْلَمُونَ أَنَّهُمْ هُمُ الْمُحِقُّونَ الصَّادِقُونَ. ۱

منادی از آسمان فریاد می زد به اینکه فلان (حضرت مهدی روحی له الفداء) امیر
 بر مردم است و نیز منادی از آسمان می گوید که علی [علیه السلام] و شیعیانش
 رستگارند. گفتم: پس از این دوندای آسمانی دیگر چه کسی با حضرت
 مهدی علیه السلام جنگ می کند؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: بعد از این دوندا
 شیطان فریاد می زند که فلانی و پیروانش رستگارانند. منظور از فلانی یعنی
 مردی از بنی امیه. عرض کردم: چگونه راستگو از دروغگو تمیز داده می شود؟
 (بین این دو برنامه چگونه می توان حق را شناخت؟). فرمودند: آنهایی که
 احادیث ما خاندان رسالت را خوانده اند، می دانند و می گویند از پیش به ما
 گفته شده که حق با صحیحۀ اول و برنامه اول است و صدای دیگر صدای
 شیطان است و نباید از آن پیروی کرد.

مرحوم شیخ صدوق رضوان الله علیه از عبدالله بن عجلان نقل می کند که ایشان

فرمودند:

ذَكَرْنَا خُرُوجَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فَقُلْتُ لَهُ كَيْفَ لَنَا أَنْ نَعْلَمَ
 ذَلِكَ فَقَالَ يُصْبِحُ أَحَدُكُمْ وَتَحْتَ رَأْسِهِ صَحِيفَةٌ عَلَيْهَا مَكْتُوبٌ طَاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ. ۲

در خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب بودیم، سخن از خروج حضرت قائم
 علیه السلام به میان آمد. عرض شد: ما چگونه از روز قیام آگاهی پیدا کنیم؟
 فرمودند: سر از خواب برمی دارد کسی از شما در حالی که می بیند ورقه ای زیر
 سر او گذاشته اند و روی آن نوشته شده «طَاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ».

۱. همان مأخذ، ص ۱۸۸.

۲. همان مأخذ، ص ۱۸۹.

عبدالله بن سنان می گوید:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَمِعْتُ رَجُلًا مِنْ هَمْدَانَ يَقُولُ لَهُ إِنَّ هَؤُلَاءِ الْعَاقَّةَ يُعْتَرُونَنا وَيَقُولُونَ لَنَا إِنَّكُمْ تَزْعُمُونَ أَنَّ مُنَادِيًا يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُتَكِيًا فغَضِبَ وَجَلَسَ. ثُمَّ قَالَ لَا تَرَوْهُ عَنِّي وَارْؤُوه عَنْ أَبِي وَلَا حَرَجَ عَلَيْكُمْ فِي ذَلِكَ أَشْهَدُ أَنِّي قَدْ سَمِعْتُ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ وَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَبَيِّنٌ حَيْثُ يَقُولُ «إِنَّ نَشَأَ نُزِّلَ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ» فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ يَوْمَئِذٍ أَحَدٌ إِلَّا خَضَعَ وَذَلَّتْ رِقَبَتُهُ لَهَا فَيَوْمَئِذٍ أَهْلُ الْأَرْضِ إِذَا سَمِعُوا الصَّوْتَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَّا إِنَّ الْحَقَّ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَشِيعَتِهِ قَالَ فَإِذَا كَانَ مِنَ الْغَدِ صَعَدَ إِبْلِيسُ فِي الْهَوَاءِ حَتَّى يَتَوَارَى عَنِ الْأَرْضِ ثُمَّ يُنَادِي أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانٍ وَشِيعَتِهِ فَإِنَّهُ قُتِلَ مَظْلُومًا فَاطْلُبُوا بِدَمِهِ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ عَلَى الْحَقِّ وَهُوَ التِّدَاءُ الْأَوَّلُ وَيُرْتَابُ يَوْمَئِذٍ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ، وَالْمَرَضُ وَاللَّهِ عَدَاوَتُنَا فَعِنْدَ ذَلِكَ يَتَّبِرُونَ مِنَّا وَيَتَنَاوَلُونَا فَيَقُولُونَ إِنَّ الْمُنَادِيَ الْأَوَّلَ سِخْرٍ مِنْ سِخْرِ أَهْلِ [هَذَا] الْبَيْتِ. ١

در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم، شنیدم مردی از اهل همدان به آن حضرت عرض کرد: دشمنان شما ما را سرزنش می کنند و می گویند شما گمان می کنید که منادی از آسمان به نام صاحب این امر (ولایت) صدا می زند؟ امام علیه السلام همان گونه که تکیه داده بودند نشستند در حالی که آثار غضب از چهره مبارکشان نمایان بود. فرمودند: این مطلب را از من روایت نکنید بلکه از پدرم روایت کنید. به خدا قسم، شنیدم پدرم می فرمود این مطلب (صیحه آسمانی) در قرآن خداوند است آنجایی که می فرماید «اگر ما بخواهیم، از آسمان آیت قهر نازل گردانیم که همه به جبر گردن زیر بار ایمان فرود آورند». ٢ در آن روز در سرتاسر کره زمین نمی ماند کسی مگر اینکه در مقابل

١. همان مأخذ، ص ١٨٧.

٢. شعرا / ٤.

این صیحه به زانو در می آید و گردنها کج می شوند. پس، وقتی که صیحه آسمانی بلند شد و حجت خداوند (حضرت مهدی روحی له الفداء) را معرفی کردند تمام ساکنان کره زمین ایمان می آورند. مضمون صدا این است که ای مردم دنیا! آگاه باشید که حق با علی بن ابی طالب علیه السلام و پیروان اوست. فردای آن روز شیطان در میان زمین و آسمان فریاد می زند که حق با عثمان بن عفان و پیروان اوست؛ او مظلوم کشته شده است؛ پس انتقام خون او را بگیرید. آنگاه خداوند دوستان ما را بر ندای اول ثابت قدم می دارد (به دوستی امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندانش)، اما آنهایی که دارای قلبهای بیمار هستند در وادی هلاکت سقوط خواهند کرد. و به پروردگار سوگند که امراض قلبی آنها غیر از دشمنی ما اهل بیت چیز دیگری نخواهد بود و می گویند صدای اول از سحر و جادوهای این خانواده بود (اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم اجمعین).

سدیر از امام صادق علیه السلام حدیث می کند که آن حضرت فرمودند:

يَا سُدَيْرُ الزَّمِ بَيْتَكَ وَكُنْ جِلْسًا مِنْ أَخْلَاسِهِ وَأَسْكُنْ مَا سَكَنَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ فَإِذَا بَلَغَ أَنَّ السُّفْيَانِيَّ قَدْ خَرَجَ فَارْحَلْ إِلَيْنَا وَلَوْ عَلَى رَجْلِكَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ هَلْ قَبْلَ ذَلِكَ شَيْءٌ قَالَ نَعَمْ وَأَشَارَ بِيَدِهِ بِثَلَاثِ أَصَابِعِهِ إِلَى الشَّامِ وَقَالَ ثَلَاثُ رَايَاتُ رَايَةِ حَسَنِيَّةٍ وَرَايَةِ أُمَوِيَّةٍ وَرَايَةِ قَيْسِيَّةٍ فَبَيْنَاهُمْ [عَلَى ذَلِكَ] إِذْ قَدْ خَرَجَ السُّفْيَانِيُّ فَيَخْصِدُهُمْ حَصْدَ الزَّرْعِ مَا رَأَيْتَ مِثْلَهُ قَطُّ. ١

ای سدیر! در خانه خودت قرار بگیر و مانند فرش منزل باش و ساکت بمان تا وقتی که سفیانی خروج می کند. به مجرد رسیدن خبر خروج سفیانی فوراً به سوی ما (مهدی ما) حرکت کن اگر چه با پای پیاده باشد. عرض کردم: آیا پیش از این جریان نشانه ای هست که دلیل بر تحقق خروج سفیانی باشد؟ فرمودند: آری. و با سه انگشت اشاره به شام فرمودند و توضیح دادند که سه پرچم در اهتزاز می آید:

١. پرچم حسنیّه

۲. پرچم امویّه

۳. پرچم قیسیّه.

در همین اثنا سفیانی خروج می‌کند و پیروان هر سه پرچم را مانند محصولات زراعی درو می‌کند و به کشتاری دست می‌زند که مانند آن را هیچگاه ندیده‌ای.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

خُرُوجُ الثَّلَاثَةِ الْخُرَاسَانِيَّةِ وَالسُّفْيَانِيَّةِ وَالْيَمَانِيَّةِ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ فِي شَهْرٍ وَاحِدٍ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ وَلَيْسَ فِيهَا رَايَةٌ بِأَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيَّةِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ.^۱

خروج خراسانی و سفیانی و یمانی هر سه در یک سال و در یک ماه و در یک روز است؛ اما هیچ پرچمی هدایتگرتر از پرچم یمانی نیست. آری، مردم را دعوت به حق می‌کند.

ابان بن تغلب از حضرت صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند:

سَيَأْتِي فِي مَسْجِدِكُمْ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا يَعْنِي مَسْجِدَ مَكَّةَ يَعْلَمُ أَهْلُ مَكَّةَ أَنَّهُ لَمْ يَلِدْ [هُم] آبَاؤُهُمْ وَلَا أجدَادُهُمْ عَلَيْهِمُ السُّيُوفُ مَكْتُوبٌ عَلَى كُلِّ سَيْفٍ كَلِمَةٌ تَفْتَحُ أَلْفَ كَلِمَةٍ فَيَبْعَثُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رِيحًا فَتُنَادِي بِكُلِّ وَادٍ هَذَا الْمَهْدِيُّ يَقْضِي بِقَضَاءِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ لَا يُرِيدُ عَلَيْهِ الْبَيْتَةَ.^۲

زود باشد که در مسجد شما (مکه معظمه) سیصد و سیزده نفر اجتماع می‌کنند. مردم مکه می‌دانند که اینها در مکه متولد نشده‌اند. شمشیرهایی به دست دارند و روی لبه هر شمشیر جمله‌ای نوشته شده است که هزار کلمه از آن گرفته می‌شود (در این جمله از روایت سری از اسرار بزرگ ولایت نهفته است که در ظهور معلوم می‌شود). خداوند تبارک و تعالی بادی را مأمور می‌کند که در تمام دنیا فریاد بزند: ای مردم جهان! این است مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله که داوری می‌کند مانند سلیمان و داود علیهما السلام و احتیاج به دلیل و برهان ندارد (قضاوت آن حضرت براساس واقع است).

۱. همان مأخذ، ص ۲۱۰.

۲. همان مأخذ، ص ۲۸۶.

حضرت امام رضا

علیه السلام

و شانه های ظهور

حسن بن محبوب از وجود مقدس حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا علیه السلام حدیثی بیان کرده که ذیلاً به نظر خوانندگان عزیز می رسد:

إِنَّهُ قَالَ لَا بُدَّ مِنْ فِتْنَةٍ صَمَاءَ صَيْلِمٍ يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ بَطَانَةٍ وَوَلِيَجَةِ وَذَلِكَ عِنْدَ فِئْدَانِ الشَّيْعَةِ الثَّالِثِ مِنْ وُلْدِي يَبْكِي عَلَيْهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَأَهْلُ الْأَرْضِ وَكَمْ مِنْ مُؤْمِنٍ مُتَأَسِّفٍ حَرَّانٍ حَزِينٍ عِنْدَ فَقْدِ الْهَاءِ الْمَعِينِ كَأَنِّي بِهِمْ أَسْرَمًا يَكُونُونَ وَقَدْ نَادُوا نِدَاءً يَسْمَعُهُ مَنْ بَعْدَ كَمَا يَسْمَعُهُ مَنْ قَرَبَ يَكُونُ رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَعَذَاباً لِلْكَافِرِينَ فَقُلْتُ وَآيُ نِدَاءٍ هُوَ (قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ) يُنَادُونَ فِي رَجَبٍ ثَلَاثَةَ أَصْوَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ صَوْتاً مِنْهَا آلا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ وَالصَّوْتُ الثَّانِي أَرْفَتِ الْأَرْفَةِ يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالصَّوْتُ الثَّالِثُ يَرُونَ بَدَنًا بَارِزًا نَحْوَعَيْنِ الشَّمْسِ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ كَرَّ فِي هَلَاكِ الظَّالِمِينَ (وَفِي رَوَايَةِ الْحَمِيرِيِّ) وَالصَّوْتُ بَدَنُ يُرَى فِي قَرْنِ الشَّمْسِ يَهْوُلُ إِنْ اللَّهُ بَعَثَ فَلَانًا فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا وَقَالَا جَمِيعاً فَعِنْدَ ذَلِكَ يَأْتِي النَّاسَ الْفَرْجُ وَتَوَدُّ النَّاسُ لَوْ كَانُوا أَحْيَاءً وَيَشْفِي اللَّهُ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ. ١

امام علیه السلام فرمودند: ناچار باید فتنه ای سخت و بزرگ و بلایی و بنیان کن دامن مردم را بگیرد که تمام سدهای دوستی و رابطه های خویشاوندی و اعتمادهای قومی و دوستی درهم کوبیده شود (پناهگاهی نباشد) و این سختیها و بلاها در وقتی است که شیعه سومین فرزندم را از دست بدهند (یعنی امام حسن عسکری وفات کند و حضرت مهدی علیه السلام غایب باشد). پنهان بودن او چندان سنگین است که ساکنان آسمانها و نیز اهل زمین بر او و از فراق او گریه می کنند و چه بسیار افراد با ایمان که در این زمان در آتش هجران می سوزند و به آب گوارا (ماء معین) دست نمی یابند. گویی می بینم سرور و خوشحالی آنان را که در نتیجه شنیدن یک صدا به آنها دست می دهد. شنیدن این صدا برای آنهایی که نزدیک یا دورند یکسان است (همه می شنوند) و آن ندا رحمت است برای اهل ایمان و عذاب است برای کافران. عرض کردم: آن ندا چیست؟ فرمودند: سه صدا در ماه مبارک رجب شنیده می شود البته از آسمان:

اول. آگاه باشید که ستمگران از رحمت خداوند دور و ملعون اند.

دوم. «أَزَقَّتِ الْأَزْفَةَ يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ» (نزدیک شد نزدیک شونده ای گروه مؤمنان!).

سوم. بدنی را در خورشید می بینند. گوینده آسمانی فریاد می زند: این است امیر المؤمنین که به دنیا برگشته است برای هلاک کردن ستمگران (این بدن، وجود مقدس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است).

روایت حمیری می گوید: صوت سوم از آسمان گوینده ای می گوید: ای مردم! خداوند فلان بن فلان (یعنی حجة بن الحسن العسکری) را مأمور فرموده است بر شما، واجب است او را اطاعت کنید. در این موقع برای همه مردم فرج می شود و آنهایی که از این دنیا رفته اند آرزو می کنند ای کاش زنده بودند. و خداوند دلهای مؤمنان را شفا می دهد.

امام رضا علیه السلام و اجتماع شیعه در ظهور

وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ قَائِمَنَا قَامَ يَجْمَعُ اللَّهُ إِلَيْهِ شِيعَتَهُ مِنْ جَمِيعِ الْبُلْدَانِ.

به خدا سوگند اگر مهدی ما قیام کند خداوند تمام شیعیانش را از سرتاسر جهان

در اطراف او جمع می‌کند.

اباصلت می‌گوید: به حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام عرض کردم نشانه قائم چیست؟ فرمودند:

مَا عَلَامَةُ قَائِمِكُمْ قَالَ عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السِّنِّ شَابَّ الْمَنْظَرِ حَتَّىٰ أَنْ النَّاطِرَ
لَيَحْسِبُهُ ابْنَ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْ مَا دُونَهَا وَإِنَّ مِنْ عَلَامَاتِهِ أَنْ لَا يَهْرَمَ بِمُرُورِ اللَّيَالِي
وَالْأَيَّامِ حَتَّىٰ يَأْتِيَهُ أَجَلُهُ.^۱

یکی از علائم قائم ما این است که بزرگ سن و جوان منظر است بطوریکه بیننده خیال می‌کند او چهل سال یا کمتر دارد و تا فرارسیدن مرگ اثر پیری در او ظاهر نخواهد شد.

این است معنی خلیفه الله و فرمانروای عالم هستی که تمام قوانین و سنن طبیعی این جهان محکوم اراده او هستند.

بزنطی از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در باب نشانه های ظهور حضرت بقیة الله روحی له الفداء نقل می‌کند که آن حضرت می‌فرمایند:

قَبْلَ هَذَا الْأَمْرِ الشُّفْيَانِيُّ وَالْيَمَانِيُّ وَالْمَرْوَانِيُّ وَشُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ وَكَفَّ يَقُولُ هَذَا
وَهَذَا.^۲

در مقدمه قیام فرزندان حضرت مهدی [علیه السلام] پنج علامت دیده می‌شود:

۱. خروج سفیانی
۲. قیام یمانی
۳. خروج مروانی
۴. شعیب بن صالح
۵. بیرون آمدن دستی از آسمان بطوریکه افراد آن را به یکدیگر نشان بدهند.

۱. اثبابة الهداه، ج ۷ / ص ۳۹۸.

۲. مکيال المكارم، ج ۲ / ص ۱۸۶.

حضرت امام حسن و امام حسین

علیہما السلام

و
اصحاب ائمه

و نشانہ ہامی ظہور

عمیره بنت نفیل از حضرت امام حسن یا از حضرت امام حسین علیهما السلام نقل کرده است که فرمودند:

قَالَتْ سَمِعْتُ الْحَسَنَ (الْحُسَيْنَ) بْنَ عَلِيٍّ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا يَقُولُ لَا يَكُونُ الْأَمْرُ الَّذِي تَنْتَظِرُونَ (امر ظهور) حَتَّى يَبْرَأَ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ وَيَتَّقُلَ بَعْضُكُمْ فِي وُجُوهِ بَعْضٍ وَيَشْهَدَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ بِالْكَفْرِ وَيَلْعَنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَقُلْتُ لَهُ مَا فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ مِنْ خَيْرٍ فَقَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ يَقُومُ قَائِمُنَا وَيُدْفَعُ ذَلِكَ كُلُّهُ.^۱

امری که [به آن] چشم دوختید (ظهور مهدی ما) محقق نخواهد شد مگر بعد از به وجود آمدن نشانه های زیر:

۱. بیزاری جستن مؤمن و مسلمان از برادر خویش.
۲. آب دهان به صورت یکدیگر می اندازند.
۳. بعضی شهادت بر کفر بعضی دیگر می دهند.

۴. بعضی از مسلمانان دیگری را لعن می‌کنند.

می‌گوید عرض کردم: پس خپری در این زمان نخواهد بود؟ فرمودند: این طور نیست، تمام خیرات و خوبیها در این زمان است؛ چون قائم ما قیام می‌کند و تمام صفات مذمومه ذکر شده را از بین می‌برد - **اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ** -.

فضل بن شاذان از عمار یاسر نقل می‌کند که فرمودند:

دَعْوَةُ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَالُوا يَا أَرْضُ كُفِّوْا حَتَّى تَرَوَا قَادَتَهَا فَإِذَا خَالَفَ التُّرْكُ الرُّومَ وَكَثُرَتِ الْحُرُوبُ فِي الْأَرْضِ يُنَادِي مُنَادٍ عَلَى سُورِ دِمَشْقٍ وَبِلَ لَازِمٍ مِنْ شَرْقِهَا أَقْرَبُ وَيَخْرُبُ حَائِظَ مَسْجِدِهَا.^۱

دعوت اهل بیت پیامبر شما در آخر الزمان است. ملازم خانه های خود باشید و از جای خود حرکت نکنید و صبر پیشه سازید تا اینکه رهبر قیام را ببینید. پس، هرگاه ترکها با رومیها درگیر شوند و جنگ و خونریزی در زمین بالا گیرد منادی بر دروازه دمشق فریاد خواهدزد که وای از شری که نزدیک شده است، و نیز دیوار مسجد دمشق فروریزد.

شیخ الطائفه (طوسی) در کتاب غیبتش از سعید بن جبیر نقل فرموده

است:

السَّيِّئَةُ الَّتِي يَقُومُ فِيهَا الْمَهْدِيُّ تَمُطِرُ أَرْبَعًا وَعِشْرِينَ مَطْرَةً يُرَى آثَرُهَا وَبَرَكَتُهَا.^۲

در آن سالی که حضرت مهدی ارواحنا له الفداء قیام می‌کنند بیست و چهار ساعت باران می‌بارد و آثار و برکات آن بارانها دیده می‌شود.

محمد بن بشر از جناب محمد حنفیه نقل می‌کند که فرمودند:

قُلْتُ لَهُ قَدْ طَالَ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى مَتَى؟ (قَالَ) فَحَرَّكَ رَأْسَهُ ثُمَّ قَالَ أَنَّى يَكُونُ ذَلِكَ وَلَمْ يَعْصِ الزَّمَانُ أَنَّى يَكُونُ ذَلِكَ وَلَمْ يَخْجَفُوا الْإِخْوَانُ أَنَّى يَكُونُ ذَلِكَ وَلَمْ يَظْلِمِ السُّلْطَانُ أَنَّى يَكُونُ ذَلِكَ وَلَمْ يَقْمِ الزِّنْدِيقُ مِنْ قَرْوِينَ فَيَهْتِكُ سُورَهَا

۱. غیبت طوسی، ص ۲۶۸.

۲. همان مأخذ، ص ۲۶۹.

وَيَكْفُرُ صُدُورَهَا وَيُغَيِّرُ سُورَهَا وَيُذْهِبُ بَهْجَتَهَا مَنْ فَرَمِنَهُ أَدْرَكُهُ وَمَنْ حَارَبَهُ قَتَلَهُ
وَمَنْ اعْتَرَلَهُ اِفْتَقَرَ وَمَنْ تَابَعَهُ كَفَرَ حَتَّى يَهْوَمَ بِاَكْيَانِ بَاكِ يَبْكِي عَلَي دِينِهِ وَبَاكِ
يَبْكِي عَلَي دُنْيَاهُ. ۱

به آن حضرت عرض کردم که قیام و دولت شما طول کشیده است. این امر
کسی خواهد شد؟ پس، سر مبارک را تکان داده، فرمودند: هنوز اوضاع جهان
دگرگون نشده و برادر درباره برادر جفا نکرده است. کجاست آن قیام و حال
آنکه سلطان درباره رعیت ظلم نکرده است؛ کجاست آن حکومت و حال
آنکه زندیقی از قزوین حرکت نکرده است که پرده های عصمت را بدرد و قلبها
را انباشته از کفر کند، دیوارهای آن را تغییر دهد و طراوت و بهجت آن را از
بین برد؟ کسی که از او فرار کند او را می گیرد و هر کسی با او بجنگد او را
می کشد و کسی که خانه نشینی اختیار کند فقر او را فرامی گیرد و آن کسی که
از او متابعت نماید کافر می شود. سرانجام کار به جایی می رسد که با یک
چشم بر دنیای خود گریه کند و با چشم دیگر بر آخرت (کنایه است از کسی
که بر دین و دیگری که بر دنیای خود خواهد گریست و ممکن است اشاره به
قیام رضاخان و جنایات او باشد).

محمد بن مسلم خبر می دهد که:

يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ فَيَسْمَعُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ إِلَى الْمَغْرِبِ فَلَا يَتَقَى
رَاقِدٌ إِلَّا قَامَ وَلَا قَائِمٌ إِلَّا قَعَدَ وَلَا قَاعِدٌ إِلَّا قَامَ عَلَي رِجْلَيْهِ مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ
وَهُوَ صَوْتُ جِبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الرُّوحِ الْأَمِينِ. ۲

منادی، حضرت قائم آل محمد [ارواحنا له الفداء] را به اسم صدا می زند و معرفی
می کند و همه مردم روی زمین از مشرق تا مغرب و آنچه بین ایندو است این
صدا را می شنوند. آنهایی که خواب هستند بیدار می شوند و می ایستند و آن
دسته ای که ایستاده اند می نشینند؛ افرادی که نشسته اند از هیبت این صدا
برمی خیزند و می ایستند و این صدای جبرئیل روح الامین علیه السلام است.

۱. همان مأخذ، ص ۲۶۹.

۲. همان مأخذ، ص ۲۷۴.

سید بن طاوس اعلی الله مقامه در کتاب خود به یکی از نشانه های ظهور حضرت بقیة الله روحی له الفداء تحت عنوان ستاره دنباله دار اما پرفروغ چنین اشاره فرموده اند:

يَطْلُعُ نَجْمٌ مِنَ الْمَشْرِقِ قَبْلَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ لَهُ ذَنْبٌ يُضِيءُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ
كَإِضَاءَةِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ.^۱

قبل از خروج حضرت مهدی علیه السلام ستاره دنباله دار طالع می شود که تمام ساکنان کره زمین از نور آن استفاده می کنند، مانند ماه شب چهارده که جهان را غرق در نور می سازد. این ستاره قبل از ظهور چنین است.^۲

سید بن طاوس اعلی الله مقامه از ابن شهر آشوب در ارتباط با ایوان کسری روایتی نقل می کند که مشروح آن به خاطر اهمیت فوق العاده اش در اختیار خوانندگان عزیز قرار می گیرد. امید است برای همه ما در تحکیم عقایدمان مؤثر باشد. البته به گفته سید بن طاوس ابن شهر آشوب این مطلب را در باب امامت حضرت قائم روحی له الفداء نقل فرموده است (در جلد هشتم از « مناقب »). محمد بن علی نوشجانی خبر داده است که:

أَخْبَرَ نَزْدَ جِرْدُ يَوْمِ الْقَادِسِيَّةِ وَأَنْجَلَايُهَا عَنْ خَمْسِينَ أَلْفٍ قَتِيلٍ مِنَ الْفُرْسِ
فَخَرَجَ يَزْدَجِرْدُهَا رَبًّا فِي أَهْلِ بَيْتِهِ فَوَقَفَ بِبَابِ الْإِيوَانِ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الْإِيوَانُ هَا أَنَا ذَا مُنْصَرِفٌ عَنْكَ وَرَاجِعٌ إِلَيْكَ أَنَا أَوْ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي لَمْ يَدُنْ زَمَانُهُ
وَلَا أَن أَوَانُهُ قَالَ سُلَيْمَانُ الدِّيَلَمِيُّ فَسَأَلْتُ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مَعْنَى قَوْلِهِ
أَوْ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي قَالَ ذَلِكَ فَأَتَيْتُكُمْ السَّادِسُ مِنْ وُلْدِي وَقَدْ وُلِدَهُ يَزْدَجِرْدُ ابْنُ
شَهْرِبَارٍ مِنْ قِبَلِ أُمِّ عَلِيٍّ بِنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَهْرًا بِنُوبِنَةَ يَزْدَجِرْدٍ فَهُوَ
وَلَدُهُ مِنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفِي هَذَا الْحَدِيثِ آيَاتٌ مِنْهَا أَنَّ الصَّادِقَ عَلَيْهِ
السَّلَامُ أَخْبَرَ أَنَّ الْقَائِمَ هُوَ السَّادِسُ مِنْ وُلْدِهِ كَمَا جَرَتْ الْحَالُ عَلَيْهِ فَلَا بُدَّ أَنْ
يَكُونَ عِلْمُ ذَلِكَ مِنْ جَانِبِ اللَّهِ وَعَنْ آبَائِهِ الظَّاهِرِينَ وَالْأَكْبَرِ كَيْفَ كَانَ يَعْلَمُ أَنَّ

۱. الملاحم والفتن، ص ۴۶.

۲. در سال تألیف این کتاب ستاره مذکور در کره زمین دیده شد، حتی با چشمهای غیر مسلح.

يَكُونُ لَهُ عَقِبٌ مُتَّصِلٌ إِلَى السَّادِسِ مِنْ وُلْدِهِ وَمِنْهَا تَصَدَّقَ النَّقْلُ لِمَا تَجَدَّدَ
لِلسَّادِسِ مِنْ وُلْدِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ اِعْتِقَادِ اَنَّهُ الْقَائِمُ وَلَمْ يَتَّعَقِدْ ذَلِكَ فِي اَحَدٍ
مِنْ اَبَائِهِ قَبْلَهُ وَمِنْهَا بَقَاءُ الْاَيَّوَانِ اِلَى الْاَنِّ وَقَدْ هُدِمَ جَمِيعُ دُورِ كَسْرِي وَاَثَارِهَا
وَمِنْهَا مَعْرِفَةُ كَسْرِي بِطَرِيقِ التَّجْوِمِ اَوْ غَيْرِهَا تَحْدِيدَ ذَلِكَ وَتَصَدِيقُ اَهْلِ بَيْتِ
التَّيْبَةِ فِي اِعْتِقَادِهِمْ وَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ. ۱

یزدجرد پادشاه ایران در شکست با مسلمانان و کشته شدن پنجاه هزار سرباز
ایرانی که منجر به گریختن یزدجرد و خانواده اش شد، می گوید: پس یزدجرد
در حالی که خودش و اهل بیتش فرار می کردند آمد در ایوان پادشاهی مدائن
ایستاد و گفت: سلام بر تو ای ایوان پادشاهی من! اکنون من ناگزیرم که از تو
جدا بشوم و بروم، اما طولی نمی کشد که به سوی تو باز می گردم: یا خود من یا
یکی از فرزندان من. سلیمان دیلمی می گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم:
معنی کلام یزدجرد (یا خود من یا یکی از فرزندان من) چیست؟ حضرت
فرمودند: این مردی از فرزندان من است و او قائم شماست که ششمین فرزند
من است که از طرف مادر فرزند یزدجرد است؛ [چون] حضرت علی بن
الحسین علیهما السلام نوه یزدجرد بوده و شهربانو دختر یزدجرد همسر حضرت امام
حسین علیه السلام است (بنابراین، حضرت بقیة الله روحی له الفداء از طرف مادر نوه
یزدجرد می شود). مرحوم سیّد بن طاوس می فرماید: در این روایت آیاتی از
قدرت خداوند است:

۱. اینکه حضرت امام صادق علیه السلام خبر داده که حضرت قائم فرزند
ششم آن حضرت است لابد از طرف خداوند یا آباء گرامی اش به او گفته شده
که حضرت قائم فرزند ششم شماست، و الا از کجا می دانسته که از اعقاب او
مردی به وجود می آید که نامش قائم است؟

۲. از آیات قدرت خداوند اینکه تمام کاخها و قصرها و خانه های کسری
ویران شده است فقط ایوان مانده است تا الآن، آن هم ایوانی با آن ارتفاع که
میان زمین و آسمان مانده است.

۳. خبر داشتن کسری از طریق علم نجوم یا غیره از اینکه در آینده فرزندی

از او به وجود می آید و برمی گردد به سمت ایوان مدائن (اتفاقاً مرکز سلطنت حضرت مهدی روحی له الفداء در عراق — مسجد سهله — خواهد بود).

۴. دیگر اینکه ممکن است عالم غیب ناخودآگاه بر زبان یزدجرد جاری کرده باشد که در آینده چنین خواهد شد. به هر حال، حجت‌های خداوند باید بر بندگانش به صورتهای مختلف تمام بشود تا راه بهانه ای برای کسی نماند.

نشانه‌های ظهور

در کتب معتبر اهل سنت و جماعت

در این فصل روایات رسیده از وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه وآله و اوصیای عزیزش را که در کتابهای معتبر اهل سنت و جماعت، آن هم در معتبرترین آنها (صِحاح سته) و کتابهای معتبر دیگر در باب علائم ظهور آمده است عنوان می‌کنیم تا خوانندگان عزیز بدانند که تنها علمای شیعه درباره علائم و نشانه‌های ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء کتاب ننوشته و نقل احادیث نکرده‌اند، بلکه حتی آنهایی که برحسب ظاهر ولایت و امامت را از مسیر اصلی خودش تغییر داده و بزرگان آنها آنچه نباید بکنند، کرده‌اند (اللَّهُمَّ الْعَنِ أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ) نیز درباره آن حضرت و نشانه‌های ظهور او روایات عدیده نقل کرده‌اند.

اینک به خواست خداوند و الطاف کریمانه امام مظلوم و عزیز ما، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، به سراغ کتابهای یاد شده می‌رویم و تا آنجایی که عنایت بشود در جمع روایات رسیده از پیشوایان معصوم سلام الله علیهم اجمعین پیگیری خواهیم کرد و امید است برای عموم مسلمانان راهنمای خوبی باشد.

امام عصر روحی له الفداء در کتابهای اهل سنت

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَكُنْيَتُهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَأَبُو الْقَاسِمِ وَهُوَ الْخَلْفُ الْحُجَّةُ صَاحِبُ الزَّمَانِ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ وَالتَّالِي وَهُوَ آخِرُ الْأَيَّامِ. أَبَانَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَزَّازُ عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ كَاشِمِي وَكُنْيَتُهُ كَكُنِّي يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا فَذَلِكَ هُوَ الْمَهْدِيُّ.^۱

او محمد فرزند حسن فرزند علی فرزند محمد فرزند علی الرضا فرزند موسی فرزند جعفر فرزند محمد فرزند علی فرزند حسین فرزند علی بن ابی طالب کنیه او ابو عبد الله و ابوالقاسم. او تنها بازمانده از حجت‌های خداوند است و صاحب الزمان و قائم منتظر و آخرین امام معصوم. این خبر از زبان عبد العزیز فرزند محمود پسر بزاز از فرزند عمر نقل شده است که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: در آخر الزمان مردی از عترت و فرزندان من که اسمش مانند اسم من و کنیه او مانند کنیه من است زمین را پر از عدل و داد می‌کند همچنانکه پر از جور شده باشد و این است مهدی [آل محمد].

رسول اکرم صلی الله علیه وآله و تعریف امام

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِثَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ.^۲

هر کس بمیرد در حالی که امام زمان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است.

در این روایت بنیانگذار اسلام در ارتباط با شخصیت امام علیه السلام به اصولی اشاره فرموده‌اند:

۱. تذکرة الخواص، ص ۱۳۸.

۲. الامام المهدی عند اهل السنة، ج ۱ / ص ۱۲.

۱. وجوب شناسایی امام در هر زمان.
 ۲. امام باید معصوم از خطا باشد تا به جاهلیت گرایش نیابد.
 ۳. امام باید به تمام احکام اسلام، اعم از واجب و حرام، آگاه باشد.
 ۴. امام باید حتماً از طرف خداوند انتخاب شده و علم او علم خدایی باشد.
 ۵. بدون شناخت امام بهره‌برداری از نعمتهای عالم آخرت میسر نیست.
 ۶. نظام عالم هستی در سایه وجود امام باقی می‌ماند.
 ۷. با این اوصاف، حکومت بر جهان حق مسلم امام است.
 ۸. تنها امام معصوم است که با اتکا به قدرت بی‌نهایت خداوند، جهان را پس از پُر شدن از ظلم و جور مملو از عدل و داد می‌کند.
 ۹. نفی امامت امام غیر معصوم و مدعیان مهدویت.
 ۱۰. برنامه کار و دولت امام آسمانی باید از طرف خداوند عالم تدوین شود و آن حضرت همان را در اجتماع پیاده کنند.
- در پایان، شایان توجه و ذکر است که منظور از این بحث (شناخت امام علیه السلام) شناسایی آن حضرت از لحاظ کمالات روحی و جسمی است و نیز نحوه ارتباط آن سرور با خداوند بزرگ و کیفیت استیلای آن وجود مقدس بر عالم هستی و شکل پیاده شدن سلطنت آن امام عزیز و برنامه حکومت آن تنها یادگار رسول اکرم صلی الله علیه وآله، و الا نه تنها بنده بی بضاعت، عاجز و از پا درآمده هستم بلکه به طور مسلم بزرگان ما نیز از بیان شناخت واقعی امام عاجزند. لذا رسول اکرم صلی الله علیه وآله به امیرالمؤمنین فرمودند: ای علی! غیر از خدا و تو کس دیگری مرا نمی‌شناسد و نیز غیر از من و خداوند کس دیگری نمی‌تواند تو را بشناسد. البته شناخت ظاهری از لحاظ پدر و مادر و سایر مشخصات، عملی و ممکن است و همه می‌توانند و باید این شناخت را داشته باشند.

حضرت امیرالمؤمنین و تعریف امام علیه السلام

وَأَمَّا الْأَئِمَّةُ فَوُؤِمُ اللَّهِ عَلَى خَلْفِهِ وَعُرْفَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ

عَرَفَهُمْ وَعَرَفُوهُ وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَأَنْكَرُوهُ.^۱

و پیشوایان برای خلق پیرو [امر و نهی] خداوند هستند و او را به بندگانش می شناسانند. داخل بهشت نمی شود مگر کسی که آنها را بشناسد و ایشان هم او را بشناسند و داخل آتش نمی شود مگر کسی که منکر آنان باشد و ایشان هم او را از آن خویش ندانند.

امام امیرالمؤمنین در این خطبه کوتاه در اوصاف ائمه معصومین و فرستادگان خداوند با اشاره به سه اصل مسلم فرموده اند:

اول. این ذوات مقدسه از طرف خداوند متعال مأمور قیام برای هدایت و ارشاد مخلوقات الهی هستند. نهایت اینکه برای هر کدام برنامه خاصی از طرف آفریننده جهان تدوین شده است که ناگزیر باید برطبق آن عمل کنند (خانه نشینی، دست به شمشیر بردن، با دشمن صلح کردن، معارف عالیة اسلام را به زبان دعا به مردم رساندن، باب مکتب علوم اهل بیت را به روی افراد گشودن و تربیت هزاران شاگرد برجسته، در زندانها جان دادن و به وسیله مناجات مردم را متوجه مبدأ و معاد کردن) تا وقتی که ان شاء الله نوبت به حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء برسد و جهان را آباد و معمور فرماید و ریشه ظلم و بیدادگری را از بیخ و بن برکند و عدل و داد واقعی را در سرتاسر جهان پیاده کند و حکومت جهانی الله را در سرتاسر گیتی فرمانروایی بخشد.

دوم. ائمه معصومین مرکز عرفان و شناسایی ذات حق در میان مردم هستند و اگر افراد جامعه بخواهند نسبت به عالم غیب عرفانی پیدا کنند و احکام و مقررات الهی را فراگیرند، تنها این ذوات مقدسه هستند که می توانند به آنها آگاهی بدهند، همان گونه که در زیارت مبارک «جامعه کبیره» می خوانیم «السَّلَامُ عَلَىٰ مَحَالٍ مَعْرِفَةِ اللَّهِ». (سلام بر جایگاههای شناخت خدا).

سوم. بهره برداری از بهشت و نعمتهای ابدی آن در گرو عرفان و شناسایی ائمه دوازده گانه سلام الله عليهم اجمعین و دور ماندن از جهنم و عذابهای دردناکش در سایه

ایمان و اعتقاد به این ذوات مقدسه است.
به هر حال، وصول به سعادت ابدی در سایه پیروی و اطاعت از فرمان این عزیزان خواهد بود.



در روایت زیر به مناسبت آیه شریفه «وَأَسْمِعْ يَوْمَ الْخُرُوجِ»^۱ از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

قَالَ يُنَادِي الْمُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ وَاسْمِ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَالصَّيْحَةُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ صَيْحَةٌ مِنَ السَّمَاءِ وَذَلِكَ يَوْمُ خُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.^۲

منادی از آسمان قائم ما را به اسم و نیز اسم پدرش معرفی می کند و صیحه در این آیه صیحه از آسمان است و آن روز، روز قیام مهدی ما است.

معاویه بن عمار از حضرت امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ۴۱ سوره رحمان^۳ نقل می کند که فرمودند:

لَوْ قَامَ قَائِمُنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَعْرِفُ أَعْدَاؤَنَا بِسِمَاهُمْ فَيَأْخُذُهُمْ بِتَوَاصِيهِمْ وَأَقْدَامِهِمْ يَخْبِطُهُمْ هُوَ وَأَصْحَابُهُ بِالسَّيْفِ خَبْطًا.^۴

در هنگام قیام مهدی قائم ما دشمنان ما به وسیله صورت‌هایشان شناخته می شوند. آنگاه آن حضرت و یاران عزیزش آنها را دستگیر و منکوب خواهند ساخت.

عمر بن حنظله روایت می کند که ضمن خواندن آیه ۴ سوره شعرا^۵ از امام صادق علیه السلام پرسیدم: نشانه های قیام قائم شما چیست؟ فرمودند:

خَمْسُ عَلَامَاتٍ لِقِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الصَّيْحَةُ وَخُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَالْخَسْفُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَالْيَمَانِيِّ قَالَ فَتَلَوْتُ هَذِهِ الْآيَةَ فَقُلْتُ لَهُ أَهِيَ الصَّيْحَةُ قَالَ نَعَمْ.^۶

۱. «وَأَسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِي الْمُنَادِي مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ. يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ» (ق / ۴۱ و ۴۲).

۲. منابع المودة (چاپ بمبئی)، ص ۴۳۹.

۳. «يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالتَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ» (رحمان / ۴۱).

۴. منابع المودة، ص ۴۳۹.

۵. «إِنَّ نَشَأَتُنَّ مِنْ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقَهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ.»

۶. منابع المودة، ص ۴۲۶.

برای قیام قائم ما پنج علامت است:

۱. صیحه آسمانی (که البته تمام مردم کره زمین آن را می شنوند و به زبانهای مختلف ترجمه می شود تا همه مردم بدانند).
۲. خروج سفیانی (که از نوادگان بنی امیه است).
۳. خسف و فرو رفتن (در زمین بیداء که ظاهراً فرو رفتن لشکر سفیانی باشد).

۴. کشتن نفس زکیه (در بین رکن و مقام که البته از دوستان خوب امام عصر روحی له الفداء است).
۵. خروج یمانی.

می گوید: آیه بالا را خواندم و عرض کردم: این است صیحه؟ فرمودند: آری.

ابی سعید در حدیث زیر، از رسول اکرم صلی الله علیه وآله نقل می کند که آن حضرت به چند نشانه از مشخصات وجودی حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء چنین اشاره فرموده اند:

الْمَهْدِيُّ مِنِّي أَجَلِي الْجَبْهَةِ أَفْنَى الْأَنْفِ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا!

۱. مهدی از من است (بنابراین، حتماً باید از فرزندان آن حضرت باشد، و در نتیجه، مدعیان دروغگورسوا خواهند بود).
۲. پیشانی او (مهدی روحی له الفداء) گشاده است.
۳. بینی او قلمی و کشیده است.
۴. کره زمین را پر از عدل و داد می کند چنانچه از ظلم و جور پیر شده باشد.

ابوداود، ابن ماجه، طبرانی و حاکم از ام سلمه نقل کرده اند که رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند:

الْمَهْدِيُّ مِنْ عِزَّتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ.

مهدی از خاندان من است و او از فرزندان دخترم فاطمه علیها السلام خواهد بود.

۱. الحاوی للفتاوی، جزء دوم، ص ۳۵۵.

۲. همان مأخذ، ص ۳۵۵.

بنا بر این حدیث، مدعیان مهدویت که از فرزندان فاطمه علیها السلام نباشند دروغگو خواهند بود. — لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ —.

ابی سعید از رسول اکرم صلی الله علیه وآله حدیث می‌کند که آن حضرت

فرمودند:

أَبَشْرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ رَجُلٍ مِنْ قُرَيْشٍ (مِنْ عِتْرَتِي) يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَزَلَّازِلَ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا وَيَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ وَيُقَسِّمُ الْمَالَ صِحَاحًا فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مَا صِحَاحًا قَالَ بِالسُّوِّيَّةِ بَيْنَ النَّاسِ وَيَمْلَأُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ غِنًى وَيَسَعُّهُمْ عَدْلُهُ حَتَّىٰ أَنَّهُ يَأْمُرُ مُنَادِيًا فَيُنَادِي مَنْ لَهُ حَاجَةٌ إِلَيَّ فَمَا يَأْتِيهِ أَحَدٌ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ يَأْتِيهِ فَيَسْأَلُهُ فَيَقُولُ إِنَّتِ السَّادِنَ حَتَّىٰ يُعْطِيكَ. ۱

بشارت بدهم به شما به مردی از خاندانم که نام او مهدی است. در میان امت من برانگیخته می‌شود در حالتی که اختلاف فوق العاده‌ای در میان مردم به وجود آمده و ارکان اجتماع متزلزل است. او (مهدی من) جهان را پر از عدل و داد می‌کند بعد از اینکه پر از ظلم و جور شده باشد. در سایه حکومت عدل پرورش اهل آسمانها و ساکنان زمین راضی و خوشحال هستند، اموال بیت المال را بالسوئیه تقسیم می‌کنند (آری، در آن دولت تبعیض وجود ندارد)، قلبهای امت من پر از بی نیازی خواهد بود و عدل حکومتش سرتاسر دنیا را خواهد گرفت و چندان عدالت گسترش می‌یابد که منادی از طرف آن حضرت ندا می‌دهد که هر کس نیازی دارد به سوی ما بیاید تا احتیاج او تأمین شود. فقط یک نفر مراجعه می‌کند. پس، از او درخواست می‌کند. می‌فرماید: پیش خادم و پرده دار برو تا به تو بدهد.

احمد، نعیم بن حمّاد، حاکم و ابونعیم از ثوبان نقل می‌کنند که رسول

اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند:

إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّيَابِ السُّودَ قَدْ أَقْبَلَتْ مِنْ خُرَاسَانَ فَأْتُوها وَلَوْ حَبْوًا عَلَى النَّجْلِ

فَإِنَّ فِيهَا خَلِيفَةَ اللَّهِ الْمَهْدِيَّ^۱.

هنگامی که پرچمهای سیاه را که از خراسان می آیند مشاهده کردید به آن جمعیت ملحق شوید اگر چه روی برفها (با سینه) حرکت کنید؛ زیرا جانشین خداوند حضرت مهدی [روحی له الفداء] در آن لشکر خواهد بود.

حدیفه نقل می کند که پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه وآله فرمودند:

الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي وَجْهُهُ كَالْكَوْكَبِ الدَّرِيِّ^۲.

مهدی مردی از فرزندان من است که صورتش مانند ستاره درخشان است.

حدیفه می گوید که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله فرمودند:

الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي لَوْنُهُ لَوْنُ عَرَبِيٍّ وَجِسْمُهُ جِسْمٌ إِسْرَائِيلِيٌّ عَلَى خَدِّهِ
الْأَيْمَنِ خَالٌ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا قَلِيتَ جَوْرًا يَرْضَى فِي
خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَأَهْلُ السَّمَاءِ وَالطَّيْرِ فِي الْجَوِّ^۳.

مهدی مردی از فرزندان من است. اما نشانه وجودی او:

۱. از نظر رنگ و قیافه، عربی است.

۲. از لحاظ جسم و قوای جسمی اسرائیلی است (اشاره به قدرت جسمی فوق العاده آن سرور است).

۳. در سمت راست صورت مبارکش خال سیاهی است که مانند ستاره ای پرفروغ بر روی صفحه صورتش می درخشد.

۴. برنامه کار دولتش: جهان را پر از عدالت می کند چنانچه پر از جور شده باشد. به نحوی که در دوران خلافتش اهل زمین و اهل آسمان و پرندگان در فضا خشنود می شوند.

طبرانی در کبیر و ابونعیم از علی بن هلالی نقل می کند که پیامبر بزرگوار

اسلام صلی الله علیه وآله به حضرت فاطمه سلام الله علیها فرمودند:

وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ إِنْ مِنْهَا - يَعْنِي مِنَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ - مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةِ

۱. همان مأخذ، ص ۳۶۴. ۳. همان مأخذ، ص ۳۶۸.

۲. همان مأخذ، ص ۳۶۸.

إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا هَرْجًا وَمَرْجًا وَتَظَاهَرَتِ الْفِتْنُ وَتَقَطَّعَتِ السُّبُلُ وَأَغَارَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَلَا كَبِيرَ يَرْحَمُ صَغِيرًا وَلَا صَغِيرَ يُوقِرُ كَبِيرًا بَعَثَ اللَّهُ عِنْدَ ذَلِكَ مِنْهَا مَنْ يَفْتَحُ حُصُونِ الضَّلَالَةِ وَقُلُوبًا غُلْفًا يَقُومُ بِالَّذِينَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ كَمَا قُمْتُ فِي أَوَّلِ الزَّمَانِ وَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا.^۱

دخترم! به آن خدایی که مرا مبعوث به رسالت فرموده مهدی از امام حسن و امام حسین [علیهم السلام] است.^۲ دخترم! آنگاه که دنیا از هرج و مرج پر شد و انواع فتنه ها جهان را فرا گرفت و عدم امنیت راه زندگی را بر مردم مسدود نمود، مردم اموال یکدیگر را به غارت بردند، بزرگسالان به کوچکتر از خود رحم نکردند و افراد کم سن و سال احترام بزرگان را رعایت ننمودند، در این موقع، خداوند از فرزندان امام حسن و امام حسین [سلام الله علیهما] مهدی این امت را مأمور به قیام می فرماید و کاخهای ضلالت و گمراهی (شُرک و کفر و نفاق) را درهم می کوبد و خلاصه به عمر تمام مکتبهای ضد خدایی و ضد ولایی خاتمه می دهد و قلبهای غافل از حق را مسخر می کند و دین را در آخر الزمان برپا می دارد (احکامش را در سرتاسر گیتی اجرا می کند) — چنانچه من در دوران جاهلیت دین مقدس اسلام را در تاریکترین محیطها (شبه جزیره العرب) برپا داشتم — و جهان را پراز عدل و داد می کند چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد.

طبرانی از عوف بن مالک روایت کرده است که رسول اکرم صلی الله علیه

وآله فرمودند:

تَجِي فِتْنَةٌ غِبْرَاءُ مُظْلِمَةٌ ثُمَّ يَتَّبِعُ الْفِتْنَ بَعْضُهَا بَعْضًا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَإِنْ أَدْرَكَتْهُ فَاتَّبِعْهُ وَكُنْ مِنَ الْمُهْتَدِينَ.^۳

۱. همان مأخذ، ص ۳۶۸.

۲. اشاره به اینکه همسر حضرت سجاد علیه السلام دختر حضرت امام حسن است. بنابراین، امام زمان روحی له الفداء از طرف پدر از حضرت امام حسین و از طرف مادر از امام حسن علیهما السلام است. آری، نوشته اند که مادر مکرمه حضرت باقر علیه السلام ام عبدالله دختر حضرت امام حسن علیه السلام بوده است.

۳. الحاوی للفتاوی، جزء دوم، ص ۳۶۹.

فتنه ای بس تاریک جهان را دربر می‌گیرد، آنگاه فتنه‌ها یکی پس از دیگری در دنیا پدید می‌آیند و مردم از آنها متابعت می‌کنند تا آنکه مردی از فرزندان من که او را مهدی [علیه السلام] می‌گویند قیام کند. پس، اگر زمان او را درک کردی فرمانش را اطاعت کن تا از هدایت شونندگان حق باشی.

در روایت زیر که از رسول معظم صلی الله علیه وآله نقل شده است، آن حضرت ضمن اشاره به قیام جناب سید حسنی که مبدأ حرکتشان از خراسان است، چنین امر فرموده‌اند:

فَلَا يَبْقَى أَهْلُ بَيْتِهِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَايَةً مِنَ الْمَشْرِقِ سَوْدَاءَ مَنْ نَصَرَهَا نَصَرَهُ اللَّهُ
وَمَنْ خَذَلَهَا خَذَلَهُ حَتَّى يَأْتُوا رَجُلًا إِسْمُهُ كِاسِمٌ فَيُؤْتِيهِ أَمْرَهُمْ فَيُؤْتِيَهُ اللَّهُ
وَيَنْصُرُهُ.^۱

پس، باقی نماند اهل بیتش تا اینکه خداوند برانگیزد پرچم سیاهی را از مشرق. هر کس او را یاری کند خداوند را نصرت نموده و هر کس او را رها سازد (یاری اش ننماید) خداوند او را خوار می‌کند. صاحب پرچم سیاه خود را به کسی می‌رساند که همانام من است (حضرت محمد بن الحسن العسکری روحی له الفداء). آنگاه آن حضرت آنان را زیر پرچم ولایتش جای می‌دهد و خداوند هم او را تأیید می‌فرماید و نصرت می‌دهد.

سعید بن مسیب از بنیانگذار اسلام صلی الله علیه وآله حدیث می‌کند که

فرمودند:

تَخْرُجُ مِنَ الْمَشْرِقِ رَايَاتٌ سُودٌ لِيَبْنِي الْعَبَّاسِ ثُمَّ يَمْكُثُونَ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ تَخْرُجُ
رَايَاتٌ سُودٌ صِفَارٌ تُقَاتِلُ رَجُلًا مِنْ وُلْدِ أَبِي سُفْيَانَ وَأَصْحَابِهِ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ
يُؤَدُّونَ الطَّاعَةَ لِلْمَهْدِيِّ.^۲

پرچمهایی سیاه از مشرق ظاهر می‌شوند که مربوط به اولاد عباس هستند. آنها حکومت را به دست می‌گیرند و مدت زمامداری آنها آنچه خداوند بخواهد

۱. همان مأخذ، ص ۳۷۱.

۲. همان مأخذ، ص ۳۷۲.

می شود (اشاره به قیام علیه بنی امیه و به حکومت رسیدن بنی عباس به دست ابومسلم خراسانی و طول دوران زمامداری آنها و نیز اشاره به قیام جناب سید حسنی است). سپس پرچمهای سیاه کوچک دیگری ظاهر می شوند که با سفیانی و لشکریانش مبارزه می کنند و مردم را به فرمانبرداری از حضرت ولی عصر [علیه السلام] فرامی خوانند (ممکن است اشاره به لشکریان جناب سید حسنی باشد که روزهای اول کم اند).

ابی سعید خدری گفته است که رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند:

الْمَهْدِيُّ مِنِّي أَجَلَى الْجَبْهَةِ أَقْنَى الْأَنْفِ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ
جَوْرًا وَظُلْمًا.^۱

مهدی از من است. پیشانی اش گشاد و پرفروغ و بینی اش کشیده و قلمی خواهد بود. صفحه گیتی را پس از انباشته شدن از ظلم و جور، از عدل و داد پر می کند.

صالح فرزند ابی خلیل از دوستش نقل می کند که ام سلمه همسر رسول گرامی صلی الله علیه وآله فرمودند:

يَكُونُ اخْتِلَافٌ عِنْدَ مَوْتِ الْخَلِيفَةِ فَيَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ هَارِبًا إِلَى مَكَّةَ
فَتَأْتِيهِ نَاسٌ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ فَيُخْرِجُونَهُ وَهُوَ كَارِهٌ فَيُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ
وَيُبْعَثُ إِلَيْهِ بَعْثٌ مِنَ الشَّامِ فَيُخَسَفُ بِهِمْ بِالْبَيْدَاءِ بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ فَإِذَا رَأَى
النَّاسُ ذَلِكَ أَنَاهُ أَبْدَالُ الشَّامِ وَعَصَائِبُ أَهْلِ الْعِرَاقِ فَيُبَايِعُونَهُ ثُمَّ يَنْشَأُ رَجُلٌ مِنْ
قُرَيْشٍ أَخْوَالَهُ كُلِّ قَبِيلَةٍ إِلَيْهِمْ بَعْثًا فَيُظْهِرُونَ عَلَيْهِمْ وَذَلِكَ بَعْثٌ كُلِّ
وَالْخَبِيئَةُ لِمَنْ لَمْ يَشْهَدْ غَنِيمَةَ كُلِّ قَبِيلَةٍ فَيُقَسِّمُ الْمَالَ وَيَعْمَلُ فِي النَّاسِ بِسُنَّةِ نَبِيِّهِمْ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.^۲

هنگام مرگ خلیفه اختلافی به وجود می آید و مردی از اهل مدینه به سوی مکه می گریزد و جمعی از مردم مکه بین رکن و مقام با او بیعت می کنند. آنگاه

۱. سنن ابی داود (مختصر)، جزء ۶ / ص ۱۶۰.

۲. همان مأخذ، ص ۱۶۱.

جمعیتی از شام به خلاف او قیام می کنند و به طرف مکه به حرکت در می آیند. پس، در زمین بیداء بین مکه و مدینه به زمین فرو می روند و چون مردم از این جریان آگاه می شوند برجستگان شام و نیز جمعی از مردم عراق به سوی او می آیند و با او بیعت می کنند و مسردی از طایفه کلب به سوی کسانش می فرستد. پس، جمعیتی به سوی آنها می آیند و درگیری بین آنها پیدا می شود و آنان شکست می خورند و در این پیروزی هر کس که از غنائم طایفه کلب نصیبی نداشته باشد زیان کرده است و اینان به روش رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در میان مردم عمل می کنند و اموال و غنائم را بین مردم تقسیم می نمایند.

مسلم از ابی نصره نقل می کند:

كُنَّا جَالِسًا عِنْدَ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ فَقَالَ يُوشِكُ أَهْلُ الْعِرَاقِ أَنْ لَا يُجِبِي إِلَيْهِمْ قَفِيزٌ وَلَا دِرْهَمٌ قُلْنَا مِنْ أَيْنَ ذَلِكَ؟ قَالَ مِنْ قِبَلِ الْعَجَمِ يَمْتَعُونَ ذَلِكَ ثُمَّ قَالَ يُوشِكُ أَهْلُ الشَّامِ أَنْ لَا يُجِبِي إِلَيْهِمْ دِينَارٌ وَلَا مُدِّي قُلْنَا مِنْ أَيْنَ ذَلِكَ قَالَ مِنْ قِبَلِ الرُّومِ ثُمَّ سَكَتَ هُنَيْئَةً ثُمَّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَكُونُ فِي آخِرِ أُمَّتِي خَلِيفَةٌ يَحْثِي الْمَالَ حَثِيًّا وَلَا يَعُدُّهُ عَدًّا قِيلَ لِأَبِي نَضْرَةَ وَآبِي الْعَلَاءِ أَتْرِيَانِ أَنَّهُ عُمَرُ! بَنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ قَالَا لَا.

در خدمت جابر بن عبدالله انصاری نشسته بودم. فرمود: در آینده به اهالی عراق درهم و دیناری نخواهد رسید. عرض شد: چرا؟ فرمود: عجم ممانعت خواهد کرد. سپس فرمود: به اهالی شام هم دیناری نخواهد رسید. سؤال شد: این جریان از کجاست؟ فرمود: از طرف رومیها. آنگاه مکشی فرمود و گفت: رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: در آخر الزمان خلیفه ای بر جهان حکم می راند که اموال را بدون حساب و شمارش می دهند. شنوندگان به ابی نصره و ابی علاء گفتند: آیا احتمال می دهید که این خلیفه با این اوصاف عمر بن عبدالعزیز باشد؟ هر دو گفتند: نه، چنین نیست.

ثوبان درباره آینده دنیا از زبان بنیانگذار اسلام صلی الله علیه وآله چنین

می گوید:

يُقْتَلُ عِنْدَ كَنْزِكُمْ ثَلَاثَةٌ كُلُّهُمْ ابْنُ خَلِيفَةٍ ثُمَّ لَا يَصِيرُ إِلَىٰ وَاحِدٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَطْلَعُ
الرَّيَابُ السُّودُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ فَيَقْتُلُونَكُمْ قَتْلًا لَمْ يَقْتُلْهُ قَوْمٌ ثُمَّ ذَكَرَ شَيْئًا لَا
أَخْفَظُهُ فَقَالَ فَإِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَبَايِعُوهُ وَلَوْ حَبْوًا عَلَى التَّلَجِ فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ الْمَهْدِيُّ. ١
سه نفر در کنار کعبه می جنگند که تمامشان فرزند یک خلیفه هستند (کنز را
کنایه از کعبه گرفته اند). آنگاه حکومت به هیچ کدام از آنها نمی رسد؛ سپس
پرچمهای سیاه از جانب شرق به اهتزاز درمی آید و نبرد سختی درمی گیرد (که
مانند آن دیده نشده است). چون این پرچمها را مشاهده کردید با صاحب آن
(فرمانده) بیعت کنید حتی اگر روی برفها راه بروید ولو با سرزانویا سینه.
زیرا آن فرمانده نماینده و جانشین خدا مهدی منتظر است.

عبدالله می گوید:

بَيْنَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَقْبَلَ فِتْيَةٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ فَلَمَّا
رَأَوْهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِغْرَوْرَقَتْ عَيْنَاهُ وَتَغَيَّرَ لَوْنُهُ فَقُلْتُ مَا نَزَالُ
فِي وَجْهِكَ شَيْئًا نَكْرَهُهُ فَقَالَ إِنَا أَهْلُ بَيْتِ إِخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَإِنَّا
أَهْلُ بَيْتِي سَيَلْقَوْنَ بَعْدِي بَلَاءً وَتَشْدِيداً وَتَطْرِيداً حَتَّى يَأْتِيَ قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ
مَعَهُمْ رَايَاتُ سُودٍ فَيَسْأَلُونَ الْخَيْرَ فَلَا يُعْطَوْنَ فَيُقَاتِلُونَ فَيُنْصَرُونَ فَيُعْظُونَ مَا سَأَلُوا
فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَدْفَعُوهُا إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلَأُهَا قِسْطاً كَمَا مَلَأُوهَا جَوْرًا
فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَأْتِيهِمْ وَلَوْ حَبْوًا عَلَى التَّلَجِ. ٢

همینطوری که در خدمت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بودیم ناگهان عده ای از
بنی هاشم (البته از جوانان) بر آن حضرت وارد شدند. پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم

١. التهایة ابن اثیر، ص ۳۰۰ و ۳۰۱.

٢. همان مأخذ، ص ۳۰۰.

نگاهی به آنها فرمودند و چشمان مبارکشان پر از اشک شد و رنگ صورت شریفشان تغییر کرد. عرض کردم: یا رسول الله! همیشه در رخسار شما حالتی را می بینم که ما را ناراحت می کند (در حقیقت، سؤال از علت تغییر قیافه و ناراحتی بوده است). در جواب فرمودند: ما اهل بیتی هستیم که خداوند عالم آخرت را بر دنیا برای ما اختیار فرموده است. بعد از من خاندانم گرفتار مصائب و بلاها و سختیها خواهند شد (قتل، اسارت، زندان، تبعید و خانه نشینی) تا اینکه مردمی از جانب مشرق بیایند در حالی که پرچمهای سیاه به دست دارند و از مردم می خواهند که از کارها و مردم بد دوری گزینند و به سوی خوبیها روی آورند. آنها را اجابت نمی کنند. سرانجام می جنگند تا پیروز می شوند. آنگاه مردم اعلام آمادگی برای قبول خیرات و خوبیها می کنند، اما آنها نمی پذیرند تا اینکه می آیند و پرچم پیروزی را به یکی از مردان خاندان من می دهند و او جهان را پر از عدل و داد می کند پس از اینکه از ظلم و جور انباشته شده باشد. پس، هر کس از شما آن زمان را درک کرد به سراغ آنها برود ولو به نحو سینه خیز روی برف باشد.

● خواننده عزیز! ممکن است فرمایش رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله اشاره به قیام جناب سید حسنی باشد که از خراسان با یارانش حرکت می کند و جمع کثیری از دشمنان اهل بیت را به هلاکت می رساند و خدمت امام عصر روحی له الفداء می رسد و با یارانش تسلیم آن حضرت می شوند و اسلام واقعی پیاده می شود و جهان از عدالت لبریز می گردد — اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ —.

عبدالله بن عباس روایت کرده است از رسول اکرم صلی الله علیه وآله که

فرمودند:

اِنَّ خُلَفَاۤئِیْ وَاَوْصِيَآئِیْ وَحُجَجَ اللّٰهِ عَلَی الْخَلْقِ بَعْدِیْ لِاٰثِنَا عَشْرًا وَاُولَئِکُمْ اٰخِیْ وَاٰخِرُهُمْ وَاَلَدِیْ قَبْلِ یَا رَسُوْلُ اللّٰهِ وَمَنْ اٰخُوکَ قَالَ عَلِیُّ بْنُ اَبِی طَالِبٍ قَبْلِ فَمَنْ وَاَلَدُکَ قَالَ الْمَهْدِیُّ الَّذِیْ یَمْلُوْهَا فِیْ سَطَا وِعَدْلًا کَمَا مُلِیْتُ جَوْرًا وَاظْلَمًا وَاَلَّذِیْ بَعَثَنِیْ بِالْحَقِّ بَشِیْرًا [وَنذِیْرًا] لَوْ لَمْ یَبْقَ مِنَ الدُّنْیَا اِلَّا یَوْمٌ وَاَحَدٌ لَطَوَّلَ اللّٰهُ ذٰلِکَ الْیَوْمَ حَتّٰی یَخْرُجَ فِیْهِ وَاَلَدِی الْمَهْدِیُّ فَیَنْزِلُ رُوْحُ اللّٰهِ عَلَیْ بَنِیْ مَرْیَمَ فَیُصَلِّی

خَلْفَهُ وَتُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَيَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ. ۱

جانشینان من و اوصیای من و حجت‌های خداوند بر مردم بعد از من دوازده نفرند که اول آنها برادرم است و آخرین آنان فرزندم خواهد بود. عرض شد: یا رسول الله! برادر شما کیست؟ فرمودند: علی ابن ابی طالب. عرض شد: فرزندتان کیست؟ فرمودند: مهدی که جهان را پر از عدل و داد می‌کند بعد از اینکه از ظلم و جور پر شده باشد. آنگاه اضافه می‌فرمایند: به حق آن خداوندی که مرا به راستی و حق مبعوث فرموده است برای راهنمایی بشر و بشارت دادن آنها به نعمتهای ابدی خداوند و ترساندنشان از عذابهای او، که اگر از عمر دنیا جز یک روز نماند پروردگرم آن روز را آنقدر طولانی می‌کند تا اینکه فرزندم مهدی در آن روز قیام کند و عیسی بن مریم روح الله از آسمان به زیر آید و پشت سر او نماز بخواند و جهان به نور پروردگارش روشن گردد و حکومت فرزندم شرق و غرب عالم را فرا گیرد.

ابونعیم به سند خودش از ثوبان نقل می‌کند که رسول اکرم صلی الله علیه وآله

فرمودند:

إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّاياتِ السُّودِ مِنْ خُرَاسَانَ فَاتُّوْهَا وَلَوْ حَبْوًا عَلَى الثَّلْجِ فَإِنَّ فِيهَا خَلِيفَةَ اللَّهِ الْمَهْدِيَّ. ۲

هرگاه دیدید که از جانب خراسان پرچمهایی به رنگ سیاه به اهتزاز درآمد، از آنها استقبال کنید ولو اینکه پای پیاده بلکه با سرزانوروی برفها راه بروید؛ زیرا حجت و جانشین خداوند در این جمعیت است و آن حضرت مهدی [علیه السلام] است.

حضرت جواد الائمه علیه السلام درباره نشانه های ظهور و روز اول آن چنین

فرموده است:

قَالَ يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْمَهْدِيِّ فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ حَتَّى لَا يَبْقَى رَاقِدٌ إِلَّا اسْتَيْقَظَ. ۳

۱. فرائد السمطين ج ۶ / ۲ ص ۳۱۲. ۳. عقد الدرر، ص ۱۳۷.

۲. فصول المهمة، فصل دوازدهم، ص ۲۹۵.

منادی از آسمان به نام حضرت مهدی فریاد می زند و اهل مشرق و مغرب همه آن صدا را می شنوند. حتی افرادی که در خواب هستند از شنیدن آن بیدار می شوند.

● خواننده عزیز! با قدرت بی نهایت خداوند صدا به زبانهای مختلف ترجمه می شود و اهل هر زبانی آن را می شنود.
ام سلمه بانوی حرم رسول اکرم صلی الله علیه وآله نقل کرده است که آن حضرت فرمودند:

يُبَايِعُ لِرَجُلٍ مِنْ أُمَّتِي بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ كَعِدَّةِ أَهْلِ بَدْرِ فَتَأْتِيهِ عَصْبُ الْعِرَاقِ
وَأَبْدَالُ الشَّامِ فَيَأْتِيهِمْ جَيْشٌ مِنَ الشَّامِ حَتَّى إِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ خُسِفَ بِهِمْ ثُمَّ
يَسِيرُ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ أَخْوَالُهُ كَلَبٌ فَيَهْزِمُهُمُ اللَّهُ تَعَالَى قَالَ وَكَانَ يُقَالُ إِنَّ
الْخَائِبَ يَوْمَئِذٍ مَنْ خَابَ مِنْ غَنِيمَةِ كَلَبٍ.^۱

در بین رکن و مقام (کنار کعبه معظمه) با مردی از امت من بیعت می شود. بیعت کنندگان به تعداد اهل بدر هستند (یعنی سیصد و سیزده نفرند). پس، جمعیتی نیرومند از عراق و برجستگانی از شام خواهند آمد و در این موقع لشکری از شام می آید که چون به سرزمین بیداء می رسد (نزدیک مکه مکرمه) در این سرزمین همه جمعیت فرو می روند. آنگاه مردی از قریش با اقوامش از قبیلۀ کلب می آید. خداوند آنها را از بین می برد و در آن روز مغربون کسی است که از غنائم بنی کلب محروم بماند.

ابی سعید خدری در ارتباط با سالهای قبل از ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء از آورنده اسلام صلی الله علیه وآله حدیثی نقل نموده است که آن حضرت می فرماید:

سَتَكُونُ بَعْدِي فِتْنٌ مِنْهَا فِتْنُ الْأَظْلَاسِ يَكُونُ فِيهَا هَرَبٌ وَحَرْبٌ ثُمَّ مِنْ بَعْدِهَا
فِتْنٌ أَشَدُّ مِنْهَا كُلَّمَا قِيلَ انْقَطَعَتْ تَمَادَتِ حَتَّى لَا يَبْقَى بَيْتٌ مِنَ الْعَرَبِ إِلَّا
دَخَلَتْهُ وَلَا مُسْلِمٌ إِلَّا وَصَلَتْهُ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ عِترَتِي.^۲

۱. همان مأخذ، ص ۷۰.

۲. همان مأخذ، ص ۵۱.

زود است که بعد از من فتنه هایی بر پا می شود (اطلاس). در این فتنه هرج و مرج و نبرد به چشم می خورد. بعد از این، فتنه هایی سنگین تر و شدیدتر به وجود خواهد آمد که مردم پیوسته انتظار تمام شدن آن را می کشند، اما متأسفانه ادامه خواهد داشت تا اینکه خانه ای در دنیای عرب نماند مگر اینکه این فتنه داخل آن خانه شود. بعلاوه، شعاع این فتنه چندان وسیع است که هر مسلمانی در هر کجا که باشد دچار آن فتنه خواهد شد تا اینکه مردی از دودمان من قیام کند.

ابی هریره از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله نقل می کند که آن حضرت

فرمودند:

يَخْرُجُ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ السُّفْيَانِيُّ فِي غُنُقِ دِمَشْقٍ وَعَامَّةٌ مِّنْ تَبَعِهِ مِّنْ كَلْبٍ فَيَقْتُلُ حَتَّى يَبْقُرَ بَطُونَ النِّسَاءِ وَيَقْتُلَ الصَّبِيَّانَ فَتُجْمَعُ لَهُمْ قَيْسٌ فَيَقْتُلُهَا حَتَّى لَا يُمْنَعَ ذَنْبٌ تَلْعَهُ وَيَخْرُجُ رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي الْحَرَمِ فَيَبْلُغُ السُّفْيَانِيَّ فَيَبْعَثُ إِلَيْهِ جُنْدًا مِّنْ جُنْدِهِ (أَوْ مِنْ أَجْنَادِهِ) فَيَهْزِمُهُمْ فَيَسِيرُ إِلَيْهِ السُّفْيَانِيُّ بِمَنْ مَعَهُ حَتَّى إِذَا جازَ بَيْدَاءَ مِنَ الْأَرْضِ خَسِفَ بِهِمْ فَلَا يَنْجُوا إِلَّا الْخَبْرَ عَنْهُمْ.^۱

مردی از شام به نام سفیانی خروج می کند و تمام افرادی که از او متابعت می کنند از طایفه کلب هستند. پس، کشتار می کنند؛ حتی شکم زنهارا می درند و بچه ها را می کشند. آنگاه طایفه قیس با او جنگ می کنند و همگی کشته می شوند و کسی که بتواند مقاومت کند نمی ماند. در این هنگام مردی از خاندان من در مکه مکرمه قیام می کند و خبر قیامش به سفیانی می رسد. پس، از لشکریان خود جمعیتی را به جنگ او می فرستد و خود با لشکریانش به طرف مکه معظمه حرکت می کند. وقتی که به سرزمین بیداء (در نزدیکی مکه مکرمه) می رسند به امر خداوند، زمین آنها را فرو می برد و نمی ماند از آن لشکر مگر خبردهنده ای [که خبر نابودی لشکر را به مکه معظمه یا شام می رساند].

یکی از مهاجران قبیطیه از ام سلمه همسر گرامی پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله

نقل می کند که ایشان فرمودند:

لِيُخَسَفَنَّ بِقَوْمٍ يَغزُونَ هَذَا الْبَيْتَ بِيَدَاءٍ مِنَ الْأَرْضِ فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ فِيهِمْ الْكَارَةُ فَقَالَ (ص) يُبْعَثُ كُلُّ رَجُلٍ عَلَى نِيَّتِهِ.^۱

همانا گروهی که عازم نبرد با خانه کعبه هستند در سرزمین بیداء فرو می روند. ام سلمه عرض می کند: یا رسول الله! آیا امکان دارد که یک نفر در میان این مردم مجبور باشد؟ فرمودند: هر کسی براساس نیتی که دارد [در پیشگاه خداوند] محشور می شود.

● خواننده محترم! البته منظور از نبرد با خانه کعبه یعنی جنگ با حضرت بقیة الله روحی له الفداء و مراد از این لشکر، لشکر سفیانی است. از حدیثی روایت شده است که حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله فرمودند:

تَكُونُ وَقْعَةٌ بِالزُّورَاءِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الزُّورَاءُ قَالَ مَدِينَةٌ بِالْمَشْرِقِ بَيْنَ أَنْهَارٍ سَكَنَهَا شِرَارٌ خَلَقَ اللَّهُ وَجَبَابِرَةً مِنْ أُمَّتِي تُقَذَّفُ بِأَرْبَعَةٍ أَصْنَافٍ مِنَ الْعَذَابِ بِالسِّيفِ وَالْخَسْفِ وَالْقَذْفِ وَالْمَسْخِ.^۲

فاجعه ای بس بزرگ در زوراء پیاده می شود. عرض کردند: زوراء کجاست؟ فرمودند: شهری است در مشرق و در اطرافش نهرهایی قرار گرفته است. ساکنان آن از ستمگران امت من و بدترین مخلوقات روی زمین هستند که به وسیله چهار نوع از بلا عذاب می شوند:

۱. کشتار به وسیله شمشیر
۲. فرورفتن در زمین
۳. پرتاب کردن و درهم کوبیدن
۴. مسخ شدن.

پیامبر بزرگ اسلام فرمودند:

إِذَا خَرَجَتِ السُّودَانُ ظَلَبَتِ الْعَرَبُ يَنْكَشِفُونَ حَتَّى يَلْحَقُوا بِبَطْنِ الْأَرْضِ أَوْ قَالَ

۱. همان مأخذ، ص ۷۴.

۲. همان مأخذ، ص ۸۱ تا ۸۴.

يَبْظُنِ الْأُرْدُنِ قَبَيْتَمَاهُمْ كَذَلِكَ إِذْ خَرَجَ السُّفْيَانِيُّ فِي سِتِّينَ وَثَلَاثِمِائَةٍ رَاكِبٍ حَتَّى يَأْتِيَ دِمَشْقَ فَلَا يَأْتِي عَلَيْهِمْ شَهْرٌ حَتَّى يُبَايِعَهُ مِنْ كَلْبٍ ثَلَاثُونَ أَلْفًا فَيَبْعَثُ جَيْشًا إِلَى الْعِرَاقِ فَيَقْتُلُ بِالزُّورَاءِ مِائَةَ أَلْفٍ وَيَخْرُجُونَ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَنْهَبُونَهَا فَعِنْدَ ذَلِكَ تَخْرُجُ رَايَةٌ مِنَ الْمَشْرِقِ وَيَقُودُهَا رَجُلٌ مِنْ تَمِيمٍ يُقَالُ لَهُ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ فَيَسْتَنْقِذُ مَا فِي أَيْدِيهِمْ مِنْ سِبْأِ أَهْلِ الْكُوفَةِ وَيَقْتُلُهُمْ وَيَخْرُجُ جَيْشٌ آخَرَ مِنْ جُيُوشِ السُّفْيَانِيِّ إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَنْهَبُونَهَا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ثُمَّ يَسِيرُونَ إِلَى مَكَّةَ حَتَّى إِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى جِبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَقُولُ يَا جِبْرَائِيلُ عَذِّبْهُمْ فَيَضْرِبُهُمْ بِرِجْلِهِ ضَرْبَةً يَخْسِفُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِمْ فَلَا يَبْقَى مِنْهُمْ إِلَّا رَجُلَانِ فَيَقْدِمَانِ عَلَى السُّفْيَانِيِّ فَيُخْبِرَانِهِ بِخَسْفِ الْجَيْشِ فَلَا يَهْوَلُهُ ثُمَّ إِنَّ رَجُلًا مِنْ قُرَيْشٍ يَهْرُبُونَ إِلَى قُسْطَنْطِينِيَّةَ فَيَبْعَثُ السُّفْيَانِيُّ إِلَى عَظِيمِ الرُّومِ أَنْ ابْعَثْ بِهِمْ فِي الْمَجَامِعِ فَيَبْعَثُ بِهِمْ إِلَيْهِ فَيَضْرِبُ أَعْنَاقَهُمْ عَلَى بَابِ الْمَدِينَةِ بِدِمَشْقَ.

قَالَ حُدَيْفَةُ حَتَّى إِنَّهُ يُطَافُ بِالْمَرْأَةِ فِي مَسْجِدِ دِمَشْقِ بِالثَّوْبِ عَلَى مَجْلِسِ مَجْلِسٍ حَتَّى تَأْتِيَ فَخِذَ السُّفْيَانِيِّ فَتَجْلِسُ عَلَيْهِ وَهُوَ فِي الْمِحْرَابِ قَاعِدًا فَيَقُومُ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَيَقُولُ وَيَحْكُمُ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيْمَانِكُمْ إِنَّ هَذَا لَا يَحِلُّ فَيَقُومُ فَيَضْرِبُ عُنُقَهُ فِي مَسْجِدِ دِمَشْقَ وَيَقْتُلُ كُلَّ مَنْ شَابِعَهُ عَلَى ذَلِكَ فَعِنْدَ ذَلِكَ يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَدْ قَطَعَ عَنْكُمْ مُدَّةَ الْجَبَّارِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَأَشْيَاعَهُمْ وَوَلَاكُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَالْحَقُوا بِهِ بِمَكَّةَ فَإِنَّهُ الْمَهْدِيُّ.

قَالَ حُدَيْفَةُ فَقَامَ عُمَرُ بْنُ الْحَصِينِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ لَنَا حَتَّى نَعْرِفَهُ قَالَ هُوَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي كَأَنَّهُ مِنْ رِجَالِ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَيْهِ عَبَاءَتَانِ قَطْرَانِيَّتَانِ كَانَتْ وَجْهَهُ الْكَوْكَبُ الدَّرِيُّ فِي اللَّوْنِ فِي خَدِّهِ الْأَيْمَنِ خَالٌ أَسْوَدٌ بَنُ أَرْبَعِينَ سَنَةً فَيَخْرُجُ الْأَبْدَالُ مِنَ الشَّامِ وَأَشْبَاهُهُمْ وَتَخْرُجُ إِلَيْهِ النُّجَبَاءُ مِنْ مِصْرَ وَعَصَائِبُ أَهْلِ الشَّرْقِ وَأَشْبَاهُهُمْ حَتَّى يَأْتُوا مَكَّةَ فَيُبَايِعُ لَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ثُمَّ يَخْرُجُ مُتَوَجِّهًا إِلَى الشَّامِ وَجِبْرَائِيلُ عَلَى مُقَدِّمَتِهِ وَمِيكَائِيلُ عَلَى سَاقَتِهِ فَيَفْرَحُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَأَهْلُ الْأَرْضِ وَالطَّيْرُ وَالْوُحُوشُ وَالْحَيَاتَانُ فِي الْبَحْرِ وَتَزِيدُ الْمِيَاءُ فِي

دَوْلَتِهِ وَتَمَدُّ الْأَنْهَارُ وَتُضَعِفُ الْأَرْضُ أَكْلَهَا وَتُسْتَخْرَجُ الْكُنُوزُ كُلُّهَا فَيَقْدِمُ
الشَّامَ فَيَذْبَحُ الشَّفِيَانِيَّ تَحْتَ الشَّجَرَةِ الَّتِي أَغْصَانُهَا إِلَى بُحَيْرَةِ طَبْرِيَّةٍ وَيَقْتُلُ
كَلْبًا.

قَالَ حُذَيْفَةُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ خَائِبٌ مَنْ خَابَ يَوْمَ
كَلْبٍ وَلَوْ بَعِثَ قَالَ حُذَيْفَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ يَحِلُّ قِتَالُهُمْ وَهُمْ مُوَحَّدُونَ فَقَالَ
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا حُذَيْفَةُ هُمْ يَوْمَئِذٍ عَلَى رِدَّةٍ يَزْعُمُونَ أَنَّ الْخَمْرَ
حَلَالٌ وَلَا يُصَلُّونَ.^۱

هرگاه سودان برای دست یافتن به عرب حرکت کرد و در زمین اردن، در این
موقع، سفیانی قیام می کند و در حالی که سیصد و شصت هزار سوار در اختیار
او هست، می آید تا به شهر شام می رسد و در بین راه تمام شهرها با او بیعت
می کنند، از جمله سی هزار تن از طایفه کلب با او بیعت می نمایند. پس،
سفیانی لشکری به عراق می فرستد و در زوراء (ظاهراً بغداد باشد) صد هزار تن
از جمعیت آن شهر را می کشد. آنگاه از آنجا به سمت کوفه می رود و کوفه را
خراب می کند. در این موقع، پرچمهایی از مشرق حرکت می کنند و رهبری آنها
را مردی به نام شعیب بن صالح به عهده دارد که با سفیانی درگیری پیدا می کند
و اسرای کوفه را نجات می دهد. بعد از این جریان، لشکر دیگری از جانب
سفیانی به سمت مدینه حرکت می کند و سه روز آنجا را مورد تعدی و تجاوز
قرار می دهد. آنگاه به سمت مکه حرکت می کنند تا اینکه به سرزمین بیداء
می رسند. جبرئیل علیه السلام از طرف خداوند مأموریت پیدا می کند و با اشاره به
زمین، تمام این جمعیت را فرو می برد مگر دو نفر که خودشان را به سفیانی
می رسانند و او را از هلاکت لشکریانش آگاه می سازند. مقارن این وضع،
عده ای از قریش به قسطنطنیه می گریزند و سفیانی از پادشاه روم می خواهد که
آنها را تسلیم وی کند. او هم این کار را می کند و پناهندگان را تسلیم سفیانی
می نماید و او همه آنها را در ابتدای شهر در دمشق گردن می زند.

حذیفه گفت: سرانجام کار به جایی می رسد که زنها در مسجد جامع
دمشق حرکت می کنند و محافلی تشکیل می دهند و در حالی که سفیانی در

محراب نشسته است بعضی از زنان در دامن او می نشینند. در این موقع، یک نفر بلند می شود و فریاد می زند: ای مردم! این عمل حرام است، مگر کافر شده اید؟ به امر سفیانی گردنش را می زنند و هر کسی که متابعت از این شخص بکند او را می کشند. پس، در این موقع منادی از آسمان فریاد می زند: ای مردم روی زمین! خداوند به زندگی ستمکاران خاتمه داد و منافقان و پیروان آنها از بین رفتند (حکومت باطل و اهل آن واکگون شد). خداوند برای شما فرمانروایی از آل محمد صلی الله علیه وآله وسلم معین فرموده که در مکه است. بشتابید و از دستورهایش پیروی کنید و نامش مهدی است.

حذیفه گوید: عمر بن حصین برخاست و عرض کرد: یا رسول الله! مشخصات او را برای ما بیان فرمایید تا او را بشناسیم. حضرت فرمودند: او مردی از فرزندان من است که از نظر جسم و قوای جسمانی مانند اسرائیلیان است. دو عبای سفید پوشیده است، صورتش مانند ستاره درخشان می درخشد، در طرف راست صورتش خالی سیاه است و از لحاظ سن به مرد چهل ساله ای می ماند. مردانی از شام به نام ابدال و پیروانشان و نیز نجبا و یاران آنها از مصر و جمعیتی از مشرق حرکت می کنند تا اینکه به مکه معظمه می رسند و در بین رکن و مقام با آن حضرت بیعت می کنند. در این موقع، مهدی ما به طرف شام حرکت می کند در حالتی که جبرئیل علیه السلام پیشاپیش او و میکائیل به دنبال او در حرکت اند. موجودات آسمان و زمین - اعم از حیوانات دریایی، پرندگان و چرندگان - از حکومت و قیام او خوشحال هستند. در دولت او نهرهای آب زیاد می شود و زمین برکات خود را مضاعف می کند و تمام گنجهای نهفته آشکار می گردد. او با لشکریانش به شام می رسند و سفیانی را در زیر درختی که شاخه های آن به طرف دریاچه طبریه است سر می برند و طایفه بنی کلب را می کشند.

حذیفه گوید: حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: چه روز بدی است روز کلب. حذیفه عرض کرد: یا رسول الله! چگونه می شود با آنها جنگید و حال آنکه آنها مسلمان اند؟ پیامبر فرمود: اینها در آن روز مرتد هستند و گمان می کنند مشروبات الکلی حلال است و نماز نمی خوانند.

حضرت امام امیرالمؤمنین علیه السلام خبر از قیام سفیانی و آمدنش به کوفه

می دهد و نیز می فرماید:

إِذَا خَرَجَتْ خَيْلُ السُّفْيَانِيِّ إِلَى الْكُوفَةِ بَعَثَ فِي ظَلَبِ أَهْلِ خُرَاسَانَ وَيَخْرُجُ
أَهْلُ خُرَاسَانَ فِي ظَلَبِ الْمَهْدِيِّ فَيَلْتَقِي هُوَ وَالْهَاشِمِيُّ بِرَايَاتِ سُودٍ عَلَى مُقَدَّمَتِهِ
شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ فَيَلْتَقِي هُوَ وَالسُّفْيَانِيُّ بِبَابِ اصْطَخْرِ فَيَكُونُ بَيْنَهُمْ مَلْحَمَةٌ
عَظِيمَةٌ فَتَظْهَرُ رَايَاتُ السُّودِ وَتَهْرَبُ خَيْلُ السُّفْيَانِيِّ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَتَمَتَّى النَّاسُ
الْمَهْدِيِّ وَيَطْلُبُونَهُ. ۱

در این موقع سفیانی از کوفه قصد حمله به خراسان دارد و مردم خراسان در طلب حضرت مهدی [علیه السلام] به حرکت درمی آیند و با سید هاشمی ملاقات می کنند در حالی که پرچمهای سیاه در اهتزاز است (رایات جناب سید حسنی). پیشاپیش سپاه، شعیب بن صالح قرار گرفته است و در جایی به نام اصطخر نبرد شدیدی درمی گیرد که لشکریان سفیانی از بین می روند و آنگاه مردم تمنای دیدار حضرت مهدی [علیه السلام] را دارند.

نعیم بن حماد در کتاب فتن با سند صحیح از علی علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

وَالْفِتْنُ أَرْبَعُ فِتْنَةٍ السَّرَّاءِ وَفِتْنَةُ الضَّرَّاءِ وَفِتْنَةُ كَذَا فَذَكَرَ مَعْدِنَ الدَّهَبِ ثُمَّ
يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عِتْرَةِ الرَّسُولِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ يَصْلُحُ عَلَى يَدَيْهِ أَمْرُهُمْ. ۲
فتنه (فتنه های آخر الزمان) بر چهار قسم است: فتنه سراء، فتنه ضراء و فتنه
کذا (ممکن است اشاره به فتنه های عقیدتی باشد). آنگاه اشاره به معدن طلا
فرمودند. در این هنگام، مردی از آل رسول صلی الله علیه وآله وسلم قیام می کند و امور
مردم به دست پر قدرتش اصلاح خواهد شد.

نعیم بن حماد از علی علیه السلام نقل می کند که فرمودند:

وَإِذَا نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ إِنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَعِنْدَ

۱. الحاوی، ص ۳۷۲.

۲. همان مأخذ، ص ۳۶۹.

ذَلِكَ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ عَلَى أَفْوَاهِ النَّاسِ وَيَشْرَبُونَ حُبَّهُ وَلَا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرٌ غَيْرُهُ.^۱

هرگاه منادی از آسمان (جبرئیل علیه السلام) ندا درداد که حق با آل محمد (صلی الله علیه وآله) است، در این هنگام، مهدی این خاندان ظاهر می شود که همه مردم او را می بینند و محبت نسبت به آن سرور در دلهای مردم متمرکز می شود بطوریکه یادی از غیر آن حضرت نمی کنند.

ابی اسحاق از امام امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می کند که فرمودند:

نَظَرَ إِلَى ابْنِهِ الْحُسَيْنِ فَقَالَ إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ كَمَا سَمَاءُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَيَخْرُجُ مِنْ صُلْبِهِ رَجُلٌ يُسَمَّى بِاسْمِ نَبِيِّكُمْ يَشْبَهُهُ فِي الْخَلْقِ وَلَا يُشْبَهُهُ فِي الْخُلُقِ ثُمَّ ذَكَرَ قِصَّةَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا.^۲

ان حضرت نگاهی به حضرت امام حسین [علیه السلام] کردند و فرمودند: این فرزند من سید و آفاست چنانکه جدش او را سید خوانده است (شاید اشاره به حدیث «الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدُ أَشْبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» باشد). بزودی خداوند از نسل او مردی را به وجود می آورد که همنام (محمد) و از نظر ظاهر و قیافه شبیه پیامبر شماست اما از نظر اخلاق با او فرق می کند (ممکن است اشاره به اختلاف برنامه کار باشد که وجود مقدس رسول الله صلی الله علیه وآله مأمور به ظاهر بود، اما حضرت مهدی علیه السلام چون باید جهان را اصلاح کند مأمور به واقع است). سپس داستانی را که زمین را پر از عدل می کند، ذکر کرد.

هلال بن عمرو از امام امیرالمؤمنین علیه السلام حدیث می کند که آن سرور

فرمودند:

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وَرَاءِ النَّهْرِ يُقَالُ لَهُ الْحَارِثُ بْنُ حُرَاثٍ عَلَى مُقَدَّمَتِهِ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ الْمَنْصُورُ يُوَاطِئُ أَوْ يُمَكِّنُ لِآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَكَّنْتُ قُرَيْشًا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَجَبَّ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ نَصْرُهُ أَوْ

۱. همان مأخذ، ص ۳۷۱.

۲. سنن ابی داود (مختصر)، جزء ۶، ص ۱۶۲.

قال «إجابته»^۱.

از رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم شنیدم مردی از وراء التهر که اورا حارث بن حراث می گویند قیام می کند. در پیشاپیش او مردی در حرکت است که نامش منصور است (یکی از نامهای مبارک آقا حضرت مهدی روحی له الفداء منصور است) و زمینه را برای حکومت آل محمد آماده می سازد چنانچه قریش نسبت به رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم همین معامله را کردند (آماده ساختن زمینه پیشرفت). فرمودند: بر هر مسلمانی واجب است او را یاری کند (یا دعوتش را اجابت نماید).

محمد بن صامت می گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَمَا مِنْ عَلَامَةٍ بَيْنَ يَدَيِ هَذَا الْأَمْرِ - يَعْنِي ظُهُورَ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فَقَالَ بَلَى قُلْتُ وَمَا هِيَ قَالَ هَلَاكُ بَنِي الْعَبَّاسِ وَخُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَالْخَشْفُ بِالْبَيْدَاءِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَخَافُ أَنْ يَطُولَ هَذَا الْأَمْرُ قَالَ إِنَّمَا هُوَ كِنِظَامِ الْخَرْزِيِّتَبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا.^۲

از حضرت امام حسین علیه السلام پرسیدم: آیا برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام نشانه هایی هست؟ فرمودند: آری. عرض کردم: چیست؟ فرمودند: هلاکت بنی عباس، قیام سفیانی (از شام) و فرورفتن در سرزمین بیداء (نزدیکی مکه معظمه لشکریان سفیانی به زمین فرومی روند). عرض کردم: فدایت شوم، می ترسم این امر به طول انجامد. فرمودند: این سه نشانه منظم یکی بعد از دیگری خواهد آمد.

بخاری در کتاب خودش از عوف بن مالک از حضرت امام حسین علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمودند:

إِذَا هُدِمَ حَائِطُ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ مِمَّا بَلَى دَارَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ (أَوْ دَارَ عَبْدِ الْمَلِكِ) فَعِنْدَ ذَلِكَ زَوَالُ مُلْكِ الْقَوْمِ وَعِنْدَ زَوَالِهِ خُرُوجُ الْمَهْدِيِّ.^۳

۱. همان مأخذ، ص ۱۶۲.

۲. عقد الدرر، ص ۴۹.

۳. همان مأخذ، ص ۵۱.

هرگاه دیوار مسجد کوفه که در جنب خانه عبدالله بن مسعود (یا خانه عبدالملک است) خراب شد، در این هنگام، سلطنت دشمنان ما (کنایه از انقراض بنی العباس یا دیگران) ساقط می شود و در این زمان است که مهدی ما قیام می کند (اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ).

منبع :

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. اثبات الهداة، شیخ حرّ عاملی، چاپ تهران ۱۳۹۹ هـ.
۴. اختصاص، شیخ مفید، چاپ قم.
۵. ارشاد، شیخ مفید، چاپ بیروت ۱۳۹۹ هـ.
۶. اصول کافی، مرحوم کلینی، چاپ اسلامیة تهران.
۷. الزام التائب، شیخ علی یزدی، چاپ بیروت.
۸. الامام المهدي عند اهل السنة، شیخ مهدی فقیه ایمانی، چاپ بیروت.
۹. الامام المهدي من المهد الى الظهور، سید محمد کاظم قزوینی، چاپ بیروت.
۱۰. الامامة والتبصرة، پدر شیخ صدوق، چاپ قم.
۱۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، چاپ تهران.
۱۲. بصائر الدرجات، حسن بن صفار، چاپ تهران.
۱۳. تاریخ مابعد الظهور، سید محمد صدر، چاپ بیروت.
۱۴. تذکرة الخواص، سبط ابن جوزی، چاپ بیروت.
۱۵. تفسیر برهان، سید هاشم بحرانی، چاپ قم.
۱۶. الحاوی للفتاوی، جلال الدین سیوطی، چاپ قاهره.
۱۷. روزگار رهائی، کامل سلیمان، برگردان علی اکبر مهدی پور، چاپ ۱۴۰۵ هـ. تهران.

۱۸. روضه کافی، مرحوم کلینی، چاپ اسلامیة تهران.
۱۹. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، چاپ مصر.
۲۰. صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، چاپ بیروت.
۲۱. عقد الدرر، مقدسی شافعی، چاپ قاهره.
۲۲. غیبت، شیخ طوسی، چاپ نجف اشرف.
۲۳. غیبت نعمانی، ابن ابی زینب، چاپ تهران.
۲۴. فرائد السمطین، حموی جوینی، چاپ بیروت.
۲۵. الفصول المهمّة، ابن صباغ مالکی، چاپ نجف.
۲۶. کشف الاستار، میرزا حسین نوری، چاپ تهران.
۲۷. کمال الدین، شیخ صدوق، چاپ قم.
۲۸. مختصر سنن ابی داود، عبدالعظیم منذری، چاپ بیروت.
۲۹. مشارق الانوار، شیخ حسن عدوی حمزاوی، چاپ مصر.
۳۰. مکیال المکارم، محمدتقی موسوی اصفهانی، چاپ قم.
۳۱. الملاحم والفتن، سید ابن طاوس، چاپ بیروت.
۳۲. نواب الذهور، سید حسن میرجهانی، چاپ تهران.
۳۳. نهاية ابن اثیر، چاپ بیروت.
۳۴. ینایع الموده، قندوزی حنفی، چاپ بمبئی.